



خانه‌ای بر روی آب

پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت
و ازدواج موقت در ایران - ۱۳۹۶

پژوهشی: کامیل احمدی
kameelahmady.com



خانه‌ای بر روی آب

پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج موقت در ایران

کامیل احمدی



نشر آوای بوف ۱۴۰۰



AVAYeBUF.com

avaye.buf@gmail.com

House on water

A Comprehensive Study Research on Temporary Marriage in Iran

By: **Kameel Ahmady**

Publication Technician: Ghasem Gharehdaghi

Publisher: Avaye Buf

خانه‌ای بر روی آب

پژوهشی جامع در باب صیغه محرمیت و ازدواج

موقت در ایران

نویسنده: کامیل احمدی

امور فنی و انتشار: قاسم قره داغی

انتشارات: آوای بوف

ISBN: 978-87-93926-87-5

©2021 Avaye Buf

avaye.buf@gmail.com - www.avayebuf.com

سرشناسه	: کامیل احمدی /
عنوان و نام پدید آورنده	: خانه‌ای بر روی آب / [کتاب] / پژوهش جامعی در باب ازدواج موقت و صیغه محرمیت در ایران / مولف: کامیل احمدی؛
مشخصات نشر	: دانمارک: نشر آوای بوف ۱۴۰۰،
امور فنی و انتشار	: قاسم قره داغی
مشخصات ظاهری	: ۲۳۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱ س.م.
شابک	: نشر اینترنتی: ۹۷۸-۸۷-۹۳۹۲۶-۸۷-۵
فهرست‌نویسی: بر اساس اطلاعات فیبا	: 978-87-93926-87-5
موضوع	: آمار / جامعه شناسی / زبان فارسی
DK5	: 30.13

- نام کتاب: خانه‌ای بر روی آب
- تألیف: کامیل احمدی
- ویراستار و صفحه آرا: -
- چاپ اول: ۱۴۰۰
- تیراژ: نشر اینترنتی
- ناشر: انتشارات آوای بوف - دانمارک
- شابک: ۹۷۸۸۷۹۳۹۲۶۸۷۵
- قیمت: رایگان
- قطع: PDF + EPUB

کلیه‌ی حقوق محفوظ است. بازنشر به هر شکل، با ذکر منبع بلامانع است.

جهت هماهنگی برای استفاده به هر شکل و نحو (تکثیر، انتشار و ترجمه و هرگونه استفاده‌ی دیگر) لطفاً به ایمیل زیر پیام ارسال کنید:

AVAYE.BUF@gmail.com

لینک دسترسی آنلاین به کتاب: www.AVAYEBUF.COM

سرپرست و هماهنگی: کامیل احمدی

گروه کار میدانی، کد گذاری و تحلیل محتوا: فریبا الماسی، عایشه (شیلان) علی یار، حکیمه
پاشازاده، مسلم ناظمی، فتانه صادقی مقدم، ژیلا صادقی، محمد (جمال) حسینی، صباح وطنی،
ویدا ظفری

ویراستار: زینب پزشکیان

بازخوانی متن: محمد جمال ادین واژی

مدرس روش تحقیق: دکتر مسلم نازمی

مشاوران و ناظرین پژوهش: دکتر مسلم نازمی، محمد جمال واژی

طراح جدوال و نمودارها: سید محمد (جمال) حسینی

فهرست مطالب

1	سپاسگزاری
Error! Bookmark not defined.	یادداشت ناشر
4	پیشگفتار
6	فصل اول: کلیات پژوهش
7	مقدمه
7	1-1. تعریف جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی خانواده و ازدواج
10	1-2. سن به مثابه عاملی تعیین‌کننده در موفقیت ازدواج
11	1-3. رفتارهای جنسی و روابط زن و مرد (در فرهنگ غربی)
16	1-4. رفتار جنسی و روابط زن و مرد (در فرهنگ دینی و اسلامی)
20	1-5. ازدواج در ایران
22	1-6. تبیین اجتماعی متعه در ایران
34	1-7. تسهیل ازدواج زودهنگام کودکان
37	فصل دوم: مبانی تاریخی، دینی، حقوقی و اجتماعی ازدواج
38	1. مبحث اول: مبانی تاریخی ازدواج موقت
40	1-1. سابقه ازدواج موقت در سایر ادیان و ملل باستان
44	1-2. ازدواج موقت در ایران باستان
49	1-3. ازدواج موقت در زمان جاهلیت (پیش از ورود اسلام به عربستان)
54	1-4. ازدواج موقت پیش از انقلاب اسلامی
55	2. مبحث دوم: مبانی دینی و فقهی ازدواج موقت
57	2-1. معنای لغوی و اصطلاحی متعه
58	2-2. مشروعیت متعه
58	2-2-1. دلایل قرآنی
59	2-2-2. دلایل روایی مشروعیت
61	2-3. تحریم متعه

61	2-3-1. نسخ به آیات
61	3-2-2. دلایل روایی تحریم
62	3-2-4. اختیارات حکومتی
63	2-4 ازدواج مسیار
66	3- مبحث سوم: ازدواج موقت در حقوق ایران
67	3-1. قانون مدنی و نکاح منقطع
69	3-2. ارکان متعه
69	3-2-1. صیغه عقد متعه
70	3-2-2. طرفین عقد
70	3-2-3. مدت متعه
71	3-2-4. مهر متعه
71	3-3. احکام متعه
71	3-3-1. ارث
72	3-3-2. نفقه
72	3-3-3. انحلال متعه
73	3-3-4. عده متعه
73	3-4. تفاوت ازدواج موقت و دائم از نظر حقوق و شرایط
77	3-5. مشترکات ازدواج دائم و موقت
79	3-6. سن دختر و اذن ولی در ازدواج موقت
84	3-7. ثبت نکاح موقت
85	4. مبحث چهارم: مبانی اجتماعی و روان‌شناختی ازدواج موقت
85	4-1. متعه: راهکار یا تهدید؟
88	4-2. مبانی نظری جامعه‌شناختی
99	4-3. تمکین زنان به ازدواج موقت
100	4-3-1. نیاز به عشق
100	4-3-2. نیاز به تأیید و توجه اجتماعی
100	4-3-3. نیاز به داشتن فرزند
101	4-3-4. نیاز اقتصادی

102	4-4. پیامدهای ازدواج موقت
104	فصل سوم: یافته‌های میدانی
105	روش پژوهش
107	3-1-3 شرایط علی
107	3-1-1-3 عوامل اقتصادی
113	3-1-2-3 عوامل عاطفی و روانی
114	3-1-3-3 عوامل جنسی
117	3-2-3 عوامل زمینه‌ای
118	3-2-1-3 دین
124	3-2-2-3 ساختار قانونی و حقوقی
129	3-2-3-3 ساختار اجتماعی
129	3-2-3-1-3 نگرش خانوادگی
133	3-2-3-2-3 عرف
137	3-2-3-3-3 نابرابری اجتماعی و تبعیض جنسیتی
145	3-4-3-3 کنش راهبردی
145	3-4-1-3 متعه رابطه‌ای موقت با پایانی مشخص
146	3-4-2-3 رابطه نابرابر جنسی، اقتصادی و عاطفی
148	3-5-3-3 پدیده محوری
148	3-5-1-3 عشرت طلبی یا همدونیسیم
152	3-5-2-3 ازدواج زودهنگام
155	3-6-3-3 پیامدها
155	3-6-1-3 اقتصاد لذت، فساد و روسپی‌گری در جامعه
157	6-3-2-3 نگرش منفی به ازدواج دائم و ترویج شک‌گرایی
158	6-3-3-3 تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق
158	6-3-4-3 کودک‌همسری، کودک‌بیوگی و توقف تحصیل کودکان
160	6-3-5-3 نقض حقوق و تبعیض علیه زنان
164	یافته‌های کمی پژوهش
165	1- نیازهای اقتصادی، عاطفی و روانی، جنسی

167	2- پایبندی مذهبی فردی و خانوادگی
170	3- داشتن پیشینه خانوادگی در ازدواج موقت
171	4- ابراز آشکار ازدواج موقت، نگرش به ازدواج موقت راجع موقت
175	5- بارداری، آگاهی از قانون، ثبت ازدواج، خشونت علیه زنان
179	6- سن، نحوه عقد، کیفیت رابطه و تحصیلات
185	فصل چهارم: جمع بندی، راهکارها و پیشنهادها
186	مقدمه
187	4-1 خلاصه و جمع بندی پژوهش
199	4-2 راهکارها و پیشنهادها
216	سخن پایانی
218	منابع

سپاسگزاری

در یک سال و نیم گذشته، تمام وقت خود را به این مطالعه اختصاص دادم تا به دانشی عمیق‌تر در خصوص ازدواج موقت و صیغهٔ محرمیت و عوامل تشدیدکننده و تسهیل‌کنندهٔ آن در ایران دست یابم. این دوره، سفری شگرف و سرشار از یادگیری برای من در هر دو زمینهٔ فردی و کاری بود. دغدغه‌مندی جدی دربارهٔ موضوع این پژوهش، محرکی قوی بود که در تکمیل و انجام این تحقیق به من کمک کرد. انگیزهٔ مطالعه دربارهٔ صیغه و صیغهٔ محرمیت در ایران از پژوهش‌های قبلی‌ام در خصوص ازدواج زود هنگام کودکان^۱ و ختنهٔ زنان^۲ در ایران که به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شده است، سرچشمه می‌گیرد. ایدهٔ اولیهٔ این پژوهش در طول سال‌های مطالعه‌ام دربارهٔ ازدواج زود هنگام کودکان در برخی نواحی روستایی ایران شکل گرفت. در آنجا شاهد ازدواج کودکان بودم و دریافتم که دو مسئلهٔ ازدواج زود هنگام کودکان و ختنهٔ زنان در ایران با یکدیگر مرتبط و مصداق‌های خشونت هستند که گاه به طور توأمان علیه زنان اعمال می‌شوند. در حین کار میدانی دربارهٔ ختنهٔ زنان در ایران که در چهار استان با بیشترین شیوع ختنهٔ زنان انجام شد، متوجه شدم که تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها، کسانی هستند که در سنین بسیار کم ازدواج کرده‌اند. با شمار زیادی از دختران و پسران کم‌سن‌وسال مواجه شدم که در جایگاه مادری/پدری و زن/شوهری قرار داشتند. کشف این پدیده، مرا برانگیخت که دربارهٔ ازدواج زود هنگام کودکان بیشتر تحقیق کنم و به این پرسش پاسخ دهم که آیا ارتباطی بین این دو پدیده وجود دارد یا نه. انبوه داده‌های به‌دست‌آمده دربارهٔ ازدواج کودکان و تحلیل آنها مرا متوجه موضوع دیگری به نام صیغهٔ محرمیت و شکل دیگری از ازدواج به نام ازدواج موقت یا صیغه کرد. در خلال تحقیق ازدواج زود هنگام کودکان متوجه شدم که تعدادی از نمونه‌های تحقیق، در سنین کم از طریق صیغهٔ محرمیت به عقد شرعی اما «غیررسمی» همسران خود درآمده‌اند. در واقع دریافتم که کودک همسری یکی از نتایج سنتی است به نام صیغهٔ محرمیت که در بین برخی خانواده‌های ایرانی رایج است. نظارت بر رفتار جنسی کودکان و جلوگیری از به‌گناه افتادن آنان، ترس از مجرد ماندن دختران در سنین بالاتر، رفع فشارهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به مراودات دختران و پسران جوان که در محیط‌های کوچک، پرننگ‌تر است و تسهیل ارتباطات خانوادۀ دختر و پسر، مهم‌ترین عواملی هستند که معمولاً سبب می‌شوند خانواده‌ها در ابتدای سن بلوغ

^۱ احمدی، کامیل (1396). *طنین سکوت؛ پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران*، تهران: شیرازه.

Ahmady, Kameel (2017). *An Echo of Silence: A Comprehensive Research Study on Early Child Marriages (ECM) In Iran*, New York: Nova Publishing.

^۲ احمدی، کامیل (1394). *به نام سنت؛ پژوهشی جامع در باب ختنهٔ زنان در ایران*، تهران: شیرازه.

Ahmady, Kameel (2015). *In The Name of Tradition: A Comprehensive Research Study on Female Genital Mutilation/Cutting (FGM/C) In Iran*, Oxford: Oxford Press.

و حتی گاهی در سنین پیش از بلوغ، صیغه محرمیت را بین دختران و پسران خود جاری می کنند. اولین پیامد جاری شدن صیغه محرمیت میان کودکان، محروم کردن طرفین صیغه که هنوز شناخت کافی از خود ندارند و به درک درستی از ازدواج، وظایف همسری و معیارهای همسرگزینی نرسیده اند، از حق انتخاب همسر در سنین بزرگسالی است. همچنین اگرچه نداشتن رابطه جنسی یا دست کم نداشتن رابطه جنسی کامل از شروط نانوشته صیغه محرمیت است، بخش درخور توجهی از کودکانی که از طریق صیغه به یکدیگر محرم شده اند، به اقتضای شرایط سنین بلوغ، وارد رابطه جنسی می شوند. رابطه جنسی در این نوع ازدواج غالباً با آسیب هایی جدی به ویژه برای دختران همراه است؛ اولاً چون در سنین کم رخ می دهد و ثانیاً به دلیل غیررسمی بودن و ثبت نشدن این نوع ازدواج، زوجین از همان آموزش های حداقلی و محدود مراکز بهداشت نیز محروم می شوند. بارداری های ناخواسته و زود هنگام و سقط جنین از آسیب های مهم و مشهود این سبک ازدواج است. افزون بر اینها در برخی موارد، صیغه های محرمیت به جدایی می انجامد که در این حالت، پیامدهای جدی تری مانند از دست رفتن فرصت های همسرگزینی در آینده و کودک بیوگی دامن گیر دختران می شود. علاوه بر این آسیب ها، وجود خلأ قانونی جدی در حوزه صیغه محرمیت و ازدواج موقت و بی توجهی نهادهای مسئول در زمینه قانون گذاری، فرهنگ سازی و آموزش، انگیزه های اصلی من برای انجام این پژوهش بودند. امیدوارم یافته ها و راهکارهای این پژوهش، مقدمه ای برای کندوکاو بیشتر و افزایش حساسیت و مطالبه گری جامعه مدنی و توجه بیشتر نهادهای متولی به ویژه قانون گذاران به این حوزه باشد.

خوشبختانه نرخ ازدواج زود هنگام کودکان در بسیاری کشورها از جمله ایران رو به کاهش است. با این حال، هنوز برای افزایش سن ازدواج، ریشه کن سازی کودک همسری و کاستن از آسیب های دامن گیر کودکان و زنان باید اقدامات زیادی انجام شود. من و دیگر محققان همفکر دست همکاری خود را به سوی دولت دراز و آمادگی خود را اعلام می کنیم تا با یکدیگر تلاشی ملی را برای افزایش آگاهی درباره ازدواج زود هنگام، کودک همسری، کودک بیوگی، حقوق زنان و کودکان و... در ایران رقم بزنیم.

رعایت حق شناسی ایجاب می کند از افرادی که مرا در انجام این پژوهش و در این بازه زمانی حمایت کردند، قدردانی کنم. از شفق رحمانی و دیگر اعضای خانواده ام که هیچ گاه از حمایت بی قید و شرطشان کاسته نشد و در تمامی مراحل سخت این کار، در کنار من بودند و همچنین از دوستان نزدیکی که در این فرایند مطالعاتی تشویق کردند، سپاسگزارم.

از همه افرادی که گرد هم آمدند و روایات این کار را گردآوری و تحلیل کردند تا این پژوهش جامع به دست آید، سپاسگزارم؛ به طور ویژه قدردان دستیاران و همکارانم، خانم عایشه شیلان علی یار و آقای محمد (جمال) حسینی هستم که در تمام مراحل تحقیق همراهم بودند و در جمع آوری مطالب و منابعها به من کمک کردند. همچنین از خانم زینب پزشکیان بابت ویرایش و کمک به دقیق تر شدن صورت بندی این اثر تشکر می کنم. افزون بر اینها، از افرادی که خواستند نامی از آنها در این کار برده نشود، برای همکاری و لطفی که در اجرای این پژوهش داشتند، سپاسگزارم. افراد و نهادهای زیادی به تکمیل این مطالعه یاری رساندند. این مطالعه و به خصوص بخش میدانی آن، تنها از طریق تحقیق اکتشافی، آموزش میدانی، حمایت و همکاری آنها محقق شد. در این زمینه از اعضای تیم میدانی کار، فریبا الماسی، عایشه شیلان علی یار، حکیمه پاشازاده، مسلم ناظمی، فتانه صادقی مقدم، ژیلا صادقی، صباح وطنی و ویدا ظفری سپاسگزارم. از آقای محمد (جمال) حسینی به دلیل تحلیل های کمی پژوهش و تهیه گزارش رونمایی کتاب و آقای محمد جمال الدین واژی بابت بازخوانی متن و مشورت های مذهبی و از آقای ایوب محمدپور برای طراحی جلد کتاب تشکر می کنم.

مرهون حمایت، مهمان نوازی، نظرات بخردانه و پیشنهادهای این دوستان و همکاران در سه کلان شهر تهران، مشهد و اصفهان هستم: در استان تهران خانم دکتر معصومه معارف وند برای مشاوره و کمک به تنظیم پرسشنامه اولیه؛ در استان اصفهان خانم گلینا حسین پور اصفهانی و خانم جمیله هاشمیان؛ در استان خراسان رضوی آقای سپهر استیری، کانون «زنان حقوق دان سورا» به ویژه سرکار خانم مرضیه محبی و اعضای هیئت مدیره آن.

از جامعه روحانیان، نهادهای دینی و سایر شخصیت های اجتماعی که در این تحقیق به من مدد رساندند، سپاسگزارم. به طور ویژه قدردان وزارتخانه ها و نمایندگان از جمله افراد مسئول در بخش خدمات اجتماعی، بهداشتی و دانشگاه های علوم پزشکی، آزاد اسلامی و پیام نور هستم؛ چراکه دانش و اطلاعاتشان را برای تکمیل این پروژه از ما دریغ نکردند. باشد که دولت را به دانشی کامل تر و جامع تر درباره ازدواج زود هنگام کودکان با محوریت صیغه محرمیت و همزمان ازدواج موقت رهنمون سازیم و اهمیت مبارزه با این موضوع مهم را به آنها یادآوری کنیم.

کامیل احمدی

فروردین 1397

kameelahmady.com

پیشگفتار

علوم انسانی از مهم‌ترین ضرورت‌های حیات آدمی به شمار می‌رود و از زوایای گوناگون تاریخی، اجتماعی، کلامی و فلسفی درخور توجه است. در جریان تحقیق، تفاوت عمده‌ای در علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با علوم تجربی دیده می‌شود. وجود احساسات طرفدارانه یا مخالفت‌جویانه از عواملی هستند که نتایج علوم اجتماعی و انسانی را همواره با مشکلات جدی مواجه کرده‌اند. با توجه به رشته تحصیلی و علاقه‌ام به موضوعات مردم‌شناختی سال‌هاست در باب توانمندسازی اجتماعی تحقیق می‌کنم. از سال‌های دوران دانشجویی‌ام در کشور انگلستان و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری در کشورهای آفریقایی، آسیایی و اروپایی همواره سعی کرده‌ام درباره موضوعاتی تحقیق کنم که نتایج آنها به کاهش نابرابری و بی‌عدالتی در جامعه انسانی به ویژه برای کودکان و زنان بینجامد. داشتن رویکردی علمی و بی‌طرفانه در تحقیقات اجتماعی از اصول مهمی است که متأسفانه در تحقیقات کشور ما وضعیت چندان مناسبی ندارد. موضوعاتی مانند صیغه محرمیت و ازدواج موقت به دلایل مختلف مذهبی و فرهنگی همواره چالش‌برانگیز بوده است. وضعیت نامطلوب بی‌طرفی ارزشی و حساسیت فرهنگی و دینی درباره ازدواج موقت و صیغه محرمیت باعث شده است که تصویر مبهمی از این پدیده اجتماعی شکل بگیرد.

از بطن پژوهش‌های گذشته‌ام در باب ختنه دختران در ایران که به منظور فراهم آوردن داده‌ها و منابع برای تدوین قانون و برنامه جامعی در خصوص ریشه‌کن کردن ختنه دختران انجام شد، موضوع ازدواج کودکان سربرآورد. بدین ترتیب ازدواج کودکان به عنوان مسئله‌ای اجتماعی که توجه چندانی به آن نشده است، به دغدغه اصلی تحقیقاتم بدل شد. کودک‌همسری به کودکان به‌ویژه دختران آسیب‌های جسمی و روحی می‌زند و پیامدهایی اجتماعی مانند کودک‌بیوگی، تداوم چرخه فقر و رواج فحشا را به دنبال می‌آورد. کودک‌همسری در هنجارهای سنتی و متعارف ریشه دارد و در مناطق روستایی و شهری به وفور رایج است. ازدواج زودهنگام کودکان پدیده نوظهوری نیست و هم‌اینک توجه محققان، گروه‌های مدافع حقوق کودکان، سازمان‌های غیردولتی و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است. ازدواج زودهنگام کودکان براساس تعریف سازمان یونسف، ازدواجی است که زیر هجده سالگی به وقوع می‌پیوندد. بنابراین به دلیل مطالعات

اندک، بی‌توجهی به این مسئله اجتماعی و نبود آمارهای رسمی در ایران، در تحقیقی جامع با رویکرد علمی، علت‌های اصلی و پیامدهای آن را در معرض نقد و نظر جامعه علمی و نهادهای قانون‌گذار قرار دادیم.

حین انجام پژوهش بررسی جامع ازدواج زود هنگام در ایران دریافتیم که باورهای سنتی و مذهبی‌ای مانند باور به صیغه محرمیت یکی از عوامل اصلی در رواج کودک‌همسری در ایران است. صیغه محرمیت یا ازدواج موقت از هنجارهای سنتی و مذهبی در ایران است که مشروعیت قانونی دارد. براساس ماده 1075 و 1076 قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، متعه یا ازدواج موقت، ازدواجی با مدت معین و مهر معلوم است. اما آنچه باید بررسی شود این است که قانون‌گذار در بسیاری از موارد مانند نفقه، ارث و انحلال ازدواج موقت سکوت کرده و شرایطی فراهم آمده است که حقوق زنان در آن نقض می‌شود. همچنین کودکان در قالب صیغه محرمیت به عقد یکدیگر درمی‌آیند و شرایط کودک‌همسری در قالب صیغه محرمیت تسهیل می‌شود که مهم‌ترین پیامد آن ترک تحصیل دانش‌آموزان به ویژه دختران است. با توجه به تأخیر سن ازدواج و شیوع و گسترش روابط آزاد مانند ازدواج سفید در ایران، ازدواج موقت هر از چندگاهی از طریق مقامات رسمی کشور، روحانیان و تربیون نماز جمعه یا تلویزیون مطرح می‌شود؛ اما هر بار عده زیادی از مدافعان حقوق زنان و کودکان و برخی از فقیهان و نهادهای غیردولتی با آن مخالفت می‌کنند. خلل‌های قانونی و فراهم آوردن زمینه‌های عشرت‌طلبی و سوءاستفاده برخی از دلایان شهوت باعث شده است که مخالفان از ازدواج موقت به عنوان کلاه شرعی یاد کنند؛ اما موافقان ازدواج موقت را عامل سلامت اجتماعی می‌دانند. تحقیقات متعددی که تا کنون درباره ازدواج موقت صورت گرفته است، غالباً نگاهی ارزشی به این موضوع داشته‌اند. اما در این پژوهش بدون نگاهی جانبدارانه و با رعایت اصل بی‌طرفی ارزشی، پدیده ازدواج موقت و صیغه محرمیت به صورت جامع و با رویکردی علمی در چهار بخش بررسی می‌شود و علل و پیامدهای آن با نگاهی علمی تبیین خواهد شد. همچنین براساس پیامدهای آن و خلل‌های قانونی و معایب اجتماعی راهکارهایی ارائه می‌شود تا ارگان‌های قانون‌گذار و اجرایی بتوانند نهاد ازدواج موقت را به عنوان مسئله‌ای اجتماعی ساماندهی کنند.

فصل اول:

کلیات پژوهش

مقدمه

زوج در لغت به معنای جفت و در مقابل فرد و تک قرار دارد و در اصطلاح به معنای قرین و همنشین است. در تعریف لغوی، به دو موجودی که در کنار یکدیگر قرار گیرند و براساس برنامه‌ای معین، هدف مخصوصی داشته باشند، زوج گفته می‌شود. به این معنا، زوجیت، رابطه‌ی میان دو چیز است؛ به گونه‌ای که وجود یکی بدون دیگری موجب اختلال در کارکرد اصلی و مورد انتظار می‌شود. یکی از مصداق‌های متعارف زوجیت، رابطه‌ی همسری میان زن و مرد است. برخی محققان، ارزش‌های زوجیت در میان زن و مرد را شامل کشش جنسی، احترام، لذت، پذیرش، اعتماد و همدلی می‌دانند. از مهم‌ترین ارزش‌های میان دو زوج، کشش جنسی یا غریزه جنسی است. تزویج، نوعی پیوند و قرارداد است که رابطه‌ی زوجیت را بر مبنای رفتار و کشش جنسی در قالب قانونی و اجتماعی مشخصی، میان یک زن و یک مرد برقرار می‌کند. بنابراین از آنجا که در جوامع مختلف، آزادی و محدودیت انجام رفتارهای جنسی تحت تأثیر عوامل فرهنگی، دینی و اجتماعی همان جامعه است، نظام‌بخشی به روابط جنسی و تعیین محدوده‌ها و قلمروهای این عرصه همواره محل بحث و بررسی بوده است.

1-1. تعریف جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی خانواده و ازدواج

شکل پاسخ‌گویی به نیاز جنسی در بیشتر فرهنگ‌های بشری در قالب ازدواج نمایان می‌شود. ازدواج یکی از سنت‌های مهم و پسندیده اجتماعی است که تقریباً در همه جوامع بشری به رسمیت شناخته شده است. در میان انواع پیوندهایی که آدمی‌زادگان را به یکدیگر متصل یا نزدیک می‌کند، پیوند زناشویی از همه مقدس‌تر و به یک معنا ضروری‌تر است (مهدوی، 1377). ازدواج در لغت به معنای جفت گرفتن، زن کردن، شوهر کردن و با یکدیگر قرین و جفت شدن است (دهخدا، 1371). همچنین ازدواج قراردادی است میان زن و مرد که بر پایه رابطه قانونی که بر حسب ادیان و قوانین گوناگون است، بر آن‌ها حاکم می‌شود (فضل‌الله، 1383). در تعریفی دیگر از ازدواج، به اتحاد جسمانی، روانی و اجتماعی مرد و زن اشاره می‌شود که در معرض انطباق و ادغام در

قبال جامعه قرار می‌گیرند و مواجهه طرفین با این مسائل، به طور تنگاتنگ، به نحوه برداشت آن‌ها از تفاوت زن و مرد بستگی دارد (دانیو، 1383). در حقیقت، ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به تمامی نیازهای مادی و معنوی است و یکی از مراحل تکامل انسان محسوب می‌شود. این پیمان مقدس در تمام اقوام و ملل و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است، رابطه دیرینه‌ای که در آن زن و مرد زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و پیمان می‌بندند که مصاحب و یار و غمخوار یکدیگر باشند، همدیگر را خوشبخت کنند، به یکدیگر عشق ورزند و به تنهایی خویش پایان دهند. ازدواج علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و به خاطر اهمیت و تأثیری که دارد، به عنوان هنجاری پذیرفته‌شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب می‌آید (آزاد ارمکی، 1386: 99). بر مبنای تعریف جامعه‌شناختی، ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه روابط پایایی جنسی موجب می‌شود (ساروخانی، 1385: 25).

ازدواج را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: ازدواج به عنوان نوعی نهاد و ازدواج به عنوان نوعی رابطه. در ازدواج به عنوان نهاد، این ویژگی‌ها وجود دارد: آزادی کمتر در انتخاب همسر، تأثیرپذیری از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی، تأکید بر ابعادی اقتصادی مانند مالکیت و تقسیم کار جنسیتی، اهمیت بُعد عمومی، شکل‌گیری مجموعه‌ای از روابط و شبکه‌های اجتماعی، نابرابری نسبی در درون نهاد ازدواج و وجود نوعی پدرسالاری، تأکید کمتر بر تمایلات جنسی متقابل (دوطرفه) و اهمیت رابطه جنسی برای تولید مثل و حاملگی. اما در ازدواج به عنوان نوعی رابطه، این ویژگی‌ها دیده می‌شود: آزادی بیشتر در انتخاب همسر، جدایی نسبی این رابطه از الزامات شدید اجتماعی و خویشاوندی، تأکید بر ابعاد عاطفی و بین‌فردی رابطه، اهمیت بُعد خصوصی، مبنایی برای بزرگسال قلمداد شدن فرد، برابری نسبی در درون این رابطه و همراهی، تأکید مثبت بر تمایلات جنسی متقابل (دوطرفه) و اهمیت مسائل جنسی به عنوان نمادی از مسائل زندگی زناشویی.

آنچه بر پایه نهاد ازدواج شکل می‌گیرد، خانواده است. خانواده واحد اجتماعی جامعه بشری است. مردم‌شناسان آن را پایه و اساس جامعه و سلول سازنده زندگی و پناهگاه اعضا می‌دانند. نخستین تجربه انسان برای اجتماعی شدن در این پناهگاه صورت می‌گیرد. خانواده، گروهی از اشخاصی است که با پیوندهای خویشی مستقیم به هم متصل می‌شوند و اعضای بزرگسال آن، مسئولیت نگهداری کودکان را بر عهده دارند (گیدنز، 1389: 252).

برگس و لاک³ (1953) خانواده را گروهی می‌دانند که متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و یا پذیرش (به‌عنوان فرزند) با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (بهرامی، 1385). خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که براساس ازدواج دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن، مناسبات خونی واقعی یا اسنادیافته به چشم می‌خورد. خانواده معمولاً دارای نوعی اشتراک مکانی است و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی و تربیتی را برعهده دارد. بدین قرار، خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی؛ خانواده نهادی است اجتماعی و از طرف دیگر، از عوامل مهم مؤثر بر جامعه است (ساروخانی، 1385: 136). در تمام جوامع بشری، خانواده به شکل‌های گوناگون وجود دارد و مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان اشکال آن را شناسایی و طبقه‌بندی کرده‌اند. برخی اشکال خانواده در بیشتر جوامع دیده می‌شوند و برخی دیگر محدود به جوامع خاصی هستند. خانواده هسته‌ای / گسترده؛ خانواده پدرسالار / مادرسالار؛ خانواده پدرمکان / مادرمکان؛ خانواده تک‌همسری / چندهمسری؛ خانواده ناقص / تک‌همسری و خانواده ناتنی، ازدواج اشتراکی و هم‌خانگی از طبقه‌بندی‌هایی است که از خانواده بر مبنای تعداد اعضا و اقتدار و مکان و انواع نوین خانواده شده است (باقری، 1389).

ازدواج و تشکیل خانواده، در صورتی برای نظام اجتماعی کل، کارکرد مثبت دارد که در زمان مناسب و با فرد مناسب صورت بگیرد؛ یعنی اگر زوجین در سن مناسب نباشند، ازدواج دیررس یا ازدواج زود هنگام اتفاق

³. Burgess & Locke

می‌افتد. در نتیجه، هم زوجین به لحاظ فردی آسیب می‌بینند و هم تأثیرات اجتماعی گوناگونی از بیماری‌های جسمی و روانی و نارضایتی از زندگی زناشویی گرفته تا نرخ پایین مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری ناقص در خانواده (که خود آثار فردی و اجتماعی فراوانی دارد) گریبان‌گیر جامعه می‌شود.

2-1. سن به مثابه عاملی تعیین‌کننده در موفقیت ازدواج

سن اولین رابطه جنسی یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه به شمار می‌رود. صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی، ازدواج را به عنوان متغیری وابسته بررسی کرده‌اند. سن ازدواج در هر جامعه تا حدودی نشان‌دهنده شیوه سازمان‌دهی زندگی خانوادگی و همچنین بیانگر فرصت‌هایی است که زنان و مردان در زمان ازدواج از آن برخوردارند. ازدواج دیررس می‌تواند عوارض و پیامدهایی جدی برای جوانان به همراه داشته باشد، از جمله این عوارض و آسیب‌ها می‌توان به عدم مسئولیت‌پذیری، گرایش به ارتباطات غیرمعارف دختر و پسر، هدر رفتن سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فردی، دل‌نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، افسردگی، اختلالات جنسی، پناه بردن به مواد مخدر و ... اشاره کرد (پورنقی، 1394). از سوی دیگر، ازدواج زودهنگام کودکان یا کودک‌همسری نیز می‌تواند اختلالات فراوانی به دنبال داشته باشد. ازدواج زودهنگام یا کودک‌همسری، به هر نوع ازدواجی در زیر سن 18 سال اطلاق می‌شود. براساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. اما در برخی کشورها این سن بسته به قوانین حقوقی و شرایط فرهنگی و اجتماعی آن کشور متغیر است. صندوق جمعیت سازمان ملل، ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواجی در زیر سن 18 سال، قبل از اینکه دختر و پسر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشند، اطلاق می‌کند. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ازدواج زودهنگام، فقر، تحصیلات پایین و کم‌سواد، حمایت قانونی، فشارهای اجتماعی و نگاه مردسالارانه و باورهای سنتی و مذهبی است. ازدواج زودهنگام برای هر دو جنس نگران‌کننده است؛ اما این پدیده برای

دختران بیشتر آسیب‌زاست. از آثار ازدواج زودهنگام می‌توان به افزایش طلاق، کودک‌بیوگی، رشد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، سوءاستفاده جنسی از دختران، تداوم چرخه فقر و فحشا، افزایش بیماری‌های جسمی، جنسی و روحی برای دختران اشاره کرد (احمدی، تابستان 1396). بنابراین از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج، قراردادی اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت جامعه، در نتیجه ازدواج سالم و بهنگامی که کارکردهای مثبتش برای نهاد خانواده تداوم داشته باشد، به دست می‌آید.

3-1. رفتارهای جنسی و روابط زن و مرد (در فرهنگ غربی)

غریزه جنسی یکی از کشش‌های اساسی انسان است که باید به‌درستی و به دور از افراط و تفریط ارضا شود. چنانچه این غریزه به کلی سرکوب شود یا ارضای آن انحراف و اختلال پیدا کند، فرد را از حالت تعادل و تکامل درمی‌آورد و موجب بیماری‌های روحی، روانی و حتی جسمی می‌شود. از این رو، انسان برای داشتن رفتار جنسی سالم و مناسب و نیز برای هدایت و ارضای صحیح نیازهای جنسی‌اش، همچون دیگر ابعاد زندگی، به الگو و شیوه رفتار نیاز دارد. الگوی رفتار جنسی سالم در بیشتر فرهنگ‌ها به شکل ازدواج نمایان شده است. از آنجا که هنجارهای جنسی در همه جوامع وجود دارد و این هنجارها برخی کارکردهای رابطه جنسی را تأیید و از برخی دیگر نهی می‌کنند، رفتار جنسی بشر همیشه معنادار است. اعضای جامعه این هنجارها را در جریان اجتماعی شدن می‌آموزند. بر این مبنا، رفتارهای جنسی پذیرفته‌شده هر فرهنگ با رفتارهای جنسی متعارف در فرهنگ دیگر تفاوت دارد و این نشان می‌دهد که بشر واکنش‌ها را در بطن فرهنگ خود می‌آموزد.



شکل 1. کلیسای وانک جلفای اصفهان که مراسم مذهبی و ازدواج مسیحیان اصفهان در آن انجام می شود. دستیابی در سایت:

<http://esfahanemrooz.ir>

در تاریخ دوهزارساله غرب، پارادایم‌های مختلفی بر فرهنگ جنسی حاکم بوده است. کهن‌ترین آنها انگاره مذهبی اخلاقی است که از آموزه‌های دین مسیحیت سرچشمه می‌گیرد و اساساً بر گناه‌آلوده شمردن اطفال غریزه جنسی در خارج از چارچوب متعارف و تلاش برای نفی یا کنترل شدید آن استوار است.

دان ناردو⁴ در کتاب *پیدایش مسیحیت* در تأیید این ادعا می‌گوید: در آن دوران، دوشیزگی یک فضیلت ارزنده و روابط جنسی خارج از ازدواج زوجی که می‌خواستند فرزندانی بیاورند به طور فزاینده‌ای ناپسند تلقی می‌شده است. او سپس ادامه می‌دهد: از قرن چهارم به بعد، جنبش‌های رهبانی‌ای شکل گرفت که متأثر از برخی نظام‌های اعتقادی و مکتب‌های فلسفی مشرکانه، ریاضت‌کشی و تجرد را وارد عقاید مسیحیت و آن را به عنوان رفتاری اخلاقی نهادینه کرد. علاقه به تجرد و ریاضت‌کشی، بخشی از اعتقادات مانویان بوده است (مانویان

⁴ Don Nardo

پیروان پیامبری ایرانی به نام مانی بودند و عقیده داشتند که جهان به نیروهای نور و ظلمت که نماینده خیر و شر هستند، تقسیم شده است). از نظر مانویان، شر، انسان‌ها را فاسد می‌کند و رستگاری بسته به جدا شدن از شر و پریدن به قلمرو آسمانی نور خالص است. به این هدف، تنها از راه اختصاص دادن زندگی خود به ریاضت‌کشی مفرط از جمله اجتناب از تماس جنسی، اعمال خشونت‌آمیز و نخوردن گوشت می‌توان دست یافت. اما با ظهور رسانس و پیدایش تجربه‌گرایی و شکل‌گیری و بسط علوم نوین در قرن شانزدهم، انگاره زیست‌شناختی به‌غریزه جنسی ظهور و به تدریج در طول چهار قرن در درون فضای فکری و اجتماعی غرب رشد کرد. تا پیدایش عصر روشنگری، یعنی قرن هجدهم، همچنان انگاره مذهبی اخلاقی بر روابط جنسی حاکم است. از قرن نوزدهم به بعد، با ظهور عصر مدرن، عشق احساسی به منزله شکل مدرن و فردگرایانه رفتار جنسی به تدریج جایگزین الگوی ماقبل مدرن می‌شود. با توجه به این تحول، برخی محققان، عشق در عصر مدرن را محصول سکولار غرب می‌نامند (Beck, 1995: 268).

در قرن نوزدهم با ظهور فروید، روان‌شناسی پایگاه والایی در تبیین امور انسانی کسب کرد و مسائل جنسی در کانون روان‌شناسی جدید قرار گرفت. در نتیجه گسترش روان‌شناسی و توسعه دیدگاه‌های فروید، انگاره روان‌شناختی مقبولیت فراگیری در کشورهای غربی پیدا کرد و بر فرهنگ جنسی غرب حاکم شد و فرویدیسم به ایدئولوژی‌ای برای جنسیت دادن به تمام شخصیت و حیات اجتماعی انسان تبدیل شد. فروید با طرح اندیشه‌هایی از این نوع که جامعه‌ای که در آن ارضای میل جنسی دشوار باشد، جامعه بیماری است، توانست بنیان‌هایی نظری برای آزادتر شدن رفتارهای جنسی فراهم کند (فاضلی، 1383). شاید بتوان گفت در نتیجه همزمانی آنچه فروید درباره اش سخن گفت با تغییرات اجتماعی اروپا، روابط جنسی نسبت به گذشته آزادتر شد و زمینه را برای گفت‌وگو در خصوص تابوهای جنسی، بیش از پیش فراهم کرد. از نیمه دوم قرن بیستم انگاره جامعه‌شناختی تاریخی در گفتمان‌های مطالعات جنسی ظهور کرد و به تدریج بر نگرش‌های عمومی درباره مسائل جنسیت در فرهنگ جنسی غرب حاکم شد. ظهور موج دوم «جنبش زنان» موسوم به فمینیسم رادیکال در دهه

70 میلادی که تمام فرهنگ جنسی در غرب را تحت تأثیر قرار داد و برخی از آن با عنوان «انقلاب جنسی» یاد می‌کنند، یکی از مهم‌ترین ابعاد انگاره جامعه‌شناختی است. جنبش فمینیسم، خودآگاهی زنان به حقوق فردی و اجتماعی‌شان و آزادی‌های زنان از سلطه تاریخی مردان را در تمام ابعاد زندگی هدف خود قرار داده است و نه تنها مسائل جنسی، بلکه حوزه‌های نقد هنری، معرفت‌شناختی و شکل دادن نظم اجتماعی نوین مبتنی بر حقوق زنان و مردان را با قوت پی می‌گیرد. در دوره جدید چنین استدلال می‌شود که غریزه جنسی و الگوهای سنتی و تاریخی موجود برای پاسخگویی به آن، که روش‌ها و ابزارهای قدرت را برای ایجاد، تثبیت و توسعه سلطه مردان فراهم می‌کنند، باید بشکنند. البته این سخن ضرورتاً به معنای نفی ارزش‌های اخلاقی نیست، بلکه درصد طرح و تثبیت این ارزش‌ها از منظری متفاوت است که نمی‌خواهد حقوق زنان را زیر عنوان اخلاق قربانی کند. در این انگاره جدید، رابطه جنسی و رفتار جنسی نوعی سازه اجتماعی⁵ است که انسان‌ها در هر دوره‌ای متناسب با نیازها و تحولات عصر خود آنها را شکل بخشیده و تعریف می‌کنند. در نتیجه، الگویی ثابت و جاودانه برای رفتار جنسی وجود ندارد (Horrocks, 1997: 189).

این رویکرد جدید در تقابل با تمامی رویکردهای مطلق‌گرا قرار دارد. جنبش زنان در غرب در زمینه گسترش حضور زنان در بازار کار، تحصیل، فرصت‌های آموزشی و آموزش عالی، ایجاد حساسیت در برابر خشونت علیه زنان، ایجاد و گسترش خودآگاهی درباره زنان و بسیاری از زمینه‌های دیگر، موفقیت‌هایی به دست آورده؛ اما موفقیت مهم‌تر این جنبش، تغییری است که بر مبنای این دستاوردها در الگوی خانواده و ظهور اشکال جدید رفتار جنسی ایجاد کرده است.

به طور سنتی رفتار جنسی تابع شکل و نوع خانواده است. به تعبیر دقیق‌تر، یکی از کارکردهای عمده خانواده تنظیم روش پاسخ‌گویی به غریزه جنسی و هدایت آن در جهت مصالح عام‌تر فرد و جامعه بوده است. اما در دوره حاضر این رابطه معکوس شده است؛ یعنی امروزه خانواده از الگوی جنسی تبعیت می‌کند و شکل و

⁵. social construction

ساختارهای درونی آن واکاوی و بازتعریف شده است. رفتار جنسی نیز به سوی فردی شدن در تحول است؛ چنانکه انسان غربی امروز این موضوع را یکی از بدیهیات فرهنگی می‌داند که هر کس باید مطابق سلیقه خود نوع زندگی جنسی‌اش را انتخاب کند و دولت، ادیان و نظام حقوقی نمی‌توانند برای کسی تعیین تکلیف کنند. به عبارت دیگر، عرصه خانواده و مسائل جنسی، فردی شده است. برای نمونه، جان آرمسترانگ⁶ در کتاب *شرایط عشق* و در توضیح رابطه جنسی که برخلاف سنن و آموزه‌های مسیحیت، الزامی به همراهی با عشق ندارد، چنین می‌گوید: «لذت رابطه جنسی متفاوت با سایر لذات جسمانی، فی‌المثل لذت غذا خوردن یا بازی تلقی نمی‌شود. استدلالی که در اینجا به کار می‌رود از این قرار است: درست همان‌طور که این پنداشت نامعقول است که شما همواره باید صرفاً با معشوقتان تنیس بازی کنید یا ناهار میل کنید، این فکر هم نامعقول است که شما همواره باید تنها با شخصی که به او عشق می‌ورزید، رابطه جنسی داشته باشید. اگر رابطه جنسی چیزی جز قسمی از اقسام فعالیت‌های لذت‌بخش نباشد، از خرد بسیار دور است که تصور کنیم وفاداری جنسی به نحوی از انحاء ربطی به عشق دارد» (فاضلی، 1383).

در زمان حاضر، همراه با ایستارهای سنتی، ایستارهای بسیار لیبرال‌تری در قبال گرایش‌های جنسی به وجود آمده است که به طور خاص در دهه 60 میلادی قوت گرفت. برخی از مردم مخصوصاً کسانی که تحت تأثیر آموزه‌های مسیحی در فرهنگ غربی هستند، معتقدند رابطه جنسی پیش از ازدواج درست نیست، هرچند عده بیشتری قبول دارند که لذت جنسی جنبه مطلوب و مهمی از زندگی است. در مقابل، برخی رابطه جنسی پیش از ازدواج را تأیید یا خود به آن عمل می‌کنند و ایستارهای مداراگرانه‌تری در قبال شکل‌های مختلف فعالیت جنسی (رفتار جنسی خارج از ازدواج رسمی و تولید مثل) دارند. در بیشتر کشورهای غربی طی سی سال گذشته ایستارهای جنسی آزادتر و بازتر شده است. در فیلم‌ها و نمایش‌ها صحنه‌هایی نشان داده می‌شود که پیش از این

⁶ John Armstrong

کاملاً غیرقابل قبول بود و مطالب پورنوگرافی برای بیشتر بزرگسالانی که خواهان آن باشند به وفور در دسترس است (گیدنز، 1389: 185-186).

4-1. رفتار جنسی و روابط زن و مرد (در فرهنگ دینی و اسلامی)

تمایل و رفتار جنسی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان است و انسان از طریق هدایت صحیح همین کنش، تعالی می‌یابد. بر مبنای غریزه جنسی است که نسل بشر حفظ شده و انسجام و همبستگی اجتماعی به وجود آمده و در نهایت جامعه شکل گرفته است. بنابراین بیراه نیست اگر بگوییم اجتماعی شدن انسان به شکل امروزی، حول تولید مثل و غریزه جنسی مقدم بر آن اتفاق می‌افتد. به همین دلیل، چگونگی تأمین نیاز جنسی انسان‌ها از مباحث حساس تاریخ بشر بوده و مکاتب فکری و اعتقادی‌ای که داعیه‌دار راهنمایی انسان‌ها هستند، برای تربیت و رفتار جنسی انسان‌ها طرحی خاص دارند. به بیان دیگر، مکاتب فکری و دینی متفاوت، از طریق چارچوبمند کردن غریزه جنسی در قالب مشخص، سعی کرده‌اند این نیاز انسان را مهار و از افسارگسیختگی آن پیشگیری کنند.

در طول تاریخ، ادیان توحیدی تلاش کردند این غریزه بشری را قانونمند کنند و به شیوه‌های گوناگون، پیروان خود را از بی‌بندوباری و خروج از دستورالعمل‌ها منع می‌کردند. در این میان، دین اسلام به ارائه یک الگوی رفتار جنسی ایمن توجه ویژه‌ای کرده و برای پیشگیری، اصلاح و درمان ناهنجاری‌ها، انحراف‌ها و مشکلات جنسی اهمیت خاصی قائل بوده است؛ چراکه رشد، پیشرفت، خوشبختی و کمال انسان، اصلاح و تربیت نسل، تداوم و حفظ نسب از راه صحیح، تداوم و استحکام نظام خانواده و به تبع آن، پاکی اجتماع را در گروی صیانت و پاکی از انواع این انحرافات و نبود این مشکلات می‌دیده است. مدل اسلامی مصون‌سازی رفتار جنسی از دو بعد عفاف (پاکدامنی و خودمهارگری جنسی) و نکاح (ارضای مطلوب و رضایتمند نیازهای جنسی از راه همسرگزینی) تشکیل می‌شود. این دو بعد، گستره وسیعی از اصول و برنامه‌ها را در سیر تحول انسانی از زمان تولد تا پایان زندگی (مراقبت، کنترل، هدایت و تربیت جنسی، آماده‌سازی و آموزش جنسی به هنگام ازدواج، آموزش جنسی و آداب زناشویی و اصلاح و درمان ناهنجاری‌های جنسی) دربرمی‌گیرد (نورعلیزاده، 1388).

اسلام، ارضای تمایل جنسی را در نظام خانواده و در پرتو ازدواج، امری پسندیده به حساب آورد و بر آن تأکید ورزید و به انسان‌ها اجازه داد که تمایل جنسی خود را از طریق آمیزش با همسر خویش ارضا کنند (کججاف، 1384).



شکل 2. مراسم عروسی اسلامی؛ دستیابی در سایت: <http://islamicmatchmaking.com>

تبیین جایگاه خانواده و ازدواج در ساختار جوامع اسلامی و نقش آن در تنظیم رفتار جنسی زن و مرد بر داشتن درکی درست از دین اسلام مبتنی است. انسان در مکتب اسلام، حقیقت روحانی دارد. او خلق شده است تا در پرتو معنویت‌گرایی و خودسازی دینی، حقیقت و حقانیت روحانی خویش را شکوفا ساخته و به مقام قرب الهی

دست یابد.⁷ بر مبنای درک و تحلیل هستی‌شناسانه از انسان است که همه امکانات موجود در عالم وجود، از جمله ازدواج و خانواده در راستای تأمین سعادت انسان معنا می‌یابد. ازدواج و خانواده در کانون توجه اسلام قرار گرفته و باید‌ها و نبایدهای آن به طور شفاف و صریح مشخص شده است. از همین خاستگاه است که بخش مهمی از کارویژه خانواده‌های مطلوب اسلامی، با خانواده‌های دیگر تمایز می‌یابد (مجبی، 1390).

از منظر قرآن کریم، انسان‌ها طوری آفریده شده‌اند که گرایش به ازدواج و تشکیل خانواده در سرشت و فطرت آنها وجود دارد و اصولاً خلقت انسان‌ها جفت‌جفت است و هیچ مرد و زنی نیست که برای او جفتی خلق نشده باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا: خداوند شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید و شما را جفت‌جفت گردانید»⁸ قرآن با این تعابیر در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره می‌کند و منشأ جفت‌گرایی (ازدواج و زوجیت) را طبیعت بشر می‌داند. خداوند زن و مرد را مکمل هم قرار داده است؛ بنابراین از منظر قرآن روی آوردن به تشکیل خانواده، ریشه در طبیعت بشر دارد و ناشی از عواطف قوی انسانی است که او را از خودخواهی به دگرخواهی می‌رساند و همین امر باعث استحکام خانواده می‌شود (جهانی، 1391). در مکتب اسلام، ازدواج قداست و جایگاه بسیار والایی دارد. این حقیقت در متون دینی با تعبیرهای مختلف و در قالب‌های گوناگون بیان شده است. از دلایل قرآنی مبنی بر اهمیت ازدواج، امر به ازدواج و رعایت عدالت در قرآن است: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا: و اگر بترسید که مبادا دربارهٔ یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) مراعات عدل نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آورید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که (چون زنان متعدد گیرید) راه عدالت نیموده و به آنها ستم می‌کنید پس تنها یک زن اختیار کنید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید، که این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری

7. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند» سوره ذاریات: آیه 56؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشاهی، ص 795، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

8. سوره فاطر آیه 11؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشاهی، ص 795، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

است»⁹ و همچنین از سنت‌های پیامبر اسلام است که مسلمانان را به ازدواج ترغیب کرده است: «النكاحُ سُنتی، مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتی فَلَيْسَتْ بِسُنَّتِي: کسی که دین مرا دوست می‌دارد، باید به سنت من پایبند باشد و از سنت‌های من ازدواج است» (طبرسی: 1365: 196 و غزالی، 1377: 152).

از دیدگاه قرآنی و احادیث، اهداف عالی انسانی و اجتماعی در ازدواج و همسرگزینی محقق می‌شود و زن و مرد در قالب ازدواج و خانواده به کمال دست می‌یابند و باعث کمال و حافظ یکدیگر می‌شوند: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَابِسٌ لَهُنَّ...: برای شما در شب‌های ماه رمضان مباشرت با زنان خود حلال شد، زنان برای شما لباس و شما برای آنان لباس هستید...»¹⁰ همچنین همسرگزینی سبب آرامش روحی و روانی و شکل‌گیری محبت و عشق صحیح بین زوجین می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند»¹¹ از سوی دیگر، تشکیل خانواده و ازدواج سبب وسعت رزق و روزی یا به تعبیری، بهبود وضعیت اقتصادی می‌شود و کارکرد اقتصادی مثبتی دارد. امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ آسَأَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: هر کس از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند بدگمان شده است؛ زیرا خداوند می‌فرماید اگر تهیدست باشند، خداوند به فضل خود، آنان را بی‌نیاز می‌کند» (متقی هندی 977: 279). یکی از کارکردهای اجتماعی مهم ازدواج، بقای نسل است. خداوند ازدواج را وسیله‌ای برای حفظ نوع بشر معرفی می‌کند و به ضرورت وجود زن در اجتماع انسانی و اینکه انسان برای ادامه نوع خود به وجود زن نیازمند است. از دیدگاه اسلامی و دینی، ازدواج کاری پسندیده است که مطابق طبیعت، فطرت، شرع، عقل، حافظ بقا و پاکی نسل، سنت پیامبر اسلام و کاری مقدس و

⁹. سوره نساء آیه 3؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 114، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

¹⁰. سوره بقره، آیه 187؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 43، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

¹¹. سوره روم، آیه 2؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 618، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

نشاطبخش است. چنانکه از آیات گفته شده برمی آید، دین اسلام با توصیه اکید به ازدواج و تبیین چشم انداز دینی درباره انسان و ضرورت داشتن همسر، بر شکل خاصی از پاسخگویی به غریزه جنسی که همانا قرار گرفتن زن و مرد در چارچوب خانواده متعارف جامعه آنهاست، تأکید می کند. هرچند این شکل از برطرف کردن نیاز جنسی، چنانکه در ادامه خواهید دید، با تبیین های مختلفی از آیات و روایات به دو نوع از ازدواج تعبیر می شود.

5-1. ازدواج در ایران

ازدواج در ایران تابع دین اسلام و ارزش های مذهبی است. بر این مبنا قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مطابق فقه اهل تشیع، دو نوع ازدواج دائم و منقطع (صیغه یا موقت) را به رسمیت شناخته است. در ازدواج دائم، زوجین بدون محدودیت زمانی و تعیین مدت معین، بر مبنای مذهب اسلامی و قوانین حقوقی ایران (مواد 1062 تا 1070 قانون مدنی ایران مبنی بر شرایط صحت ازدواج)^{۱۲} پیمان زناشویی می بندند؛ اما در ازدواج موقت که در گفتمان اسلامی و اجتماعی بر سر آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، زوجین براساس مذهب تشیع و ماده 1075 قانون مدنی ایران با هم قرارداد می بندند که مدتی به هم محرم شوند تا روابط زناشویی داشته باشند. پس از سپری شدن زمان مقرر شده، ازدواج خودبه خود فسخ می شود و به طلاق نیازی نیست.^{۱۳}

مُتعه در لغت از ماده «متع» و به معنای آن چیزی است که می توان از آن بهره مند شد و نیز به معنای لذت بردن موقت و کم است (ابن منظور، 1414: 239) و در اصطلاح فقهی ازدواجی است که مردی با زنی تا مدت معین با مهریه معین، نکاح انجام داده و با سرآمدن وقت تعیین شده زن و مرد بدون طلاق از همدیگر جدا می شوند (قرشی، 1371: 226). همچنین علامه حلی از متعه با عنوان نکاح منقطع و غیردائم یاد کرده است (حلی،

¹². 1- اختلاف جنس، 2- اراده و وجود اراده، نه اشتباه و نه اکراه، 3- در ایجاب و قبول، هم به اصالت و هم به نیابت، هر دو جایز است، 4- اهلیت داشتن عاقد در بلوغ و عقل و قصد و رشد، 5- لزوم توالی عرفی ایجاب و قبول، 6- صحت انعقاد با اشاره برای فرد لال، 7- لزوم تعیین و تمایز زن و شوهر، 8- شرط خیار برای فسخ نکاح و مهر، 9- عدم تعلیق در ازدواج و باطل بودن عقد مطلق، 10- ثبت ازدواج، 11- شروط صحیح ضمن عقد در ازدواج، 12- اهلیت داشتن برای ازدواج اعم از سن برای ازدواج، ولایت در ازدواج، اجازه پدر یا جد پدری در ازدواج باکره و در نهایت اجازه دولت برای ازدواج با بیگانگان

¹³. در ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی «ازدواج موقت در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده است. شرایط و ارکان اساسی نکاح منقطع (ازدواج موقت) عبارت اند از شرایط صحت نکاح دائم به اضافه تعیین مدت مشخص و تعیین مهر معین برای زن. موانع ازدواج موقت نیز همان موانع نکاح دائم هستند.»

1370: 175). درباره ازدواج موقت، صیغه یا متعه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای با این استدلال که ازدواج موقت حکمی شرعی است یا آزادی عمل بیشتری برای طرفین فراهم می‌کند، از آن حمایت کرده‌اند. فقهای امامیه با استناد به آیه 24 سوره نساء ازدواج موقت را به رسمیت می‌شناسند. این آیه می‌فرماید:

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا: و نکاح زنان شوهردار نیز (برای شما حرام شد) مگر کنیزان ملکی. این حکم خدا بر شماست، و هر زنی غیر آنچه ذکر شد شما را حلال است که به مال خود به طریق زناشویی بگیریید نه آنکه زنا کنید، پس چنانچه از آنها بهره‌مند شوید آن مهر معین که حق آنهاست به آنان بپردازید، و باکی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم به چیزی با هم تراضی کنید (و بدانید که) البته خدا دانا و آگاه است».¹⁴ عده‌ای نیز با استناد به کثرت‌کردی‌های احتمالی ازدواج موقت مانند کاهش نرخ ازدواج دائم، استفاده ابزاری، از دست دادن شانس ازدواج دائم، زاد و ولد در بستر خانواده‌های موقت و... با آن مخالف‌اند. بنا بر آنچه از روایات برمی‌آید، ازدواج موقت از نظر تعدد برای مردان، محدودیتی ندارد و نیز رعایت عده برای مردان لازم نیست. برخی روایات این شکل از ازدواج را به چندهمسری تعبیر می‌کنند.

در ادامه این پژوهش، علاوه بر پرداختن به وضعیت کنونی ازدواج موقت در جامعه و بررسی کارکردهای فعلی آن براساس مسائل مذهبی و علوم روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، اجماًلاً به خاستگاه دینی ازدواج موقت و اختلاف نظر جدی اهل سنت و اهل تشیع درباره این موضوع نیز می‌پردازیم.

¹⁴. سوره نساء آیه 24؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 121، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

6-1. تبیین اجتماعی متعه در ایران

الف) تحول در خانواده ایرانی

تحول خانواده یکی از مسائل مهم دنیای معاصر است. نهاد ازدواج تحت تأثیر تغییرات ساختاری و فرهنگی و متأثر از جوامع در حال گذار از نظم سنتی به نظم مدرن، تغییرات چشمگیری پیدا کرده است تا جایی که امروزه در ادبیات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی خانواده، موضوعاتی نظیر انتقال خانواده، انتقال ازدواج و انتقال دوم جمعیت‌شناختی مطرح شده است.

در زمینه انتقال و تغییرات، مورگان تغییر ماهیت ازدواج را در قالب تغییر از مدل نهادی به مدل رابطه‌ای/ معاشرتی بررسی می‌کند. استون نیز در این خصوص معتقد است افزایش ازدواج‌های رابطه‌ای/ معاشرتی در میان طبقات اجتماعی بالا و متوسط جامعه دیده می‌شود. همچنین این افزایش با افزایش فردگرایی و آزادی فردی در انتخاب همسر همراه بوده است. بر این اساس، با تغییر مدل و الگوی ازدواج، تغییرات زیادی در حوزه ازدواج، مبنا و ماهیت آن ایجاد می‌شود. هنگام مقایسه دو مدل نهادی و ارتباطی، این تفاوت‌ها به چشم می‌خورد.

مطرح شدن خانواده به عنوان موضوع شناخت، یکی از تحولات مهم این عرصه است. کاستلز¹⁵ اعتقاد دارد انقلابی در حال وقوع است؛ اما نه انقلابی که نهضت‌های دهه 60 و 70 آن را اعلام و دنبال کرده‌اند. ویژگی این انقلاب، از هم‌گسیختن پیوندهای ازدواج، خانواده، ناهمجس‌گرایی و نیاز جنسی است. این چهار عامل که طی دو قرن گذشته تحت شرایط پدرسالاری مدرن به هم پیوسته‌اند، اکنون فرایند مستقل شدن را می‌گذرانند. به عقیده امیل دورکهایم¹⁶ با گذر به جامعه ارگانیک، وجدان جمعی ضعیف می‌شود، فردیت افراد رشد می‌یابد و اختلال و نابسامانی در قواعد و ارزش‌ها شایع می‌شود. از دیدگاه او، خانواده نوعی تکامل خطی داشت و در این تکامل دچار انقباض شد. اولین شکل خانواده، یک گروه سیاسی خانوادگی بود که نامی کلان داشت. این شکل با گذشتن از مراحل مختلف به خانواده پدرسالار روم قدیم تبدیل شد و با تغییراتی به شکل خانواده زن و

¹⁵. Manuel Castells

¹⁶. Emile Durkheim

شوهری معاصر در آمد. خانواده زن و شوهری دورکهایم که می توان آن را با خانواده هسته ای متداول امروزی برابر دانست، نتیجه قانون انقباض تدریجی و نمایشگر تحول خانواده است. به نظر پارسونز^{۱۷} انتخاب همسر براساس علاقه و عشق یکی از ویژگی های خاص خانواده هسته ای است. زوجین در انتخاب همسر از قیود و تمایلات خانواده آزاد هستند و بدون توجه به ملاحظات خانوادگی، براساس میل و علاقه قلبی یکدیگر را انتخاب می کنند.

وضعیت جوامع شرقی و تغییراتی که در آن روی داده است، از تغییرات ساختار خانواده که این نظریات منعکس کننده آنها هستند، مستثنی نیست و با تفاوت هایی در جزئیات جوامع می توان الگوهای گفته شده را درباره جوامع شرقی نیز صادق دانست. در خانواده گسترده ایرانی، ازدواج و تشکیل خانواده به منظور بقای نسل، دارای کارکرد اقتصادی و جنسی و در نهایت عاطفی است. اما در جامعه در حال گذار ایرانی، خانواده هسته ای رواج یافته است که بر پایه همسرگزینی آزاد شکل می گیرد. باید گفت که در خانواده های گسترده ایرانی نیز گاه شاهد همسرگزینی به شکل مدرن هستیم و در حقیقت تمام ویژگی های خانواده گسترده را نمی توان درباره خانواده های ایرانی صادق دانست؛ چنانکه شکل گیری خانواده های هسته ای در جامعه کنونی نیز کاملاً بر تعاریفی که از خانواده هسته ای ارائه می شود، منطبق نیست. این شکل از گستردگی خانواده معمولاً خصیصه ای فرهنگی و به جامانده از نسل های گذشته در بعضی نقاط ایران است که محدودیت های اقتصادی و شغلی به تداوم آن دامن می زنند. بیان این نکته خالی از لطف نیست که وقتی از خانواده ایرانی سخن می گوئیم، طیفی از خانواده ها با ویژگی های متفاوت مدنظر است که در حال گذار بودن و ویژگی مشترک تمام آنهاست. حق انتخاب انسان ها در نحوه همسرگزینی و روابط اجتماعی گسترده سبب شده است نیاز به ازدواج از ضرورتی قطعی به انتخابی رفتاری تقلیل یابد و نیاز عاطفی در رأس امور قرار گیرد. خانواده هسته ای مدرن ایرانی دارای زوج های تحصیل کرده ای است که معمولاً استقلال مالی دارند. نوسازی و مدرنیته از لحاظ فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

17. Talcott Parsons

در ابعاد مختلف بر زندگی خانواده هسته‌ای ایرانی تأثیر گذاشته است. برای مثال، فراهم شدن شرایط تحصیلات تکمیلی برای بانوان و همچنین شرایط سخت اقتصادی و مشکلات اجتماعی برای مردان، سن ازدواج را در میان طیفی از خانواده‌های ایرانی افزایش داده است.

پارسونز در مدل کارکردگرایی‌اش استدلال می‌کند که در دوره‌های رواج و رونق اقتصادی، مردم بیشتر ازدواج می‌کنند و در دوره‌های بحران و رکود اقتصادی ازدواج‌ها به تأخیر می‌افتد. به نظر می‌رسد این مدل، مصداق خانواده‌های سنتی ایرانی است که ازدواج به طور مستقیم با اقتصاد در ارتباط بوده و دیگر عوامل مداخله‌گر همچون تغییرات ایدئولوژیک، کمتر در آن مؤثرند. براساس تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی رابرت کی‌مرتن^{۱۸} ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های رسیدن به آن‌ها را مشخص کند تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. براساس این رهیافت، هرگاه وسایل و اهداف در گروه اجتماعی یا به طور کلی‌تر در ساختار جامعه با یکدیگر هماهنگ باشند، جامعه مشکلی نخواهد داشت. اما چنانچه اهداف و وسایل با ساختار جامعه مغایرت و ناهماهنگی داشته باشند، جامعه دچار مشکل می‌شود. تئوری مدرنیزاسیون ویلیام گود^{۱۹} دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری (جامعه) و دگرگونی‌های ایدئولوژیک می‌داند. به عقیده او زمانی که در سطح کلان، دگرگونی‌های ساختاری (دگرگونی‌هایی مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، آموزش همگانی و...) و نیز دگرگونی‌های ایدئولوژیک رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح خرد (خانواده) نیز به اجبار باید خود را با دگرگونی سطح کلان انطباق دهند. از مهم‌ترین شاخص‌های مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. گیدنز^{۲۰} در نظریه اعتماد و نوگرایی خود معتقد است در دنیای زندگی می‌کنیم که لبریز از ریسک‌هاست. از نظر گیدنز در جامعه سنتی، ریسک وجود

18. Robert K. Merton

19. William Good

20. Anthony Giddens

ندارد، اما در دنیای مدرن وجود دارد. برای مثال، ازدواج در جوامع سنتی از پیش انتخاب شده است و از این رو ریسک کمتری دارد؛ اما در دنیای پر از ریسک امروزی و مدرنیته که انسان‌ها با بی‌نهایت انسان دیگر مواجه می‌شوند، ریسک بیشتری در ازدواج و انتخاب همسر وجود دارد. در دنیای پر از ریسک باید اعتماد کرد، پس یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی‌ای که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، نبود اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح کاهش سرمایه اجتماعی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و نه تنها کیفیت ارتباط با دیگران را دچار تزلزل کرده، بلکه هزینه‌های مالی و عاطفی تعاملات انسانی را نیز افزایش داده است.

ب) سیاست‌گذاری‌های دینی و دولتی

چنانکه به تفصیل بحث شد، در جامعه در حال گذار ایرانی که تحت تأثیر مدرنیته، هرچند به صورت ناقص قرار دارد، الگوی ازدواج تغییر کرده است. شواهد نشان می‌دهد میزان ازدواج کاهش چشمگیر و میزان طلاق افزایشی رو به رشد داشته است. با وجود افزایش تعداد جوانان در سن ازدواج که امسال (1396) رقمی حدود 11/5 میلیون نفر را دربرمی‌گیرد، میزان وقوع ازدواج در کشور نسبت به سال گذشته 3/5 درصد و نسبت به سال 1389 حدود 8 درصد کاهش یافته است. آمارها نشان می‌دهند که نرخ ازدواج به تناسب جمعیت کشور افزایش پیدا نکرده است که به گفته کارشناسان، ادامه این روند می‌تواند سرمنشأ بسیاری از آسیب‌ها و نگرانی‌ها در جامعه بشود. فارغ از خاستگاه مذهبی ازدواج موقت، به دلیل واقعیت‌های موجود ازدواج دائم، ازدواج موقت به عنوان راهکار حل مسئله در جامعه ایران مطرح شده است. به عبارت دیگر، به دلیل وجود واقعیت‌هایی مثل دشواری الگوهای سنی انتخاب همسر، امکان‌پذیری اندک ازدواج دائم به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی و نیز مطلوبیت‌پذیری ازدواج دائم از هنجارها و فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی، فاصله زیادی بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی و اجتماعی جوانان به وجود آمده و بهداشت و سلامت جنسی آنان به خطر افتاده است.

بدین ترتیب در شرایطی که امکان ازدواج دائم و همراه بودن همسر ممکن نیست، ازدواج موقت به عنوان راه حل مطرح شده است. جلوگیری از گناه و فساد، ارضای غرایز جنسی، به دست آوردن شناخت برای ازدواج دائم، کسب آرامش روحی و فکری و نبود امکانات لازم برای ازدواج دائم از عمده ترین دلایل مطرح شدن این راهکار است. براساس این دلایل، دولت و سیاست گذاران نظام در سال های اخیر با تبلیغات رسانه ای، دادن مجوز برای ایجاد دفاتر ثبت ازدواج موقت و راه اندازی سایت های مختلف اینترنتی، این سبک ازدواج را به عنوان حل مسئله ازدواج جوانان تبلیغ و ترویج کرده اند.

تا پیش از سال ۱۳۳۵ ازدواج موقت به صورت رسمی انجام می شد و محضرهای ثبت ازدواج، قباله و عقدنامه موقت داشتند. اما در سال ۱۳۳۵ و پس از ممنوعیت چندهمسری و ممنوعیت درج عقد انقطاع در عقدنامه ها به دستور فرح پهلوی (در عقدنامه های حال و گذشته در قسمت نوع عقد می توان نوشت دائم یا انقطاع) این ازدواج رسمیت قانونی خود را از دست داد. از آنجا که در بسیاری از موارد، صیغه موقت را مردان متأهل انجام می دادند، با ممنوعیت چندهمسری، ازدواج موقت در مراکز رسمی به حاشیه رانده شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اکبر هاشمی رفسنجانی در موقعیت های گوناگون برای دفاع از ازدواج موقت تلاش کرد. او برای اولین بار در خطبه نماز جمعه سوم دی سال 1364 راهکار جلوگیری از مفسد اخلاقی در جامعه را ازدواج موقت بیان کرد و گفت: «حکومتی که از جوان ها عفت می خواهد، شرایط تحصیل عفت را هم باید فراهم کند.» رفسنجانی با بیان اینکه کسانی که در محیط رژیم گذشته دچار آلودگی شده اند، اصلاح پذیرند، گفت: «اگر جلوی متعه را نمی گرفتند و می گذاشتند مردم نیازمند ازدواج موقت کنند، هیچ کس آلوده به زنا نمی شد. فرهنگ جامعه گذشته با تقلید از غربی ها زناکاری را جایز می دانسته؛ اما ازدواج موقت را حرام کرده بود.»²¹ هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود نوشته است: «... جامعه ما ازدواج دائم را به عنوان حقیقتی مقدس پذیرفته؛ ولی از ازدواج موقت تصویر زشت و نامطلوبی دارد. من گفتم زن های بی شوهر هم می توانند استفاده

21. هاشمی رفسنجانی، خطبه نماز جمعه، 3 دی 1364، تهران.

کنند و زندگی یک‌ساله و دوساله و پنج‌ساله و کمتر یا بیشتر تشکیل دهند و این امر اگر رایج نشود، جامعه ما دچار شکست می‌شود. در مورد دختران جوان این امر باید با موافقت پدرشان باشد و ازدواج موقت همه شرایط ازدواج دائم را دارد و باید در دفاتر موجود ثبت شده و مشخص و روشن باشد» (هاشمی بهرمانی، 1392: 411). همچنین دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس، پژوهشی با عنوان «ازدواج موقت و تأثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی» منتشر کرده است که با بیان توصیه‌هایی، چگونگی و چرایی رواج ازدواج موقت در جامعه را توضیح می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که «کانون‌های ازدواج موقت» در ایران تشکیل شود و «این نهاد شرعی به عنوان یک هنجار فرهنگی عملاً گسترش یابد».

در این میان علاوه بر شخصیت‌های اثرگذار سیاسی، افراد صاحب‌قلم و ذی‌نفوذ نیز در تأیید ازدواج موقت اظهارنظر کرده‌اند. مرتضی مطهری در کتاب خود با عنوان *نظام حقوق زن در اسلام* فلسفه ازدواج موقت را چنین بیان می‌کند: «با توجه به اینکه ازدواج دائم مسئولیت و تکلیف بیشتری برای زوجین تولید می‌کند، به همین دلیل پسر یا دختری را نمی‌توان یافت که از اول بلوغ طبیعی که تحت فشار غریزه قرار می‌گیرد، آماده ازدواج دائم باشد. خاصیت عصر جدید این است که فاصله بلوغ طبیعی را با بلوغ اجتماعی و قدرت تشکیل عائله زیادت‌تر کرده است. اگر در دوران ساده قدیم یک پسر بچه در سنین اوایل بلوغ طبیعی از عهده شغلی که تا آخر عمر بر عهده او گذاشته می‌شد، برمی‌آمد، در دوران جدید این امکان‌پذیر نیست. یک پسر موفق در دوران تحصیل که دبستان و دبیرستان و دانشگاه را بدون تأخیر و رد شدن در امتحان آخر سال و یا در کنکور دانشگاه گذرانده باشد، در 25 سالگی فارغ‌التحصیل می‌شود و از این به بعد می‌تواند درآمدی داشته باشد. قطعاً سه الی چهار سال طول می‌کشد تا بتواند سر و سامان مختصری برای خود تهیه کند و آماده ازدواج گردد. همچنین یک دختر موفق که دوران تحصیل را می‌خواهد طی کند. از شما می‌پرسند: با طبیعت و غریزه چه بکنیم؟ آیا طبیعت حاضر است به خاطر اینکه وضع زندگی ما در دوران امروز اجازه نمی‌دهد که در سنین شانزده سالگی و هجده سالگی ازدواج کنیم، دوران بلوغ را به تأخیر بیندازد و تا ما فارغ‌التحصیل نشویم، غریزه جنسی از سر ما دست

برمی‌دارد؟! آیا جوانان حاضرند یک دوره رهبانیت موقت را طی کنند و خود را سخت تحت فشار و ریاضت قرار دهند تا زمانی که امکانات ازدواج دائم پیدا شود؟! فرضاً جوانی حاضر است رهبانیت موقت را بپذیرد، آیا طبیعت حاضر است از ایجاد عوارض سهمگین و خطرناکی که در اثر ممانعت از اعمال غریزه جنسی پیدا می‌شود و روانکاوای امروزی از روی آنها پرده برداشته است، صرف نظر کند؟! دو راه بیشتر باقی نمی‌ماند یا اینکه جوان را به حال خود رها کنیم و نسبت به آن بی‌توجه باشیم، به یک پسر اجازه دهیم از صدها دختر کام بگیرد و به یک دختر اجازه دهیم با ده‌ها پسر رابطه نامشروع داشته باشد و چندین بار سقط کند؛ یعنی عملاً کمونیسم جنسی را بپذیریم و چون به پسر و دختر به صورت متساوی اجازه داده‌ایم، روح اعلامیه حقوق بشر را از خود شاد کرده‌ایم. راه دوم ازدواج موقت است. ازدواج موقت در درجه اول زن را محدود می‌کند که در آن واحد زوجه دو نفر نباشد. بدیهی است که محدود شدن زن مستلزم محدود شدن مرد نیز خواهد بود. بدین ترتیب پسر و دختر دوران تحصیل خود را می‌گذرانند بدون آنکه رهبانیت موقت و عوارض آن را تحمل کرده باشند و بدون آنکه در ورطه کمونیسم جنسی افتاده باشند» (مطهری، 1376: 51-50). علی شریعتی نیز در این زمینه می‌گوید: «ازدواج موقت، نه در شکل فعلی آن، مترقی‌ترین سنتی است که وضع شده است. به نظر من تحلیل علمی و جامعه‌شناختی و به‌خصوص روان‌شناسی ازدواج جهان امروز ضروری است. در طرح ازدواج موقت، اول باید از آن دفاع کرد و آن سابقه ذهنی بسیار زشت و سوء را شست و بعد جایش را به عنوان مترقی‌ترین مسئله در حل مشکل امروز نسل جوان دنیا جانشین کرد و فلسفه‌اش را گفت و تحلیل درست و علمی کرد. ازدواج موقت در شکل فعلی، نمونه سنت‌هایی است که در آن، آنچه عمل می‌شود، با آنچه حقیقت و روح این قانون و سنت است، تضاد دارد. یعنی قضاوت‌هایی که روشنفکر، به شکل فعلی ازدواج موقت دارد، زشت و نفرت‌آور است» (کریمی‌نیا، 1390). همچنین دکتر ناصر کاتوزیان در خصوص فلسفه وجودی این ازدواج می‌گوید: «در جهان کنونی با این همه بی‌بندوباری‌های اخلاقی و دشواری‌های اقتصادی که در راه تشکیل خانواده به وجود آمده است، نکاح متعه نباید در بوته نقد و فراموشی افتد. در جوامع صنعتی به دلایل

گونگون بین تاریخ بلوغ نوجوان و زمانی که از نظر اجتماعی و اقتصادی امکان تشکیل خانواده را می‌یابد، مدتی فاصله افتاده است و هر روز بر آن افزوده می‌شود. رابطه بین دختر و پسر را نیز نمی‌توان با پند و موعظه از بین برد. پس یا بایستی جوانان را به حال خود واگذار کرد و جامعه را به سمت بی‌بندوباری و هرج و مرج جنسی سوق داد و یا با ساختن قالب‌های ویژه و محدودکننده بر این غرایز سرکش لجام زد. نکاح منقطع یکی از این قالب‌هاست که با کمک و احیای دوباره آن می‌توان جلوی هرج و مرج موجود جامعه را گرفت» (بزرگیان، 1384).

ج) صیغه؛ تعدیل رفتار جنسی یا لذتی برای مردان

در سیاست‌گذاری‌های کلان درباره ازدواج موقت به بسیاری از مسائل توجه نشده است که فعالان اجتماعی و به‌ویژه زنان به آنها اعتراض کرده‌اند. به دلیل همین بی‌توجهی به برخی ابعاد فراموش شده ازدواج موقت است که گفتمان ازدواج موقت، نه به عنوان هنجاری اجتماعی مورد پذیرش عمومی قرار گرفته است و نه اکثریت نخبگان فکری با طرح آن در جامعه همراهی کرده‌اند. در ترویج ازدواج موقت به مسائل زنان توجه نشده و نگاه حاکم در این زمینه کاملاً مردانه است که با گفتمان عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی در خانواده مدرن هسته‌ای کاملاً تضاد دارد. هدف اول ازدواج موقت برای بیشتر مردان، لذت و بهره‌گیری جنسی (متعنه یا تمتع) است؛ در حالی که براساس یافته‌های این پژوهش در ایران، زنان این ازدواج را یا نوعی منبع درآمد می‌دانند یا به دلیل ترس از تکرار تجربه تلخ ازدواج گذشته و برای تأمین نیازهای عاطفی و جنسی به آن روی می‌آورند. بنابراین هدف زنان و مردان معمولاً متفاوت است؛ اما در مواردی می‌تواند مشترک باشد. در واقع به نظر می‌رسد مبنای ازدواج موقت با مبنای خانواده مدرن هسته‌ای که از دید جامعه براساس دلبستگی و علاقه شکل می‌گیرد، تفاوت دارد. همچنین در صورتی که ازدواج‌های موقت به صورت موازی یا همزمان با ازدواج دائم شکل بگیرند، نوعی چندهمسری به وجود می‌آید که براساس تحقیقات می‌تواند کارکردهای منفی فراوانی داشته باشد. میزان رضایت زناشویی بین زن و مرد در ازدواج چندهمسری کمتر است. در واقع در ازدواج چندهمسری،

زن و مرد هر دو آسیب می‌بینند و رضایت زناشویی آنها از رضایت زن و مرد در ازدواج تک‌همسری کمتر است؛ حتی زنان بیشتر از مردان آسیب می‌بینند.

تحقیقات دیگران نیز وجود آسیب در خانواده‌های چندهمسری را نشان می‌دهد. انواع مشکلات روان‌شناختی با پدیده چندهمسری مرتبط هستند. میزان تعارض‌های زناشویی در خانواده‌های چندهمسری بیشتر است و نیز مشکلات زناشویی و تعارضات آن، تأثیر مستقیمی روی سلامت روان فرزندان دارد (Elbedour, 2000). در میان فرزندان چندهمسری، شایستگی اجتماعی کمتر، کمبود احساس امنیت، افت تحصیلی و مشکلات رفتاری و پرخاشگری بیشتری گزارش شده است (Davies, 1996).

برخی دیگر، ازدواج موقت را عاملی برای شیوع فساد می‌دانند. بر این مبنا عده‌ای در پوشش و چارچوب ازدواج موقت بدون شرایط قانونی و شرعی آن، به تن فروشی می‌پردازند. لامانت²² (1980) استدلال می‌کند که روابط متعدد جنسی تا اندازه‌ای می‌تواند در بازه زمانی محدودی، برای زنان منافع مادی در بر داشته باشد و همین منابع مالی عامل جذب آنها به روابط آزاد می‌شود (واگو، 1373: 181). بنابراین ازدواج موقت می‌تواند راهکاری برای آن دسته از زنان باشد که روابط آزاد بدون ازدواج دائمی را که می‌تواند ناشی از شرایط بد مالی باشد، منبع درآمد خود قرار می‌دهند. بنابراین می‌توان استدلال کرد به میزانی که زنان استقلال مالی بیشتری کسب می‌کنند، کمتر به ازدواج موقت روی می‌آورند.

براساس تحقیقی که زاهدپور و همکاران در سال 1390 در خصوص نگرش زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر شیراز به ازدواج موقت انجام دادند، نیازهای اقتصادی از مهم‌ترین نیازهایی است که زنان سرپرست خانوار را به ازدواج موقت متمایل می‌کند. همچنین زنانی که منزل استیجاری دارند، به ازدواج موقت تمایل بیشتری نشان می‌دهند. نیازهای دیگری چون نیاز به امنیت در جامعه، نیازهای

22. Lamont

عاطفی، نیازهای جنسی، و نیازهای فرهنگی همگی نیازهایی هستند که هرچه زنان در آنها احساس خلأ بیشتری کنند، نگرششان به ازدواج موقت تحت تأثیر قرار می‌گیرد (زاهدپور، 1390). اما مردانی که به متعه گرایش دارند، به طور معمول وضعیت مالی خوبی دارند. نکته درخور توجه درباره مردانی که برای رفع نیازهای جنسی خود به ازدواج موقت روی می‌آورند، این است که رابطه جنسی مانند عملی اعتیادآور می‌تواند افراد درگیر در این عمل را به تکرار هرچه بیشتر عمل جنسی ترغیب کند. این موضوع زمانی مهم می‌شود که دریاپیم تابع تقاضا برای کالاها و اعمال اعتیادآور برخلاف دیگر کالاها مرسوم در ادبیات اقتصادی است. هرچه بیشتر کالا یا خدمتی را مصرف کنیم، رضایتمندی کمتری از مصرفش کسب می‌کنیم و تقاضایمان کاهش می‌یابد؛ اما مصرف هرچه بیشتر کالاها و خدمات اعتیادآور، تمایل آدمی را به مصرف افزایش می‌دهد. به این عمل، اثر مواجهه مصرفی²³ می‌گویند. همین موضوع می‌تواند افرادی را که به برقراری رابطه جنسی اعتیاد پیدا می‌کنند به تکرار این عمل واداشته و موجب گسترش ازدواج موقت شود.

صیغه، یا به صورت کوتاه‌مدت و زیر پنج ماه است یا به صورت میان‌مدت و برای 4 الی 5 سال است یا به صورت بلندمدت و 99 سال است. معمولاً صیغه به صورت کوتاه‌مدت و میان‌مدت است. زنانی که به دلیل مسائل اقتصادی صیغه می‌شوند، ملزم هستند پس از پایان رابطه مدتی عده نگه دارند. حال پرسش این است که در زمان عده، زنان فقیر و کم‌درآمد چگونه باید نیازهای اقتصادی خود را برطرف کنند. از سوی دیگر، از آنجا که در طول دوره ازدواج موقت، غیر از مهریه معلوم، هیچ نفقه یا منبع درآمدی برای زنان در نظر گرفته نمی‌شود، زنان باز هم از نظر اقتصادی تحت فشار قرار خواهند گرفت و در چرخه‌ای از ازدواج‌های موقت و تجربه‌های گاه ناخوشایند قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، از آنجا که زنان درگیر در ازدواج موقت درآمد پایداری ندارند، چرخه فقر و ناتوانی آنان در رفع نیازهای اقتصادی تکرار می‌شود. این وضعیت را گرفتار شدن در «تله فقر» می‌نامند. تله فقر شرایطی است که در آن افراد دچار فقری هستند که خارج از کنترل آنهاست. تله به یک

²³. mere exposure effect

چرخه تبدیل می‌شود و اگر قدمی برای شکستن این دور برداشته نشود، تقویت می‌شود. در واقع تله‌های فقر شرایط فقر را بازتولید و دائمی می‌کنند که اقتصاد در آن در دوری باطل گرفتار و دچار توسعه نیافتگی مداوم می‌شود. باید توجه داشت که فقر ممکن است موقتی باشد و افراد خودشان بتوانند از این حالت خارج شوند، اما فقر هنگامی که با خود تله به همراه دارد دور باطل تلاش‌های فقیر را تحلیل می‌برد. در این شرایط فقر پرورش می‌یابد و موقعیت‌های مساعدتری برای بروز فقر خلق می‌شود (راغفر و همکاران، 1390).

براساس تحقیقات علاوه بر زنان کم‌درآمد، زنانی که تجربه ازدواج ناموفق داشته‌اند نیز به این شکل از ازدواج روی می‌آورند و مردان متأهل هم به ازدواج موقت با این زنان (دارای تجربه طلاق) گرایش پیدا می‌کنند و در نتیجه کانون خانواده از هم می‌پاشد. بنابراین در جامعه مدرن ازدواج موقت مردان متأهل نوعی خیانت در حق همسر دائمی آنان محسوب می‌شود و به رواج چندهمسری که در خانواده هسته‌ای مدرن جایگاهی ندارد، می‌انجامد.

نیازهای عاطفی و جنسی از عوامل دیگر روی آوردن زنان به صیغه است. مسائل عاطفی و روانی‌ای که در رابطه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بروز می‌کند، سلامت روانی زنان را به مخاطره می‌اندازد. زیرا پس از پایان مدت صیغه، عقد خودبه‌خود باطل می‌شود و زنان مجدداً در مواجهه با مسئولیت‌ها و فشارهای اقتصادی و روانی قرار می‌گیرند. همچنین ممکن است زنان در این رابطه‌ها از لحاظ عاطفی وابسته شوند و پس از جدایی، ناراحتی‌های روحی و روانی پیدا کنند. در ازدواج موقت، مردان به منظور تنوع و لذت‌طلبی در رابطه جنسی از زنان انتظارات غیرمعمول دارند. در این سبک ازدواج، نیازهای جنسی نامشروع و ناموجه مردان بر زنان صیغه‌ای تحمیل می‌شود و به شکلی دیگر حقوق زنان را نقض می‌کند. همچنین لذت رابطه جنسی یک‌طرفه برای مردان حاصل می‌شود. نبود محدودیت‌های قانونی و شرعی برای مردان از نظر تعدد روابط موازی جنسی در قالب صیغه که غالباً در جهت تمتع جنسی بیشتر است از یک سو و کوتاه‌مدت بودن رابطه (خصوصاً زمانی که این

شکل از رابطه به منبع کسب درآمد زنان تبدیل می‌شود) از سوی دیگر، ازدواج موقت را در زمره روابط پرخطر جنسی قرار می‌دهد. بنابراین تعدد روابط پرخطر جنسی، افراد دارای این تجربه را در معرض انواع مختلفی از بیماری‌های مقاربتی قرار می‌دهد که آلوده شدن به ویروس HIV پرهزینه‌ترین آنهاست. این بیماری علاوه بر اینکه مشکلات جسمانی بسیار دامنه‌داری در پی دارد، فرد را در معرض انگ دوچندان و فشار روانی بسیار زیاد قرار می‌دهد. وضعیت زنان صیغه‌ای زمانی دردناک‌تر می‌شود که باردار شده و از ازدواج موقتشان صاحب فرزند می‌شوند. دشواری اثبات حقوقی اینکه فرزند متعلق به چه کسی است (به دلیل ثبت نشدن ازدواج موقت) و هزینه‌های نگهداری از فرزند، زنان را بیشتر در تنگنا قرار می‌دهد.

براساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که ازدواج موقت برای مردان نوعی لذت است که حقوق زنان را در ابعاد متفاوت اقتصادی، جنسی و عاطفی نقض می‌کند. زنانی که در جستجوی وضعیت اقتصادی بهتر وارد روابط صیغه‌ای می‌شوند، گاهی خود را در قهقرایی از مشکلات اقتصادی دامنه‌دار می‌یابند که نه تنها نیاز اقتصادی‌شان را رفع نکرده، بلکه انواعی از مشکلات دیگر را نیز گریبانگیر آنها کرده است. در مقابل، متعه تقریباً در همه موارد به نفع مردان است، به ویژه در وضعیت موجود. زیرا شرایطی فراهم می‌کند که آنان بتوانند تنوع‌طلبی جنسی خود را ارضا کنند یا اگر هایپرسکس هستند و همسرشان جوابگوی نیازهای جنسی آنها نیست، نیازهایشان را رفع کنند یا در مواقعی که به دلیل مأموریت و... از همسرشان دور شده‌اند، بتوانند از انحراف جنسی جلوگیری کرده و نیازهای جنسی خود را از راه مشروع و قانونی ارضا کنند. نفع یک‌طرفه مردان از ازدواج موقت هنگامی بیشتر می‌شود که مردان متأهل وارد این ازدواج می‌شوند؛ چراکه این ازدواج‌ها ثبت قانونی نمی‌شوند و به دلیل پشتوانه مذهبی‌شان قابل مجازات نیستند. البته زنان نیز می‌توانند از ازدواج موقت سود ببرند. هرچند صدور مجوز ازدواج موقت برای دختران از سوی خانواده بسیار سخت و شاید در بسیاری از موارد ناممکن به نظر می‌رسد، ولی برای زنانی که به دلایل فوت همسر، بالا بودن سن، طلاق و یا علل دیگر امکان یا فرصت ازدواج دائم ندارند، ازدواج موقت فرصت مناسبی خواهد بود تا نیازهای خود را از نظر داشتن همسر رفع

نمایند (احمدی و همکاران، 1390). این نوع ازدواج بیشتر به صورت مخفیانه صورت می‌پذیرد و نوعی شک‌گرایی و بدبینی در خانواده به وجود می‌آورد که بنیان خانواده را تهدید می‌کند. همچنین به بی‌اعتمادی در میان افراد جامعه نیز دامن می‌زند. اگرچه سیاست‌گذاران دولتی و دینی در ایران به دنبال رفع برخی از ایرادات وارد بر ازدواج موقت هستند، عملاً اقدامی برای اصلاح آن انجام نشده است و فعالان اجتماعی و حقوق بشری، به ویژه زنان، در ایران همچنان این نوع ازدواج را نقد می‌کنند و آن را غیرقانونی، غیردینی و غیرانسانی می‌دانند.

7-1. تسهیل ازدواج زودهنگام کودکان

تحولات اجتماعی اخیر در ایران به تدریج ابعاد متفاوتی به خود گرفته و نه تنها رفتارها که ارزش‌های افراد را تغییر داده است. یکی از این تغییرات در حوزه روابط جنسی پیش از ازدواج و در مناسبات با جنس مخالف روی داده است. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که روابط جنسی پیش از ازدواج در سال‌های اخیر میان جوانان و نوجوانان افزایش یافته است. اما رشد این روابط، همه‌ماجرای نیست؛ چراکه افزایش حجم این رفتارهای جدید به تدریج پیچیده‌تر شدن آنها را در پی داشته است تا آنجا که امروزه با گونه‌های متفاوتی از روابط جنسی پیش از ازدواج مواجه هستیم که خاستگاه‌های متفاوتی دارند. الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران را می‌توان به این صورت تفکیک کرد: روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)، روابط صیغه‌ای، روابط دوست‌دختر/پسری، روابط هم‌خانگی یا ازدواج سفید و روابط مبتنی بر همجنس‌گرایی.

روابط صیغه‌ای، الگویی از روابط غیرعاشقانه پیش از ازدواج است که در قانون و مذهب رسمی پذیرفته شده است. هسته اصلی گفتمان صیغه، پیوند دین و غریزه در شرایط نابسامان جامعه توسط سوژه است. براساس تحقیقات، این روابط در سوژه‌هایی مشاهده می‌شود که پایبندی مذهبی بیشتری دارند. این افراد به دنبال راهکاری دینی برای پاسخ به غریزه جنسی هستند. براساس مواد ۱۰۷۵ تا ۱۰۷۷، نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معین و با تعیین مهر مشخص باشد. سن ازدواج موقت در قانون اساسی، همان سن بلوغ یعنی 9 الی 13 سال برای دختران و 15 سال برای پسران است.

صیغه محرمیتی که برای محرم شدن دختر باکره به مردی که بناست همسر وی شود، می‌خوانند، هرچند به صورت رسمی ثبت نمی‌شود، به لحاظ شرعی جایز است. در خانواده‌های مذهبی، این نوع صیغه عموماً برای آشنایی دختران و پسران در دوران نامزدی جاری می‌شود. از دیدگاه آیت‌الله سیستانی صیغه محرمیت حکم ازدواج موقت را دارد و در صورت از بین رفتن پرده بکارت دختر، از لحاظ قانونی و شرعی نمی‌توان برای آن مجازات تعیین کرد؛ زیرا قانون‌گذار برای آن مانعی در نظر نگرفته است. پیامدهای حاکی از این نوع صیغه‌های محرمیت که منجر به از بین رفتن پرده بکارت می‌شود، برای دختران فشارهای اجتماعی زیادی به بار می‌آورد. صیغه‌های محرمیت در سنین کم، حتی اگر با قصد عدم تمتع جنسی و فقط برای محرمیت و دوری از گناه باشد، باز هم با فشار اجتماعی اطرافیان همراه است.

یکی از پیامدهای اجتماعی و روانی ناشی از صیغه محرمیت و احتمال برقراری رابطه جنسی برای زنان، ازدواج زودهنگام است. در صورتی که مرد به رابطه جنسی متعهد شود یا سن دختر از نظر قانونی برای ازدواج مناسب باشد، ازدواج با روند قانونی آن اتفاق می‌افتد. اما اگر سن دختر کمتر از حداقل قانونی برای ازدواج باشد، نظر نهایی در خصوص صلاحیت دختر برای ازدواج را قاضی صادر می‌کند و کودک همسری اتفاق می‌افتد. در چنین حالتی گاه به دلیل اینکه زوجین درک درستی از زندگی زناشویی ندارند، ازدواج آنان موفق نشده و کارکردهای مثبت نهاد خانواده عایدشان نمی‌شود.

ازدواج موقت و صیغه محرمیت پدیده‌ای اجتماعی در فرهنگ مذهبی و قانونی ایران است که با وجود موافقان و مخالفان زیادش، در جامعه ایرانی موضوعیت دارد و بحث درباره آن نیازمند کندوکاوهای اجتماعی، حقوقی، روان‌شناختی و ... است. این پدیده نیز همچون بسیاری از پدیده‌های اجتماعی بنا بر کارکردهایی که به تداوم آن کمک می‌کند، همانند شمشیری دولبه است. هرگونه تصمیم‌گیری و موضع‌گیری درخصوص این پدیده نیازمند تخصص و داوری بی‌طرفانه است. آنچه ناگفته پیداست، ضرورت انجام مطالعات علمی برای واکاوی

کارکردهای مثبت و منفی ازدواج موقت در جامعه است تا از این طریق بتوان کژکارکردی‌ها را اصلاح کرد و سیاست‌های درستی در قبال آن به کار گرفت. از جمله کژکارکردی‌های ازدواج موقت می‌توان به ازدواج زودهنگام برای کودکان و آسیب‌هایی که طی صیغه برای زوجین پیش می‌آید، اشاره کرد. همچنین تدوین سازوکارهای قانونی تعیین سن دقیق ازدواج موقت و افزایش این سن به 15 سال و الزام برای ثبت آن در مراجع و دفاتر رسمی و ثبتی یا اوراق شناسایی از راهکارهایی است که برای به حداقل رساندن آسیب‌ها می‌توان به کار گرفت.

فصل دوم:

مبانی تاریخی، دینی، حقوقی و اجتماعی ازدواج موقت

1. مبحث اول: مبانی تاریخی ازدواج موقت

ازدواج، نهادی اجتماعی است که با توجه به ساخت جامعه شکل می‌گیرد. با بررسی تاریخی این پدیده و اشکال مختلف آن می‌توان جهان‌بینی انسان‌ها را در هر برهه از تاریخ دربارهٔ زوجیت و رفتار جنسی، خانواده و زن ترسیم کرد. ازدواج به نسبت جامعه و زمانی که در آن به وقوع می‌پیوندد، متفاوت است. این ویژگی سبب شده است که در هر جامعه شکل خاصی از ازدواج در برهه‌ای خاص شکل بگیرد که اهم آنها بدین شرح است (ساروخانی، 1385: 75):

الف. ازدواج تنظیم‌شده: به این مدل، ازدواج فرمایشی نیز اطلاق می‌شود. منظور، نوع خاصی از ازدواج است که در آن به طور معمول گزینش همسر از طریق والدین یا بزرگترها و بدون حضور و حتی نظارت طرفین صورت می‌پذیرد، ازدواجی که در آن زوجین حق انتخاب ندارند و گاهی ازدواج به آنها تحمیل می‌شود. بنابراین ازدواجی غیرمستقیم یا با واسطه است.

ب. ازدواج خصوصی: نوعی از ازدواج است که صرفاً با رضایت طرفین تحقق می‌پذیرد. این شکل از ازدواج بیشتر در جوامع توسعه‌یافته رایج است.

پ. ازدواج دوستانه: ازدواج سهل و فاقد مراسم و هزینه‌های سنگین را می‌توان ازدواج دوستانه نامید. دو جوان یکدیگر را برمی‌گزینند، زندگی مشترک را آغاز می‌کنند و با تولد فرزند یا هر واقعه (قراردادی) ازدواجشان صورت طبیعی می‌یابد.

ت. ازدواج ربایشی: یعنی ربودن دختر به عنوان همسر. این نوع ازدواج، خاص ناحیهٔ جغرافیایی مشخصی نیست، بلکه در بسیاری از نقاط جهان دیده می‌شود. در دنیای امروز چنین رسمی تقریباً منسوخ شده است؛ زیرا با نظام ارزشی موجود جهان ما انطباق ندارد. البته هنوز هم ازدواج ربایشی در برخی از مناطق با تفاوت‌هایی در

روش وجود دارد.^{۲۴} ازدواج ربایشی کنونی بعد از توافق طرفین صورت می‌گیرد و علت آن مخالفت خانواده هر دو یا یکی از طرفین یا وجود محدودیت‌های اقتصادی است. بقایای این ازدواج را می‌توان در ازدواج شبه‌ربایشی بعضی فرهنگ‌ها دید. در این نوع ازدواج، ابتدا زوجین گزیده و مشخص می‌شوند و سپس مرد با اسب (یا هر وسیله دیگری) به دنبال همسر می‌رود و به صورت نمایشی او را می‌رباید.

ث. ازدواج از طریق خرید همسر: در این نوع ازدواج، زن به بازار آورده می‌شود و با بهایی خاص به فروش می‌رسد. فرزندان این نوع ازدواج از ارث برخوردارند و به عنوان کودکان مشروع در جامعه حق حیات خواهند داشت.

ج. ازدواج مبادله‌ای: گونه‌ای ازدواج است که در آن، دو سرپرست با مهر قرار دادن دخترانشان آن دو را به همسری یکدیگر در می‌آوردند. این گونه که یکی از دو نفر به دیگری بگوید دخترم (یا خواهرم) را به همسری تو در می‌آورم به شرط آنکه تو نیز دختر (یا خواهرت) را به همسری من درآوری و مهری نیز در میان نباشد. در واقع مهر آن‌ها یکی به جای دیگری است.

چ. ازدواج آزمایشی: منظور از ازدواج آزمایشی، ازدواجی غیرقطعی است که صرفاً به منظور ارائه فرصت لازم به طرفین زناشویی برای گرفتن تصمیم قطعی، پس از شناخت متقابل صورت می‌گیرد.

ح. ازدواج با ارواح: این ازدواج حکایت از رسمی خاص دارد که براساس آن زن بیوه و فاقد فرزند با برادر یا یکی از خویشان شوهرش که او نیز همسرش فوت شده و از خود فرزند بر جای نگذارده است، ازدواج می‌کند. فرزند یا فرزندی که با این ازدواج تولد می‌یابد، صاحب دو پدر هستند: پدر اصلی که جسمانی است و

²⁴. برای اطلاعات بیشتر به فیلم مستند عروس دزدی در قرقیزستان (Bride Kidnapping in Kyrgyzstan) مراجعه کنید. این رسم با وجود منع قانونی در این کشور همچنان پابرجاست و پیامدهای بسیاری از جمله خودکشی برخی از نوجوانان را در پی داشته است.

همسر متعلق به اوست و پدری که همسر پیشین و متوفای مادرش است. فرزند، نام پدر غیرطبیعی را می‌گیرد و پدر اصلی را برادر یا عمو می‌خواند.

خ. ازدواج موقت (صیغه): در بین انواع گوناگون زوجیت، ازدواج موقت، یکی از وجوه خاص ازدواج است. در این نوع از ازدواج که به ثبت در دفتر نیاز ندارد، مبلغ و مدت نکاح در آغاز به صراحت تعیین می‌شود؛ بدون آنکه هیچ‌یک محدودیتی داشته باشد. علاوه بر این، برخلاف ازدواج دائم که در آن محدودیت کمی روابط موجود است (تک‌همسری یا دوهمسری یا حداکثر چهارهمسری)، در صیغه هیچ نوعی از محدودیت کمی برای مردان وجود ندارد.

از دیدگاه جامعه‌شناسان گونه‌های یادشده مهم‌ترین اشکال ازدواج هستند که در جوامع گوناگون دیده شده‌اند. مشابه ازدواج موقت (صیغه یا متعه) که در این پژوهش بررسی می‌شود، در بین ادیان و ملل گوناگون مشاهده شده است. در واقع، در فرهنگ‌های دیگر نیز انواعی از ازدواج‌ها شکل گرفته است که می‌توان آنها را مشابه ازدواج موقت دانست؛ اما این شکل از ازدواج که مبتنی بر مذهب تشیع است، بیشتر در جوامع شیعی دیده می‌شود.

1-1. سابقه ازدواج موقت در سایر ادیان و ملل باستان

پیشینه جوامع متمدن بشری و اقوام و ملل باستانی نشان می‌دهد که نهاد قانونی ازدواج دائم و تشکیل خانواده همواره امری مقدس و مشروع بوده است. مقدس پنداشتن ازدواج دائم، اغلب بیانگر رگه‌هایی از قانونمند کردن رابطه جنسی، تحت لوای مذهب است. این تقدس، نهاد ازدواج دائم را از دایره نقد خارج و به مفهومی الوهی بدل می‌کند. در تمدن‌های قدیم اصالت با ازدواج دائم بوده است. بر همین اساس ویل دورانت،^{۲۵} مورخ و فیلسوف غربی، بزرگ‌ترین خطر و ضایعه قرن بیستم را از هم پاشیدگی کانون مقدس خانواده می‌داند و می‌گوید: «اگر فرض کنیم در سال 2000 مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم بزرگ‌ترین حادثه ربع اول قرن

25. William James Durant

بیستم چه بوده است، متوجه خواهیم شد که این حادثه، جنگ یا انقلاب روسیه نبوده، بلکه همانا دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ، چنین تغییر تکان‌دهنده‌ای را در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است. شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پرآشوبی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فراگرفته، گرفتار گشته‌اند» (مطهری، 1369: 30).

با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم همواره فرزندانِ زنانی که از ازدواج دائم به دنیا آمده‌اند، قانونی تلقی شده و در توارث و استخلاف (جانشینی) پدر نیز از حقوقی ممتاز برخوردار بوده‌اند. اما در کنار این فرزندان معمولاً فرزندان دیگری هم وجود داشته‌اند که حاصل ازدواج‌های غیررسمی بوده و حقوق محدودتری داشته‌اند. بنابراین ازدواج غیردائم، سنتی تاریخی بوده است و در غرب نیز آثاری از آن مشاهده می‌شود. در دایره المعارف بریتانیکا در توضیح واژه *concubinage* (زندگی با صیغه) آمده «نوعی زندگی مشترک زناشویی میان زن و مرد است که ناشی از ازدواج رسمی نمی‌باشد».

دوگانگی میان الزامات قانونی ثبت‌شده نشانه دیگری از وجود متعه در اروپای اواخر قرون وسطی است. مثلاً در سال 1241م. قانون دانمارک که «والدمار دوم» آن را به اجرا گذاشت، مقرر کرد: «اگر ازدواج متع‌ای علناً سه سال ادامه یابد، همسر رسمی تلقی می‌شود.» این قانون تا سال 1582م. ادامه داشت. سنتی شبیه به این در اسکاتلند رواج یافت که به «*hand fasting*» معروف بود. در قرن سیزدهم، قاضی هنری دوبرکتون²⁶ متعه قانونی را تحریر کرد که به نظر می‌رسد با زن (همسر) دائم متفاوت باشد. این نوع همسر موقت، مراسم ازدواج رسمی نداشت و موقعیت او ضعیف‌تر از آن بود که بتواند بعد از فوت زوج ادعای وراثت کند. دانشنامه حقوقی آکسفورد در توضیح «*concubinage*» می‌نویسد: «رابطه جنسی پایا و مستمر بین زن و مرد که ناشی از ازدواج رسمی نباشد.» موقعیت زن متعه در جوامع مختلف یکسان نبوده است. در جامعه عبرانی باستان «متعه» زوجه

²⁶ Henry Dovercotton

واقعی اما فرعی تلقی می‌شد و متعه‌گیری صورتی از تعدد زوجات بود. در حقوق روم، ازدواج متعه‌ای مادامی که یکی از طرفین ازدواج دائم نکرده یا متعه دیگری اختیار نکرده بود، مشروع به شمار می‌رفت و منحل نمی‌شد. کلیسا هم داشتن یک زوجه را به یکی از دو صورت کامل یا متعه اجازه داده بود و متعه از سوی اغلب قوانین سابق اروپایی به رسمیت شناخته می‌شد. قانون اسکاتلند هنوز هم ازدواج از طریق زندگی مشترک را (بدون عقد رسمی) معتبر می‌داند به شرط آنکه این نوع زندگی مشترک عرفاً به عنوان زندگی زناشویی تلقی شود (اسماعیلی، 1393: 36-41).

در قوانین روم قدیم، ازدواج کامل با اجرای مراسم عمومی صورت می‌گرفته است که به آن «coemptio» یا «confarreatio» می‌گفتند. نوع دیگر، ازدواجی بوده که با رسمیت کمتر به صورت ساده «maritalis» و با اعلام تصمیم قطعی بر گزینش زنی خاص برای همسری انجام می‌شده است. رومیان کاملاً تک‌همسرگرا بودند. قانون به مردان اجازه نمی‌داد همزمان بیش از یک همسر رسمی اختیار کنند. در روم همسران متعه‌ای با همسران دائم تفاوت‌هایی داشتند؛ برای نمونه متعه برای همسرش جهیزیه نمی‌آورد، همانند زن دائم به طبقه اجتماعی همسر ارتقا نمی‌یافت و از لحاظ قانونی مسئولیت فرزندان این ازدواج برعهده پدر نبود و فقط به مادر تعلق داشتند. در قرن چهارم میلادی کنستانتین مقرر کرد «هرگاه شوی،²⁷ وارث قانونی دیگری نداشته باشد، اولاد حاصل از متعه وارث قانونی او به شمار می‌آید».

همسر متعه‌ای معمولاً از طبقه اجتماعی پایین بود و چنین رابطه‌ای از نظر همسر شرم‌آور نبود، بلکه حتی برخی از مردان متعلق به طبقات بالا به دلیل آزرده‌گی از کردار غیراخلاقی زنان طبقه اشراف روم با سربلندی متعه اختیار می‌کردند. زن متعه در روم، متفاوت اما محترم بود تا آنکه در قرن یازدهم شورای کلیسای روم با صدور فتاوی مختلف اعلام کرد اگر مرد عام متأهلی متعه اختیار کند، کلیسا او را طرد خواهد کرد. نوع دیگر ازدواج

²⁷. در فرهنگ فارسی معین به معنای شوهر و زوج است.

غیررسمی «ازدواج خان‌ها با زنان رعایا» بود که با عنوان «morganatic marriage» در قرون وسطی به شکل‌های گوناگون میان اشراف اروپا رواج داشت. این نوع ازدواج در حقوق روم از جهات مختلف به متعه شباهت دارد. خانی که با زنی از رعایا ازدواج می‌کرد، از نظر کلیسا متأهل کامل تلقی می‌شد؛ اما آن زن عامی به طبقه همسر خود راه نمی‌یافت و کودکان حاصل از چنین ازدواجی در تملک اموال و عنوان پدر که از طبقه فراتر بودند، محدودیت‌های زیادی داشتند. در قرن هفدهم، هرچند فقط فرزندان مشروع پادشاهان انگلیس و فرانسه (که محصول ازدواج با ملکه بوده‌اند) وارث شاه تلقی می‌شدند، تعدادی از اخلاف (از دیدگاه کلیسا غیرمشروع) آنان نیز معمولاً به مرتبه اشرافی می‌رسیدند. به علاوه، مادران این وارثان نیز موقعیت اجتماعی محترمانه‌ای داشتند که بی‌اغراق می‌توان آنان را همسران متعهای تلقی کرد (میرخانی، 1379).

همچنین در کشور ژاپن ازدواجی آزمایشی به نام «آشی ایرو» رایج است که تقریباً مشابه نکاح منقطع است. در کشور ژاپن به منظور روشن شدن این نکته که آیا زوجه مورد پسند زوج است یا نه، قبل از انجام ازدواج رسمی، زوجه به مدت یک ماه به منزل زوج می‌رود. در این مدت، زوجه دو عنوان دارد: هم به عنوان زوجه موقت و هم اینکه ازدواج آزمایشی را طی می‌کند. در این مدت تمام روابط زناشویی برقرار می‌شود و فرزند حاصل از زوجین متعلق به آنها خواهد بود. بعد از انقضای یک ماه اگر زن مورد پسند مرد نبود، فرزند متعلق به مرد است و زن عده شش ماهه نگه می‌دارد و می‌تواند با دیگری ازدواج کند (ولوجردی، 1371: 188).

باید توجه داشت که هیچ کدام از این ازدواج‌ها کاملاً شبیه ازدواج موقت مدنظر در این پژوهش نیست و تنها از بعضی جنبه‌ها مانند غیررسمی بودن، مشابهت‌هایی بین آنها وجود دارد. «زمانمند بودن» اصلی‌ترین ویژگی ازدواج موقت بررسی شده در این پژوهش است؛ اما در مثال‌های گفته شده این ویژگی، اصلی نیست.

2-1. ازدواج موقت در ایران باستان

در دین زردشت، ازدواج و تشکیل خانواده جایگاه والایی داشت؛ به گونه‌ای که ازدواج به صورت امری واجب تلقی می‌شد و هر زرتشتی موظف بود تشکیل خانواده دهد و فرزند ذکوری از خود باقی گذارد تا این فرزند نه تنها اجاق خانواده را روشن نگه دارد، بلکه سبب عبور شخص از پل چینود²⁸ هم بشود. در صورت نداشتن فرزند ذکور، راه‌حلهایی وجود داشت و یکی از دلایل اصلی وجود انواع ازدواج‌های مختلف در این دیانت، داشتن وارث و جانشین ذکور بوده است. در دین زرتشت تشکیل خانواده و داشتن فرزند ذکور اهمیت فراوانی داشت؛ زیرا بنا بر باور زرتشتیان، فرزند پسر عامل گذر روان از پل چینود، زنده نگه‌دارنده آیین نیاکان و حفظ‌کننده اموال خانواده بود. همچنین مسئله ارث یکی از مباحث بسیار مهم برای زرتشتیان محسوب می‌شد؛ چه آنان معتقد بودند اموالی که در خانواده طی نسل‌ها گرد آمده است باید به دست کسانی که با صاحبان پیشین وابستگی داشتند، برسند. بنابراین چندین نوع ازدواج در دین زرتشت وجود داشت که هدف اصلی از انجام همه آنها داشتن فرزند پسر بود. افزون بر این، از آنجا که خانواده به منزله یک گروه اجتماعی به حساب می‌آمد، همین امر اقتضا می‌کرد مقامی آن را هدایت کند. بر همین اساس، هدایت خانواده به پدر/شوهر محول شده بود که سالار (sālār) یا همان سرپرست خانواده به شمار می‌رفت و موظف بود زن و فرزند صغیر خود را حمایت و سرپرستی کند. اما زمانی که وی فوت می‌کرد، در دین زرتشت سرپرستی زنان و کودکان خردسال و آتش خانواده به پسر بالغ خانواده که سالار طبیعی قهری محسوب می‌شد، محول می‌گشت. شکل اصلی ازدواج در دوره ساسانی همان پیوند قانونی بین زن و مرد با عنوان «پادشاه‌زنی» بوده است. از آنجا که ازدواج، امری فرسکریدی (جاویدان) محسوب می‌شود، در هر دو جهان زن به شوهر خود تعلق دارد. در واقع، زن در این نوع ازدواج از حقوق کامل همسری بهره‌مند است؛ به طوری که فرزندان حاصل از این ازدواج، فرزندان مشروع شوهرند و

²⁸. پل چینود یا چینوت (زبان اوستایی: Činvat Peretum) پل داوری درگذشتگان در عقاید زرتشتی است. آن را برابر با پل صراط در دین اسلام دانسته‌اند.

وارث و جانشین پدر محسوب می‌شوند. رضایت سالار شرط لازم و اساسی در این نوع ازدواج است و بدون رضایت سالار این ازدواج معتبر نخواهد بود (بادامچی و همکاران، 1394).



شکل 3. بخشی از مراسم ازدواج زرتشتی در یزد. دستیابی در: www.parsine.com

در متون زرتشتی سفارش شده است که مرد و زن چون به سن ازدواج می‌رسند، حتماً باید ازدواج کنند. چون با ازدواج مردان و زنان پاکدامن، نسل بشری ادامه می‌یابد و فرزندانی که از این وصلت‌های نیکو پدیدار می‌شوند، بهترین یاران اهورامزدا خواهند بود. در وندیداد، اهورامزدا به زرتشت چنین خطاب می‌کند: «ای زرتشت سپیتمان، مردی که زن دارد بر آن که پیمان ازدواج نبسته؛ مردی که خاندانی دارد، بر آن که بی‌خانمان است؛ مردی که فرزند دارد، بر آن که بی‌فرزند است؛ برتری دارد.» (آموزگار، 1387: 282).

نیز در فرگرد 3 بند 24، زمین کشت نشده را به دوشیزه‌ای تشبیه می‌کند که دیرزمانی بی‌فرزند مانده و شوهری خوب آرزو می‌کند. این دوشیزه شوی ناگزیده از درگاه ایزدان، شوهری برومند و جوان می‌طلبد که در همه روزگار زندگی، خوش رفتار باشد و فرزندان دانا و هوشیار و خوش سخن از او پدید آیند (دوستخواه، 1388: 454).

فرد زرتشتی موظف است که چون به حد بلوغ رسید برای خود همسری برگزیند، زندگانی خوش خانوادگی را آغاز کند و در طول زندگانی بکوشد موجبات خوشبختی و پیشرفت مردم و کشور خویش را فراهم آورد و در عین حال افرادی به طرفداران دین راستی بیفزاید تا با گسترش صفات پاکی و راستی و درستی، لشکریان انگره‌مینو را منکوب و آخرین هدف مزدیسنا را که ریشه‌کن کردن ناپاکی و پلیدی و بدی از دنیا است، عملی سازد (آذرگشسب، 1358: 174).

براساس ابرقوانین مذهبی و به نقل از متون پهلوی و دیگر روایات زرتشتی، پنج نوع ازدواج در میان زرتشتیان وجود داشته است (علوی، 1377: 79-80):

1. پادشازن: ازدواجی بوده که دختری با رضایت پدر و مادر یا قیم خود در حال دوشیزگی به شوهر می‌رفت و این دختر در خانه شوهر از هر امتیازی برخوردار بود.

2. ایو کین یا ایو گین: زن یا ازدواج ایو ک زنی، هنگامی بود که دختری یگانه فرزند پدر و مادرش بود. وقتی این دختر شوهر می‌کرد، او را ایو ک زن، یعنی یگانه زن می‌نامیدند و نه تنها نخستین پسر چنین زنی به پدر و مادر وی تعلق می‌گرفت، بلکه نام خانوادگی آنان نیز بر پسر گماشته می‌شد تا جانشین آنها باشد.

3. سترزن: اگر مردی زن نگرفته یا بدون فرزند فوت می‌کرد، بازماندگان او به دوشیزه‌ای جهاز می‌دادند و او را پیش از شوهر دادن، به عقد مرد متوفی درمی‌آوردند. کسی که این گونه ازدواج می‌کرد، باید بر این تن می‌داد که اولین فرزندی که از آنان زاده شود، به مردی تعلق گیرد که این زن به نام او شوهر داده شده است.

4. چکرزن یا چاکرزن: هنگامی که زنی بیوه، بعد از فوت شوهر خود با مرد دیگری ازدواج می‌کرد، او را چکرزن می‌نامیدند و معتقد بودند که این زن به چاکری شوهر اول خود به خانه شوهر دوم رفته است.

5. خودسرزن: هنگامی که دختری بدون اجازه پدر و مادر یا قیم و به عبارت دیگر به خودسری شوهر می‌کرد.

براساس شواهد موجود در *مادیان هزاردستان*²⁹ می‌توان استنباط کرد که در دین زرتشت ازدواج برای مدت زمان مشخص و محدود هم صورت می‌گرفته است. در *مادیان هزاردستان* این گونه آمده است: اگر دختری با اجازه پدرش قرارداد منعقد کند که «من به مدت ده سال همسر تو خواهم بود» و اگر قبل از انقضای ده سال، پدر فوت کند، لازم است تا قبل از پایان ده سال برای پدر ستور (امین) منصوب شود. اما در پایان ده سال، آن دختر دیگر همسر آن مرد نیست و ایوگین پدرش می‌شود (Perikhanian, 1980). کتابیون مزداپور هم در این زمینه می‌گوید که این بند به ازدواج موقت اشاره می‌کند و احتمالاً دختر، تنها بازمانده پدر بوده و ضرورت دارد تا در این صورت ایوگین³⁰ پدر شود تا برای پدر جانشین فراهم کند. پس این ماده نشان می‌دهد که ازدواج می‌توانست مثلاً برای مدت ده سال منعقد شود و با انقضای مدت رابطه زناشویی پایان می‌یافت و به طلاق نیازی نبود (مزداپور، 1393: 189).

در یکی دیگر از بندهای مهم *مادیان* راجع به دختری بحث شده است که بدون رضایت پدرش ازدواج می‌کند. در این متن آمده است: «اگر دختر گادار کند (معشوقه برای خود بگیرد)، یعنی اگر ازدواج خود را برای مدت محدود منعقد کرده باشد و ازدواجش از نوع دائمی نباشد، هیچ مسئله‌ای در مورد جانشینی و ارث پدر به وجود نمی‌آید. اما اگر به طور دائمی ازدواج کرده باشد، پدر می‌تواند او را از جانشینی و ارث محروم کند و در مقابل،

²⁹. کتاب *مادیان هزاردستان* اثری است ارزشمند، یادگار از زمان ساسانیان. این کتاب شامل مباحث قضایی و دادرسی عصر ساسانی از جمله زناشویی، طلاق، موقوفات، برده‌داری، اجاره و... بر پایه نظام ساسانی و کیش زرتشت می‌شود. کتاب را یک قاضی به نام فرخ‌مرد بهرامان در زمان خسرو پرویز و در شهر گور (فیروزآباد کنونی) نگاشته است. فرخ‌مرد بهرامان که خود در دستگاه ساسانی صاحب منصب قضایی بود، رأی‌های صادر از دادگاه‌های دادگستری ایران ساسانی در سده سوم تا هفتم میلادی را از بایگانی دادگستری گور بیرون آورده و فشرده و کوتاه کرده و در کتاب گرد آورده است.

³⁰. دختری که از طریق ازدواج با شوهر یا مردی دیگر برای پدر خود وارثی ذکور می‌آورد.

پدر هم از درآمد دختر محروم می‌شود.» پرخانیان، واژه گادار (gadar) را به معنای زنا دانسته و سعید عریا آن را به ارتباط جنسی تفسیر کرده است؛ اما ماتسوخ از گادار به ازدواج موقت تعبیر می‌کند (Macuch, 2003). پس اگر گادار موقت باشد، حق قیمومیت پدر پابرجاست و دختر هم از پدر ارث می‌برد. در واقع در ازدواج موقت، دختر از دودمان پدری‌اش خارج نمی‌شود، بلکه با ازدواج موقت، وی همچنان تحت سالاری پدرش باقی می‌ماند. اما اگر بدون رضایت پدرش ازدواج دائمی کند، دیگر تحت سالاری پدرش نخواهد بود و بر همین اساس از حق جانشینی و ارث محروم می‌شود. در روایت امید اشوهیستان، زنی بعد از فوت شوهر خود با مردی دیگری به طور موقت ازدواج می‌کند؛ اگر ازدواج آنها قبل از انتصاب سالار واجد شرایط صورت پذیرفته باشد، این مرد می‌تواند به عنوان سالار خانواده زن پذیرفته شود و این کاری قانونی است. پس مسئولیت سرپرستی به همسر موقت زن محول می‌شود، با این شرط که انتخاب این همسر موقت با آگاهی و صلاح دید صاحب‌نظران و بزرگان خانواده باشد (صفای اصفهانی، 1377: 24-26).

در ازدواج موقت، طلاق وجود نداشته است و با پایان یافتن مدت توافق‌شده، زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شوند. حتی زمانی که دختر برای دوره مشخصی به عنوان همسر ایفای نقش می‌کرده، نمی‌توانسته قبل از انقضای مدت توافق‌شده، ازدواج موقت را بر هم بزند و به عنوان ایوگین پدر محسوب شود و باید از طریق گماردن ستوری (امین) دیگر برای آن پدر چاره‌اندیشی می‌کردند و زمانی که مدت توافق‌شده سپری می‌شد، آن دختر می‌توانست ایوگین پدرش شود. بنابر شواهد موجود، می‌توان گفت در دین زرتشت نیز ازدواج موقت وجود داشته است که با متعه در فقه امامیه شباهت‌های زیادی دارد. همچنین براساس شواهد می‌توان اذعان کرد که زرتشتیان نیز می‌توانستند ازدواج موقت را برای مدت زمان مشخصی مثلاً ده ساله یا سه ساله منعقد کنند. اگرچه در آیین زرتشتی مدت زمان ازدواج موقت قید می‌شده است، شواهدی مبنی بر پرداخت مهریه توسط مردان و حضور شاهدان در زمان ازدواج در دست نیست. دختران نیز بدون رضایت سرپرست یا ولی خود می‌توانستند ازدواج موقت کنند؛ هرچند بهتر بوده این عمل با رضایت سرپرست آنان انجام شود. در دین

زرتشت، ازدواج موقت بدون اذن ولی سبب محروم شدن دختر از ارث و حق جانشینی نمی‌شود؛ اما زن موظف است تا پایان مدت در ازدواج موقت باقی بماند. در این ازدواج موقت زوجین از یکدیگر ارث نمی‌برند. از آنجایی که در آیین زرتشت، فرزندان حاصل از ازدواج موقت، فرزندان مشروع به شمار می‌رفتند، هدف از این نوع ازدواج‌ها به وجود آوردن وارث ذکور و برطرف کردن نیاز هم‌کیش نیازمند بوده است (بادامچی و همکاران، 1394).

3-1. ازدواج موقت در زمان جاهلیت (پیش از ورود اسلام به عربستان)

منته و به تعبیر برخی از کتاب‌های فقهی و قانون مدنی، نکاح منقطع یا چنانکه امروز مصطلح است ازدواج موقت، یکی از عادت‌های عصر جاهلی است که مانند بسیاری دیگر از عادات آنها در ابتدای اسلام تأیید شده و به اصطلاح جزء احکام امضایی است. شارع مقدس، یا این نوع حکم‌ها را از ابتدا تأیید نهایی کرده یا پس از تعدیل، آنها را تأیید یا رد نهایی کرده است. البته بعضی معتقدند نکاح منته جزء احکام تأسیسی اسلام است؛ ولی این دیدگاه با داده‌های تاریخی همخوانی ندارد. به هر حال با توجه به اینکه برخی از رسوم عرب‌های پیش از اسلام برگرفته از ادیان الهی بوده و اسلام آنها را تأیید کرده است، شاید بتوان گفت که ازدواج موقت نیز از جمله احکام و قوانینی بوده که پیش از اسلام، هرچند به شکلی متفاوت وجود داشته است.

در جوامع عرب‌نشین، قبل از گرویدن به اسلام بنا به شیوه زیست قبیله‌ای مرسوم در آن جوامع، گونه‌هایی از ازدواج مرسوم بوده است. این جوامع حتی از نکاح‌های زشت و ننگ‌بار با برخی خویشان خود پرهیز نمی‌کردند؛ چنانکه به ازدواج با زن پدر به شرط آنکه مادر خودشان نباشد، یا ازدواج همزمان با دو خواهر (جمع بین الاختین) دست می‌یازیدند. مردم عرب در دوران پیش از اسلام به قوانین و آیین‌های عرفی پایبند بودند؛ چنانکه آنان در همان دوران، ازدواج با شماری از زنان را حرام می‌دانستند که اسلام نیز حرمت آن را امضا و تقریر کرد. مرد عرب با دختر، مادر، خواهر، خاله یا عمه خویش ازدواج نمی‌کرد و اساساً نزد عرب، اصل بر این بود که نکاح با محارم، حرام است. شکل اصلی و رایج نکاح در میان اقوام عرب (قبیله قریش و بیشتر قبایل

عرب) همانند این روزگار، ازدواجی به نام «بعوله» (پیوند زناشویی) بوده است. بر مبنای این ازدواج، مرد (بعل) و زن (بعلة)، هر دو زن و شوی و همسران یکدیگر می‌شدند و هرگاه با این ازدواج، فرزندی متولد می‌گشت، آن فرزند در نَسَب، تابع پدر بود. البته مرد می‌توانست تعداد بسیاری از این زنان داشته باشد (چندهمسری) یا آنکه به یک همسر بسنده کند (تک‌همسری). این ازدواج (بعوله) به دو شکل صورت می‌پذیرفت: یا به صورت عادی و با رضایت طرفین یا پس از وقوع جنگ در میان قبایل و با اسارت زنان. گفتنی است که در شکل عادی، ازدواج بر سه عنصر «خواستگاری»، «مهریه» و «عقد» تکیه داشت. اما در ازدواج با اسیر جنگی، رسم بر این بود که هر یک از مردان قبیله فاتح می‌توانستند از میان زنان اسیرشده، براساس قرعه‌کشی یکی را برگزینند. آنگاه اگر زن برای آن مرد، فرزندی می‌آورد، خودبه‌خود همسر و زوج او می‌گردید و مرد نیز شوهر وی به شمار می‌رفت. به هر روی، پس از ازدواج (بعوله)، زن تحت حمایت و سرپرستی مرد قرار می‌گرفت. بدیهی است که رواج این گونه زناشویی بیانگر آن است که در آن دوران نه تنها در امر ازدواج هرج و مرج نبوده، بلکه رسم و مرامی استوار در میان بوده است. اما باید دانست که تعلق یک‌سویه زن به مرد، آنچنان شدید و بغرنج بود که زن پس از ازدواج به ملکیت مرد درمی‌آمد؛ به طوری که پس از وفات مرد، زن همچون یکی از اموال به جای مانده (ترکه) به وارثان می‌رسید. در حالت عادی مرد از ولی دختر و نه خود او خواستگاری می‌کرد و بدون آنکه رضایت دختر مطرح باشد، همین ولی (پدر، برادر یا عمو) رد و قبول آن خواسته را برعهده داشت و او بود که از خواستگار، «مهریه» را می‌ستانید. مهریه حتماً باید پرداخت می‌شد؛ زیرا این خود، «ثمن» و بهایی برای زن به شمار می‌آمد. بی‌گمان سعی ولی بر آن بود که مبلغ مهریه که خود نشانی از شرافت زن بود، گزاف باشد. دختری را که چون کالا مورد معامله قرار می‌گرفت، نافجه می‌نامیدند. نافج به هر چیزی اطلاق می‌شود که ثروت و دارایی فردی را اضافه کند و مهریه این دختران به پدر تعلق گرفته و ثروت آنها را فزونی می‌بخشید. در میان بادیه‌نشینان رسم بر این بود که خواستگار برای پرداخت مهریه، تعدادی شتر را تا خیمه زن می‌آورد؛ در حالی که عرب شهرنشین وجه نقد (درهم و دینار) را ترجیح می‌داد. عرب در جاهلیت برای انجام ازدواج از

چارچوب و روشی دینی پیروی نمی‌کرد؛ زیرا در آن دوران، ازدواج یک عقد مدنی محض، به‌سادگی بیع بود و آنچه امروزه در برگزاری عقد ازدواج به عنوان یک چارچوب شرعی، معمول و معهود است، در جاهلیت وجود نداشت و حتی ممکن بود که یک عقد ازدواج بدون شاهد برگزار شود. این سخن به معنای این نیست که در آن روزگار، دین و آیین عرب در امر ازدواج دخالتی نداشته است؛ چنانکه حرمت نکاح با محارم که پیش‌تر به آن اشاره شد، خود از دیدگاهی شرعی نشئت می‌گرفت. همچنین براساس یک تلقی شرعی و عرفی، مایه افتراق میان «نکاح» و «زنا» همان مهریه‌ای بود که در نکاح و عقد، تعیین و سپس پرداخت می‌شد؛ اما در زنا چیزی به عنوان مهریه وجود نداشت (منتظری مقدم، 1384). علاوه بر ازدواج بعوله گونه‌های دیگر ازدواج نیز در میان اعراب رایج بود که عبارت‌اند از (همان، 1384):

الف) نکاح ضیمن (نکاح موقت، نکاح وراثتی): اعراب در دوران قبل از اسلام، خود را به نکاح با مادر نمی‌آلودند؛ اما ازدواج با زنان پدر را سزاوار می‌دانستند. لذا همین که مرد (پدر) از دنیا می‌رفت و زنی از او باز می‌ماند، پسران (یا اقربای) آن متوفی نسبت به زن بازمانده، صاحب امتیاز بودند. آینده چنین زنی به خواسته پسر و در صورت تعدد فرزندان، پسر بزرگ‌تر و آنگاه دیگر اقربای متوفی بستگی داشت که یا آن زن را خود به خود (بی هیچ مهریه و عقدی) به نکاح خویشتن درمی‌آورد و یا آنکه مهر «عضل» (منع) بر او می‌نهاد که در این صورت، آن زن بازمانده اجازه نداشت با دیگری ازدواج کند و بر همان حال باقی می‌ماند تا زمانی که فوت کند. همچنین ممکن بود که پسر یا یکی از اقربا که وارث نکاح این زن به شمار می‌آمدند، با اخذ مالی، زن را آزاد بگذارند تا به اختیار خود با مردی دیگر ازدواج نماید. نیز این احتمال وجود داشت که وارث، عفو و گذشت کند و بدون گرفتن مال، زن را به تزویج دیگری درآورد. با ظهور اسلام، این نکاح تحریم شد و مسلمانان بنا به نص قرآن کریم از نکاح با زنان پدران خود منع شدند تا آنجا که این نکاح به «فاحشه»، «مقت» و «شیوه‌ای ناپسند» معرفی شد.

آیه 19 سوره نساء قانون به ارث رسیدن زنان را تحریم کرده است و مردم را از تحت فشار قراردادن زنانی که شوهر خود را از دست داده‌اند، منع می‌کند. همچنین آیه 22 همان سوره³¹ از ازدواج با زنانی که همسر پدران افراد بوده‌اند، نهی می‌کند و این نهی اخیر، عام‌تر از حالت به ارث رفتن زنان شوهرمُرده است.

ب) جمع بین دو خواهر: عرب در جاهلیت به طور همزمان با دو خواهر ازدواج می‌کرد که در زبان عربی از آن به «جمع بین الأختین» تعبیر می‌شود. ظاهراً در بیشتر موارد، این دو خواهر در دو نکاح جداگانه و یکی پس از دیگری، بدون آنکه اولی مطلقه یا متوفی شود، به ازدواج با یک مرد درمی‌آمدند؛ اما گاهی نیز چنین امری در یک نکاح واقع می‌شد. همچنین ممکن بود که یک مرد، همزمان با تعداد بیشتری از چند خواهر ازدواج کند. پس از ظهور اسلام این نکاح بنا به نص قرآن کریم³² و نیز نهی رسول اکرم ممنوع شد.

ج) نکاح بدل: در نکاح بدل، مردی به مرد دیگری می‌گفت: تو برای من دست از همسرت بردار و من نیز برای تو دست از همسرم برمی‌دارم. پس اگر مردِ مخاطب، این تقاضا را اجابت می‌کرد، آنگاه این خود مبادله‌ای در ازدواج به شمار می‌آمد. در واقع، در این ازدواج، زنانشان را با یکدیگر مبادله می‌کردند.

د) نکاح شغار: در این نکاح، مرد عرب، دختر یا خواهرش را به ازدواج با مردی دیگر درمی‌آورد و در برابر آن، دیگری نیز دختر یا خواهرش را به تزویج او درمی‌آورد. در این ازدواج، مهریه‌ای در بین نبود و هر زن، مهریه زن دیگر محسوب می‌شد. گفتنی است «شغار» از ریشه «شَغَرَ» به معنای دور ماندن است و چون در این

31. آیه 22 سوره نساء: «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا: و نکاح مکنید زن پدر را (بعد از این حکم) الا آنچه از پیش کرده‌اید، زیرا این کاری است زشت و مبعوض (خدا) و بد راه و رسمی است»؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 120، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

32. سوره نساء، آیه 23: «...وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا: بر شما حرام شده است جمع دو خواهر با همدیگر؛ مگر آنچه در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است»؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 121، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

نکاح، زن از مهریه دور نگاه داشته می‌شد، به آن شغار می‌گفتند. البته در این نکاح ضرورت داشت مرد، زنی را که زیر ولایت او بوده به ازدواج با طرف مقابل درآورد. پیامبر این نکاح را نیز منع کرده است.^{۳۳}

(ز) **نکاح متعه:** متعه یا ازدواج موقت در دوران جاهلیت معروف بوده است (اشمی، 1960: 162). در این نکاح از ابتدا مدت ازدواج معلوم شده و با پایان آن مدت، زن و شوی از هم جدا می‌شدند. به چنین ازدواج موقتی «متعه» می‌گفتند؛ زیرا به قصد استمتاع از زن (در مدتی مشخص) تحقق می‌یافت، چنانکه تاجران و نیز جنگجویان در سفر و در مناطقی دور از خانه و وطن به نکاح متعه می‌پرداختند که وقتی مدت آن پایان می‌یافت، عقد خودبه‌خود فسخ می‌شد و آن شخص رهنورد (مثلاً تاجر) نیز به راه خود ادامه می‌داد (جوادعلی، 1413: 537).

دربارهٔ مراحل انجام این ازدواج گاهی گفته می‌شود «غالباً در متعه، مهریه و خواستگاری ساقط می‌شد.» در این خصوص باید گفت مسلماً در متعه، خواستگاری به معنای متعارف آن کمتر صورت می‌گرفت و بیشتر به شکل عقدی خصوصی میان مرد و زن برگزار می‌شد؛ اما مهریه‌ای (به احتمال زیاد به خود زن) پرداخت می‌شد. با اینکه متعه نکاحی مدت‌دار است، برخی آن را بسیار به ازدواج بعوله شبیه دانسته‌اند. با این حال، براساس برخی گزارش‌های تاریخی برای برگزاری متعه همانند ازدواج بعوله اذن ولی زن و نیز حضور دو شاهد ضروری بوده است و همچنین پس از انقضای آن، ضرورت داشته که زن عده نگه دارد. برخی محققان بر این باورند که فرزند به دنیا آمده از این نکاح به مادر منتسب می‌شد؛ زیرا چنین ازدواجی بیشتر در سفرهایی رخ می‌داد که پس از نکاح، زوج از زوجه (و نیز از فرزند) جدا می‌شد (جوادعلی، 1413: 39).

به هر روی در آن زمان، متعه ازدواجی شایع بود و به ویژه در شهر مکه به دلیل آمد و رفت مسافران (برای حج و تجارت) رواج داشت؛ به گونه‌ای که حتی زنانی نیز به همین قصد به مکه می‌آمدند (ترمانینی، بی‌تا: 43). متعه

³³. «ان رسول (ص) نهی عن الشغار» صحیح بخاری، اسماعیل ابو عبدالله بخاری.

در میان اعراب تا پس از ظهور اسلام استمرار داشت و سپس اسلام نیز آن را امضا کرد. از آنچه گذشت می‌توان دریافت که متعه در دوره‌هایی که رایج بوده، از عصر جاهلی گرفته تا اوایل دوره اسلامی، هیچ قباحتی نداشته است (همان: 47-8).

در منابع اهل سنت تأکید شده است که متعه در زمان پیامبر و در زمان فتح قلعه خیبر (629 م. / 7 هجری) و به دستور صریح ایشان منع شده است. امام سبکی می‌گوید: «اگر کسی زنی را عقد کند و آن را مقید به زمانی محدود نماید، عقد باطل است». سبکی اشاره می‌کند که چنین عقدی در اوایل اسلام وجود داشت؛ لیکن احادیثی چند را در نهی از چنین عقدی ذکر می‌کند. از جمله به حدیثی اشاره می‌کند که راوی آن حضرت علی (ع) است: «إن رسول الله نهى عن النكاح المتعه و عن الحرم الاحلہ زمن الخیر» (بخاری، بی‌تا: 12). بنا بر روایت اهل سنت، متعه چهار سال پیش از فوت پیامبر نهی و منسوخ شده است.

4-1. ازدواج موقت پیش از انقلاب اسلامی

قبل از قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ در ایران مردان حق داشتند چهار همسر و تعداد نامحدودی زن صیغه‌ای داشته باشند. اما براساس این قانون، مرد موظف شد برای ازدواج مجدد از دادگاه اجازه بگیرد. دادگاه نیز باید درباره او و توانایی مالی اش تحقیق می‌کرد و در موقع مناسب با زن اول وی تماس می‌گرفت و از او نیز تحقیق می‌کرد. به این ترتیب، ازدواج مجدد بدون اجازه دادگاه جرمی کیفری بود. قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۴ ضمن حفظ قانون قبلی، شرایط سخت‌تری برای تعدد زوجات در نظر گرفت. در این قانون «رضایت زن اول» نیز شرطی لازم برای ازدواج مجدد قرار گرفت. این قانون استثنایی داشت، مثلاً رضایت زنی که نمی‌توانست بچه‌دار شود یا نمی‌توانست با همسرش روابط جنسی برقرار کند، شرط نبود؛ ولی زن حق داشت به دلیل اینکه شوهرش زن دوم گرفته‌است، تقاضای طلاق دهد. در این قانون در مورد صیغه چیزی عنوان نشده بود. اما وزارت دادگستری محضرهای رسمی را موظف کرد از هر مردی که تقاضای ازدواج موقت می‌کند، اظهارنامه‌ای بگیرند مبنی بر اینکه هیچ زن دیگری ندارد (ساناساریان، 1384: 146-153).

بحث ازدواج موقت که از مدت‌ها قبل رواج داشته، به‌خصوص در شهرهای مذهبی به عنوان سنتی شرعی مدنظر بوده است. پیش از سال ۱۳۳۵ زنان خواهان ازدواج موقت به معتمدان محلی مراجعه می‌کردند و ایشان نیز زمینه‌آشنایی طرفین را سبب می‌شدند. پس از سال ۱۳۳۵ با نظر فرح دیبا صدور اوراق صیغه‌نامه متوقف می‌شود؛ اما این کار به صورت غیررسمی و شرعی ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر، در سال ۱۳۳۵ و پس از ممنوعیت چندمتری و درج عقد انقطاع در عقدنامه‌ها توسط فرح دیبا (در عقدنامه‌های حال و گذشته در قسمت نوع عقد می‌توان نوشت دائم یا انقطاع) این نوع ازدواج به صورت رسمی منع شد.

2. مبحث دوم: مبانی دینی و فقهی ازدواج موقت

از نظر اسلام ازدواج، پیمانی مقدس است و برقراری این پیمان براساس مقررات، آداب و رسوم، تشریفات و قوانین خاصی صورت می‌پذیرد. دین اسلام به ازدواج عنایت و تأکید فوق‌العاده‌ای دارد؛ به طوری که پیامبر اسلام می‌فرماید: «هیچ چیزی نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج نیست.» همچنین ایشان ازدواج نکردن را اعراض از سنت خویش، یعنی دوری و بیگانگی او از سیره و مشی نبوی می‌داند و خانه‌ای را که ازدواج در آن صورت پذیرد، بهترین خانه می‌داند (مظاهری، ۱۳۶۴: ۸۹).

از دیدگاه اسلام ازدواج کمال دین و ترک ازدواج دلیل نقصان آن است. اسلام ارزش عبادت شخص متزوج را هفتاد برابر شخص مجرد می‌داند. از دیدگاه اسلامی شخص متزوج با ازدواج خود نصف دین و ایمان خویش را از خطرها و آفت‌ها حفظ می‌کند. انسان تا زمانی که ازدواج نکند، دینش در خطر است؛ زیرا غرایز جنسی، فشارهای روحی، احساس تنهایی و بیهودگی، نداشتن پناهگاه و عدم احساس مسئولیت اجتماعی و دیگر زیان‌های مجرد بودن، به ریشه و اساس ایمان انسان لطمه می‌زند و آن را متزلزل می‌سازد. اما در اثر ازدواج و تشکیل خانواده و قرار گرفتن در کنار همسری شایسته و محبوب و همدم، هم‌غریزه جنسی کنترل می‌شود، هم آرامش روحی به وجود می‌آید و هم توکل انسان به خدا بیشتر می‌شود و از حالت پریشانی خارج می‌شود،

احساس امنیت و شخصیت می‌کند، چشم و فکرش از جاهای دیگر جدا شده و به همسرش متوجه می‌گردد (حسینی بهارنچی، 1383: 18). در قرآن کریم سه آیه درباره اهمیت اصل ازدواج آمده است:

الف) وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید؛ اگر تنگدست هستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست^{۳۴}

ب) مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ: و از نشانه‌های او اینکه از اینک از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است^{۳۵}

ج) وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرَبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا: و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد دو دو، سه سه، چهار چهار به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید] این [خودداری] نزدیک‌تر است تا به ستم گرایید^{۳۶}

از دیدگاه اسلامی ازدواج فواید بسیاری دارد که براساس مزایای آن، فلسفه وجود ازدواج تبیین می‌شود. بقای نسل، آرامش و تعادل روحی و جسمی، سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه، تأمین نیازهای طبیعی و غریزی انسان‌ها، ارضای حس محبت کردن و دریافت محبت و... از مزایای ازدواج است.

³⁴. سوره نور، آیه 32؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 536، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

³⁵. سوره روم، آیه 21؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 618، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

³⁶. سوره نساء آیه 3؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 114، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

فقیهان براساس آیات و روایاتی که از اهمیت ازدواج گفته‌اند، ازدواج را از مستحبات مؤکد برشمرده‌اند و آن را برای کسی که ممکن است به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب دانسته‌اند. در اسلام به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد و مرد به زن حلال می‌شود و عقد ازدواج بر دو قسم است: دائم و غیردائم (ازدواج موقت). عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و همیشگی باشد و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند، دائمه گویند و عقد غیردائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود؛ مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند؛ ولی باید مدت ازدواج از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها زیادتر نباشد که در این صورت عقد باطل خواهد بود، و زنی را که به این قسم عقد کنند «متعّه» یا «صیغه» می‌نامند (سیستانی، 1392: 451). البته درباره حد اکثر زمان عقد موقت، اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی معتقدند مدت ازدواج باید از عمر زن و شوهر یا یکی از آنها زیادتر نباشد و در این حالت عقد باطل خواهد شد. اما بیشتر علما معتقدند چنین محدودیتی وجود ندارد و طرفین می‌توانند برای مدت طولانی مثلاً 50 سال یا بیشتر عقد کنند؛ اما زمان باید به صورت دقیق در صیغه ذکر شود.

بنابراین ازدواج موقت یا عقد غیردائم که موضوع بررسی این پژوهش است، یکی از انواع ازدواج است که فقیهان شیعه آن را تأیید می‌کنند؛ اما در میان اهل سنت این نوع ازدواج از رسته ازدواج‌های نامشروع است. هر دو گروه فقهای شیعه و اهل سنت، دلایلی از قرآن، سنت و روایات درباره مشروعیت داشتن و نداشتن متعه می‌آورند که در ادامه به صورت مختصر به آنها اشاره می‌کنیم.

1-2. معنای لغوی و اصطلاحی متعه

واژه مُتَعِه، اسمی است برای بهره‌مند شدن و لذت بردن؛ بهره‌ای که همیشگی نبوده و به زودی پایان می‌یابد. خداوند در قرآن از این ماده با واژگان «المتاع» (کالا)، «التمتع» (بهره‌مندی) و «الاستمتاع» (بهره‌مند شدن) یاد کرده که معانی آن هرچند تا حدودی با هم اختلاف دارند؛ اما همگی به یک اصل واحد بازمی‌گردند. ازهری می‌گوید متعه هر آن چیزی است که انسان از آن بهره‌مند می‌شود و متعه حج، یعنی اینکه به حج خود، حج عمره

را اضافه کنی و متعه زن آن چیزی است که بعد از طلاق به او داده می‌شود. متعه در اصطلاح، عقد مخصوصی است که به سبب آن رابطه زوجیت تا مدتی مشخص و در مقابل مهریه‌ای معین صورت می‌گیرد (حاجی اسماعیلی، 1391).

2-2. مشروعیت متعه

2-2-1. دلایل قرآنی

فقه‌های شیعه براساس آیه 24 سوره نساء برای مشروعیت ازدواج موقت ادله قرآنی می‌آورند:

«وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَكَأَنَّ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا: و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده‌اند] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر شده است و غیر از این [زنان نامبرده]، بر شما حلال است [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید؛ در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است.»³⁷

بعضی از واژه استمتاع که در عرف به معنای ازدواج موقت است، چنین استفاده کرده‌اند که بنای شارع بر این بوده که احکام را مطابق فهم متعارف مردم بیان کند و در صورت عدم قرینه برخلاف، برای فهم الفاظ شرعی مثل بیع، ربا و... معنای عرفی متشرعه معیار است. از این رو، لفظ استمتاع نیز باید بر معنای عرف شرعی حمل گردد (طبرسی، 1406: 53). اهل سنت معتقدند لفظ استمتاع به معنای مطلق التذاذ و انتفاع است و در نتیجه، استمتاع بر معنای لغوی حمل شده و آیه بر نکاح دائم دلالت می‌کند (فخر رازی، بی تا: 49).

³⁷. سوره نساء آیه 24؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 121، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

2-2-2. دلایل روایی مشروعیت

در حدیثی از امام باقر(ع) نقل شده است که از حضرت سؤال کردند: آیا بر کسی که ازدواج موقت می‌کند، ثوابی هم می‌دهند و آن حضرت در پاسخ فرمودند: هرگاه کسی به خاطر رضایت خدا و مخالفت با تحریم‌کننده آن، زنی را به عقد موقت خود درآورد، به خاطر هر کلمه‌ای که با آن زن سخن بگوید برایش حسنه نوشته می‌شود. دستش را به سوی او دراز نمی‌کند، مگر اینکه خداوند به خاطر آن ثوابی برای او ثبت می‌کند و اگر به او نزدیک شد، خداوند به میمنت آن گناهی از او می‌بخشد. پس اگر غسل جنابت نمود، به عدد موهای بدنش که آب غسل از روی آن جریان پیدا می‌کند، خداوند گناه از او می‌بخشد. راوی با تعجب می‌پرسد: به تعداد موها؟ حضرت می‌فرماید: بله به تعداد موها (شیخ صدوق، 1413: 463).

در روایت دیگری عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) نقل می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ عَلَيَّ شَيْعَتَنَا الْمُسْكَرَ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ وَعَوَضَهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْمَتَعَةِ: خداوند تبارک و تعالی هرگونه نوشیدنی مست‌کننده را بر پیروان ما حرام و به جای آن متعه را بر آنان حلال کرد.» البته برخی روایات، با وجود بی‌نیازی از متعه، آن را مستحب دانسته‌اند. مثلاً روایتی وجود دارد که اسماعیل بن فضل هاشمی به امام صادق(ع) عرض می‌کند: «تمتعت منذ خرجت من أهلك؟ قلت للكثرة ما معي من الطروقة أغناني الله عنها قال: و إن كنت مستغنياً فإني أحب أن تحيي سنة رسول الله(ص)» (حرر عاملی، بی‌تا: 444). در این روایت با اینکه راوی می‌گوید من نیازی به این عمل ندارم، اما امام می‌فرماید: اگرچه بی‌نیاز هستی، ولی دوست دارم که سنت خداوند را ترویج کنی. در حقیقت، این روایت به فلسفه سیاسی متعه، یعنی احیای سنت اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، ازدواج موقت به خودی خود مباح است؛ مگر به قصد احیای سنت یا احساس نیاز فرد که در این دو حالت، مستحب است. البته در فرض دوم، اگر نیازمندی به حدی باشد که خوف ارتکاب گناه وجود داشته باشد (مثلاً امکان ازدواج دائم نباشد)، واجب می‌شود. بنابراین ممکن است در عین بی‌نیازی، با هدف احیای سنت به این عمل در روایات توصیه شده باشد.

در بعضی روایات نیز امام صادق(ع) متعه را به صورت موردی نهی کرده است. مثلاً به دلیل مسائل سیاسی و ارتباط نزدیک برخی از یاران امام صادق(ع) با ایشان، اصحاب را از ازدواج موقت نهی می‌کردند تا مبادا مخالفان چنین تبلیغ کنند که یاران نزدیک امام صادق(ع) افرادی هوسران هستند. برای نمونه در روایتی از عمار آمده است: «قال ابو عبدالله(ع) لی و لسلیمان بن خالد: قد حرمت علیکما المتعه من قبلی ما دمتما بالمدينة لانکما تكثران الدخول علی و أخاف أن توخذا، فیقال: هؤلاء أصحاب جعفر» (همان: 450). عمار از امام صادق(ع) نقل می‌کند که آن حضرت به من و سلیمان بن خالد امر فرمود تا زمانی که در مدینه هستید، متعه را بر شما حرام می‌کنم؛ زیرا زیاد با من معاشرت می‌کنید و خوف آن دارم که سرزنش شوید و بگویند که یاران ابوجعفر این‌گونه هستند.

مرتضی مطهری در این زمینه می‌گوید: «به نظر بنده آنجا که ائمه اطهار مردان زنده را از این کار منع کرده‌اند، به اعتبار حکمت اولیه این قانون است. خواسته‌اند بگویند این قانون برای مردانی که احتیاج ندارند، وضع نشده است، چنانکه امام کاظم(ع) به علی بن یقظین فرمود: ... آنجا که عموم افراد را ترغیب و تشویق کرده‌اند به خاطر حکمت ثانوی آن یعنی «احیای سنت متروکه» بوده است؛ زیرا تنها ترغیب و تشویق نیازمندان برای احیای سنت متروکه کافی نبوده است» (مطهری، 1369: 50).

پس همانطور که گفتیم متعه به‌خودی‌خود امری مباح است و با عناوین ثانوی و بالعرض ممکن است به احکام خمسۀ دیگر (وجوب، کراهت، تحریم، استحباب و اباحه) متصف شود؛ چنانکه صاحب حدائق درباره اصل ازدواج می‌گوید: «إن النکاح إنما یوصف بالاستحباب بالنظر إلیه فی حد ذاته یعنی مع قطع النظر عن اللواحق المتعلقة به و إلا فإنه ینقسم الی الاقسام الخمسه» (بحرانی، بی‌تا: 11-17) اساساً ازدواج به‌خودی‌خود مستحب است؛ اما ممکن است به اعتبار مسائل جانبی به احکام خمسۀ تقسیم شود.

بعضی از اهل سنت قائل اند که بنا به آیه طلاق و عده در سوره طلاق، حکم متعه و آیه نخست (نساء: 24) نسخ شده است (فخر رازی، بی تا: 49)؛ چراکه این آیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أُمُوراً:» ای پیامبر چون زنان را طلاق گوئید در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گوئید و حساب آن عده را نگه دارید و از پروردگارتان بترسید آنان را از خانه هایشان بیرون مکنید و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی دانی شاید خدا پس از این پیشامدی پدید آورد.³⁸ براساس این آیه، جدایی زوج و زوجه مشروط بر طلاق است و پس از آن هم نگه داشتن عده لازم است و چون در متعه، طلاق وجود ندارد، پس این آیه منافی متعه است.

برخی دیگر از اهل سنت معتقدند نسخ به آیه 12 سوره نساء صورت گرفته است: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ...» سهم ارث شما مردان از ترکه زنانان نصف است...» براساس این آیه، چون در نکاح منقطع بین زوج و زوجه ارث وجود ندارد، پس «متمتع بها» در متعه، زوجه نیست. بنابراین آیه فوق منافی حلیت متعه بوده و آیه استمتاع را نسخ می کند (همان: 50).

2-3-2. دلایل روایی تحریم

اولین روایتی که فقهای اهل سنت به آن استناد می کنند، روایت ترمذی از ابن عباس است. ابن عباس می گوید: «ازدواج موقت در اول اسلام رایج بود و هرگاه مردی به شهری وارد می شد که در آنجا آشنایی نداشت، به همان اندازه که در آنجا می ماند با زنی ازدواج می کرد تا زن وسایلش را برایش حفظ کند و حالش را اصلاح کند تا زمانی که این آیه نازل شد: «أَلَا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ...» مگر در خصوص

³⁸. آیه 1، سوره طلاق؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 849. تهران: انتشارات باقرالعلوم.

همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست.»³⁹ از این روایت برمی آید که نکاح متعه در ابتدای اسلام حرام شد، چون از عادات جوامع جاهلی و مشرک بود (عبد الرحمن المبارکفوری: بی تا: 269/4).

در مسند امام احمد آمده است: «مردی از ابن عمر درباره نکاح متعه سؤال کرد، او عصبانی شد و گفت: «قسم به خدا ما در عهد پیامبر خدا (ص) زناکار نبوده ایم» (ابن حنبل، بی تا: 87/2). همچنین از خلیفه چهارم روایت شده که در روز فتح خیبر پیامبر (ص) دستور نهی و تحریم متعه را صادر کرده است.

3-2-4. اختیارات حکومتی

بعضی نهی خلیفه دوم از متعه را به دلیل نسخ آن دانسته‌اند؛ اما جمله معروف خلیفه دوم ظهور در این دارد که خلیفه دوم نهی متعه را به خودش استناد داده است؛ چون تعبیری از وی نقل شده که «متعان» در عصر رسول الله (ص) جایز بوده و «من» این دو (متعۀ حج و متعۀ زن) را بر شما حرام می‌کنم (بیهقی، بی تا: 206). تحریم متعه از جانب خلیفه دوم به استناد حکم حکومتی بوده است. گویا او چنین استنباط کرده که این حکم از اختیارات حکومت است. از ظاهر کلام خلیفه دوم نیز همین مطلب برداشت می‌شود؛ چون تحریم را به خود نسبت می‌دهد و به اعتقاد او مصلحت در آن زمان چنین ایجاب می‌کرده است. گفتنی است این روایت که خلیفه دوم تحریم متعه را به خود نسبت می‌دهد، در هیچ کدام از کتب روایی معتبر اهل سنت که به صحاح سته (کتب شش گانه احادیث صحیح) مشهور هستند، روایت نشده و از نظر علمای حدیث‌شناسی مردود است. بنابراین اهل سنت تحریم نکاح متعه را به نهی پیامبر که قبلاً گفته شد، منتسب می‌دانند و این روایت از خلیفه دوم و استفاده او از اختیارات حکومتی را برای الغای نکاح موقت رد می‌کنند.

³⁹ آیه 6، سوره مؤمنون؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 516، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

البته نوع دیگری از ازدواج در میان اهل سنت وجود دارد به نام «ازدواج مسیاری» که چندان فراگیر نیست. اهل تشیع، مسیاری را با ازدواج موقت یکسان می‌دانند. در ادامه به طور مختصر ازدواج مسیاری و تفاوت آن با ازدواج موقت را بررسی می‌کنیم.

4-2. ازدواج مسیاری

نکاح مسیاری همان ازدواج شرعی با شروط و ارکان معروف در علم فقه است که در آن، زن با رضایت خود متضمن می‌شود از بعضی حقوق شرعی خود که برعهدهٔ زوج است، مانند نفقه و مسکن و رعایت قسم (عدالت در همبستری بین همسران، یعنی مرد بدون محدودیت و در وقتی معلوم که با اختیار و رضایت زن و مرد مشخص شده است، نزد او می‌آید) چشم‌پوشی کند. شاید نام این ازدواج از سبب، به معنی رفتن نزد زن در شب یا روز می‌آید. همچنین ممکن است مسیاری بر وزن مفعال، به معنی مردی باشد که زیاد رفت و آمد می‌کند یا از کلمهٔ «التسیوره» که در منطقهٔ خلیج به معنی زیارت کوتاه در روز است، گرفته شده باشد. بارزترین دلایل تجویز ازدواج مسیاری برای مردان را می‌توان چنین برشمرد:

- اشباع نشدن مرد از همسر اول خود به علت سن زیاد زن
- ناتوانی مرد از تأمین هزینه‌های سنگین ازدواج دائم، از جمله مهریه، مسکن و... که امروزه هم بسیار

افزایش یافته است

- استقرار نداشتن دائمی در محل کار

اما دلایل تجویز آن برای زنان عبارت‌اند از:

- افزایش تعداد دختران مُسن، بیوه‌زنان و طلاق بین همسران
- حفظ پاکدامنی و داشتن فرزند، هنگام میسر نشدن ازدواج رسمی و علنی

• رفع نیاز زوجه هنگامی که ناچار است برای مراقبت از پدر و مادر در خانه آنان یا یکی دیگر از نزدیکان بماند

• مشغولیت زیاد به فرزندان و اشتغال در خارج از منزل

به دلیل مشکلاتی مانند ناپایداری نکاح مسیاری یا سوءاستفاده بعضی از افراد جامعه (زن یا مرد) از آن، برخی علما آن را تحریم کرده‌اند. از دیدگاه اهل سنت، ازدواج مسیاری اگر ارکان و شرایط شرعی خود مانند رضایت زوجین، حضور ولی و شاهدان و... را داشته باشد، صحیح است و چشم‌پوشی زن از بعضی حقوق خود در صحت عقد ازدواج خلل ایجاد نمی‌کند؛ چراکه نصوص شرعی در تأیید آن وجود دارد.

1. خداوند می‌فرماید: وَإِنَّ امْرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا «و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، به خاطر صلح، صرف نظر کند) و صلح بهتر است.»⁴⁰

عایشه، همسر پیامبر درباره سبب نزول این آیه می‌گوید: «زنی که شوهرش از او بهره کامل نمی‌برد و می‌خواهد طلاقش دهد و زنی دیگر را عقد کند، ولی زن به مرد می‌گوید مرا ننگه دار (طلاق مده) و زن دیگری عقد کن و در نفقه و قسم من اختیار کامل داری. این مصداق قول خداوند است که می‌فرماید: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (انصاری قرطبی، بی تا: 403/5). ابن کثیر نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: «اگر زن ترسید که شوهرش از او جدا شود یا اعراض کند، می‌تواند از حقوقش مانند نفقه، لباس، همبستر شدن و امثال اینها در مقابل شوهرش تنازل کند و شوهر می‌تواند آن را بپذیرد و هیچ کدام از زن و مرد در این مورد گناهکار به حساب نمی‌آیند» (ابن کثیر دمشقی، 561/2-562). از این رو فقها تصریح کرده‌اند که زن می‌تواند از حقوق

⁴⁰. آیه 128، سوره نساء، قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ص 145، تهران: انتشارات باقرالعلوم

خود در مقابل شوهرش چشم‌پوشی کند. تعداد زیادی از اعضای هیئت افتاء و دعوت و ارشاد در عربستان سعودی به صحت ازدواج بسیار فتوا داده‌اند.

ازدواج بسیار علاوه بر صحت شرعی، مصالحی نیز برای دو طرف دارد؛ برای نمونه وقتی مردی راغب است که از راه حلال ارضای جنسی شود، اما توان تحمل تکالیف آن و مخارج زن دوم را ندارد و زن نیز دوست دارد ازدواج کند و از نفقه و مسکن و رعایت عدالت در همبستری با او صرف نظر کند. در واقع، زن می‌خواهد شوهری داشته باشد تا دچار حرام نشود و پاکدامن بماند. احکام شرعی ازدواج دائم بر ازدواج بسیار نیز مترتب می‌شود. بنابراین در ازدواج بسیار مرد باید به زن مهریه بپردازد و شوهر از نظر نسبی پدر فرزندان است. در ازدواج بسیار همانند ازدواج دائم، بعضی از زنان خویشاوند زوجه (مانند مادرزن، خواهرزن و...) بر زوج حرام می‌شوند. همچنین زن در هنگام طلاق یا مرگ شوهر باید عده نگه دارد و در صورت مرگ یکی از زوجین، دیگری از او ارث می‌برد.

تفاوت‌های نکاح بسیار و نکاح متعه:

1. نکاح بسیار محدود به 4 زن است؛ در حالی که تعداد زوجات در متعه محدودیت ندارد.
2. هنگام عقد نکاح بسیار وجود شاهد شرط است؛ اما عقد صیغه به شاهد نیاز ندارد.
3. در ازدواج بسیار اعلان کردن عروسی واجب است؛ اما صیغه اعلان ندارد.
4. به اعتقاد اهل سنت «نکاح به شرط طلاق» حرام است. حتی بسیاری از علما «نکاح با نیت طلاق در دل» را حرام می‌دانند؛ اما متعه اصلاً طلاق ندارد و نوعی قرارداد تجاری است.
5. در ازدواج بسیار، زن در صورت فوت شوهر یا طلاق یا خلع، طبق قانون قرآن عده نگه می‌دارد؛ اما عده زن در نکاح متعه نصف آن چیزی است که قرآن فرموده است.
6. در نکاح بسیار همسران از یکدیگر ارث می‌برند؛ اما در ازدواج موقت چنین چیزی وجود ندارد.
7. در نکاح بسیار، نسب بچه متولدشده خودبه‌خود ثابت است و ثبوت لازم ندارد؛ ولی در ازدواج موقت نسب باید ثابت شود.

8. در ازدواج مسیاری زن حق نفقه، مسکن و عدالت در تقسیم شب دارد. این حقوق در اصل و اساس برای او ثابت است و او می‌تواند با اختیار خودش این حق را ببخشد؛ در حالی که در ازدواج متعه اصلاً زن چنین حقوقی ندارد که بخواهد ببخشد یا نه. بنابراین ازدواج مسیاری عملاً نوعی ازدواج دائم است که تمام حقوق و آثار ازدواج دائم بر آن مترتب می‌شود و زن در رابطه‌ای برابر و اخلاقی و با رغبت قلبی از حق ثابت خود می‌گذرد.

9. در نکاح موقت چیزی به نام «طلاق» وجود ندارد، بلکه با پایان یافتن وقت تعیین شده، عملاً ازدواج پایان می‌یابد؛ ولی نکاح مسیاری جز با طلاق پایان نمی‌یابد.

به طور کلی می‌توان گفت از نظر فقهی دو دیدگاه درباره متعه وجود دارد. دیدگاه مشروعیت متعه که اهل تشیع براساس تفسیر آیه 24 سوره نساء و روایات و ادله عقلی مبنی بر ضرورت اجتماعی متعه در زمان به تأخیر افتادن ازدواج مطرح می‌کنند و دیدگاه حرمت متعه که اهل سنت آن را مطرح می‌کنند. چنانکه به تفصیل گفته شد اهل سنت براساس استماع معنایی غیر از متعه از آیه 24 سوره نساء، تفسیر آیه اول سوره طلاق مبنی بر رکن بودن طلاق، دلالت آیه 12 سوره نساء مبنی بر ارث زوجه و نیز نهی پیامبر از متعه استدلال می‌کنند که متعه از انواع پیوندهای فاسد است.

3- مبحث سوم: ازدواج موقت در حقوق ایران

گفتیم که دین اسلام پیروان خود را به ازدواج دعوت کرده و اشباع این غریزه طبیعی را فقط از طریق ازدواج میسر دانسته و تجویز کرده است. بنابراین از دیدگاه اسلام ازدواج کاری مستحب و در برخی مواقع واجب است و چنانچه شرایط ازدواج دائم فراهم نباشد، فقه امامیه ازدواج موقت را تجویز کرده و آن را بهترین راه برای جلوگیری از انحراف برمی‌شمارد.

از دیدگاه حقوقی، نکاح و آثار آن نوعی نهاد حقوقی و اجتماعی است. در قوانین کشورهای خارجی اثری از نهاد حقوقی ازدواج موقت وجود ندارد. حتی قوانین برخی کشورهای اسلامی همچون ماده 55 قانون حقوق العائله البنانی فساد متعه را تصریح کرده است. اما قانون‌گذار ایرانی در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده

مصوب سال 1391 به نکاح موقت پرداخته و بنا به دلایلی به صورت مختصر درباره این نهاد حقوقی بحث کرده است. دکتر ناصر کاتوزیان در این خصوص می‌گوید: «نکاح منقطع در قوانین سایر کشورها وجود ندارد و با اینکه در آغاز برای شکل بخشیدن به روابط آزاد زن و مرد و جلوگیری از روابط نامشروع و به عنوان ضرورتی تاریخی به وجود آمد، بعدها مورد سوءاستفاده ثروتمندان خوش گذران واقع شد و جمعی آن را وسیله‌ای شرعی برای مباح ساختن روابط با معشوقه‌های خود ساختند و این تمهید حقوقی را درست برخلاف مبانی اخلاقی و روابط اجتماعی آن به کار بردند. این وضع باعث شده است تا قانون مدنی نیز در تنظیم قواعد آن به اختصار گراید و نویسندگان حقوقی نیز به سرعت از آن بگذرند و گاه وجود این نهاد حقوقی و اجتماعی را نادیده انگارند» (کاتوزیان، 1378: 76).

1-3 قانون مدنی و نکاح منقطع

مفاد قانون مدنی به موضوع ثبت و قانونمند کردن ازدواج موقت به عنوان نهادی قانونی، به اندازه ازدواج دائم توجه نداشته و تمامی جوانب و ابعاد آن را ارزیابی نکرده است. از این رو، قانون مدنی نیازمند تکمیل و تبیین جوانب حقوقی این نوع ازدواج است. با این حال در بعضی از مفاد قانون مدنی به بعضی احکام و آثار نکاح موقت تصریح یا اشاره شده است که آن موارد بدین قرارند:

ماده 1075: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.»

ماده 1076: «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین شود.»

ماده 1077: «در نکاح منقطع، احکام راجع به وراثت زن و مهر او، همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.» قانون مدنی وضعیت ارث را در ازدواج موقت به روشنی تبیین نکرده است؛ اما در ماده 940 می‌گوید: «زوجینی که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می‌برند.» پس براساس این ماده قانونی اگر ازدواج دائمی نباشد، ارث وجود ندارد.

ماده ۱۰۸۰: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است.»

ماده ۱۰۸۷: «اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح است و طرفین می توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.»

ماده ۱۰۹۵: «در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.»

ماده ۱۰۹۶: «در نکاح منقطع موت زن در اثنای مدت موجب سقوط مهر نمی شود و همچنین اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.»

ماده ۱۰۹۷: «در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی، تمام مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهر را بدهد.»

ماده ۱۰۹۸: «در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم و منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده، زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته، شوهر می تواند آن را استرداد نماید.»

ماده ۱۱۱۳: «در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد؛ مگر اینکه شرط شده باشد یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.»

ماده ۱۱۳۹: «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه به انقضای مدت یا بذل آن از طرف مرد از زوجیت خارج می شود.»

ماده ۱۱۵۲: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیرحامل دو طهر است؛ مگر اینکه زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.»

باید توجه کرد که مراد از «عده طلاق» در این ماده، همان جدایی بین زن و مرد است؛ وگرنه نکاح منقطع طلاق ندارد. همچنین اینکه ماده ۱۱۵۲ می گوید: «زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند» بدین معناست که زن در

سنی است که اقتضای سن او دیدن خون است و به تعبیر فقه «فی سن من حیض» است؛ اما به دلایلی غیر از حمل، خون حیض نمی‌بیند. در چنین موقعیتی عده زن در نکاح دائم، سه ماه و در نکاح منقطع، چهل و پنج روز است و اگر زن یائسه باشد، مطابق فقه امامیه عده ندارند.

ماده 1153: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.»

ماده 1154: «عده وفات چه در دائم، چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است؛ مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده او وضع حمل اوست.»

ماده 1158: «طفل متولد در زمان زوجیت متعلق به شوهر است.»

ماده 1159: «هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود، ملحق به شوهر است.»

2-3. ارکان متعه

ارکان متعه عبارت‌اند از صیغه (الفاظ مخصوص) عقد، طرفین عقد (زوج و زوجه)، مدت و مهر که در ادامه به ترتیب بررسی می‌شوند.

1-2-3. صیغه عقد متعه

عقد متعه همانند عقود دیگر با «ایجاب و قبول» که صریحاً بر قصد طرفین دلالت کند، واقع می‌شود. ماده 1062 قانون مدنی ایران مقرر کرده است «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.» اطلاق کلمه نکاح دربرگیرنده نکاح دائم و منقطع است. در نکاح منقطع همانند نکاح دائم، ایجاب از ناحیه زن است و قبول از جانب مرد.

3-2-2. طرفین عقد

طرفین عقد به زن و مردی اطلاق می‌شود که شرایط انعقاد نکاح موقت را داشته باشند. در نکاح متعه اگر زن مسلمان باشد، نکاح او با مرد غیرمسلمان جایز نیست. ماده 1059 قانون مدنی ایران در این خصوص می‌گوید: «نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست.» این حکم، مطلق بوده و برای هر دو نوع نکاح دائم و منقطع الزامی است.

دکتر محسن شفایی در کتاب *متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن* در تفسیر ماده 1059 قانون مدنی می‌گوید قانون مدنی ایران شق جواز را اختیار نموده است و از مفهوم مخالف ماده 1059 قانون مدنی ایران چنین استنباط می‌شود که نکاح مرد مسلمان با زن غیرمسلمان صحیح است (ولوجردی، 1371: 159). در این زمینه، اختلافات فراوانی بین علما و فقها وجود دارد. برخی از علمای اهل سنت و تشیع، ازدواج با زنان ادیان یهودی و مسیحی را جایز نمی‌دانند و عده‌ای از علمای اهل تشیع مانند شهید اول و ثانی، ازدواج منقطع را با اهل کتاب جایز و ازدواج دائم را حرام می‌دانند.

3-2-3. مدت متعه

یکی از ارکان اساسی نکاح منقطع، ذکر مدت است. زیرا ماده 1075 قانون مدنی می‌گوید: «نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد.» از سوی دیگر، طبق ماده 1076 قانون مدنی «مدت نکاح منقطع باید کاملاً معین باشد.» اما در صورتی که مدت نکاح مشخص نشود، بنا به فتوای آیت‌الله خمینی در *تحریر الوسيله*، ازدواج موقت به ازدواج دائم بدل می‌گردد (خمینی، 285/2). البته فقهای دیگری مانند شیخ مرتضی انصاری در *متاجر و شهید ثانی* در شرح *لعمه و مسالك الافهام* بر این عقیده‌اند که اگر مدت مشخص نشود، نکاح منقطع منعقد نشده و اصل نکاح باطل است. براساس قانون مدنی و قول مشهور، از آنجا که نکاح منقطع منوط بر مدت زمان و مهر معین است و قبل از آن، اراده باطنی متعقدین نیز اهمیت دارد، اگر اراده نکاح منقطع وجود داشته باشد، اما ظاهراً عقد دائم صورت بگیرد، نکاح باطل است و بر مبنای قاعده «العقود تابع للمقصود» قانون مدنی و

حقوق دانان معاصری چون سید حسین صفایی و دکتر حسین امامی چنین عقده را قبول ندارند و آن را باطل می‌دانند.

3-2-4. مهر متعه

برخلاف نکاح دائم در ازدواج منقطع، تعیین مهر شرط اساسی ازدواج منقطع است. براساس ماده 1095 قانون مدنی در نکاح منقطع مشخص نکردن مهر در عقد موجب بطلان است. اما درباره میزان مهریه چیزی بیان نشده است و همین که قابلیت معاوضه داشته باشد، کفایت می‌کند (ولوجردی، 1371: 167). همچنین براساس ماده 1097 اگر دخول صورت نگرفته باشد و مرد مدت نکاح را ببخشد، باید نصف مهریه را بپردازد.

3-3 احکام متعه

(در بخش احکام متعه درباره ارث، نفقه، انحلال متعه و عده بحث می‌شود.)

3-3-1 ارث

فقها درباره توارث اقوال متفاوتی دارند. برخی مانند علامه حلی و آیت‌الله خمینی بر این نظرند که در نکاح منقطع توارثی نیست، اعم از اینکه شرط کرده باشند یا نکرده باشند. برخی دیگر مانند شیخ مرتضی انصاری در کتاب متاجر از روایاتی یاد می‌کنند که در صورت شرط بر ارث، توارث در نکاح منقطع نیز جایگاه شرعی دارد. ماده 1077 قانون مدنی در این زمینه می‌گوید «در نکاح منقطع، احکام راجع به وراثت زن و مهر همان است که در باب ارث و در فصل آتی مقرر شده است.» ماده 940 قانون مدنی نیز بیان می‌کند «زوجینی که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می‌برند.» بنابراین قید **دائمی** بودن، شرط ارث‌بری است. در این ماده، قانون‌گذار در خصوص توارث نکاح منقطع سکوت کرده است؛ اما براساس قول مشهور و سکوت قانون‌گذار، مشخص می‌شود که توارث در نکاح منقطع به لحاظ قانونی و شرعی جایگاهی ندارد.

2-3-3. نفقه

طبق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ایران، نفقه عبارت است از «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.» همچنین ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی می‌گوید: «در عقد دائم، نفقه زوجه به عهده شوهر است.» در این بخش نیز قید **دائمی** بودن شرط پرداخت نفقه توسط مرد به زن است. بنابراین در نکاح منقطع، نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد. اما براساس ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد؛ مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.» بنابراین در صورتی که قبل از نکاح، نفقه در طول نکاح شرط شده باشد، مرد موظف است نفقه بپردازد.

3-3-3. انحلال متعه

الف) فسخ نکاح: قانون مدنی در ماده ۱۱۵۲ مقرر می‌دارد «عده فسخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است؛ مگر اینکه زن به اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.» این ماده بر قابلیت فسخ نکاح منقطع صحه می‌گذارد. در صورتی که ادامه نکاح منقطع به ضرر بنیان خانواده مرد و عسر و حرج برای زن شود، قانون‌گذار با فسخ نکاح و بذل مدت متعه و انقضای آن موافقت کرده است.

ب) انقضای مدت: با انقضای مدت نکاح منقطع، یعنی با پایان یافتن زمان متعه، زوجین از یکدیگر رهایی یافته و نکاح خودبه‌خود باطل می‌شود. در این صورت، اگر طرفین بخواهند به رابطه زوجیت ادامه دهند، باید با انعقاد نکاح دائم یا منقطع، دوباره رابطه زوجیت ایجاد کنند.

ج) بذل مدت: مرد هر زمان که بخواهد می‌تواند با بذل مدت باقیمانده به رابطه زناشویی خاتمه دهد که در این صورت نکاح منقطع منحل می‌شود.

د) فوت: یکی از زوجین خودبه‌خود به رابطه‌ی زوجیتِ زوجین خاتمه می‌دهد و درخصوص انحلال آن، ماده‌ی 1139 قانون مدنی می‌گوید: «طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه با انقضای مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود.»

4-3-3. عده متعه

ماده‌ی 1152 قانون مدنی درباره‌ی عده نکاح منقطع می‌گوید: «عده فسخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیرحامل، دو طهر است؛ مگر اینکه زن به اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت چهل و پنج روز است.» یعنی زمانی که با فسخ یا انقضای مدت یا بذل مدت، نکاح منقطع به پایان رسید، زن باید عده نگه دارد و بعد از پایان عده می‌تواند مجدداً ازدواج کند. برای زن غیرحامل میزان عده، دو طهر (طی کردن دو دوره عادت زنانگی) است. اگر زن در سنی باشد که عادت ماهیانه نبیند، باید چهل و پنج روز صبر کند. اما در صورتی که زن حامله باشد، براساس ماده‌ی 1153 قانون مدنی باید تا وضع حمل صبر کند: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.» همچنین براساس ماده‌ی 1154 عده فوت مرد در ازدواج موقت همانند ازدواج دائم است: «عده وفات چه در دائم و چه در منقطع، در هر حال چهار ماه و ده روز است؛ مگر اینکه زن حامله باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است، مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد در غیر اینصورت مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.»

4-3 تفاوت ازدواج موقت و دائم از نظر حقوق و شرایط

در این قسمت تفاوت ارکان و احکام متعه با نکاح دائم بررسی می‌شود (میرخانی، 1379):

الف) تعیین مدت در ازدواج موقت

اولین تفاوت این دو نوع نکاح در موقت و غیرموقت بودن آن است. در ازدواج موقت با پایان مدت، زوجین در صورت تمایل می‌توانند عقد را دوباره تمدید کنند و اگر مایل نبودند بدون طلاق از هم جدا می‌شوند. تقدیر در

ازدواج موقت و تعیین مدت از شرایط صحت نکاح است؛ اما در ازدواج دائم مدت ذکر نمی‌شود، بلکه خود صیغه «انکحت و زوجت» بر دوام دلالت دارد.

ب) نداشتن مسئولیت اقتصادی

به لحاظ شرایط خاص ازدواج موقت، زن و مرد آزادی بیشتری دارند. در اینجا مرد مسئولیت مخارج روزانه، لباس، مسکن و سایر احتیاجات زن از قبیل درمان را به عهده ندارد و با انعقاد عقد، این وظایف برعهده مرد نمی‌آید؛ مگر اینکه به عنوان شرط ذکر شود.

ج) نوع تمکین و ریاست

در ازدواج دائم چون مرد مسئول خانواده است، اطاعت از او در موارد تمکین و انجام وظایف همسری بر زن لازم است و رعایت مصلحت خانواده و توجه به جلوگیری از فروپاشی و پیشگیری از نشوز و شقاق بر طرفین ضروری است. اما در ازدواج موقت رعایت این امور از وظایف الزامی زوجین نیست. مگر اینکه قراردادی میان آن دو منعقد شود که براساس آن طرفین ملزم به انجام بعضی امور شوند و به سبب «المؤمنون عند شروطهم» ملزم به پذیرش شوند. اما در ازدواج دائم به محض عقد، حقوق و تکالیف برقرار می‌شود و زن و مرد نمی‌توانند از زیر بار این وظایف شانه خالی کنند.

د) تولید نسل

در ازدواج دائم هیچ‌کدام از زوجین بدون جلب رضایت دیگری حق ندارند از بچه‌دار شدن و تولید نسل جلوگیری کنند؛ اما در ازدواج موقت جلب رضایت طرف مقابل برای این کار لازم نیست. با این حال، فرزند ازدواج موقت با فرزند حاصل از ازدواج دائم هیچ تفاوتی ندارد.

ه) تفاوت در مهریه

در ازدواج دائم و موقت مهریه لازم است و طبق آیات متعدد قرآن، اصل بر پرداخت مهریه به طور کامل است؛ چنانکه آیه 4 سوره نساء می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا: و مهر زنان را در کمال رضایت به آنها پردازید. پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، از آن برخوردار شوید که شما را حلال و گوارا خواهد بود.»⁴¹ و بر اساس تفسیر اهل تشیع، آیه 24 سوره نساء درباره نکاح منقطع می‌فرماید: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً: زنانی که متعه می‌کنند، مهر آنها را به عنوان یک واجب باید پردازید.»⁴²

پس تفاوت ازدواج موقت و دائم از ناحیه مهریه است. در ازدواج موقت، ذکر نکردن مهر، عقد را باطل می‌کند؛ اما در ازدواج دائم در صورت ذکر نشدن مهر، «مهر المثل» تعیین می‌شود. در روایتی صحیح از زراره نقل شده است که امام صادق(ع) فرمودند: «متعه تحقق نمی‌پذیرد؛ مگر به واسطه دو چیز: یکی تعیین مدت و دیگری اجر و مهریه‌ای که تعیین شده باشد و در صورتی که مرد قبل از هم‌آغوشی با زن، مدت صیغه را «هبه» کند و بخواهد از او جدا شود، نصف مهریه بر عهده اوست» (میرخانی، 1379؛ به نقل از جواهر الکلام علامه شیخ محمدحسن نجفی و وسائل الشیعه حر عاملی).

و) ارث و ازدواج موقت

در ازدواج موقت، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند؛ اما اگر اولادی از آنها به دنیا آمد، از هر دو طرف ارث می‌برد؛ چراکه فرزند واقعی آنهاست. درباره اینکه آیا در ازدواج موقت، زن و مرد می‌توانند ارث را بر یکدیگر شرط کنند یا نه، باید گفت براساس آنچه از قیود روایات به دست می‌آید، توارث در ازدواج موقت وجود ندارد. در همین زمینه بعضی فقها معتقدند اضافه کردن چیزی که منع شرعی دارد به عنوان شرط، صحیح نیست

41. آیه 4، سوره نساء؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 114، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

42. آیه 24 سوره نساء؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 121، تهران: انتشارات باقرالعلوم.

و قاعدة «المؤمنون عند شروطهم» درباره شروط جایز است، نه شرطی که شریعت بر جعل یا رد آن تأکید کرده است. بنابراین در باب ارث هم بدین صورت است و نمی‌توان چیزی را که شریعت منع کرده، در قراردادها وارد کرد. برای مثال در روایتی آمده است که از امام صادق(ع) درباره حدود متعه سؤال می‌شود و ایشان می‌فرماید: «مِنْ حُدُودِهَا إِنْ لَاتَرْتَهَا وَ لَاتَرْتُكَ» یعنی از حدود متعه آن است که نه زن از تو ارث می‌برد و نه تو از او ارث خواهی برد. در روایت دیگری که سند آن صحیح است، آمده که از امام صادق(ع) سؤال می‌شود: «مردی با خانمی ازدواج موقت می‌کند و در آن شرط میراث قرار نمی‌دهد. امام صادق(ع) می‌فرماید: کَیْسَ بَیْنَهُمَا مِیرَاثَ إِشْتِرَاطًا أَوْ لَمْ يَشْتَرِطَا» بین آن دو رابطه ارث برقرار نمی‌شود، چه شرط بکنند و چه شرط نکنند (همان، 1379).

ز) طلاق در ازدواج موقت

در ازدواج موقت، طلاق وجود ندارد و جدایی زن از مرد با تمام شدن مدت نکاح یا بخشیدن بقیه مدت از جانب مرد اتفاق می‌افتد و در همان حال، زن به مرد نامحرم می‌شود. همچنین در نکاح منقطع، ایلاء^{۴۳} و لعان^{۴۴} هم واقع نمی‌شود.

ح) شرط نبودن کفویت در دین

مرد مسلمان می‌تواند زن مسیحی، کلیمی، آشوری، ارمنی، زرتشتی و به‌طور کلی زن اهل کتاب را به ازدواج موقت درآورد (نجفی، ج 30: 188)؛ در حالی که در ازدواج دائم، قید کفویت در ایمان آمده است. در این خصوص قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ» و با زنان مشرک ازدواج نکنید؛ مگر آنکه ایمان آورند.^{۴۵} بنابراین پذیرش اسلام برای ازدواج دائم در فرض غیرمسلمان بودن یکی از زوجین لازم است.

تبصره: زن غیرمسلمان فقط می‌تواند به ازدواج موقت مرد مسلمان درآید.

⁴³. سوگند به عدم همخوابگی.

⁴⁴. تهمت زنا به همسر زدن.

⁴⁵. آیه 121 سوره بقره؛ قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای ص 52، تهران: انتشارات باقرالعلوم

ط) نوع صیغه

صیغه عقد دائم با لفظ «انكحْتُ وَ زَوَّجْتُ...» منعقد می‌شود؛ ولی صیغه عقد موقت با لفظ «مَتَّعْتُ» تحقق می‌یابد؛ چراکه در اولی بنای نکاح، دائم است و در دومی فقط بنای استمتاع مدنظر است.

ی) تفاوت در عده

یکی دیگر از تفاوت‌های نکاح دائم و موقت در عده است. عده ازدواج دائم سه بار خون دیدن برای زنانی است که یائسه نشده‌اند و آمیزش کرده‌اند؛ ولی در ازدواج موقت دو مرتبه از خون حیض پاک شدن است (همان: 156). همچنین خانم‌هایی که در سن حیض قرار دارند، اما خون نمی‌بینند، در ازدواج دائم باید سه ماه عده نگه دارند و در ازدواج موقت چهل و پنج روز.

3-5 مشترکات ازدواج دائم و موقت

1. همان‌طور که در عقد دائم مادر و دخترِ زوجه بر زوج و پدر و پسرِ زوج بر زوجه حرام و محرم می‌شوند، در عقد منقطع نیز حکم چنین است.

2. همان‌گونه که خواستگاری زوجه دائم بر دیگران حرام است، خواستگاری زوجه موقت نیز چنین است.

3. چنانکه در ازدواج دائم، جمع بین دو خواهر جایز نیست، در ازدواج موقت نیز چنین است.

4. همان‌گونه که زنا با زوجه دائم یا زوجه در عده رجعیه موجب حرمت موبد است، زنا با زوجه موقت نیز بر همین قرار است و موجب حرمت موبد می‌شود.

5. بنا بر قول مشهور فقهای شیعه و بنا بر ماده 1043 قانون مدنی «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده؛ اگرچه

به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف بر اجازه پدر یا جد پدری است» (کاتوزیان، 1378: 80). در نکاح منقطع نیز

اگر زن دوشیزه است، به اجازه پدر یا جد پدری نیاز دارد. البته مسئله اذن ولی در بین فقها محل اختلاف است؛

چراکه اصل در انسان بالغ رشید بر استقلال اوست. از این رو، بسیاری از متأخران فقها به استقلال رأی نظر

داده‌اند؛ اما به منظور حفظ مصالح اجتماعی و اعتدال در آن، دوری از احساسات زودگذر افراط‌ها و تفریط‌ها و توجه به مصالح دختر و برقراری ارتباط بیشتر و مشورت با اولیا در باب انتخاب همسر که نقش عمده‌ای در استحکام و سلامت خانواده دارند، شرط اجازه از ولی با منظور داشتن جهات متعدد توصیه شده است.

6. در ازدواج موقت همانند ازدواج دائم، خواندن صیغه لازم است. بنابراین طرفین یا شخص دیگری به وکالت از آنها باید صیغه عقد موقت را جاری کند و با تعیین مهریه و مدت، پیوند موقت جاری می‌شود. در اجرای صیغه عقد موقت همانند عقد دائم، زن، طرف ایجاب و مرد، طرف قبول عقد است. بدین معنا که مثلاً اگر زن بخواهد صیغه را اجرا کند، می‌گوید: «مَنْعَتْ نَفْسِي لَكَ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْيَنَةِ» و مرد می‌گوید «قَبِلْتُ» یا صیغه را وکیل زن می‌خواند و مرد می‌پذیرد.

7. عده وفات در عقد موقت و دائم، چهار ماه و ده روز است.

8. انقضای عده زن حامله در هر دو ازدواج، زمان وضع حمل است.

9. تجدید عقد نکاح دائم بر زنی که در عقد منقطع به سر می‌برد، صحیح نیست؛ چه عقد دوم، دائم باشد، چه منقطع. پس زوجی که عقد اول از آن اوست، قبل از انقضای مدت عقد منقطع نمی‌تواند تجدید عقد کند. براساس این قاعده، اگر پسر و دختری که در نکاح منقطع به سر می‌برند، می‌خواهند به ازدواج دائم درآیند، یا مرد باید مدت باقیمانده را بذل کند یا طرفین باید تا پایان دوره عقد اول صبر کنند. در غیر این صورت عقد دوم باطل است. گاهی در عرف از این موضوع مهم غفلت می‌شود.

10. فرزند حاصل از ازدواج موقت همانند فرزند ازدواج دائم، در زمان زوجیت متعلق به شوهر است و آثار و احکام فرزندی همان آثار و احکام ازدواج دائم است.

6-3- سن دختر و اذن ولی در ازدواج موقت

سن نکاح برای دختر در ازدواج موقت همانند ازدواج دائم، ۱۳ سال است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی می‌گوید: «عقد نکاح دختر، قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر، قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی، منوط است به اذن ولی به شرط مصلحت با تشخیص دادگاه صالح» (مصوب ۱۳۷۹/۹/۲۷). اما بسیاری از نهادهای حقوق بشری و فعالان حقوقی و اجتماعی به‌طور جدی از این حداقل سن انتقاد کرده‌اند؛ چراکه سبب رواج پدیده کودک‌همسری می‌شود.

براساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. صندوق جمعیت سازمان ملل هر نوع ازدواج زیر سن هجده سال را به دلیل اینکه پیش از آمادگی جسمی و روانی دختر برای پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری روی می‌دهد، ازدواج کودک تلقی می‌کند. بر همین مبنا در مواردی که سن کودک کمتر از هجده سال است و به صورت موقت یا دائم ازدواج کرده است، ازدواج زودهنگام کودکان رخ داده و این ازدواج توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب او شکل گرفته است (احمدی، ۱۳۹۵: ۸-۹).

بنا بر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی در ایران ولی دختر می‌تواند در سن ۱۳ سالگی و حتی کمتر از آن، دخترش را به صورت دائم یا موقت به تزویج مرد درآورد. با وجود این بسیاری از فقها و عالمان دینی با این حداقل سن و اختیار و اذن ولی که منبعث از استدلال‌های مذهبی است، مخالف‌اند. از جمله ماموستا عبدالکریم شهریکندی که ولایت اجباری در نکاح را بی‌اساس می‌داند و بیان می‌کند: «در عقد نکاح تا آنجا که مانع یا ظلم و جور می‌پیش نیاید، وجود ولی زن لازم است؛ ولیکن ولایت اجباری مطلقاً مورد اعتراف منابع اسلامی نیست و ولی نمی‌تواند بدون رضایت زن، وی را شوهر دهد؛ اگرچه باکره، بیوه یا کبیره باشد. تزویج دختران صغیره به علت اینکه کوچک‌اند و اذن و رضایتشان اعتبار شرعی ندارد، ولو به وسیله پدر و جد، شرعاً باطل است. زیرا این دختران صغیره نیازی به شوهر ندارند و اذن ولی شرعاً جایگاه دینی ندارد. ازدواج دائم و نه موقت، باید براساس

عشق و علاقه و رغبت طرفین استوار گردد. انحراف از این اصل طبیعی و معقول و دادن حق اجبار به ولی موجب طلاق‌های زودرس و انحلال روابط خانواده‌ها و فتح باب انواع شر و فساد شده است.» (شهریکندی، 1368: 25-6). از سوی دیگر اکبر هاشمی رفسنجانی در کتاب ازدواج دائم و موقت از نظر اسلام می‌گوید: «زنی که نه سالش تمام شده است و یائسه نیست، اگر متعه شود یک ماهه یا دو ماهه، چنانچه شوهرش با وی نزدیکی کند و مدت آن زن تمام شود یا شوهر مدت را به او ببخشد، باید عده نگه دارد...» (هاشمی رفسنجانی، 1377: 53).

باید توجه داشت که این نوع ازدواج ثبت نمی‌شود و عواقب آن نسبت به ازدواج زود هنگام دائمی بیشتر است. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تداوم کودک‌همسری و ازدواج موقت کودکان، فقر، کم‌سوادی، نبود حمایت قانونی، نگاه مردسالارانه و باورهای سنتی و مذهبی است که عواقب و نتایجی مانند افزایش طلاق، کودک‌بیوگی، افزایش کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، سوءاستفاده جنسی از دختران، تداوم چرخه فقر و فحشا، افزایش بیماری‌های جسمی و جنسی و روحی را به‌ویژه برای دختران به دنبال دارد (احمدی، 1396).

مطابق قانون در نکاح دختر باکره اعم از منقطع و دائم، اجازه پدر یا جد پدری لازم است. در صورت امتناع ناموجه پدر از دادن اجازه، حضور نداشتن پدر در محل و ناممکن بودن استیذان، دختر می‌تواند با معرفی مرد مدنظر و شرایط نکاح، از دادگاه مدنی خاص درخواست اجازه ازدواج کند (مواد ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴). نظر علمای شیعه درباره اذن پدر در ازدواج موقت را می‌توان در پنج گروه دسته‌بندی کرد: عده‌ای از فقهای شیعه معتقدند برای ازدواج موقت دختر باکره‌ای که به حد بلوغ رسیده و مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اذن پدر لازم است. گروه دیگری اذن ولی را بنا بر احتیاط واجب، لازم می‌دانند. براساس احکام دینی، در چنین حالتی می‌توان به مرجع تقلید دیگری رجوع کرد. برخی دیگر از مراجع معتقدند اذن پدر در ازدواج موقت تکلیفاً لازم است. یعنی اگر عقد بدون اذن پدر خوانده شود، صحیح است؛ اما فردی که باید اجازه می‌گرفته و نگرفته، معصیت کار است. عده دیگری از فقها بر این باورند که اذن پدر لازم نیست؛ اما بهتر است رعایت شود. در

نهایت، برخی علما معتقدند که ازدواج موقت درباره دختری که مستقل است و صلاح خود را می‌داند، به اذن پدر نیازی ندارد. در ادامه نظر چند تن از آیات عظامی که در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند، می‌آید:^{۴۶}

الف) آیات عظام امام خمینی(ره)، شبیری زنجانی و تبریزی عقیده دارند اذن پدر در ازدواج موقت ضروری است. آیت‌الله العظمی سیستانی نیز چنین نظری دارند؛ اما برای دختری که متصدی امور زندگی خویش می‌باشد، اذن پدر را بنا بر احتیاط واجب لازم می‌دانند، نه به فتوا.

ب) آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، اراکی، خویی، گلپایگانی، فاضل لنکرانی، صافی و وحید خراسانی علمایی هستند که معتقدند در عقد ازدواج موقت بنا بر احتیاط واجب، اذن پدر لازم است.

ج) مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت اذن پدر را در ازدواج موقت تکلیفاً لازم می‌دانند. بر این اساس اگر عقد بدون اذن پدر خوانده شود، صحیح است؛ اما چیزی از گناه فرد کم نمی‌کند. در استفتای یکی از مقلدان آیت‌الله بهجت از ایشان پرسیده شده: «آیا دختر باکره‌ای را که بالغ و عاقل و رشیده است، بی‌اذن پدر او می‌توان متعه کرد؟» پاسخ آیت‌الله بهجت چنین بوده است: «بنا بر احتیاط، تکلیفاً باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد، چون تکویناً مفسده دارد.»

قانون مدنی در ماده ۱۰۴۳ اذن پدر یا جد پدری را در نکاح دختر باکره لازم شمرده است. این ماده پیش از اصلاحیه سال ۱۳۶۱ بدین صورت بود: «نکاح دختری که هنوز شوهر نکرده است، اگرچه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، متوقف به اجازه پدر یا جد پدری اوست.» در پاره‌ای از موارد، اعتبار اذن ولی ساقط می‌شود و دختر باکره می‌تواند بدون اذن پدر یا جد پدری خود ازدواج کند. چنین ازدواجی به حکم قانون صحیح و نافذ است. این قیود محدودکننده عبارت‌اند از:

الف) ولی باید در قید حیات باشد؛ وگرنه اجازه او لازم نیست.

⁴⁶. <http://sedayeshia.com/showdata.aspx?dataid=9168&siteid=1>

ب) ولی حاضر باشد؛ اگر ولی مسافر یا غایب بود، ولایت او ساقط و اذن وی غیر لازم می‌شود.

ج) ولی خود باید اهلیت داشته باشد؛ اگر ولی و سرپرست محجور باشد، حق دخالت ندارد.

د) ولی باید در ازدواج دختر مصلحت‌شناسی کند؛ زیرا اختیار او محدود به مصلحت دختر است.

ه) ولی باید در رعایت مصلحت، دلسوز باشد. ممانعت بی‌جهت به موجب قانون، ولایت ولی را ساقط می‌کند.

اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی محجور و تحت قیمومیت باشد، اذن شخص دیگری مانند قیم او لازم نخواهد بود. همچنین اگر پدر یا جد پدری دختر فوت کرده باشد، دختر مکلف به گرفتن اذن شخص دیگری نیست و اعتبار اذن ولی ساقط می‌شود. قانون مدنی به سقوط اعتبار اذن ولی در صورت حجر یا فوت او اشاره نکرده است؛ اما تا پیش از اصلاحیه سال ۱۳۷۰ ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی با صراحت سقوط اعتبار اذن ولی را در حالت حجر بیان کرده بود. این ماده با اشاره به ماده ۱۰۴۳ بدین صورت بود: «در مورد ماده قبل، اجازه را باید شخص پدر یا جد پدری بدهد و اگر پدر یا جد پدری دختر به علتی تحت قیمومیت باشد، اجازه قیم او لازم نخواهد بود.» در اصلاحیه سال ۱۳۷۰ با توجه به مبانی مسلم فقهی، ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی باید به گونه‌ای تغییر می‌یافت که محجور بودن ولی و دسترسی نداشتن به او، هر دو به عنوان موارد سقوط اعتبار اذن ولی در نکاح دختر باکره تعیین می‌شد؛ اما متأسفانه قانون‌گذار محجور بودن ولی را حذف کرد و مسئله دسترسی نداشتن به ولی را به جای آن قرار داد. با این حال، در سقوط اعتبار اذن ولی به هنگام حجر یا فوت او تردیدی وجود ندارد و از همین رو، نویسندگان حقوقی پیش از اصلاح سال ۱۳۷۰ با توجه به سابقه فقهی، حکم این موضوع را استنباط می‌کردند. اصول و قواعد حاکم بر قانون مدنی، آرای فقهای امامیه و وحدت ملاک با موضوع ماده قانون مدنی، این نظر را تأیید می‌کنند که اگر پدر یا جد پدری غایب بوده و به آنها دسترسی نباشد، طبق نظر فقهای امامیه دختر می‌تواند بدون اذن ولی با همسر شایسته و هم‌کفو خویش ازدواج کند. اما ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی اصلاح‌شده در سال ۱۳۷۰ براساس فقه چنین مقرر کرده است: «در صورتی که پدر یا جد پدری در محل

حاضر نباشند و استیذان از آنها نیز عادتاً ناممکن بوده و دختر نیز احتیاج به ازدواج داشته باشد، وی می‌تواند اقدام به ازدواج کند.»

چنانکه پیش‌تر به آن اشاره شد، هدف قانون‌گذار از معتبر دانستن «اذن ولی در نکاح دختر باکره» حفظ مصالح دختر، خانواده و جامعه است و در صورتی که ولی از اختیار خویش سوءاستفاده کند و بدون دلیل یا به دلیل ناموجهی از ازدواج دختر باکره با همسر مناسب و شایسته او جلوگیری کند، وجهی برای باقی ماندن اعتبار اذن او وجود ندارد. از این رو، قانون مدنی در ماده ۱۰۴۳ اعلام می‌کند: «... و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط است و در این صورت، دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده است، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام کند.»

همان‌طور که از ماده 1043 برمی‌آید، صرف اجتناب پدر از دادن اذن، بدون علت موجه، اعتبار اذن او را ساقط می‌کند؛ در حالی که تا پیش از اصلاح این ماده در سال ۱۳۷۰، دختر باکره برای ازدواج باید به دادگاه مراجعه می‌کرد و دادگاه پس از ناموجه تشخیص دادن علت منع، اذن نکاح را صادر می‌کرد. رجوع به دادگاه و اثبات ناموجه بودن دلیل منع، خلاف نظر فقهای امامیه بوده و بیشتر با رأی فقهای اهل تسنن سازگار است.

شورای نگهبان هنگام اظهار نظر درباره اصلاحیه قانون مدنی مصوب مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۰۴۳ را که همانند گذشته، مراجعه دختر به دادگاه و گرفتن اذن را برای نکاح لازم می‌شمرد، خلاف شرع تشخیص داد و در نامه مورخ 1370/6/6 خطاب به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «الزام دختر به مراجعه به دادگاه و گرفتن اذن در صورت مضایقه ولی از دادن اجازه بدون علت موجه، با موازین شرع مغایر است.» در نتیجه، مجلس شورای اسلامی این ماده را به این صورت اصلاح کرد. بنابراین اگر دختر بدون مراجعه به دادگاه با همسر هم‌کفو خویش ازدواج کند، نمی‌توان نکاح او را باطل دانست. در حقیقت، براساس ماده 1043، ثبت

ازدواج و گرفتن اذن از دادگاه مدنی خاص از شرایط نکاح نیست و مراعات نکردن آن صرفاً تخلف انتظامی به حساب می‌آید.

از آنجا که قانون، عقد ازدواج دختر باکره را موقوف به اجازه (اذن) ولی او می‌داند، می‌توان نتیجه گرفت اذن ولی تنها شرط نفوذ چنین عقدی است و نه شرط صحت آن. بنابراین اگر پس از ازدواج، پدر یا جد پدری نکاح یادشده را تنفیذ کند، ازدواج صحیح است. زیرا از تعبیر ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی که نکاح دختر بالغ باکره را «موقوف» به اجازه ولی می‌داند، به خوبی می‌توان دریافت که اذن یا اجازه هر کدام تحقق یابد، در صحت و نفوذ نکاح کافی است. با این حال، اگر پدر از تنفیذ این عقد ازدواج خودداری کند، درخصوص بطلان آن در فقه اختلاف نظر وجود دارد و برخی از فقها این عقد را صحیح می‌دانند.

7-3. ثبت نکاح موقت

پس از کشمکش‌های فراوان، سرانجام لایحه «حمایت از خانواده» که دولت در تیرماه 1386 به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده بود، با حذف چند ماده و اصلاح برخی مواد دیگر، در سال 1392 توسط شورای نگهبان تأیید شد تا به قانون تبدیل شود. این قانون جدید، بدون نسخ قانون قبلی حمایت از خانواده (مصوب 1353) فقط بخشی از مشکلات قانون قبلی را برطرف کرده است و همچنان تنگناهای دیگری در این حوزه وجود دارد. برخی مواد قانون جدید حمایت از خانواده از برخی حقوق زنان در ازدواج موقت حمایت می‌کند. برای نمونه، ماده 21 قانون حمایت از خانواده می‌گوید: «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی، نکاح دائم را که مبنای تشکیل خانواده است، مورد حمایت قرار می‌دهد. نکاح موقت نیز تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است و ثبت آن در این موارد الزامی است: 1. باردار شدن زوجه؛ 2. توافق طرفین.»

4. مبحث چهارم: مبانی اجتماعی و روان‌شناختی ازدواج موقت

سروسامان بخشیدن به روابط جنسی همواره یکی از دغدغه‌های ادیان و قوانین جوامع مختلف بوده است؛ زیرا ناهنجاری در روابط جنسی، سازمان اجتماعی را دچار اختلال می‌کند. ازدواج یکی از راهکارهایی است که برای تنظیم رفتار جنسی زن و مرد در بیشتر کشورهای دنیا به عنوان امری منطقی و اخلاقی و شرعی پذیرفته شده است. در قانون جمهوری اسلامی ایران و فقه امامیه، ازدواج به دو صورت دائم و موقت، یگانه راهکار قانونی و شرعی تنظیم روابط جنسی بین زن و مرد تلقی می‌شود. برخلاف ازدواج دائم، ازدواج موقت در فرهنگ ایرانی و هنجارهای پذیرفته‌شده عمومی جایگاهی ندارد و با وجود موافقان و مخالفان زیاد آن، عملی قبیح به حساب می‌آید.

1-4. منعه: راهکار یا تهدید؟

از دیدگاه موافقانی چون آیت‌الله طباطبایی ازدواج موقت راهی برای جلوگیری از کمونیسیم جنسی، یعنی اختلاط آزاد دختر و پسر یا رهبانیت موقت است. طباطبایی در کتاب *حقوق زن در اسلام* بیان می‌کند دختران و پسرانی که در حال تحصیل هستند و به دانشگاه می‌روند و دوران مجرد آنها طولانی می‌شود یا باید به غریزه جنسی آنها نه بگوئیم و یا اینکه اجازه اختلاط آزاد را به آنها بدهیم. راهکار این مسئله ازدواج موقت است و ازدواج موقت ضرورتی اجتماعی است که نه تنها جامعه را از فحشا منزه می‌دارد، بلکه از رهبانیت موقت و سختگیری و کمونیسیم جنسی نیز اجتناب می‌ورزد (مطهری، 1369: 45-50).

براساس آمار در دهه نود شمسی به دلایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سن ازدواج در جامعه ایران افزایش یافته و دوران مجرد دختران و پسران به بعد از 30 سال رسیده است. از سوی دیگر به دلیل رواج الگوهای مدرن رابطه میان دختران و پسران و پیدایش روابطی چون هم‌خانگی و هم‌باشی و سبک زندگی مدرن، برخی مسئولان سیاسی و فرهنگی و دینی از طریق رسانه‌های جمعی و ملی تلاش می‌کنند ازدواج موقت را به عنوان ضرورتی اجتماعی و امری شرعی و متعالی جایگزین روابط آزاد زنان و مردان کنند. به عنوان مثال

مصطفی پورمحمدی در سال 1386 که پست وزارت کشور را در اختیار داشت، گفت: «چنانچه ما به طور عملی به نیازهای جنسی جوانان پاسخ ندهیم، آنگاه باید انتظار عواقب و پیامدهای آن را داشته باشیم. او تأکید کرد باید سنت ازدواج موقت احیا شود». همچنین علی مطهری، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در سال 1396، معتقد است ازدواج موقت در درجه اول به سلامت افراد کمک می‌کند. عقده‌های روحی و روانی افراد بسیار فروکش کرده و برای آنها مسائل جنسی به موضوعی عادی تبدیل می‌شود که اسلام هم راه را برای آنها باز گذاشته است. رئیس ستاد اقامه نماز در کشور، حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی نیز با بیان اینکه ازدواج موقت معنی‌اش این نیست که دختران دانشجو در دانشگاه صیغه شوند، گفته است: «دانشجویان پسری که امکان ازدواج ندارند، می‌توانند با زنان بیوه جوانی که آمادگی دارند، ازدواج کنند تا پس از اینکه تحصیلاتشان به پایان رسید، بروند و ازدواج کنند». با دقت به سخنان دولتمردان و علمای مذهبی کشور روشن می‌شود که آنان در حال حاضر، ازدواج موقت را ضرورتی کارکردی برای جامعه می‌پندارند و نگاهشان به موضوع روابط زنان و مردان یک‌سویه و به نفع مردان است.

اما در برابر کسانی که برای متعه کارکرد اجتماعی قائل‌اند، عده‌ای دیگر قرار دارند که ازدواج موقت را نوعی تهدید و کژکارکردی می‌دانند. مخالفان از متعه با عنوان ازدواج موقت یاد نکرده و استدلال می‌کنند که هدف از ازدواج موقت در دنیای امروز، بهره‌مندی جنسی است؛ در حالی که هدف ازدواج تشکیل خانواده بر پایه عشق و وفاداری است. چراکه خانواده مدرن و پسا صنعتی دیگر بر پایه ارضای نیاز جنسی تشکیل نمی‌شود، بلکه براساس عشق شکل می‌گیرد. در اینجا منظور از عشق، همان چیزی است که اریک فروم⁴⁷ آن را تعهد، مسئولیت و احترام متقابل تعریف می‌کند.

منتقدان معتقدند که متعه موجب ایجاد تبعیض‌های اجتماعی و حقوقی علیه زنان می‌شود؛ چراکه در قوانین متعه منافع مرد بر منافع زن برتری دارد و فقط لذت جنسی مرد در نظر گرفته شده است. برای نمونه در ازدواج موقت،

47. Erich Fromm

زنان از مردان ارث نمی‌برند و مرد ملزم به پرداخت نفقه نیست. همچنین متعه می‌تواند موجب انقیاد برخی زنان شود؛ زیرا تعدد زوجات را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر اینها، اغلب مردان متأهلی که به صیغه روی می‌آورند، خانواده‌هایشان در معرض فروپاشی قرار می‌گیرند. دیگر آنکه احتمال شیوع بیماری‌های مقاربتی افزایش می‌یابد و باتوجه به اینکه در شرایط فعلی، دانش مردم جامعه درخصوص بیماری‌های مقاربتی ناکافی است، ترویج ازدواج موقت نه تنها به ساختارمند کردن روابط جنسی کمکی نمی‌کند، بلکه جامعه را با انواع آسیب‌های دیگر روبه‌رو می‌سازد. افزون بر اینها، برخی مخالفان معتقدند فرهنگ جامعه ما، فرهنگ ازدواج دائم است و به جای ترویج ازدواج موقت برای جوانان باید مشکلات ازدواج دائم آنان را حل کرد. رواج صیغه به جای ازدواج دائم و شرعی کردن مشکل روابط دختر و پسر به جامعه اسلامی آسیب می‌زند.

از دیدگاه جامعه‌شناختی، پدیده ازدواج از جمله رخدادهای مهم و اساسی حیات بشری و نیاز جامعه انسانی در طول تاریخ بوده است. از این رو، علاوه بر ادیان و مذاهب، علمی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، فلسفه و... نیز به این موضوع توجه کرده‌اند. ایجاد روابط انسانی، یکی از نیازهای عاطفی انسان است. ازدواج، صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به تمامی نیازها، اعم از مادی و معنوی است و یکی از مراحل تکامل انسان به شمار می‌رود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، ازدواج در صورتی برای نظام اجتماعی کل، کارکرد مثبت دارد که در زمان مناسب و با فرد مناسب صورت بگیرد. آرامش و امنیت جامعه نتیجه ازدواج سالم و بهنگام و محیط آرام‌بخش خانواده است. از این رو، برخی از نظریه‌های اجتماعی را به منظور تبیین ازدواج بررسی می‌کنیم.

2-4. مبانی نظری جامعه‌شناختی

ازدواج به عنوان مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده، مسیر گذر افراد از جوانی به بزرگسالی و مهم‌ترین واقعه در زندگی فردی، همواره در افکار عمومی جامعه محل توجه بوده است. ازدواج نهاد اجتماعی و حقوقی مهمی است که از طریق فراهم کردن مجموعه خاصی از حقوق، امتیازات، تعهدات، مسئولیت‌ها و انتظارات نقشی جدید، از روابط زناشویی حمایت می‌کند و موجب بقا و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می‌شود و به همراه سازوکارهای تحقق و نظم و ترتیب مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم از تحولات جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه زیستی و از منظر اجتماعی، هیچ نهادی همانند ازدواج، جهانی، ثابت و پایدار نیست. از این رو، هیچ نهادی نیز همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (احمدی و همکاران، 1390).

تحولات و تغییرات اجتماعی و اقتصادی جوامع مدرن، بین بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی فاصله ایجاد کرده و سن ازدواج را افزایش داده و در نتیجه، سال‌های مجرد را طولانی کرده است. از این رو، جوانان کمتر از گذشته قادر یا حاضر به ازدواج دائم هستند. تشدید تحریکات جنسی توسط فناوری‌های نوین ارتباطی، گذر از این دوران طولانی را با عوارض و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی همراه کرده است. چنین شرایطی زمینه‌های لازم را برای برقراری روابط خارج از چارچوب خانواده و ازدواج فراهم می‌کند. هرچند پدیده روابط خارج از چارچوب ازدواج، قدمتی دیرینه دارد، در جوامع مدرن ماهیت متفاوتی یافته و فراگیر شده است. اگر چنین روابطی در فرهنگ غرب با عوامل و عواقب خاص خود به بخشی از فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شده است، در جامعه ما این روابط با وجود حضور پنهان در فضای خصوصی، هیچ‌گاه مقبولیت و مشروعیت اجتماعی تام نیافته و اغلب وصله‌ای ناجور بر پیکره فرهنگ عمومی محسوب می‌شود. از این رو، ارائه راهکاری برای برون‌رفت از تعارض بین الزام غریزی به ارضای نیازهای جنسی و مشکلات موجود در راه ارضای نیازهای جنسی و نیز مشکلات موجود در راه ارضای مشروع این نیازها، ضرورت می‌یابد. بی‌شک برخی سیاست‌گذاران

حکومتی و دینی، احیای سنت ازدواج موقت و توصیه به اجرایی و قانونی کردن آن را یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین راهکارهای ارائه‌شده برای حل مشکلات ازدواج دائم جوانان می‌داند.

مبادله‌ای بودن امر ازدواج، بخش مهمی از نظریه کنش و نظریه کارکردی پارسونز است. برخی معتقدند که مبادله، اساس حیات اجتماعی انسان است. انسان‌ها در چرخه‌ای از روابط متقابل اجتماعی قرار دارند و تبادل، اساس این روابط را تشکیل می‌دهد. همین اصول در زمینه ازدواج، پدیده‌ای به نام ازدواج مبادله‌ای ایجاد کرده است. بدین ترتیب، براساس نظر بسیاری از جامعه‌شناسان همچون لوی اشتروس^{۴۸} و هانری مندراس^{۴۹}، ازدواج مبادله‌ای اجتماعی است. این مبادله بین دو خانواده و نیز بین دو شخص رخ می‌دهد. مطابق اصول اساسی نظریه مبادله اجتماعی، رفتار برحسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. در واقع، فرد آنچه را برای رابطه هزینه کرده با آنچه از رابطه به دست آورده است، مقایسه می‌کند و سپس نتیجه را با آنچه از نظر او، طرف مقابل به دست آورده است، مقایسه می‌کند.^{۵۰} پس از این مقایسه، اگر فرد احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. پس می‌توان نتیجه گرفت که برای برخی از افرادی که به ازدواج موقت بیشتر گرایش دارند (نظیر مردان، میان‌سالان، متأهلان، شاغلان و افراد پردرآمدتر) احتمالاً دسترسی به ازدواج موقت و منافع جنسی و عاطفی حاصل از آن، مهم‌تر از میزان ارزشمندی این نوع ازدواج است. این در حالی است که برای برخی دیگر (نظیر زنان، جوانان، مجردان، افراد غیرشاغل و افراد کم‌درآمدتر)

⁴⁸. Claude Lévi-Strauss

⁴⁹. Henri Mendras

⁵⁰ آلن دوباتن در کتابی با عنوان *جستارهایی در باب عشق* این نوع سنجش‌ها در رابطه عاشقانه را از منظر کانت غیراخلاقی توصیف می‌کند و می‌گوید: «به قول امانوئل کانت، تفاوت میان عمل اخلاقی و غیراخلاقی در این است که اولی از روی وظیفه و بدون در نظر گرفتن رنج یا لذت ناشی از آن، انجام می‌گیرد. من زمانی رفتارم اخلاقی است که بدون در نظر گرفتن چیزی که در قبالت دریافت می‌کنم، آن را انجام بدهم، آنگاه که فقط با انگیزه وظیفه‌شناسی راهنمایی می‌شوم: «برای آنکه عملی اخلاقی پسندیده باشد، تنها وفق دادن آن با اصول اخلاقی کافی نیست، بلکه باید به خاطر اصول اخلاق هم باشد.» اعمالی که ناشی از خلق و خوی فرد هستند در مقوله اخلاق نمی‌گنجد، چنین اعمالی نتیجه مستقیم رد نظریه فایده‌گرایانه اخلاق است و کاملاً مبتنی است بر امیال شخص. جان کلام فرضیه کانت این است که اخلاق را باید فقط در قصد کاری که انجام می‌گیرد، جستجو کرد. عاشق شدن تنها زمانی اخلاقی است که بدون هیچ قید و شرطی عرضه شود و در قبالت چیزی خواسته نشود، به عبارت دیگر عشق را به سادگی برای عشق رساندن بدهیم.»

میزان ارزشمندی ازدواج دائم یا انواع دیگر رابطه با جنس مخالف، به حدی است که کمتر به درگیر شدن در فرایند ازدواج موقت تمایل دارند.

همچنین براساس نظریه مبادله اجتماعی می‌توان فرض کرد که زنان، جوانان، مجردان، افراد غیرشاغل و کم‌درآمدها احساس می‌کنند هزینه‌ها و مضرات تن دادن به ازدواج موقت، بیشتر از فواید و منافع آن است. از این مضرات می‌توان به بدنامی یا از دست دادن بکارت برای دختران جوان، و تأمین موقت معیشت همسر یا الزام به پذیرش مسئولیت فرزند احتمالی حاصل از ازدواج موقت برای پسران جوان اشاره کرد. اما براساس پژوهش ریاحی، در نظر افراد شاغل و پردرآمد، منافع برخورداری از مزایای ازدواج موقت بر هزینه‌های ازدواج دائم یا ازدواج مجدد یا روابط نامشروع ارجحیت دارد. به عنوان مثال، الزامی نبودن ثبت رسمی ازدواج موقت در شناسنامه یا حتی دفاتر ثبت ازدواج و نیز مکلف نبودن مردان به تهیه مسکن و سایر ملزومات زندگی در ازدواج موقت و در مقابل، برخورداری از فواید و منافع ازدواج برای واجدین این شرایط بسیار پرسود است. بدین ترتیب این مردان و زنان از سویی به مقایسه منافع و هزینه‌های حاصل برای خود در مقایسه با منافع و هزینه‌های حاصل برای طرف مقابل خود در ازدواج موقت دست می‌زنند و از دیگر سو، هزینه‌ها و منافع درگیر شدن در ازدواج دائم را در مقایسه با ازدواج موقت محاسبه می‌کنند. در گام نهایی، آن نوع ازدواج و آن نوع رابطه با جنس مخالف انتخاب خواهد شد که از نظر مادی و غیرمادی منافع بیشتر و هزینه‌های کمتری داشته باشد (ریاحی، 1391).

نظریه مدرنیزاسیون با تأکید بر تغییرات ساختی (گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی) تغییر الگوهای ازدواج را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی، به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند. بر این اساس، تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام‌مند یا تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی

تغییریافته در نظر گرفته می‌شود (عباسی شوازی و صادقی، 1384). در فرایند مدرنیزاسیون بین عوامل همبسته اجتماعی، انشقاق، گسستگی و تضعیف به وجود می‌آید و افراد به صورت اتم‌های مجزایی به نظر می‌رسند که به دنبال بیشینه کردن سود و منفعت شخصی خود هستند؛ یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می‌یابد. همچنین ذهن افراد به سمت سکولاریته، مادی‌گرایی، فردگرایی و انزواطلبی میل می‌کند و خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. همزمان با این تحولات، در الگوهای ازدواج و خانواده نوعی انطباق‌پذیری با شرایط جدید ایجاد می‌شود. وستوف می‌گوید تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی هستند. زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقای فرزندان و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف است (ویکز، 2002: 416). ویلیام گود⁵¹ نیز با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، گستره تأثیرات مدرنیزاسیون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و زمان ازدواج را تبیین می‌کند. مک دونالد در نظریه نوسازی بازاندیشانه خود توضیح می‌دهد که اگرچه فرایند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری برای افراد به ارمغان آورده؛ اما بی‌اطمینانی آنان به آینده را افزایش داده است. بنابراین تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی برعهده گرفتن مسئولیت خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی‌کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد (MacDonald, 2006).

از آنجا که کارکرد پدیده ازدواج، رفع برخی نیازهای انسانی است بر مبنای نظریه مازلو این پدیده توجیه‌پذیر است. نظریه مازلو، نیازهای انسان را به فرض مادی و غیرمادی بودن آن نیازها می‌نگرد و نیازهای آدمی را در پنج طبقه قرار می‌دهد: نیازهای جسمانی، نیاز به امنیت، نیاز به محبت، نیاز به حرمت، نیاز به خودیابی و کمال. نیاز به دانش‌اندوزی و شناخت و درک پدیده‌ها و نیاز به زیبایی و نظم نیز به این طبقه‌بندی اضافه شده است که قبل از نیاز به خودیابی قرار دارد. نیازهای فیزیولوژیک (غذا، هوا، مسکن، نیاز به جفت، سرپناه و غیره) نخستین

⁵¹ . William Good

و ابتدایی‌ترین نیازهای بشر هستند؛ اما به مجرد اینکه این نیازهای اولیه ارضا شد، دیگر محرک رفتار فرد نیستند و انسان در صدد ارضای نیازهای بعدی برمی‌آید.

آنتونی گیدنز از تغییراتی سخن می‌گوید که در حوزه الگوی روابط جنسی طی دهه‌های پایانی قرن بیستم شکل گرفته است. طبق این صورت‌بندی در قرن بیستم الگوی جدیدی از رابطه به نام «عشق سیال» میان زن و مرد به وجود آمد که روابط در آن صمیمانه، کوتاه‌مدت و اختیاری بود. ویژگی کوتاه‌مدت و اختیاری بودن را در ازدواج موقت نیز می‌توان یافت. آنچه را گیدنز با عنوان دوره سوم در الگوی رابطه زن و مرد معرفی می‌کند، زیگموند باومن^{۵۲} در اثری به نام *عشق سیال*^{۵۳} (2003) مطالعه کرده است. باومن معتقد است که در موقعیت سیال زندگی مدرن، شایع‌ترین، حادث‌ترین، حساس‌ترین و مسئله‌سازترین نمونه ناهمخوانی و چندگانگی روابط همان (روابط جیب بلوز) است که می‌توان در هنگام نیاز آن را شکوفا و بعد از ازدواج و رفع نیاز کاملاً در جیب خود پنهان کرد. ازدواج موقت در صورت تعدد روابط می‌تواند مصداقی از این روابط باشد.

از آنجا که دغدغه فمینیسم بازنمایی جایگاه زنان در عرصه عمومی و عرصه خصوصی و نیز تلاش برای برابری زن و مرد در این عرصه‌هاست، برخی از فمینیست‌ها سلطه مردان بر زنان در خانواده را عامل فرودستی زنان می‌دانند. بنابراین یکی از مباحث مهم در بحث نظریات فمینیستی ازدواج و جایگاه آن در گرایش‌های مختلف این رویکرد است. فمینیسم لیبرال، خواهان برابری کامل زنان و مردان و برخورداری زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی است. در فلسفه سیاسی لیبرال، انسان‌ها ذاتاً از یک جنس هستند و تفاوت فیزیکی نباید توجیه‌کننده رفتار متفاوت با آنان باشد. بنابراین تفاوت‌های ناشی از استعداد باروری و نقش زن به عنوان مولد نادیده گرفته می‌شود. آنان نگاه تحقیرآمیز مردان به زنان را مهم‌ترین مسئله فرودستی زنان می‌دانند و تلاش زنان برای ایدئال بودن در نظر مردان را نوعی دیگر از حقارت تلقی می‌کنند.

⁵². Zygmunt Bauman

⁵³. confluent love

فمینیست‌های رادیکال/ انقلابی معتقدند نابرابری‌های جنسیتی محصول نظام مقتدر مردسالار و مهم‌ترین شکل نابرابری اجتماعی است. به گفته فایرستون که یکی از رادیکال‌فمینیست‌هاست، تقسیم میان زن و مرد مبنای زیست‌شناختی دارد؛ زنان به دلیل خصوصیت بدنی مورد نیاز برای تولید مثل و به دلیل مسئولیت مراقبت از فرزندان از نظر جسمی از مردان ضعیف‌ترند. این خصوصیت نوعی از روابط اجتماعی را ایجاد کرد که از رهگذر آن زنان برای امنیت جسمی خود به مردان متکی شدند. از آن پس، نهادهای اجتماعی به ویژه شیوه‌های مرسوم رابطه جنسی و بچه‌داری که به سلطه مردانه دامن می‌زنند، این التزام زیست‌شناختی را پوشش داده‌اند. اما به نظر فایرستون دیگر سلطه مردان ضرورت ندارد، چون پیشرفت فناوری‌های باروری امکان حذف مبنای زیستی فرودستی زنان را فراهم می‌کند. این مسئله قید بچه‌داری (از راه آبستن شدن از مردان) را از گردن زنان برداشته یا برخواهد داشت و بچه‌دار شدن و بچه‌داری کردن می‌تواند وظیفه مشترک مرد و زن شود. اما نسل جدید رادیکال‌فمینیست‌ها اعتقاد به هرگونه مبنای زیست‌شناختی برای فرودستی زنان را رد کرده‌اند. نباید تقصیر را به گردن قربانی (زنان) انداخت. گناه را باید به پای زیست‌شناسی مردان نوشت: طبیعت مردان پرخاشگری است و از این خصوصیت خود برای کنترل زنان بهره می‌گیرند (مثلاً با تجاوز جنسی). مری دیلی گزارش مستندی از فجایعی که در آن مردان از پرخاشگری برای مهار زنان سود جستند، ارائه می‌دهد. او با اشاره به رسم سوتی (سوزاندن زن همراه جنازه شوهر) در هندوستان، بستن پای نوزادان دختر در چین، ختنه دختران در برخی کشورهای افریقایی، شکار جادوگران در اروپا و روش‌های درمان بیماری‌های زنان در آمریکا این موارد را نمونه‌هایی از آزاررسانی مردان به زنان و استفاده از خشونت برای مهار آنها می‌داند (که همچنان ادامه دارد). رادیکال‌فمینیست‌های جدید معتقدند زایش روندی زیست‌شناختی یا مولود طبیعت نیست، بلکه نوعی «تولید اجباری» است که خصلت اجتماعی و تاریخی دارد. زایش مقوله‌ای طرح‌ریزی شده است و زنان در اجتماع برای زایش برنامه‌ریزی (تربیت) می‌شوند. زنان را به رفتارهایی که طبیعی دانسته می‌شود، وادار می‌کنند و همین به خلق دو جنس با خصوصیات زیست‌شناختی متفاوت منتهی شده است. اما با این تقسیم‌بندی تنوع انسانی یعنی

گوناگونی‌های بی‌شمار خصوصیات جنسی خدشه‌دار می‌شود. زیرا اجتماع انسانی صورتی بیش از حد جنسیت‌گرا به خود گرفته است. ساختار جامعه بر محور اعتقاد به وجود دو جنس مخالف زن و مرد بنا شده است (آبوت و والاس، 1387: 294-5).



شکل 4. تجمع زنان افغانستان علیه نابرابری جنسیتی، خشونت و تبعیض. دستیابی در سایت: <http://khabarnama.net>

به همان اندازه که جنسیت و نقش‌های تولید مثلی دست‌پرورده اجتماع، هویت و رفتار زنان را محدود و مقید می‌کنند، نقش‌های جنسی بر ساخته اجتماع نیز دستیابی زنان را به هویت جنسی و رشد نیازها و امیال جنسی خود به شدت دشوار می‌سازند. بسیاری از رادیکال‌فمینیست‌ها میل جنسی را موضوع فمینیسم می‌دانند؛ زیرا «تهاجم و نیاز به تسلط جزئی معمول از شکل پذیرفته‌شده میل جنسی (متعارف) مردانه است. فرض بر این است که در زمینه جنسی مردان به طور طبیعی مهاجم و مسلط و زنان منفعل و تسلیم‌اند و این فرض به خشونت مردان علیه زنان شکلی بهنجار بخشیده و آن را مشروع جلوه داده است. چون سلطه مرد و تسلیم زن در عرصه مهم مانند

رابطه جنسی امری متعارف به شمار می‌آید، در زمینه‌های دیگر نیز عادی تلقی می‌شود. به نظر رادیکال‌فمینیست‌ها زنان تنها در صورتی به برابری کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مردان دست می‌یابند که رابطه جنسی میان زن و مرد شکلی کاملاً تساوی‌طلبانه پیدا کند و به نظر نمی‌رسد تا زمانی که میل جنسی زن بر حسب میل جنسی مرد تعبیر و تفسیر شود، چنین شکلی تحقق یابد (تانگ، 1387: 179-80). تفکرات افراطی فمینیست‌های رادیکال حتی فحشا و ازدواج را هم‌شان یکدیگر می‌دانند که در هر دو مورد با زن در حد یک کالای جنسی برخورد می‌شود! در سال 1987 «کاترین مک کینون» استاد حقوق دانشگاه میشیگان نیز تصریح می‌کند که فمینیسم تمایزی بین فاحشگی، ازدواج و آزار جنسی نمی‌بیند (Mackinnon, 1987:59).

در فمینیسم انگلیستان ریشه نابرابری در رابطه جنسی است. از دیدگاه این گروه از فمینیست‌ها مردان پدیده‌هایی چون حاملگی، قاعدگی و شیردهی را درک نمی‌کنند و همین عوامل بیولوژیک باعث شده زنان ضعیف و زیردست مردان شوند. از نظر آنان زن بودن حاصل کلیشه‌های جنسی است و ازدواج و عشق عواملی هستند که موجب می‌شوند زنان نتوانند مانند مردان خلاقیت داشته باشند، استقلال خود را از دست بدهند و در نتیجه همواره محتاج مردان بمانند.

در جریان فمینیسم سوسیال جنس، طبقه، نژاد، سن و ملیت خود عوامل ستم بر زنان تلقی می‌شوند. فمینیسم سوسیال مردسالاری را نظامی فراتاریخی می‌داند؛ به این معنا که مردان در طول تمام تاریخ، بر زنان اعمال قدرت نموده‌اند و معتقد است که این نظام در جوامع سرمایه‌داری شکل خاصی می‌یابد. با این توضیح که مردان و نظام سرمایه‌داری از کار زنان در خانه به رایگان بهره‌مند می‌شوند و به همین دلیل، این گرایش به اجتماعی شدن زنان و مشارکت اجتماعی آنان تأکید فراوان می‌ورزد. بنابراین فمینیست‌های سوسیالیست توجه به امور خانواده را از کانون توجه خود خارج کرده‌اند. آنها معتقدند با وجود آنکه زنان همیشه کارهای گوناگونی انجام می‌دهند، در طول تاریخ در درجه اول با کار جنسی و زایشی خود به مثابه مادران تعریف شده‌اند. حال آنکه با چنین تعاریفی،

این واقعیت که مثلاً نیمی از کشاورزان جهان زن هستند، در سایه قرار می‌گیرد. به نظر آنها جدا کردن زنان از عرصه تولید و در نظر گرفتن آنها به عنوان مادر، استثمار زنان را در جامعه صنعتی گسترش داده است. به همین دلیل تنها با بررسی ارتباط و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل دو عامل مردسالاری و سرمایه‌داری می‌توان به تحلیل واقع‌بینانه‌ای از وضعیت زنان در جوامع سرمایه‌داری دست یافت (Jagger, 1998).

فمینیست‌های پست‌مدرن بر این باورند که اساساً دانش مدرن مردانه است و دغدغه اصلی آنان رسیدن به گونه‌های دیگر شناخت و دانشی غیرمردانه است. بنابراین وجه معرفتی در این رویکرد اهمیت ویژه‌ای دارد. به نظر فمینیست‌های پست‌مدرن، نه نفس ازدواج و نقش مادری، بلکه دسته‌ای از روابط تحمیل شده بر زنان، موجب بردگی آن‌ها شده است. علت زیر سلطه رفتن زنان، وجود رفتارهایی است که از بدو تولد میان دختر و پسر، تفاوت و تفرق ایجاد می‌کند. آنان نظریه «مردان و زنان با تعاریف جدید» را پیشنهاد می‌کنند و به تشابه حقوق زن و مرد در خانواده و محیط اجتماعی اعتقاد دارند. فمینیست‌های پست‌مدرن به اثرات گفتمان‌های متعدد، چارچوب‌های تئوریک، داستان‌ها و روایت‌هایی که در مقام تعریف از جنسیت گفته یا استفاده می‌شود، اشاره می‌کنند و معتقدند که این داستان‌ها و حکایات، در تعیین هویت و تعریف جنسیت نقش دارند؛ چنانکه حتی تعریف هویت جنسی نیز تابعی از روابط قدرت اجتماعی و سیاسی است (Jonse, 1996: 29).

پست‌مدرنیسم با طرح سؤالاتی در زمینه جنس و هویت، چشم‌اندازهای جدیدی را پیش روی فمینیسم گشوده است که عمده روندهای فمینیستی را تحت تأثیر خود قرار داده است. چنانکه باتلر با مطرح کردن بحث جنسیت و جنس به طرح این سؤال اساسی پست‌مدرن می‌پردازد که آیا مؤنث بودن دربردارنده «واقعیتی طبیعی» است یا تحت تأثیر عملکرد فرهنگی یا کارکرد فرهنگی قرار می‌گیرد یا اینکه اساساً واقعیت طبیعی است و نه کارکرد فرهنگی؛ بلکه یک واقعیت نهادینه و طبیعی شده (جزء طبیعت فرد درآمده) است که خود تحت تأثیر گفتمانی است که این گفتمان خود، طبقه‌بندی‌های جنسیتی را تعریف کرده است. در نظر باتلر از آن جهت که جدایی

قائل شدن بین زن و مرد امری مردود است، بنابراین می‌توان پذیرفت که جنسیت و جنس می‌توانند به نحو فرهنگی محل توجه قرار گیرند و علاوه بر این می‌توان امیدوار بود که بحث مؤنث و مذکر بودن را بهتر بتوان خارج از تقسیم‌بندی‌های سنتی مدرنیستی بررسی کرد (Butler, 1998: 82).

به عقیده باتلر، فوکو پا را فراتر از مقوله فرهنگی دانستن جنسیت و جنس می‌گذارد و می‌گوید: نیازها، تمایلات، جهت‌گیری‌های شخصی و تجربیات ما درباره عشق، ترس و... همگی تحت تأثیر روابط قدرت شکل می‌گیرند. چنانکه شکل‌گیری خود، هویت و تلاش برای تجزیه و تحلیل و کنترل خود، در مسیری قرار ندارند که منجر به آزادسازی و آزادی فرد شوند؛ بلکه بیشتر خصایص و برآیندی از اشکال مختلف قواعد اجتماعی‌اند که وی آن را انضباط می‌نامد. در حالی که این گفتمان‌های ما هستند که تمایلات، علائق، جهت‌گیری‌ها، عشق و توانمندی‌های ما را باید بسازند (Foucault, 1993: 12). پست‌مدرنیست‌ها سعی می‌کنند فمینیسم یا حرکت‌های فمینیستی را به سمتی سوق دهند که به جای تأکید محض بر مسئله برابری جنسی یا توزیع عادلانه شأن و منزلت زنان و مردان و برخورد با تبعیض‌های موجود بین زن و مرد، به جنبه‌های اجتماعی مسائل زنان و مردان (مقوله جنسیت و هویت جنسی) توجه بیشتری صورت گیرد؛ چراکه در میان فمینیست‌هایی که به برابری جنسیتی تأکید دارند، دو گرایش عمده وجود دارد که هر کدام از آنها به نحوی بر مقوله برابری جنسیتی تأکید می‌کنند. یکی از این جریانات فمینیستی، فمینیسم لیبرال است و دیگری فمینیسم رادیکال. فمینیست‌های رادیکال بر این باورند که زنان باید در قدرت مطلق (قدرت نابرابر و برتر نسبت به مردان) قرار گیرند و فمینیست‌های لیبرال نیز معتقدند که دولت باید برابری جنسیتی بین مردان و زنان را تضمین کند؛ اما پست‌مدرنیست‌ها و به تبع آن، فمینیست‌های پست‌مدرن بر این عقیده‌اند که جامعه امروز، تعریف جنس را تغییر داده است؛ چراکه به زعم آنان مسیری که یک کلمه یا لغت طی می‌کند تا مورد استفاده و استعمال افراد آن جامعه قرار گیرد، مسیری است که طی آن، معنای آن لغت یا کلمه عوض می‌شود؛ به نحوی که ممکن است دیگر آن لغت یا کلمه معنی واقعی خود را از دست بدهد. به عبارت دیگر، یک متن یا یک کلمه، دیگر همه معنی واقعی خود را به همراه ندارد. چنانکه

تعریفی که جامعه امروز از جنس و جنسیت ارائه می‌کند، تنها بخشی یا قسمتی از معنی واقعی آن را لحاظ می‌کند. کلماتی چون پرورش دادن و مراقبت کردن متأسفانه به نحوی معنی و تفسیر می‌شوند که تنها نیمی از جمعیت جهان (یعنی زنان) را دربرمی‌گیرند؛ در حالی که این کلمات ذاتاً چنین معنایی ندارند؛ معنایی که در انحصار جنس خاص (مرد یا زن) باشد. این واژگان به نحوی هستند که سوگیری جنسیتی از آنها استنباط نمی‌شود؛ چنانکه معنی واقعی کلمه‌ای همچون جنس را می‌توان به نحوی ارائه کرد که هم مرد و هم زن را شامل شود؛ بدین صورت که گفته شود مردان دارای ارگان و اندام جنسی خاص خود و زنان نیز دارای اندام جنسی خاص خود و متفاوت از مردان هستند. با این وصف از لغت جنس، دیگر هیچ معنایی دال بر وجود جهت‌گیری معنایی و دلالتی خاص برای مرد یا زن به واسطه این کلمه وجود نخواهد داشت و نمی‌توان این کلمه یا کلمات نظیر آن را به نحوی معنا کرد یا به کار برد که وظایف خاصی را برای زنان یا مردان استنباط کرد (Ibid). در هر صورت، فمینیسم تحت تأثیر پست‌مدرنیسم، نباید فقط به مسئله برابری جنسیتی توجه کند؛ بلکه باید به تصویر بزرگ‌تری از این مسئله بپردازد. این تصویر بزرگ نیز همان «هماهنگی اجتماعی» است که باید منطبق با آن مقولات مختلف از جمله هویت، جنسیت و... را تبیین و تعریف کرد؛ زیرا هماهنگی اجتماعی هیچ کس را محدود نمی‌کند؛ بلکه همه چیز و همه کس را دربرمی‌گیرد. هماهنگی اجتماعی به این معنی است که همه زنان، نژادها و جنسیت‌ها دارای حق برابری یعنی همان حقی‌اند که مردان سفیدپوست دارند. با تحقق هماهنگی اجتماعی، جنسیت‌ها حقوق یکسانی به دست خواهند آورد. از منظر پست‌مدرنیست‌ها، فمینیست‌های غیر پست‌مدرن، از آن رو که خود را پیشاپیش درگیر مقوله‌ای به نام درست و نادرست یا حق و باطل کرده‌اند، دیگر قادر نیستند «تصویر بزرگ‌تر» را که همان هماهنگی اجتماعی است، ببینند. این موضوع دلیل این حقیقت است که چرا فمینیست‌ها نه به درستی گذشته خود را می‌فهمند و نه می‌توانند درک درستی از آینده داشته باشند (Hall, 2005: 14). حال مسئله این است که چگونه می‌توان فمینیست‌ها را به این سمت هدایت کرد که به تصویر بزرگ‌تر (هماهنگی اجتماعی) توجه کنند. به زعم هال با تأکید بر سه نکته می‌توان این را محقق کرد:

اول اینکه اجتماع را به عنوان یک کل فرض کرد که دستیابی به هماهنگی اجتماعی (دستیابی به کل) تنها منوط به با هم بودن افراد جامعه باشد. دوم اینکه جنس را امری محدود به صفات و خصایص خاص ندانست و به جای پرداختن به مقوله «برابری جنسیتی» به «حقوق برابر» بین جنس‌ها توجه کرد. چراکه برابری جنسیتی موضوعی بی‌چون و چرا و مفروض است و بیشتر باید به تضمین حقوق برابر توجه کرد. برابری جنسیتی (برابری و هم‌ترازی جنس زن و مرد) امری مسلم است؛ ولی حقوق برابر برای دو جنس مرد و زن امری «به‌دست‌آوردنی» است که تنها با هماهنگی اجتماعی می‌توان به آن دست یافت. سوم اینکه باید «ذهن گشوده» داشت. وقتی هماهنگی اجتماعی یا اجتماع هماهنگ، تصویری بزرگ‌تر باشد، نمی‌توان فقط به یک بخش از این تصویر یا قطعات توجه کرد و آنها را کنار هم گذاشت؛ مگر اینکه به «تصویر کل» یا «کل تصویر» توجه کرد (Ibid: 20). بر مبنای اندیشه پست‌مدرن فمینیستی می‌توان استنباط کرد که ازدواج به عنوان فحشا یا عاملی برای استثمار زنان و برتری مردان نسبت به زنان نیست. بر مبنای اندیشه پست‌مدرن ازدواج می‌تواند معنای جدیدی به همراه داشته باشد و با هماهنگی اجتماعی می‌تواند پدیده‌ای باشد که زنان زیر سلطه آن قرار نگیرند.

3-4. تمکین زنان به ازدواج موقت

زنان نیازهایی در وجود خود مستتر دارند که پاسخ آن را می‌توانند در ازدواج پایدار، استوار و فداکاری مستمر بیابند. زنان متعه با مجموعه‌ای از نیازها و تمایلات سرکوب‌شده و نیز با تصویری آرمانی از ازدواج دائم، پیوند موقت خود را با فردی آغاز می‌کنند. اما مدتی پس از ازدواج موقت، تمایلات سرکوب‌شده ظهور می‌کنند و شاید به همین دلیل باشد که بسیاری از آنان پس از پایان این ازدواج دچار یأس، ناکامی و نابسامانی‌های روانی می‌شوند. بعضی از نیازهایی که جزء جدایی‌ناپذیر وجود هر زن هستند و به دلیل ماهیت عاطفی زن، ارضای آنها در ازدواج موقت که بر پایه جنسی بنا نهاده شده، بسیار دشوار است، عبارت‌اند از نیاز به عشق و روابط عاطفی، نیاز به تأیید و توجه اجتماعی، نیاز به داشتن فرزند و نیاز اقتصادی که به ترتیب در ادامه بررسی می‌شوند (رافعی، 1382: 31-51).

4-3-1. نیاز به عشق

یکی از مهم‌ترین تمایلات زنان نیاز به دوست داشته شدن و مورد محبت قرار گرفتن از سوی فردی دیگر است که آنها را دوست بدارد و محبت‌ها و تلاش‌هایشان را پاس بدارد. اما زمانی که با زن در فضای کاسبکارانه و تجاری برخورد می‌شود، فضای زندگی برای او با ناامنی و تعارض‌های روانی و طلاق عاطفی آمیخته خواهد شد. ازدواج برای زن پیوندی فراتر از شهوت و نیاز جنسی است و به تعبیر قرآن ازدواج برای زوجین عامل مودت و رحمت (عشق) و آرامش است. زنان بیشتر به دنبال پایداری در عشق، وفاداری محکم و استوار و همسری دائم و استمرار محبت هستند. شاید برای بهره‌گیری جنسی بتوان پایانی تعیین کرد؛ اما برای نیازهای عاطفی و عشق زنان پایانی نیست و به همین دلیل است که پس از پایان ازدواج موقت، نابسامانی‌های روانی و فکری و اجتماعی برای زنان اتفاق می‌افتد.

4-3-2. نیاز به تأیید و توجه اجتماعی

جنبه اجتماعی ازدواج برای زنان اهمیت ویژه‌ای دارد، به ویژه در فرهنگ ما که زنان ازدواج را تثبیت‌کننده موقعیت خود می‌دانند. در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها به ویژه جوامع سنتی، زن را پس از ازدواج با هویت همسرش می‌شناسند. اگر شوهر موقعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی داشته باشد، بر عزت و تأیید اجتماعی زن افزوده می‌شود و در بین خانواده و گروه دوستان بیشتر مورد احترام قرار خواهد گرفت. در بسیاری از موارد به دلیل پنهان ماندن رابطه در ازدواج موقت، هیچ‌کدام از نیازهای زن ارضا نشده و فرد با انبوهی از تمایلات و نیازهای سرکوب‌شده روبه‌رو می‌شود.

4-3-3. نیاز به داشتن فرزند

به تعبیر بسیاری، مادر شدن باعظمت‌ترین، زیباترین و هنرمندانه‌ترین رویداد زندگی زنان است. زن می‌خواهد فرزندی از جنس خودش داشته باشد تا آنچه از عشق و محبت و اخلاق دارد به فرزندش بیاموزد. تولد فرزند در ازدواج موقت ممکن است؛ اما به دلیل پیامدهای تلخی که دارد، هرگز فرزندآوری در این نوع ازدواج توصیه

نمی‌شود. علاوه بر مشکلات پذیرفتن فرزند از جانب مرد، مشکلات حقوقی ثبت شناسنامه‌ای فرزند نیز پیامدهای روانی و اجتماعی ویژه‌ای برای فرزند خواهد داشت. جلوگیری از بارداری یکی از ارکان مستتر و شروط ضمنی ازدواج موقت است و در صورت بارداری، معمولاً سقط جنین به شیوه‌های مختلف غیربهداشتی و غیرقانونی روی می‌دهد.

4-3-4. نیاز اقتصادی

نگرانی‌های اقتصادی بخش عمده‌ای از زندگی زنان را تشکیل داده است. دلواپسی‌های اقتصادی باعث شده است که برخی از زنان دغدغه آینده را داشته باشند. از این رو، برخی از آنان با خرید اجناس ارزشمندی همچون جواهرات به امنیت اقتصادی خود کمک می‌کنند. در جوامع سنتی همیشه مردان سرپرست زنان بوده‌اند و پدر، برادر، شوهر و پدربزرگ در مسائل اقتصادی، زن را به لحاظ مالی حمایت می‌کردند. اما زن سرپرست خانوار ملزم به تأمین معاش خود و خانواده‌اش است (فرزندان، پدر و مادر پیر و ...). برخی از زنان خودسرپرست که شغل و مهارت کافی ندارند، معمولاً بهترین راهکار برون‌رفت از این وضعیت را ازدواج موقت می‌دانند. استنباط مذهبی از ازدواج موقت مردان، فقر اقتصادی آنها بوده و در موارد بسیاری ازدواج موقت مردان متمول نکوهش شده است. اما تجربه‌ها و مصاحبه‌های میدانی و مشاهدات نشان می‌دهد که مردان ثروتمند به ازدواج موقت تمایل دارند و از سوی دیگر زنان متعه نیز به ازدواج با ثروتمندان رغبت دارند. بسیاری از این زنان متعه با مردان متمول ازدواج می‌کنند و پس از تجربه یک دوره رفاه اقتصادی، با اشباع شدن مرد از رابطه، ناگهان رها می‌شوند؛ در حالی که سطح انتظارات اقتصادی آنها نسبت به پیش از ازدواج افزایش چشمگیری یافته است که می‌تواند تداوم چرخه فقر و نیازهای اقتصادی زنان را تشدید کند.

4-4. پیامدهای ازدواج موقت

ازدواج موقت نهادی حقوقی و اجتماعی است که در جامعه ما طبق قانون و مذهب رسمی وجود دارد و طبیعتاً پیامدهایی دارد. در ادامه پیامدهای مثبت و منفی ازدواج موقت بررسی می‌شود.

اگر بخواهیم پیامد مثبتی برای ازدواج موقت در نظر بگیریم، می‌توانیم به ارضای میل جنسی مردان و زنانی که توانایی ازدواج ندارند و تنها هدف آنها بهره‌برداری جنسی است، اشاره کنیم. مردان مجرد یا مردانی که زنانشان را طلاق داده‌اند یا زنانشان فوت کرده‌اند و به دلیل مشغله کاری، مالی یا خانوادگی نمی‌توانند ازدواج دائم کنند و همچنین زنانی که سن بالایی دارند، درگیر روابط عاطفی نبوده و خودسرپرست هستند و نیاز مالی ندارند، برای یکدیگر مناسب خواهند بود. در مجموع، در صورت رعایت شرایط قانونی و ثبت قانونی و تنها به منظور تمتع جنسی برای هر دو طرف و با توجه به نکات بهداشتی می‌توان کارکرد مثبتی برای ازدواج موقت در نظر گرفت. اما پیامدهای منفی ازدواج موقت بدین قرارند:

1. آسیب‌های عاطفی و آسیب‌های روانی‌ای چون اضطراب، ترس، احساس گناه و خستگی‌های جسمی برای زنان متعه.

2. سرنوشت نامعلوم فرزندان حاصل از ازدواج موقت: فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها به علت مشکلاتی که در ثبت شناسنامه‌ای و مسائل هویتی دارند با سیستم گاه پیچیده‌ای مواجه می‌شوند و حتی در بسیاری از موارد تا پیش از ورود به مدرسه شناسنامه نخواهند داشت و طبیعتاً از بسیاری خدمات بهداشتی و ... محروم خواهند ماند. همچنین ممکن است این کودکان توسط پدر پذیرفته نشده و مادر نیز توانایی یا صلاحیت سرپرستی آنان را نداشته باشد که در این صورت به بهزیستی و مراکز مربوطه ارجاع می‌شوند.

3. ایجاد تشنج در محیط خانواده (خانواده اصلی مرد متأهلی که متعه کرده است): روابط بین زوجین ممکن است تحت تأثیر این مسئله شکننده و ناپایدار شود و محیط خانواده به مکانی ناآرام و سرشار از تنش‌های آسیب‌زا بدل شود.

4. تمایل نداشتن به ازدواج دائم: گاه افراد با داشتن تجربه ازدواج موقت، علاقه به داشتن زندگی دائم با یک شخص را از دست داده و روابط موقت را ترجیح می‌دهند. ممکن است این اتفاق برای وضعیت روانی افراد ناخوشایند تلقی شود.

5. ممانعت از ادامه تحصیل دختران و زنان: این اتفاق به ویژه برای زمانی صادق است که صیغه محرمیت قبل از هجده سالگی جاری شود. در این صورت غالباً زنان فرصت داشتن حداقل تحصیلات را از دست می‌دهند.

6. رواج کودک‌همسری و ازدواج در سن کم: وجود میان‌برهای قانونی درخصوص ثبت این نوع ازدواج‌ها می‌تواند احتمال کودک‌همسری و ثبت نشدن ازدواج را افزایش دهد.

7. بیماری‌های مقاربتی: رعایت نکردن مسائل بهداشتی و ترس از افشای روابط، گاه به شیوع بیماری‌های مقاربتی دامن می‌زند که ممکن است افراد تا مدت‌ها آن را مداوا نکنند.

8. رواج روسپی‌گری در بین زنان و هوس‌رانی و تنوع‌طلبی در بین مردان

9. رواج چندهمسری

می‌توان گفت ازدواج موقت / صیغه محرمیت در چاقوب مذهبی با فرهنگی سنتی ادغام شده و به شکلی در جامعه رواج پیدا کرده است که با مقتضیات جامعه امروزی نمی‌تواند کارکرد مثبتی داشته باشد و پیامدهای مخربی دارد. این پیامدها در نتیجه خلأ قانون‌گذاری و مبهم بودن قوانین شرعی و حقوقی به وجود آمده‌اند و از این دو پدیده کاملاً مستقل هستند. در یافته‌های میدانی پیامدهای آشکار و پنهان ازدواج موقت / صیغه محرمیت به‌خوبی بازنمایی خواهد شد و در فصل پایانی برای به حداقل رساندن کژکارکردهای این پدیده، راهکارهای عملیاتی ارائه می‌شود.

فصل سوم:

یافته‌های میدانی

روش پژوهش

همان‌طور که در فصول گذشته به تفصیل بررسی شد، ازدواج موقت پدیده‌ای چندبعدی است که باید به صورت همه‌جانبه بررسی شود تا در نتیجه شناخت حاصل از این بررسی، آسیب‌های احتمالی آن به حداقل ممکن برسد. پژوهش پیش‌رو نیز گامی در جهت مطالعه عمیق‌تر این پدیده اجتماعی است. تبیین ابعاد مختلف ازدواج موقت و نشان دادن پیامدهایی که تا به امروز از دید همگان و حتی محققان پنهان بوده، از اهداف اساسی این پژوهش است.

این پژوهش در چارچوب دیدگاه تفسیرگرایی و رویکرد روش‌شناختی کیفی با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در سه کلان‌شهر تهران، اصفهان و مشهد انجام شده است. در روش زمینه‌ای همان‌گونه که پرسش پژوهش را نمی‌توان از ابتدا به دقت مشخص کرد، پیش‌بینی تعداد شرکت‌کنندگان در تحقیق نیز ممکن نیست و حجم نمونه از طریق داده‌های جمع‌آوری شده و تحلیل آنها مشخص می‌شود. لازم به ذکر است که نمونه‌گیری بدون هیچ محدودیتی در تعداد مشارکت‌کنندگان، ادامه می‌یابد تا اشباع نظری صورت گیرد (سرور، 1393: 146).

به دلیل حساسیت فرهنگی و دینی موضوع پژوهش و دشواری دسترسی به نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی استفاده شد. اشباع نظری و اشباع داده پس از انجام 100 مصاحبه به دست آمد و برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌های بیشتری صورت گرفت. پس از انجام 216 نفر مصاحبه، درباره اشباع نظری و جامعیت پژوهش به اقتناع رسیدیم. البته در این مسیر از نظارت و رهنمودهای متخصصان روش کیفی نیز بهره بردیم. از مجموع 216 نفر مطالعه‌شده، 35 درصد مرد و 65 درصد زن بودند. همچنین به منظور غنی‌تر کردن مطالعه با کارشناسان مذهبی و فقیهان، کارشناسان حقوقی و وکلا و دفاتر ثبت ازدواج و طلاق نیز مصاحبه کردیم.

اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از تکنیک مصاحبه آزاد و عمیق جمع‌آوری شده است. نخست مصاحبه‌ها گردآوری شد و سپس با استفاده از کدگذاری نظری (باز، محوری و گزینشی) آنها را تجزیه و تحلیل

کردیم. به منظور گردآوری داده‌ها، ابتدا برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌های مهم مشارکت‌کنندگان، روش مصاحبه گفت‌وگوی غیررسمی را به کار گرفتیم. در مرحله دوم، مقوله‌ها و مفاهیم به دست آمده در فرایند مصاحبه در راستای نمونه‌گیری نظری پیگیری شدند و پس از این مرحله که خطوط کلی مصاحبه‌ها از طریق مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، پرسش‌های مصاحبه با استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، استاندارد شد و این فرایند تا اشباع نظری ادامه یافت. در ادامه با اجرای کدگذاری باز، همزمان با جمع‌آوری داده‌ها، مقوله‌های عمده، زیرمقوله‌ها و مفاهیم به دست آمدند. با انجام کدگذاری محوری، زیرمقوله‌ها به یکدیگر و به مقوله‌های عمده ربط پیدا کردند و نوع مقوله‌ها از حیث علی و فرایندی و پیامدی بودن، مشخص شدند.



شکل 5. کار میدانی، حومه شهر مشهد: 1396

1-3- شرایط علی

شرایط علی یا سبب‌ساز، آن دسته از رویدادها و وقایعی به شمار می‌روند که بر پدیده‌ها تأثیر گذارند (استرواس، و کوربین، 1390: 152). در این پژوهش «عوامل اقتصادی»، «عوامل عاطفی» و «عوامل جنسی» به عنوان علل اصلی ازدواج موقت تشخیص داده شدند.

1-1-3- عوامل اقتصادی

«عوامل اقتصادی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی، بیانگر این واقعیت هستند که مردانی که به علل اقتصادی، شرایط و توانایی تقبل هزینه‌های زندگی و ازدواج دائم را ندارند، بیش از دیگران به ازدواج موقت تمایل پیدا می‌کنند.

مرد. 35ساله. ساکن مشهد. دارای تجربه طلاق و ازدواج موقت:

«موقعیت و بنیة مالی‌ای که بخوام ازدواج دائم بکنم رو ندارم. هر جا می‌ری، 4، 5 تا تیکه [از جهیزیه] رو می‌ندازن گردنت. از این ور هم می‌گن 200 تا سکه [به عنوان مهریه]. انگار دخترشون رو می‌خوان بفروشن. 100 تا سکه، 200 تا سکه. اصلاً نمی‌پرسن تو نماز می‌خونی، روزه می‌گیری، حروم و حلال سرت می‌شه، اخلاقت خوب هست یا نیست، ورزش می‌کنی یا نه، اهل دود و دم هستی یا نه، اهل قمار هستی یا نه.»

پژوهش‌های متعددی درباره عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر ازدواج صورت گرفته است که برای نمونه می‌توان به پژوهش التجائی و عزیززاده (1395) اشاره کرد. در این پژوهش، نتایج حاصل از روش داده‌های ترکیبی در 28 استان ایران طی سال‌های 1383 تا 1393 نشان می‌دهد با افزایش متغیرهای تورم و بیکاری، سن ازدواج مردان و زنان نیز فزونی می‌یابد. پس این متغیر بر ازدواج دائم تأثیر معناداری دارد. البته از آنجا که معمولاً در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، تأمین مخارج زندگی بر عهده مردان است، دو متغیر بیکاری و تورم نقش مهم‌تری در تصمیم آنان برای ازدواج دائم ایفا می‌کنند.

برای درک هرچه بیشتر تأثیرگذاری دو عامل یادشده در تمایل به ازدواج در خانواده‌های ایرانی، این دو عامل را در سال‌های اخیر بررسی می‌کنیم. در جدول و نمودار شماره یک از شاخص فلاکت^{۵۴} در ایران که از مجموع دو شاخص بیکاری و تورم به دست می‌آید، بهره برده‌ایم. افزایش شاخص فلاکت نشان‌دهنده سخت‌تر شدن حیات اقتصادی در جامعه ایرانی است. همان‌طور که از جدول شماره یک پیداست، در بازه سال‌های 1380 تا 1384 با کاهش شاخص فلاکت در ایران، میزان ازدواج رشد صعودی داشته است؛ اما در سال 1385 و با افزایش شاخص فلاکت، آمار ازدواج نیز کاهش می‌یابد. گرچه در سال 1386 با استمرار روند افزایش شاخص فلاکت، شاهد رشد آمار ازدواج در کشور بوده‌ایم، نباید از یاد ببریم که در یکی از جلسات شورای عالی اداری به تاریخ 26 اردیبهشت 1385، تأسیس صندوق اشتغال و ازدواج مهر امام رضا(ع) تصویب و ابلاغ شد. این صندوق که از 25 تیرماه همان سال شروع به فعالیت کرد تا پایان سال 1386 به بیش از یک میلیون نفر وام ازدواج پرداخت و میزان وام اعطایی‌اش از پنج میلیون ریال به بیست میلیون ریال افزایش یافت. از این رو، این صندوق عاملی تأثیرگذار در افزایش ازدواج‌ها در سال 1386 به شمار می‌رود.

اما در ادامه و تا پایان سال 1392 ازدواج روندی کاهنده دارد که با توجه به افزایش مستمر شاخص فلاکت، انتظاری جز این نمی‌توان داشت. نکته جالب توجه این است که در سال منتهی به انتخابات ریاست جمهوری 1388 شاخص فلاکت در کشور بهبود می‌یابد؛ اما روند کاهنده ازدواج به مسیر نزولی خود ادامه می‌دهد. دلیل این کاهش، فارغ از بهبودهای سیاسی در سال‌های منتهی به انتخابات، افزایش تحریم‌ها در آن سال‌ها و همچنین وقایع سیاسی سال 1388 است. در واقع، مجموع این شرایط، دورنمای مناسبی را برای تشکیل زندگی به شهروندان نشان نمی‌دهد. این روند از سال 1390 شدت بیشتری می‌گیرد و با منفی شدن رشد اقتصادی، شاهد کاهش آمار ازدواج در کشور هستیم. نکته مهم این است که از سال 1393 و با کاهش شاخص فلاکت، هرچند

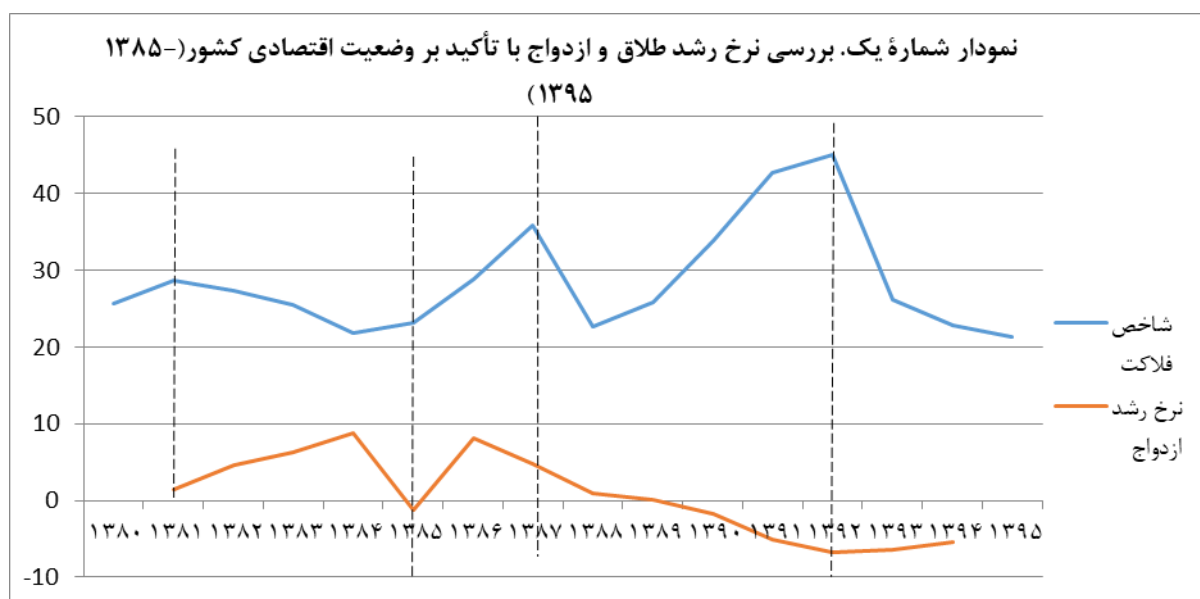
⁵⁴. Misery Index

کاهش آمار ازدواج در کشور ادامه می‌یابد، این روند با نرخ کمتری به سمت بهبود و مثبت شدن نرخ رشد ازدواج است.

سال	1380	1381	1382	1383	1384	1385	1386	1387	1388	1389	1390	1391	1392	1393	1394	1395
شاخص فلاکت	25.6	28.6	27.4	25.5	21.9	23.2	28.9	35.8	22.7	25.9	33.8	42.7	45.1	26.2	22.9	21.4
ازدواج	64194	65096	68103	72397	78781	77829	84110	88159	89020	89162	87479	82996	77451	72432	68535	
نرخ رشد ازدواج	- 0.7	1.4	4.61	6.3	8.81	- 1.2	8.07	4.81	0.97	0.15	- 1.8	- 5.12	- 6.68	- 6.48	- 5.38	

جدول شماره 1. بررسی شاخص فلاکت، آمار طلاق و ازدواج

منبع: شاخص فلاکت از مجموع نرخ بیکاری و تورم (سال پایه 1395) موجود در بانک مرکزی محاسبه شده و آمار ازدواج و طلاق نیز از سازمان ثبت احوال استخراج شده است.



از سوی دیگر، زنانی که در فقر مادی به سر می‌برند، به دلایلی چون پایگاه اقتصادی ضعیف خانواده، طلاق، مسئولیت‌ناپذیری همسر، اعتیاد، فوت همسر، تبعیض‌های بازار کار، داشتن فرزندان صغیر و نداشتن حمایت‌های

مالی از جانب خانواده و سیستم‌های رفاهی دولتی، ازدواج موقت را راهکار مناسبی برای تأمین نیازهای مادی خود می‌پندارند.

زن. 38 ساله. ساکن تهران. مطلقه. دارای دو تجربه ازدواج موقت:

«خرج زندگی سنگینه، کمک می‌شه. بعد از اینکه صیغه اول تموم شد، وضع مالیم خیلی افتضاح شده بود. ولی الان با این آقا اُکی شده. اون موقع نمی‌تونستم حتی برنج بگیرم؛ الان همه چی دارم. مرغ دارم و یخچالم همیشه پره. حتی این رو دوستان هم بهم می‌گن. البته دوستایی که باهاشون صمیمی‌ترم و میان خونه‌م.»

زن. 27 ساله، تهران، دارای تجربه ازدواج موقت:

«خب بیشتر خرج‌ها رو اون می‌کرد. منم خیلی رعایت می‌کردم، ولی بیشتر خرج‌ها با اون بود. چون من اون موقع کار نداشتم یه حقوق خیلی کمی از بازنشستگی پدرم بعد از فوتش بهم می‌رسید.»

تأمین معاش در جوامع سنتی بر عهده مرد خانواده است. اما در نبود شوهر، برادر یا پدر یا جد پدری، زنان باید معاششان را خودشان تأمین کنند. از این زنان با عنوان زنان بی‌سرپرست یا خودسرپرست یاد می‌شود. طبق تعریف سازمان آمار ایران، زنان بی‌سرپرست یا خودپرست، خانوارهایی هستند که به دلایل مختلف (طلاق، مهاجرت و مرگ همسر) مردی به عنوان سرپرست در آنها وجود ندارد یا خانوارهایی که مرد به علت کسالت، اعتیاد و... در تأمین درآمد خانوار سهمی ندارد. اگرچه شرایط برای شرکت فراینده زنان در عرصه تولیدی، صنعتی، خدماتی و آموزشی در جامعه در حال گذار ایرانی بیش از پیش فراهم شده است و زنان از استقلال اقتصادی برخوردارند، این زنان به نسبت جمعیت کلی جامعه در اقلیت هستند و شرایط فعلی آنها برخاسته از وضعیت نامناسب اقتصادی آنهاست.

عادل آذر، رئیس مرکز آمار ایران براساس آخرین سرشماری‌های انجام‌شده در ایران گفته است دو میلیون و 500 هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که در حال حاضر تنها 18 درصد از آنها شاغل و 82 درصد

دیگر بیکار هستند. او افزوده است که آمارهای به‌دست‌آمده از تعداد زنان سرپرست خانوار براساس سه گروه سنی کمتر از 35 سال، بین 35 تا 64 سال و بالای 65 سال، نشان می‌دهد بیشتر، زنان میان‌سال سرپرست خانوار هستند.⁵⁵



شکل 6. تعداد زنان خودسرپرست در ایران با توجه به گزارش‌های رسمی در حال افزایش است. دستیابی در سایت:

<http://www.irna.ir/fa/News/82760217>

⁵⁵. <https://www.mehrnews.com/news/2210299>

چنانکه مشخص است میزان زنان خودسرپرست در ایران رو به فزونی است و جمعیت چشمگیری را شامل می‌شود. در خصوص افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار در کشور، جمعیت‌شناسان از جمله دکتر شهلا کاظمی‌پور، معتقدند که آمارها نشان می‌دهد تعداد زنان سرپرست خانوار در کشور افزایش یافته است؛ اما این افزایش به علت آن است که در گذشته تنها زنانی که همسرانشان فوت کرده یا طلاق گرفته بودند، جزء زنان سرپرست خانوار محاسبه می‌شدند، اما امروزه به دلیل تغییرات اجتماعی و اقتصادی، گروه دیگری از زنان نیز سرپرست خانوار در نظر گرفته می‌شوند. دخترانی که تنها زندگی می‌کنند یا با خواهران و برادران خود بدون حضور پدر و مادر در یک خانه زندگی می‌کنند نیز در زمره زنان سرپرست خانوار هستند. یکی از علل افزایش زنان سرپرست خانوار، مسئله مهاجرت است. این در حالی است که در گذشته دختران کمتر به شهرهای دیگر مهاجرت می‌کردند؛ اما امروز به دلیل ادامه تحصیل یا کسب شغل مهاجرت می‌کنند. به این ترتیب این موضوع نیز به یکی از علل افزایش زنان سرپرست خانوار در کشور تبدیل شده است.⁵⁶ با توجه به شرایط سخت اقتصادی در ایران و نیاز به تأمین معاش، برخی از زنان متعه را راهکاری برای تأمین نیازهای اقتصادی خود می‌پندارند و در قبال تأمین نیازهای مادی خود به ازدواج موقت تن می‌دهند. باید به این نکته اشاره کرد که میزان فقر مادی زنانی که به دلیل نیازهای اقتصادی متعه می‌شوند، بسیار بیشتر از هزینه‌هایی است که مردان به عنوان مهر مشخص و در زمان مشخص، بدون پرداخت نفقه و هزینه‌های دیگر به زن می‌پردازند. در حالی که ازدواج موقت به مردان کم‌درآمدی توصیه می‌شود که توانایی ازدواج دائم ندارند. در مجموع به نظر می‌رسد جنبه موقتی بودن متعه راه‌حل رفع نیازهای مادی زنان نیست.

⁵⁶ . <https://www.isna.ir/news/96022113417>

2-1-3- عوامل عاطفی و روانی

علاوه بر اهمیت ویژه نیازهای مادی به عنوان یکی از عوامل تمکین زنان به ازدواج موقت، عوامل عاطفی و روانی نیز از دیگر علل مهم در ازدواج موقت هستند. در پژوهشی که طلعت رافعی و همکاران انجام داده‌اند، 13/2 درصد زنان متعه دلیل ازدواج موقت خود را جنسی، 28 درصد اقتصادی و 58/8 درصد دلایل عاطفی، روانی، تنهایی و خانوادگی اعلام کرده‌اند (رافعی، 1382: 50).

در این پژوهش، تجربه احساس تنهایی و نبود شادمانی از دیدگاه زنان، و تجربه ازدواج ناموفق در گذشته، نارضایتی زوجین و نداشتن تفاهم از دیدگاه مردان، به عنوان عوامل اصلی ازدواج موقت شناسایی شده است. طلاق عاطفی نیز یکی از مهم‌ترین دلایلی است که موجب می‌شود زنان و مردان تأمین نیازهای خود اعم از عاطفی و جنسی را در بیرون از خانه جستجو کنند. در میان مردان، نداشتن تفاهم با همسر و طلاق عاطفی موجب شده آنها روابط خارج از ازدواج را به طور موازی با ازدواج دائم پیش ببرند. سبک ازدواج سنتی و نداشتن آزادی در انتخاب همسر نیز سبب می‌شود پس از مدتی رابطه زوجین به سردی بگراید و مردان پاسخ نیازهای خود را در بیرون از خانه جستجو کنند. رافعی می‌گوید که نداشتن روابط و درک متقابل زوجین از یکدیگر، بحران‌های میان‌سالی یا تنوع‌طلبی مردان و گرایش به تعدد زوجات از عوامل روان‌شناختی‌ای است که مردان را به سمت ازدواج موقت سوق می‌دهد.

مرد. 36ساله. ساکن تهران. متأهل. دارای تجربه ازدواج موقت:

«همین‌جوری که نمی‌شه طلاق بدی. من از زخم راضی نیستم. تا الان یه بار از دستش غذا نخوردم خدا شاهده. ولی نمی‌تونم جدا بشم، پسر 4ساله دارم. الان این خانمی که باهاشم خودش خونه داره. اکثراً می‌رم بهش سر می‌زنم.»

نمی‌توان گفت ازدواج موقت، سبک انتخابی همیشگی فرد است، بلکه برخی افراد ازدواج موقت را به صورت مقطعی یا به عنوان رابطه‌ای موازی و همزمان با روابط دیگر خود انتخاب می‌کنند. افرادی که دچار بحران

میان‌سالی هستند، تمایل زیادی به ترک رابطه رسمی و تجربه روابط موازی دارند. آنها به دنبال فرد تازه‌ای برای دریافت احترام، محبت و توجه هستند و آنچه را در رابطه دارند، ناکافی، ناامیدکننده و اشتباه می‌دانند. از سوی دیگر، زنان خودسرپرست، بیوه و مطلقه و زنانی که تجربه خشونت خانگی یا ازدواج ناموفق در گذشته داشته‌اند، برای پشت سر گذاشتن تنهایی بیش از حد پس از فقدان همسر و به دلیل فراهم نبودن شرایط ازدواج دائم به علت نداشتن خواستگار یا وجود فرزندان و دید منفی به ازدواج دائم زن بیوه و مطلقه، به سمت رابطه موقت و زودگذر می‌روند.

زن. 24 ساله. ساکن تهران. دارای تجربه ازدواج موقت:

«نمی‌تونم حالی کنم به بقیه. من می‌ترسم. الان تازه یکساله طلاق گرفتم. احتمال اینکه به خطر بیفتم، وسوسه‌ها و خیلی چیزهای دیگه که من رو به سمت خودش بکشه. مرد با اینکه کم هست؛ ولی بودنش تا وقتی که آدم مناسب پیدا کنم و ازدواج کنم و برم، تا اون موقع خوبه. اگر دختر بودم محال ممکن بود وارد رابطه موقت بشم»

زن. 38 ساله. ساکن اصفهان. مطلقه. دارای تجربه ازدواج

موقت:

«زن بیوه تنه‌است. از نظر اینکه تنه‌اییش رو پر می‌کنه، دوست داره کسی باهاش باشه. از اون طرف خیلی محدودیت‌ها رو نداره، می‌دونی که چی می‌گم (اشاره به نداشتن پرده بکارت) راحت‌تری. والا گناه‌م نیست.»

3-1-3- عوامل جنسی

سومین علتی که در گرایش به ازدواج موقت شناسایی شد، نیازهای جنسی است. گزینه جنسی یکی از کشش‌ها و تمایل‌های اساسی در انسان است که باید از طریق راهکاری شرعی و قانونی ارضا شود. چنانچه این گزینه در ارضا دچار انحراف یا مشکل و اختلال شود، فرد را از حالت تعادل درمی‌آورد و به بیماری‌های روحی، روانی و حتی جسمی منجر می‌شود. از این رو، انسان همچون دیگر ابعاد زندگی‌اش، برای رفتار جنسی سالم و مناسب،

همواره به الگو و شیوه رفتار نیاز دارد. در زمانی که شرایط ازدواج دائم فراهم نیست، افراد ازدواج موقت را راهکاری برای تأمین نیازهای جنسی خود می‌پندارند.

مرد. 38 ساله. ساکن تهران. متأهل. دارای تجربه‌های متعدد
ازدواج موقت:

«همون جوونی‌ش هم جوابگو نبود، چه برسه به الان. باید دنبال یکی باشی هم باد و هم وزن خودت. من الان بچه دارم، نمی‌تونم کاری بکنم. خود زخم بیچاره کجا بره، نه پدری نه مادری. همین خوبه. الان حدود شش‌ماهه صیغه کردم دوباره. زخم هم خبر داره.»

مرد. 42 ساله. دارای تجربه ازدواج موقت:

«مردی که نیاز نداشته باشه، طرف این کارا نمی‌ره. حالا شایدم شیطنتی بکنه، مردا شیطنتهای خودشون رو دارن. ولی تأمین نباشی، می‌ری. شاید یکی زنش مریضه یا ببخشید این حرف رو می‌زنم، باهاش نمی‌خوابه یا از نظر جثه بهش نمی‌خوره و جوابگو نیست، اینا باعث می‌شه.»

براساس یافته‌های این پژوهش، مردانی که به ازدواج موقت روی می‌آورند، ناکامی در ارضای جنسی، ناتوانی یا بی‌میلی همسر در برقراری رابطه جنسی، بیماری جسمی، یائسگی، کاهش میل جنسی و... در همسرانشان را دلایلی برای ازدواج موقت مطرح می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد به‌طور کلی یکی از علت‌های ازدواج موقت، تأمین نیاز جنسی است. این مسئله درباره زنان هم صادق است. زنانی که نتوانند پاسخ مطلوبی برای نیاز جنسی‌شان یافته و آن را تعدیل و پالایش کنند، ازدواج موقت را راهکاری مناسب می‌دانند.

چنانکه بیان شد، براساس مصاحبه‌های انجام شده و تحلیل آنها، سه عامل نیاز اقتصادی و مادی، عاطفی و روانی، و جنسی از علل مستقیم روی آوردن مردان و زنان در تهران، مشهد و اصفهان به ازدواج موقت بوده است. مطابق اصول اساسی نظریه مبادله اجتماعی هومنز،⁵⁷ رفتار برحسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به

57. George C. Homan (The Exchange Theory)

همراه می‌آورد، تغییر می‌کند. هرچه فعالیت فرد در زمان معین، پاداش بیشتری به او برساند، به همان نسبت او آن فعالیت را تکرار خواهد کرد. همچنین وقتی عمل فرد، پاداش مورد انتظار یا پاداشی بیشتر از انتظار را دریافت کند یا حتی تنبیه مورد انتظار را دریافت نکند، فرد «متلذذ» شده و بیشتر به انجام آن عمل متمایل خواهد شد و نتایج چنین عملی برایش ارزشمندتر خواهد بود. بنابراین زنانی که نیازهای متفاوت مالی، عاطفی و جنسی دارند، برای کسب پاداش که در اینجا همان رفع نیازهاست، به این شکل از ازدواج روی می‌آورند و هرچقدر میزان بهره‌مندی آنان از این کار بیشتر باشد و پاداش لازم را به دست آورند، تکرار آن بیشتر خواهد بود و در صورتی که پاداش مدنظر را دریافت نکنند، از انجام آن سر باز می‌زنند.

همچنین براساس نظریه سلسله‌مراتب مازلو⁵⁸ می‌توان ازدواج موقت را براساس علل اقتصادی، عاطفی و جنسی تشریح و تبیین کرد. مازلو سلسله‌مراتبی از پنج نیاز فطری را معرفی می‌کند که رفتار انسان را برمی‌انگیزند و هدایت می‌کنند. این نیازها عبارت‌اند از: نیازهای فیزیولوژیک (غذا، آب و میل جنسی)، نیاز به امنیت، نیاز به تعلق‌پذیری و محبت (دوست داشتن و دوست داشته شدن)، نیاز به احترام، و نیاز به خودشکوفایی. مازلو این نیازها را با غریزه مرتبط می‌داند؛ اما این نیازها تحت تأثیر یادگیری، انتظارات اجتماعی و ترس از تأیید نشدن متفاوت عمل می‌کنند. پله‌های پایین‌تر هرم، نیازهای حیاتی‌تر و ساده‌تر و طبقات بالاتر، نیازهای پیچیده‌تر ولی کمتر حیاتی را نمایندگی می‌کنند. افراد فقط زمانی به نیازهای پله بالاتر توجه می‌کنند که نیاز پله‌های پایین‌تر برایشان برطرف شده باشد. هرگاه فردی به پله بالاتر حرکت کرد، نیازهای پله پایین‌تر چندان محل توجه اصلی او نخواهد بود. اگر هم به صورت موردی به نیازی در پله‌های پایین‌تر احتیاج پیدا کند، به صورت موقتی اولویت آن نیاز را بالا می‌برد؛ اما هرگز به صورت دائمی به پله پایین‌تر باز نمی‌گردد.

این هرم، هرم نیازهای انسانی است. نیازهای مادی و جنسی که همان نیازهای فیزیولوژیک هستند، از پایه‌ای‌ترین نیازهای انسانی هستند که تا آنها رفع نشوند، فرد نمی‌تواند به خودشکوفایی و به عبارتی زندگی اجتماعی متعالی

⁵⁸. Maslow's hierarchy of needs

دست یابد. نیازهای عاطفی در مرتبه سوم قرار دارند. بنابراین در ازدواج موقت نیازهای پایه‌ای و فیزیولوژیک زنان و مردانی که شرایط ازدواج دائم را ندارند (هرچند به صورت موقت) رفع می‌شود و نیازهای عاطفی آنها تأمین خواهد شد. پس براساس این نظریه از آنجا که پدیده ازدواج موقت، کارکرد تأمین نیازهای انسانی را دارد، در جامعه تداوم پیدا کرده است.

براساس نظریه گزینش معقولانه مایکل هکتور⁵⁹ یا انتخاب عقلانی⁶⁰ که به ازدواج از دیدگاه فایده‌گرایانه می‌نگرد، می‌توان پدیده ازدواج موقت را براساس نیازهای مادی، عاطفی و جنسی تبیین کرد. متفکرانی که براساس نظریه گزینش معقولانه، عمل جمعی را تبیین می‌کنند، بر این باورند که مردم به رفتارهایی تمایل دارند که نفعشان در آن رفتار بیشتر تأمین می‌شود. پیروان این تئوری معتقدند، این افراد آگاه و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. بنابراین بین دو گزینه ازدواج دائم و ازدواج موقت، زنان یا مردانی که نیازهای اساسی آنها در ازدواج موقت، بدون هزینه بیشتر نسبت به ازدواج دائم رفع می‌شود، به ازدواج موقت گرایش پیدا می‌کنند.

2-3- عوامل زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از وضعیت موجود هستند که در یک زمان و مکان جمع می‌شوند تا تعامل‌های اجتماعی در آن معنی یابند (استرواس و کوربین، 1390: 154). در این پژوهش، عوامل دینی و نگرش مذهبی، عوامل اجتماعی (نگرش جامعه، خانواده و تبعیض‌های جنسیتی) و قانون به عنوان شرایط زمینه‌ای مؤثر در ازدواج موقت شناسایی شدند که تأثیر چشمگیری بر ازدواج موقت و نگرش به آن در جامعه دارند. در ادامه به ترتیب، این عوامل زمینه‌ای را بررسی می‌کنیم.

⁵⁹. Hechter

⁶⁰. Rational Choice Theory

در این پژوهش، اعتقاد به دین و نگرش مذهبی، مترادف با باور به اصول فقه امامیه و مذهب رسمی کشور در نظر گرفته شده است تا رفتار افرادی که براساس مذهب تشیع امامیه، ازدواج موقت را انتخاب می‌کنند، تبیین پذیر باشد.

براساس دیدگاه تشیع، بر مبنای آیه 24 سوره نساء (...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ... و زنانی را که متعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید...) متعه یا ازدواج موقت از سوی خداوند برای انسان مشروع شناخته شده است. همچنین امامان معصوم این نوع نکاح را به عنوان ابزاری برای جلوگیری از ترویج فحشا و زنا در جامعه به شیعیان توصیه کرده‌اند. براساس توصیه امامان شیعه، ازدواج موقت برای فرد ثواب دنیوی و اخروی در پی دارد.

مصاحبه‌شوندگان این پژوهش کسانی بودند که یا تجربه ازدواج موقت داشتند یا کارشناسان مذهبی، حقوقی و مشاورانی بودند که درباره ازدواج موقت / صیغه محرمیت، دیدگاه‌های دینی، حقوقی و روان‌شناختی داشتند.

مرد روحانی در حرم امام رضا:

«حضرت علی(ع) فرمود اگر عمر صیغه را منع نمی‌کرد، زنا نمی‌کردند، مگر بدترین مردم. در روایات ما خیلی هم سفارش شده، حتی مردها و علمای ما قبلاً همسرانشون را صیغه می‌کردند. همسران دائم‌شون رو چند روزی صیغه می‌کردن، بعد عقد دائم می‌کردن و مستحبه که کسی -ولو به دلیل بهره‌برداری جنسی هم نباشه- کسی را صیغه کنه. می‌شه و مشکلی نداره.»

چنانکه از تحلیل مصاحبه‌ها برمی‌آید، به دلیل ادراک مشروعیت مذهبی متعه و به دلیل تشویق به متعه از طرف روحانیان و فقیهان، ازدواج موقت با سهل‌گیری مرجعیت مذهبی مواجه است.

از بُعد دینی، ازدواج متعه برای جوانانی که شرایط مالی مناسبی ندارند و زنان بیوه‌ای که دارای شرایط ازدواج دائم نیستند، پیشنهاد شده است. چنانکه در فصول پیشین نیز گفته شد، مذهب تشیع ازدواج موقت را که مدت مشخص و مهر معلومی دارد به عنوان ازدواجی آسان برای تنظیم رفتار جنسی افرادی که شرایط ازدواج دائم را ندارند، پیشنهاد می‌کند. در سال‌های اخیر، مراجع تقلید، سیاست‌گذاران دولتی و حکومتی و کارشناسان مذهبی، ازدواج موقت را به‌خصوص برای دانشجویان و زنان جوان بیوه توصیه کرده‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی، از مراجع تقلید شیعیان در ایران در توضیح ضرورت و فلسفه ازدواج موقت می‌گوید:

این یک قانون کلی و عمومی است که اگر به غرایز طبیعی انسان به صورت صحیحی پاسخ گفته نشود، برای اشباع آنها به سوی راه‌های انحرافی کشیده خواهد شد. این موضوع نیز قابل انکار نیست که غرایز طبیعی را نمی‌توان از بین برد (و نباید هم از بین برد) تنها می‌توان جریان آنها را تغییر داد. بنابراین راه صحیح برای مبارزه با مفاسد اجتماعی این است که غرایز انسان و نیازمندی‌های روحی و جسمی او را درست بشناسیم و آنها را به طور معقول اشباع نماییم. بدیهی است هرگونه اشتباه و گمراهی در این قسمت، سرانجام منجر به یک فساد و بحران اجتماعی خواهد گردید. اکنون این اصل کلی را درباره «غریزه جنسی» که به عقیده بسیاری از روان‌کاوان نیرومندترین غرایز انسان (یا لاقلاً یکی از نیرومندترین آنهاست) مورد بررسی قرار دهیم: تأمین نیازهای جنسی جوانان (مخصوصاً در اجتماعات کنونی) بسیار جدی و قابل مطالعه است؛ زیرا از یک طرف، عدم تمکن مالی اکثریت قریب به اتفاق جوانان و مخصوصاً نوجوانان در برابر هزینه کمرشکن زندگی و از آن بالاتر، موضوع ادامه تحصیل که غالباً تا سن 20 و 25 سالگی طول می‌کشد و دوران طغیان غریزه سرکش جنسی را به طور کامل فرامی‌گیرد، به آنها اجازه ازدواج و تشکیل خانواده نمی‌دهد. و از طرف دیگر «پارسایی مطلق» و نادیده گرفتن این غریزه سرکش با امواج نیرومند و کوبنده‌اش که متأسفانه بر اثر مناظر تحریک‌آمیز کنونی شدیدتر می‌گردد، بسیار دشوار و برای بعضی امکان‌پذیر نیست. حال می‌گویید چه باید کرد؟ البته افراد بی‌بندوبار با پناه

بردن به مراکز فحشا به گمان خود این مشکل را حل کرده‌اند، ولی باید دید برای افراد پاکدامن و باایمان چه راه حلی وجود دارد.

در مورد افراد متأهل نیز مواردی پیش می‌آید که به حکم ضرورت‌های زندگی مجبورند به طور مجرد به سفرهای چندین ماهه و یا بیشتر برای تجارت، مأموریت و مطالعات مختلف بروند و ماه‌ها دور از زن و فرزند به سر برند. البته ضرورت‌های اجتماعی منحصر به اینها نیست و در موارد دیگری نیز این ضرورت‌ها پیش می‌آید. این یک واقعیت محسوس است که چنین ضرورت‌هایی همیشه در جوامع انسانی بوده و در زمان ما تشدید شده و جوانان را دربر گرفته است. آیا می‌توان این واقعیت‌های روشن را نادیده گرفت و به دست فراموشی سپرد؟! آیا با جواب‌های بالا و جمله‌های چندپهلوی می‌توان چشم از روی حقایق بست؟! آنهایی که چشم و گوش بسته می‌گویند «ازدواج موقت یک نوع جواز شرعی آدم‌فروشی است و مقام زن را پایین می‌آورد» صریحاً به ما بگویند در جواب این جوانان چه باید گفت؟ آیا هرگز در عمر خود برای حل مشکل جنسی جوانان فکر کرده‌اند؟

گاهی می‌گویند: ازدواج موقت باید از قانون مدنی کشور ما حذف شود؛ زیرا با روح «اعلامیه حقوق بشر» سازگار نیست! ولی ما می‌گوییم این چیزی که نامش را اعلامیه حقوق بشر گذاشته‌اید و هنوز ساده‌ترین مواد آن مربوط به الغای تبعیضات نژادی در پیشرفته‌ترین کشورهای به اصطلاح متمدن عملی نشده، در کجای آن نوشته شده: «ازدواج موقت ممنوع و فحشا آزاد است؟!». خواهش می‌کنم از این روح اعلامیه بشر که شما پس از مرگ



شکل 7. حرم امام رضا، مشهد - 1396

آن را احضار کرده‌اید، پرسید مشکل جنسی جوانان را از چه راه باید حل کرد. آیا او هم مثل شما دست به منفی‌بافی می‌زند؟ آیا بهتر نیست به جای آزادی روابط نامشروع، افرادی که می‌خواهند با هم تماس داشته باشند پیمان ازدواج محدود و موقتی ببندند و تمام شرایط آن را در نظر بگیرند و رعایت کنند درست مانند زن و شوهرهای دائمی در این مدت متعلق به هم باشند و در یک محیط پاک زندگی زنشویی صحیحی کنند، و اگر فرزندی هم نصیب آنها شد متعلق به آنها باشد، کجای این قانون عادلانه و عاقلانه، بد است؟!

از آنچه گفته شد، فلسفه ازدواج موقت از منظر مرجعیت دینی اهل تشیع به‌خوبی روشن می‌شود. اسلام راه‌حل مشکل جنسی را (مخصوصاً برای جوانان) و برای تمام کسانی که به علتی قادر به ازدواج دائم نیستند، نشان داده و پیشنهاد می‌کند که در این گونه موارد، زن و مردی که به هم علاقه دارند بدون اینکه زیر بار تعهدات سنگین ازدواج دائم و همیشگی بروند، برای مدت محدودی عقد ازدواج موقت برقرار سازند و آن را درست مانند یک ازدواج دائم محترم بشمرند، و زن «حریم زوجیت» را حتی پس از خاتمه آن مدت با نگهداشتن عده کاملاً رعایت نماید. بدیهی است بار چنین ازدواجی مانند ازدواج دائم بر دوش انسان سنگینی نمی‌کند و طرفین می‌توانند با شرایط سهل و آسانی به آن تن در دهند. زیرا از یک طرف همسر این ازدواج «شریک همیشگی زندگی» نیست تا زن و مرد در انتخاب آن سختگیری زیادی به عمل آورند. و از طرف دیگر «نفقه» به طور رسمی در این ازدواج وجود ندارد، تنها «مهریه» است که مقدار آن همان طور که اشاره شد به اختیار طرفین می‌باشد. به علاوه ازدواج موقت دردسر و کشمکش‌های قانونی طلاق را (به فرض عدم سازش) ندارد، بلکه با پایان یافتن مدت تمام می‌شود، حتی مرد می‌تواند باقیمانده مدت را به زن ببخشد و از حق خود صرف نظر کند و از او جدا گردد و در صورت تمایل طرفین به آسانی (از طریق تجدید عقد برای مدت دیگری) قابل تمدید است.

ازدواج موقت به عنوان یک راهکار مذهبی و پذیرفته شده برای مبارزه با فحشا و بسیاری از انواع انحراف جنسی بر مبنای مذهب تشیع مورد توجه روحانیان و سیاست‌گذاران دولتی و حکومتی است. طرز اجرای صیغه این

ازدواج سهل و ساده است و در تمام رساله‌ها نوشته شده است، ولی باید توجه داشت که اجرای همین مراسم ساده به منزله امضایی است که پای سندی مهم درج می‌شود. اظهار زبانی و قبول مهریه از سوی زوجه بدون ثبت رسمی، ازدواج موقت را مشروع می‌سازد و سهولت این نوع ازدواج در الزامی نبودن ثبت و مراحل قانونی آن است. البته فقیه دیگری از مراجع تقلید به نام آیت‌الله صانعی ازدواج موقت را پیشنهاد نمی‌کنند. آیت‌الله صانعی درباره عقد متعه چنین اظهار نظر می‌کند: «مشروعیت عقد موقت و متعه، فی‌الجمله برای مواقع اضطراری همانند جنگ‌های طولانی، جزء مسلمات مذهب شیعه است و اساساً همان طرز که مرقوم شده، مشروعیتش برای موارد اضطرار است و عامل جلوگیری از فساد در همان زمینه می‌باشد و جلوگیری از فحشا و منکرات با نماز واقعی است که قرآن می‌فرماید: «إن الصلوة تنهى عن الفحشا و المنکر» (عنکبوت: آیه 45). به نظر اینجانب، نه تنها متعه نمی‌تواند مانع فساد باشد، بلکه اگر از موارد فی‌الجمله‌اش خارج شود و در عرض ازدواج دائم قرار گیرد، اساس زندگی و کانون‌های گرم خانواده را به خطر نابدی انداخته و بی‌بند و باری ناشی از آن، جامعه را به سقوط از جهات عدیده می‌کشاند.»⁶¹

با این حال، قول اجماعی فقیهان و مراجع تقلید بر مشروعیت متعه است. البته در برخی قوانین آن مانند اذن پدر برای دختر باکره، اختلاف نظرهایی وجود دارد که باز هم قول اجماعی بر وجوب اذن پدر است.

به طور کلی نهادهای اجتماعی شامل پنج نهاد آموزش، خانواده، دین، سیاست و اقتصاد می‌شوند. از آنجا که دین، پدیده‌ای گروهی است و در رابطه متقابل با دیگر واحدهای اجتماعی قرار دارد، پس انتظار این است که هم بر نهادهای دیگر جامعه (خانواده و ازدواج) تأثیر بگذارد و هم از آنها تأثیر پذیرد. چراکه با توجه به ماهیت نقش دین در زندگی انسان، می‌توان محور و کاربرد دین را تبیین، تنظیم و کنترل کرد و آن را هدایت‌گر انسان در ارتباطات او با خدا، با خود، با طبیعت و با دیگران دانست.

⁶¹. روزنامه توسعه 81/5/13. ص 1

از دیدگاه پترسون^{۶۲} دین مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی یا امر مقدس سامان یافته است (Stark, 1968: 32) و به عنوان نمادی اجتماعی دارای کارکردهایی اساسی مانند انضباط، انسجام و سعادت اخروی در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر اینها، دین به نهادها شکل می‌دهد، بر ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد و روابط و رفتار انسانی را تحت نظر خود کنترل می‌کند (ذاکرم، 1384: 175). همچنین برخی دیگر، دین را مجموعه‌ای از قواعد اعتقادی، اخلاقی و حقوقی که خداوند به منظور اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها در اختیار بشر قرار داده است، تعریف کرده‌اند (فقیهی و همکاران، 1392). با توجه به این تعاریف و کارکردهای دین روشن می‌شود که ادیان مختلف، درصددند مجموعه قواعدی را برای بشر به ارمغان آورند که رفتارهای بشری را تنظیم کنند. یکی از رفتارهایی که دین آن را هنجاریابی می‌کند، رفتار جنسی است. بنابراین ازدواج موقت، رفتاری دینی تلقی می‌شود که به دستور خداوند و سنت امامان صورت می‌پذیرد. شخص دیندار یا متدین کسی است که دین را قبول کرده و رفتارهای خود را در چارچوب دینی انجام می‌دهد. بنابراین اشخاص متدین جامعه که خواهان تنظیم رفتار جنسی خود یا بستگانشان هستند، ازدواج موقت را به عنوان راهکار پیشنهاد می‌دهند. براساس همین رویه می‌توان تداوم ازدواج موقت را در چارچوب دینی تبیین کرد.

ماکس وبر^{۶۳} دین را جهت‌دهنده جامعه می‌داند و آگوست گنت^{۶۴} معتقد بود سنگ بنای سامان اجتماعی، دین است و انسان همیشه به دین نیاز دارد. امیل دورکیم^{۶۵} علاوه بر اینکه دین را مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها برمی‌شمرد، آن را دربرگیرنده نظام کنش و مناسک عملی نیز می‌داند. پیتر برگر^{۶۶} معتقد است که دین در جوامع سنتی مانند سایه‌بانی از نمادها به منظور یکپارچه کردن بخش‌های گوناگون گسترانیده شده است. دین، ساختار، هنجار و شناختی دارد و احساس در کاشانه بودن (سایه‌بان و امنیت) را برای انسان فراهم می‌آورد. در

62. Christopher Peterson

63. Max Weber

64. Auguste Comte

65. Émile Durkheim

66. Peter Berger

جوامع سنتی نیز معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیر دینی جامعی دربارهٔ واقعیت که زندگی انسان را به نظام هستی ربط می‌دهد، یکپارچه شده و تمام اعمال انسانی تحت عنوان دین تفسیر می‌شوند (رضادوست، 1391). همچنین از دیدگاه جامعه‌شناختی و براساس دیدگاه‌های وبر و آگوست گنت و مناسک عملی دورکیم، می‌توان گفت ازدواج موقت به عنوان نوعی کنش دینی، رفتار جنسی جامعه را تنظیم می‌کند و از آن دسته مناسک دینی است که جامعه را هدایت می‌کند. همچنین براساس دیدگاه برگر، در جامعهٔ ایرانی که می‌توان گفت هنوز جامعه‌ای سنتی است، رفتارهای انسانی رنگ و بوی دینی دارد و اعمالی که به دین مرتبط می‌شوند، به انسان امنیت می‌دهند. بنابراین تا زمانی که چنین رویکردی به دین در جامعه وجود دارد، ازدواج موقت که رفتاری دینی محسوب می‌شود، در جامعه تداوم پیدا می‌کند و مبنای رفتار و تعامل و کنش متقابل انسان‌ها قرار می‌گیرد.

2-2-3- ساختار قانونی و حقوقی

در این پژوهش، منظور از ساختار حقوقی و قانونی، قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده مصوب سال 1391ش. است. ساختار حقوقی و قانونی ایران از قواعد فقه و شرع اسلامی و مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی نشئت گرفته است. بی‌تردید رسمیت بخشیدن به ازدواج موقت، با وجود اقتدار مذهب در جامعه، نیازمند داشتن بندهایی در ساختار قانونی است. در مادهٔ ۱۰۷۵ قانون مدنی، ازدواج موقت در قوانین ایران به رسمیت شناخته شده است. شرایط و ارکان اساسی نکاح منقطع (ازدواج موقت) همان شرایط صحت نکاح دائم است به اضافهٔ تعیین مدت مشخص و تعیین مهر معین برای زن. موانع ازدواج موقت نیز همان موانع نکاح دائم هستند. از آنجا که ازدواج موقت در قانون مدنی و حمایت از خانوادهٔ جمهوری اسلامی ایران، قانونی و مشروع شناخته شده است، می‌توان از این قوانین به عنوان عوامل مؤثر بر ازدواج موقت یاد کرد. گرچه دربارهٔ ارکان و احکام ازدواج موقت از منظرهای مختلف قانونی بحث شده است؛ مصاحبه‌ها نشان می‌دهند مشارکت کنندگان و حتی روحانیان مذهبی اطلاع دقیقی از مفاد قانونی ازدواج موقت ندارند. البته در برخی قسمت‌ها، قانون‌گذار به دلیل وجود

محدودیت‌های اجرایی، سکوت کرده و موجب سردرگمی افرادی شده است که به ازدواج موقت تمکین می‌کنند. اما با تمام این اوصاف، مشارکت‌کنندگان از مفاد قانونی ازدواج موقت آگاهی دقیقی نداشتند.

روحانی زن. در حرم مطهر امام رضا:

«مثلاً آقا رفته 5 یا 6 ساله صیغه کرده؛ یک ماه یا دو ماه با خانم بوده و رفته. خانم از کجا پیداش کنه که بگه عقد رو باطل کن. یا قول داده که اگه خواستگار خوب داشتی، عقد رو باطل می‌کنم و بعد الان که خواستگار داره، عقد رو باطل نمی‌کنه و می‌گه تو زن منی. عقد موقت نفقه نداره و شرایط بدتر می‌شه. مگه اینکه خانواده در جریان باشن و به مصلحت باشه. به تجربه برام ثابت شده عقدهای موقت همه‌ش سوءاستفاده است. موردی بود بعد از 20 سال عقد موقت، شوهره گذاشته بود، رفته بود.»

از سوی دیگر، مفاد قانونی ازدواج موقت شرایط تداوم این نوع نکاح را در جامعه فراهم می‌کند. برای نمونه در قانون آمده است که مدت متعه به صورت موقت و معین می‌باشد (ماده 1076 قانون مدنی). همچنین در بحث توارث، قانون‌گذار، ارث را حق زن دائمی می‌داند و برای زن متعه ارث در نظر نمی‌گیرد (ماده 940 قانون مدنی). زن حق نفقه نیز ندارد و در انحلال نکاح متعه با انقضای مدت یا بذل مدت از سوی مرد یا فوت او نکاح به پایان می‌رسد، یعنی مانند ازدواج دائم، طلاق وجود ندارد (ماده 1139 قانون مدنی).

مرد. 35ساله. ساکن تهران. متارکه کرده

«هرچی بشه، می‌تونیم از هم جدا بشیم. مسئولیت نداری. مجبور نیستی پاش بسوزی. زندگی حروم شه. این خوب نیست؛ ولی برای ماها خیلی هم بد نیست. زور نمی‌زنی. من زخم خورده‌ام، همین که خیلی به کسی امیدوار نمی‌شم خودش کلیه.»

بی‌تردید قوانین به عنوان حداقل‌های اخلاقی‌ای که پیگرد قانونی دارند، می‌توانند به مثابه اهرم فشار یا تسهیل‌گر عمل کنند. مرزهای قانونی تعیین می‌کنند که عملکرد افراد به نسبت مرزها چه جایگاهی دارند و بایدها یا نبایدها

را طبق چه اصولی باید انجام داد و چه مجازات‌هایی برای سرکشی از این اصول وجود دارد. چنانکه مشاهده می‌شود، ازدواج کوتاه‌مدت و آسان و دارای پایان مشخص، طلاق آسان و نپرداختن نفقه و ارث شرایطی ایجاد می‌کند که برخی افراد، به ویژه مردان، ازدواج موقت را بر ازدواج دائم ترجیح دهند. اما در مقابل، فرایند طلاق در ازدواج دائم، طولانی است و پیگیری مهریه و حضانت فرزندان و... زمان‌بر و طاقت‌فرساست.

علاوه بر موارد گفته‌شده، نبود شفافیت دینی و قانونی در تعیین حداقل‌های سنی برای انجام صیغه موقت به تسهیل ازدواج زودرس منجر می‌شود. طبق ماده 1041 قانون مدنی، عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن 13 سال تمام و پسر قبل از رسیدن به سن 15 سال تمام شمسی، منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است. خانواده‌های سنتی و مذهبی به منظور آشنایی برای ازدواج دائم، دوری از گناه و فشارهای اجتماعی، صیغه محرمیت را که همان ازدواج موقت است و از بُعد شرعی و قانونی تفاوتی با متعه ندارد، حتی در سنین کمتر از سن قانونی برای فرزندان‌شان جاری می‌کنند.

زن. 16 ساله. ساکن تهران. در حین دوره عقد:

زن. ساکن مشهد. متأهل که صیغه محرمیت را در

11 سالگی تجربه کرده است:

«بارداری در دوره عقد بود. الان 7 ماهه است بچه‌ام. رابطه کامل داشتیم دیگه. بچه که به دنیا اومد، شاید درسم رو ادامه بدم. شوهرم گفته مشکلی نیست. الان مشکل اینه که خونه مادر شوهرم هستیم. هرچی بگن، باید بگیم چشم. شوهرم کار داره، ولی چون سن اونم کمه، گفتن تا چند سال با اونا باشیم.»

«ما خودمون مشکلی نداشتیم؛ ولی بزرگترا باعث می‌شدن دعوا کنیم. وقتی اوادم سر خونه، چون سنم خیلی کم بود، حرف شوهرم رو خیلی گوش نمی‌کردم. بعد با نصیحت مامان اینا بهتر شدم.»

در واقع، قوانین جمهوری اسلامی ایران ازدواج کودکان را مشروعیت می‌بخشد و خانواده‌ها را در پایبندی به رسوم خود محکم نگه می‌دارد؛ به گونه‌ای که تمایل یا بی‌میلی فرزندان اهمیتی ندارد و همین موضوع از منظر روحی و روانی بر کودکان تأثیرگذار است. اینکه در بیشتر مواقع، فرزندان به اجبار در سن کم ازدواج می‌کنند،

احتمال طلاق آنان را فزونی می‌بخشد. در واقع، قانون از جهتی سعی می‌کند آمار ازدواج را افزایش دهد؛ اما از این موضوع غافل است که احتمال طلاق افرادی که در این سنین ازدواج می‌کنند، زیاد است. به بیان دیگر، دین، خط قرمزی برای سن صیغه تعیین نکرده است و می‌توان زیر سن قانونی و با اجازه ولی، صیغه محرمیت را جاری کرد و قانون‌گذار نیز برای تصویب قوانین بازدارنده از ازدواج در سن کم به اندازه کافی جدیت نداشته است.

امروزه یکی از شاخصه‌های توسعه انسانی، میزان حضور زنان و نحوه ایفای نقش آنان در عرصه‌های گوناگون فعالیت است که بر دیگر جنبه‌های توسعه انسانی به‌طور جدی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا زنان با داشتن نقش مادری و همسری می‌توانند در حل معضلات اجتماعی و... نقش مؤثری ایفا کنند. حقوق زنان، اصطلاحی است که به آزادی و برابری در قوانین مربوط به زنان در تمامی سطوح اشاره می‌کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و موازین اسلامی است. اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین کند. همچنین بر رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تأکید دارد. اصل بیستم قانون اساسی بر این دلالت دارد که همه افراد اعم از زن و مرد به‌طور یکسان تحت حمایت قانون قرار دارند. اصل بیست‌ویکم قانون اساسی، دولت را موظف کرده است که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند. همچنین ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی سرلوحه وظایف دولت است. اصول مطرح در اصل بیست‌ویکم قانون اساسی بدین شرح است:

1. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
2. حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
3. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

4. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست

5. اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی

از متن قانون اساسی و مواد آن چنین برداشت می‌شود که زن و مرد به طور یکسان در پناه قانون قرار گرفته‌اند و می‌توان از آن به عنوان متنی درخور تقدیر یاد کرد. نبود تبعیض ناروا و حمایت مادی و معنوی قانونی (اصل 20 و 21 قانون اساسی) از علائم توجه قانون‌گذار به حقوق زنان است. اما در متن قانون مدنی و آنچه در عمل در خصوص ازدواج موقت اتفاق می‌افتد، برخی از حقوق زنان نقض می‌شود. در بحث ارثیه عملاً قانون‌گذار سکوت کرده است. در بحث نفقه، برای زن حقی در ازدواج موقت قائل نمی‌شود. این شرایط با قانون اساسی و حقوق زنان در تضاد است و مثال آشکار نقض اصل بیست‌ویکم قانون اساسی در ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی اوست.

در ماده 21 قانون حمایت از خانواده مصوب سال 1391، از محوریت نکاح دائم در نظام حقوقی ایران و استواری روابط خانوادگی گفته شده و ازدواج دائم مورد حمایت قرار گرفته است. همچنین این قانون، نکاح موقت را تابعی از موازین شرعی و مقررات قانون مدنی شناخته و ثبت آن را در سه حالت باردار شدن زوجه و توافق طرفین و شرط ضمن عقد الزامی دانسته است. بحث ثبت نکاح موقت، یکی دیگر از مواردی است که حقوق زنان را نقض می‌کند. قانون‌گذار، الزامی برای ثبت ازدواج موقت قرار نداده و آن را به شروط ضمن عقد یا باردار شدن زن منوط کرده است. مصاحبه‌ها نشان داد اکثریت مشارکت‌کنندگانی که سابقه نکاح موقت داشتند، از قوانین اطلاعی ندارند. بنابراین بخش اعظم ازدواج‌های موقت، بدون ثبت بوده است. از سوی دیگر، قانون، ثبت ازدواج موقت را پس از باردار شدن زوجه الزامی می‌داند. این در حالی است که در بیشتر موارد، مرد پس از انعقاد نطفه و باردار شدن زوجه، او را تنها می‌گذارد یا مدت متعه پس از بارداری به پایان می‌رسد و اثبات اینکه فرزند متعلق به کدام شخص بوده در دادگاه بسیار سخت است، زمان زیادی می‌طلبد و نیازمند کمک گرفتن از کارشناسان حقوقی و وکلای کارآمد است. این شرایط در حالی اتفاق می‌افتد که زن در مدت

بارداری نیازمند بسیاری از مراقبت‌های جسمی و روحی و معنوی است؛ اما در ازدواج موقت تمتع جنسی اولویت دارد و این نیازها برآورده نمی‌شود. به فرض اثبات ادعای زن مبنی بر تعلق فرزند به مردی که او را صیغه کرده بوده است، در مدت طولانی اثبات ادعا، تأمین هزینه‌های فرزند و وضعیت حقوقی فرزند و نفقه زن کاملاً معلق می‌ماند. از آنجا که در تمام مکاتب حقوقی، تحقق عدالت و حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی اصل است، این موارد نه تنها با اصول قانون اساسی کشور، بلکه با ارزش‌های انسانی و حقوق بشری نیز تضاد دارد.

3-2-3- ساختار اجتماعی

در بخش ساختار اجتماعی، مقوله‌های عوامل خانوادگی در ازدواج موقت، تبعیض‌های جنسیتی که سبب نابرابری‌های اجتماعی می‌شوند و نگرش عمومی به ازدواج موقت در چارچوب عرف و هنجارهای اجتماعی بررسی می‌شوند.

1-3-2-3- نگرش خانوادگی

یکی از عواملی که نگارنده را به تکاپو برای تحقیق درباره پدیده ازدواج موقت واداشت، افزایش این نوع ازدواج در چند سال گذشته بود. آمار دقیقی از میزان ازدواج موقت در دسترس نیست؛ اما افزایش این نوع ازدواج از دید نقادانه متخصصان این حوزه پنهان نمی‌ماند. بالا رفتن سن ازدواج در ایران از جمله مسائلی است که در چند سال اخیر رسانه‌ای شده است. شاید یکی از دلایل افزایش ازدواج موقت، بالا رفتن سن ازدواج باشد. البته به دلیل ممنوعیت ازدواج موقت برای دختران، بدون اذن پدر، این مطلب بیشتر درباره مردان صدق می‌کند. در حقیقت، افراد به دلیل هزینه‌های هنگفت ازدواج و نیز ترس از ورود به رابطه تعهدآمیز، ترجیح می‌دهند به رابطه‌ای کوتاه‌مدت و در عین حال شرعی اکتفا کنند. حضور پژوهشگران در میدان کار نشان داد که ازدواج موقت چه در قالب صیغه بزرگسالان و چه در قالب صیغه محرمیت پیش از عقد دائم کودکان، در طیف‌های سنتی جامعه مرسوم‌تر است و گرایش‌های مذهبی در خانواده و فشار تحمیلی برای ازدواج گواه آن است. در بسیاری از خانواده‌هایی که اعتقادات سنتی و تا حدی متعصبانه دارند، صیغه محرمیت و در بسیاری مواقع، متعه

مرسوم است و بر رعایت آن تأکید می‌شود. چراکه به زعم آنان این پدیده پشتوانه شرعی و جواز قانونی دارد و جلوگیری از آن با توجه به وضعیت روز جامعه و بنا به دلایل عقلی و منطقی، جایز نیست. ضمن آنکه برخی خانواده‌های دارای فرزندان پسر یا فرزندان متارکه کرده، از نکاح موقت به عنوان مکانیسم موقت و منقطع روابط زناشویی استقبال می‌کنند و در این زمینه نسبت به سایر خانواده‌ها (به‌ویژه خانواده‌های دارای فرزند دختر) انعطاف بیشتری دارند. با وجود این، حتی خانواده‌های مذهبی نیز کمتر به صیغه به عنوان ابزار ممتد تمتع فرزندانشان تمایل نشان می‌دهند و بیشتر به آن به عنوان راهکار ایجاد حرمت و مشروعیت در روابط فرزندانشان با جنس مخالف، آن هم تا حلول ازدواج دائم می‌نگرند. البته ممکن است فرزندان این خانواده‌ها با این راهکار مخالف باشند. در مصاحبه‌های انجام‌شده، برخی مشارکت‌کنندگان صیغه محرمیت را در بازه سنی 11 تا 18 سال تجربه کرده بودند و با همسر خود بین 3 تا 11 سال اختلاف سنی داشتند. تقریباً در تمام این نمونه‌ها، همسر فرد را خانواده او انتخاب کرده بودند و فرد مجبور به پذیرش وضعیت پیش‌آمده شده بود.

زن. 22ساله. ساکن مشهد. متأهل. در 12 سالگی به صیغه محرمیت همسرش درآمده است:

«آخه آدم تو این سن چی می‌فهمه. یه روز از مدرسه اومدم خونه، گفتن تو باید با این ازدواج کنی. دیگه هم مدرسه نرفتم. من می‌گم یه ذره پخته‌تر شی. تا بچه‌ای زبون مرد روت درازه، هرچی می‌گه باید گوش کنی.»

در حقیقت، خانواده‌ها برای تربیت جنسی فرزندانشان تلاش می‌کنند آنها را در سنین کودکی وارد رابطه‌های مشروع و مرسوم کنند تا پیامدهای ناشی از شیطنتهای کودکانه دامن‌گیر آنان نشود. عمق دردناک بودن این مسئله، زمانی آشکار می‌شود که درمی‌یابیم این خانواده‌ها چنین نگرشی را به فرزندان خود نیز انتقال داده‌اند و فرزندان نیز به شکل کاملاً منفعلانه‌ای از وضعیت موجود رضایت دارند و بدون داشتن آگاهی‌های لازم این ازدواج‌ها را بر تحصیلات حداقلی ترجیح می‌دهند. سبک زندگی خانوادگی و نحوه تربیت اجتماعی فرزندان از

عوامل اساسی در پذیرش صیغه محرمیت و ازدواج موقت است. نسل‌های بعدی خانواده‌هایی که صیغه محرمیت و نکاح موقت در آنها سابقه دارد، شکل این نوع ازدواج را درونی کرده و آن را به عنوان نوعی رفتار اجتماعی پذیرفته شده انجام می‌دهند.

مرد. 26 ساله. ساکن تهران. دارای یک همسر دائمی و

تجربه ازدواج‌های موقت متعدد:

«من بابام هم دوتا زن داشت. عموهام هم سر و گوششون می‌جنبید. کلاً توی خانواده این [رسم] هست. این‌طوری نبود که فقط من اولین نفر باشم. از اون‌ور داداشم هم یه زن طلاق داد سر همین صیغه و این داستانا. حالا خیلی همه‌جا نمی‌گیریم، ولی خودمون می‌دونیم. اصلاً من یه چیزی به شما بگم مرد جماعت همه می‌دونیم خودمونیم چکار می‌کنیم. همه‌مون یه جورایی سرمون تو آخوره.»

زن. 16 ساله. ساکن تهران. در حین صیغه محرمیت است:

«خود خانواده پیشنهاد کردن. منم خودم دوست داشتم ازدواج کنم. حالا بعداً درسم رو می‌خونم، ولی از پسره خوشم اومد.»

با وجود اینکه ازدواج موقت در حقوق ایران و مذهب رسمی کشور پذیرفته شده است، بسیاری از خانواده‌ها آن را رفتاری قابل پذیرش نمی‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند. مصاحبه برخی مشارکت‌کنندگان به خوبی نمایانگر این موضوع است.

مرد. 29 ساله. ساکن تهران

دارای سابقه صیغه‌های کوتاه‌مدت فراوان درباره برخورد خانواده‌اش پس از اطلاع از ازدواج موقت می‌گوید:

«بعد از اون قضیه دیگه از خونه زدم بیرون. عذرم رو خواستن هه هه هه. بالاخره بده دیگه آدم نتونه خودش رو کنترل کنه.»

اجتماعی شدن، نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فراگرفته، درونی کرده و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، 1385: 144). اندیشمندان جامعه‌شناسی خانواده، عمده‌ترین کارکرد خانواده را تربیت و اجتماعی کردن فرزندان دانسته‌اند و معتقدند اولین جایی که رفتار اجتماعی برای فرزندان درونی می‌شود، خانواده است. آرنه⁶⁷ با ارائه نظریه‌ای در مبحث جامعه‌پذیری با عنوان جامعه‌پذیری باز و جامعه‌پذیری بسته بر جنبه فرهنگی جامعه‌پذیری خانوادگی به‌طور ویژه تأکید می‌کند. از نظر او در فرهنگ‌های دارای جامعه‌پذیری باز، استقلال، فردگرایی و خودابرازی ترویج می‌شود، در حالی که در فرهنگ‌های با جامعه‌پذیری بسته، اطاعت و همنوایی، ارزش‌های برتر می‌باشند (Arendt, 1995).

همچنین از دیدگاه نظریه یادگیری اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی به‌طور عمده ناشی از تجاربی هستند که با مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن شکل می‌گیرند. توانایی آدمی برای یادگیری از طریق مشاهده، او را قادر می‌سازد الگوهای کلی رفتار را کسب کند. در مرکز این نظریه، فرایند الگو و مدل‌سازی قرار دارد که در آن شخص، رفتار معرفتی و اجتماعی دیگران را با مشاهده، چه به‌طور تصادفی و چه آگاهانه یاد می‌گیرد. علاوه بر این، یادگیری در مشاهده‌گر با پاداش و تنبیه تقویت می‌شود. پس هر فرد، مقدار زیادی از دانش‌ها، مهارت‌ها، ارزش‌ها و... را با مشاهده رفتار، کردار و گفتار والدین، دوستان، معلمان و دیگر الگوها و نیز با مشاهده پیامدهای رفتار آنان کسب می‌کند. خانواده به مثابه میانجی در اجتماعی شدن طفل و همنوایی عمیق وی با هنجارهای اجتماعی، اهمیت ویژه‌ای دارد (و ثوقی و نیک‌خلق، 1374: 173).

براساس نظریه اجتماعی شدن آرنه در خانواده‌هایی که جامعه‌پذیری بسته صورت می‌گیرد، صیغه محرمیت را می‌توان به عنوان نوعی اطاعت و همنوایی فرزندان با والدین تحلیل کرد. از آنجا که در این طبقه سنتی، استقلال و فردیت فرزندان کمتر است، تمکین فرزندان به ازدواج موقت با توجه به نظریه اجتماعی شدن آرنه تبیین‌پذیر

⁶⁷. Arendt

می‌شود. همچنین در خانواده‌هایی که ازدواج موقت رایج است، سایر اعضای خانواده و نسل بعدی این رفتار را درونی و مدل‌سازی می‌کنند. اما در خانواده‌هایی که متعه یا ازدواج موقت رایج نیست، این نوع ازدواج برای فرزندان و نسل‌های بعدی نوعی تابو می‌شود و اگر عضوی از این خانواده‌ها به ازدواج موقت روی بیاورد، با مخالفت خانواده و تنبیه‌هایی مانند طرد شدن از سوی بستگان خود روبه‌رو خواهد شد.

2-3-2-3- عرف

برخورداری متعه از پشتوانه مذهبی (شرعی) و قانونی، ویژگی اصلی و نخستین آن و در واقع، امتیاز خاص این نوع ازدواج است. از این رو، متعه از نگاه قانون، کاری جایز و از منظر شرع، روشی به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت است. ضمن آنکه نکاح موقت به دلیل ماهیت ذاتی خود، بر موقتی بودن و تحمیل نکردن شرایط و تشریفات متعدد بر زوجین دایر است و نسبت به ازدواج دائم، سهولت بیشتری دارد. بنابراین با توجه به ضرورت‌های اجتماعی و نیازهای فردی روزافزون افراد، متعه می‌تواند با فرض تعریف و تبیین روزآمد آن، رهیافتی مؤثر تلقی شود. با توجه به مشروعیت و سهولت ازدواج موقت و شرایط خاص اجتماعی، این نوع ازدواج بیشتر محل توجه جامعه در حال گذار ایرانی است.

مرد 28ساله. ساکن تهران. مجرد. دارای تجربه ازدواج موقت:

«این تجربه دوم که با هم زندگی کردیم، تجربه خیلی خوبی بود. هم خوب، هم عجیب. تا قبل از اون، هیچ وقت نمی‌تونستم درک کنم پدرم چه کار می‌کنه، چه زحمتی برای خونه می‌کشه. تو اون مدتی که خونه گرفتم، رفتم زیر بار مسئولیت کرایه و مایحتاج خونه و پول آب و برق و گاز. اون شخصی که باهام زندگی می‌کنه، بالاخره به موقع‌هایی نیاز به یه چیزهایی داشت، از یه چیزی خوشش میاد، حالا از یه لباسی خوشش میاد. اون خیلی تجربه خوبی بود. از بیرون خیلی راحت، کار می‌کنی و پول درمباری و تموم می‌شه می‌ره. اما خیلی فرق می‌کنه. یه تجربه شبیه به ازدواج و تشکیل خانواده بود واسم. منتها مئه، چجوری بگم، یه چیزایی اختراع می‌کنن شبیه به انسان، واسه من شبیه‌سازی به زندگی واقعی بود.»

از دیدگاه پژوهشگر، با توجه به شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی در این برهه زمانی (دهه 90 شمسی) جامعه در حال گذار ایرانی به ازدواج موقت بیشتر اقبال نشان داده است. تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام مند یا تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا انطباق با شرایط اقتصادی و اجتماعی تغییر یافته در نظر گرفته می شود. در فرایند مدرنیزاسیون، انشقاق، گسستگی و تضعیف در عوامل همبسته اجتماعی به وجود می آید و افراد به صورت اتم‌هایی مجزا به نظر می رسند که به دنبال بیشینه کردن سود و منافع فردی و شخصی خود هستند؛ یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می یابد و ذهنیت افراد به سمت سکولاریته، مادی گرایی، فردگرایی و انزواطلبی می رود و خانواده محوری به فردمحوری بدل می شود. همزمان با این تحولات، نوعی انطباق پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید اتفاق می افتد. به همین دلیل، تحولات نهادهای ازدواج و خانواده، نشانه‌ها و نمادهایی هستند که تغییرات اجتماعی محسوب می شوند؛ زیرا تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی و مذهبی، اشاعه و گسترش اخلاق عقلانیت و فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، افزایش احتمال بقای فرزندان و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف گرایی می باشد (نازک تبار و همکاران، 1394). مک دونالد نیز در قالب نظریه نوسازی بازاندیشانه خود بیان می کند اگرچه فرایند نوسازی، آزادی و استقلال بیشتری را برای افراد به ارمغان آورده؛ اما آنها را با بی اطمینانی بیشتری به آینده مواجه ساخته است. بنابراین، تا موقعی که افراد شغل دائم و باثبات و توانایی برعهده گرفتن مسئولیت خانواده را نداشته باشند، ازدواج نمی کنند و تشکیل خانواده نخواهند داد (MacDonald, 2006).

بنا بر نظریه مدرنیزاسیون، در ایران در حال گذار نیمه‌مدرن، وضعیت صنعتی شدن در حال تکوین است، شهرنشینی افزایش یافته و آموزش همگانی برای زنان و مردان به صورت مساوی فراهم شده است و به دنبال آن، فردگرایی و استقلال‌طلبی و رفاه شخصی و منفعت فردی به عنوان ارزش‌های اساسی مطرح است. در تبیین ازدواج موقت براساس نظریه نوسازی می‌توان گفت ازدواج موقت، آزادی و استقلال و منفعت فردی بیشتری نسبت به ازدواج دائم برای افراد فراهم می‌آورد. همچنین گیدنز از تغییراتی که در حوزه الگوی روابط جنسی در دهه‌های پایانی قرن بیستم شکل گرفته است، سخن می‌گوید. طبق این صورت‌بندی در قرن بیستم، الگوی جدیدی از رابطه میان زن و مرد به وجود آمد به نام «عشق سیال» که در آن روابط، صمیمانه، کوتاه‌مدت و اختیاری بوده است. ویژگی کوتاه‌مدت و اختیاری بودن را در ازدواج موقت نیز می‌توان یافت. در ازدواج موقت روابط، کوتاه‌مدت و گذرا هستند و به آسانی به پایان می‌رسند و فرد می‌تواند بدون هیچ‌گونه مسئولیت حقوقی و حتی شرعی‌ای به سراغ رابطه دیگر برود. اما ازدواج موقت در جامعه پنهان می‌شود و با وجود مشروعیت قانونی و مذهبی در عرف، جایگاه مثبتی ندارد. بیشتر افرادی که سابقه ازدواج موقت دارند یا در رابطه هستند، این رابطه را پنهان می‌کنند و اگر آشکار شود، مورد بازخواست نزدیکان و دوستان و خانواده قرار می‌گیرند و از لحاظ اجتماعی نیز به آنان برچسب یا انگ زده می‌شود. این انگ اجتماعی از طرف جامعه با کاهش سلامت روانی و سلامت اجتماعی این افراد ارتباطی قوی دارد. مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نشان داد افرادی که رابطه آنها آشکار شده است، با تنبیه‌هایی مانند بیرون شدن از خانه توسط خانواده مواجه شده‌اند.

مرد. 29ساله. ساکن تهران. دارای سابقه صیغه‌های کوتاه مدت

متعدد

درباره برخورد خانواده‌اش پس از اطلاع از ازدواج موقت می‌گوید: «دیگه بعد اینکه فهمیدن، بابام از خونه انداختم بیرون. الان که اینجام. کلاً خوب نیست دیگه. ولی خب این روزا خوبه بری زندگی ت رو بکنی. الان خرجم رو از این سوپرمارکت می‌دم دیگه، خوبه.»

به عبارت دیگر، جایگاه نازل ازدواج موقت در بینش عرفی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی خانواده‌ها، در کنار نبود ساختارها و مکانیسم‌های لازم آموزشی، ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی برای تحقق نکاح موقت و نیز دل‌نگرانی و اضطراب خانواده‌ها و به ویژه دختران از بازتاب‌های احتمالی و آثار ازدواج موقت سبب نگرش بدبینانه، نامتعارف و غیراخلاقی به این پدیده می‌شود. گفتمان عمومی جامعه بر انجام ازدواج دائم پسران و دختران مبتنی است و معمولاً اصل موضوع متعه را نامتعارف و به لحاظ اخلاقی ناهنجار تلقی می‌کند. ضمن آنکه عملکرد بسیاری از مردان در استفاده از متعه به عنوان وسیله کامجویی و هوسرانی مفرط، زنان و دختران متعه‌شده را به ابزاری برای رفع نیازهای جنسی تبدیل کرده و بر دامنه بدبینی‌ها به این نوع ازدواج افزوده است. به علاوه، پسران (آقایان) و خانواده‌های پسردار به لحاظ عرفی و اخلاقی، اصولاً تمایل دارند همسر یا عروسشان، دختری باکره و مجرد باشد و در عمل، کمتر به گزینش زنانی که پیش از این به ازدواج دائم یا موقت مرد دیگری درآمده‌اند و دوشیزه نیستند، تن می‌دهند. در مصاحبه با کارشناسان حقوقی مشخص شد که بسیاری از زنان متعه‌شده، به علت دید منفی جامعه و ترس از انگ اجتماعی صیغه‌ای بودن، درباره بسیاری از مشکلاتی که برای زن در حین نکاح متعه به وجود می‌آید، سکوت کرده و اعتراضی نمی‌کنند:

نشان داد که

کارشناس حقوقی؛ تهران:

صیغه عا

هم قانون داریم هم عرف. عرف جامعه ایرانی از اخلاق‌گرایی نشئت گرفته و انجام ازدواج موقت رو قبیح می‌دونه. اما در عین حال قانون و شرع اون رو مشکلی نمی‌دونه. ارتباط اولیه برای مدت

مرد. 52 ساله. تهران. همسرش فوت کرده. مکان مصاحبه مغازه فرد:

«جز اینکه فساد رو تو جامعه توسعه می‌ده، چیز دیگه‌ای نیست. این باعث شد که فساد بیشتر بشه در جامعه و به این وضع بیفته. عیبش که خیلی زیاده. الان بحث فقط بحث صیغه در جامعه نیست. حالا دیگه کسی صیغه نمی‌کنه و همه با تفاهم با هم زندگی می‌کنن. دیگه نمیان پهلوی آخوند، اصلاً نیازی به آخوند وجود نداره دیگه. یعنی آزادانه برای همدیگه زندگی می‌کنن و اسمش رو گذاشتند چی؟ ازدواج سفید! می‌گن این بهتره، خیلیم خوب‌تره.»

عرف و بینش عمومی، متعه را انگي اجتماعي تعريف کرده است و افراډي که آن را انجام مي دهند با عنوان کچرو و ناهمنوا مي شناسد. بنابراين براي جلوگيري از برچسب ناهمنوايي اخلاقي و کچروي، افراډ صيغه را پنهان مي کنند. براي تبين اين بعد ازدواج موقت مي توان از تئوري نمايشي اروين گافمن⁶⁸ بهره برد. نظريه نمايشي گافمن در واقع، شرح استعاري کنش متقابل انسان ها در صحنه روابط اجتماعي است. به نظر او انسان ها مانند بازيگران تئاتر در صحنه روابط اجتماعي، چنان نقش بازي مي کنند که مناسب ترين تأثير را روي مخاطبان يا تماشاگران شان بگذارند. هر فردي در جامعه يا در حال ايفاي نقش اجتماعي خود است يا تماشاگر نقش هاي ديگران مي باشد که در هر دو حالت به صورت فعال و تأثيرگذار عمل مي کند و در شکل گيري روابط اجتماعي مشارکت آگاهانه اي دارد (ثلاثي، 1376). گافمن در تبين مفهوم مديريت تأثيرگذاري⁶⁹ مي گويد فرد تلاش مي کند «خودي» را نشان دهد که ديگران مي پذيرند. اين نمايش خود در جلوي صحنه و آشکار کردن آن در پشت صحنه قرار مي گيرد. فرد دائماً در تلاش است تا اين پشت صحنه بر کسي آشکار نشود. «پشت صحنه» پر است از آلودگي ها و ناپاكي ها و گذرني هايي که نبايد در «جلوي صحنه» آشکار شوند. براساس اين نظريه، ازدواج موقت، پشت صحنه افراډي است که اين کار را مي کنند. آنان مي خواهند ازدواج موقت را در روابط اجتماعي و کنش هاي روزمره شان پنهان کنند.

3-2-3-3 نابرابري اجتماعي و تبعيض جنسيتي

نابرابري و تبعيض جنسيتي ناظر بر نابرابري ساخت يافته در ميان زنان و مردان در ابعاد مختلف اجتماعي وجود دارد. اما ازدواج موقت، نمود عيني تبعيض جنسيتي است. در ازدواج موقت، منافع مردانه ارجحيت دارند و حتي

⁶⁸. Dramaturgical Theory of Goffman

⁶⁹. impression management

از آن با عنوان تلذذ مردانه یاد می‌کنند. ازدواج موقت را از جنبه‌های حقوقی، اقتصادی و اجتماعی بررسی کردیم و روشن شد که در تمام این جنبه‌ها منفعت مردانه بر منفعت زنانه غالب بوده و این نوع ازدواج را می‌توان نوعی تبعیض جنسیتی و عاملی برای بازتولید نابرابری اجتماعی در نظر گرفت. در حرم رضوی با کارشناسان روحانی زن و مرد مصاحبه‌های متعددی انجام شد که در تمام مصاحبه‌ها، روحانیان مرد همگی با قاطعیت از ازدواج موقت و کارکردهای مثبت آن حمایت و آن را تشویق می‌کردند؛ اما در میان روحانیان زن به دلیل ادراک این نوع تبعیض جنسیتی و همدلی زنانه، نوعی شک‌گرایی وجود داشت. همچنین روحانیان زن گرچه ازدواج موقت را شرعی می‌دانستند، آن را پیشنهاد نمی‌کردند و از مکان‌های متعه نیز اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند؛ اما روحانیان مرد موارد متعددی را برای متعه معرفی می‌کردند و نشانی محل‌های مناسب پیگیری آن را می‌دادند.

روحانی زن 1. در حرم رضوی:

«از نظر شرعی مشکلی نداره و شرعیه؛ ولی مشکلاتی برات به وجود میاد. مدتش رو خیلی کوتاه باید در نظر بگیری و هر یه ماه، یه بار بخونی. هر ماه هم مدت و مهریه مشخص بشه...»

بین مثل تو الان خیلی میان اینجا که مراحل تو رو رد کردن و تو دام ازدواج موقت افتادن و مشکلات به مراتب بیشتری داشتن. با دید باز باید انجام بشه که به مشکل برنخوری. مثلاً دختره می‌گه در عرض سه چهار ماه دو بار ازدواج موقت انجام دادم و هر دو تا شون بعد از یکی دو بار نزدیکی انداختن رفتن. تو دام این ازدواج موقت نیفت. تو جوونی می‌تونی دوباره ازدواج کنی. حواست جمع باشه.»

روحانی زن 2 در حرم رضوی:

«خیلی‌ها میان و می‌پرسن در مورد خوبی و بدیش. من واقعاً درباره‌ی مدتش به همه یچور توصیه نمی‌کنم. یکی هست براش 2 ماهه خوبه، اون یکی 2 ساله. بستگی به شرایط داره. ولی آره میان و زیاد میان؛ حتی در مورد اینکه بهشون معرفی کنیم.»

اصلاً جای خاصی هم نیست برای اینجور کارا. اگر هم باشه، ما نمی‌شناسیم. تو حرم همچین جایی نیست. خیلی میان می‌گن کجا رو سراغ داریم؛ ولی تو حرم جای این کارا نیست»

این همدلی زنانه و ادراک تبعیض علیه زنان موجب شده است که روحانیان زن این نوع ازدواج را به همجنسان خود پیشنهاد ندهند و حتی دختران جوان را از آن برحذر دارند. همان‌طور که بیان شد، یکی از علت‌های اصلی

شکل‌گیری ازدواج موقت به ویژه در زنان، نیاز مادی و فقر اقتصادی گسترده است. این نیاز مادی و فقر اقتصادی را می‌توان براساس شکاف اقتصادی جنسیتی توضیح داد. براساس این شکاف، زنان نسبت به مردان نقش کم‌رنگ‌تری در فعالیت‌های اقتصادی کشور دارند. وضعیت شاخص‌های جنسیتی گزارش بین‌المللی در سال 2017 میلادی نشان می‌دهد که ایران در بخش اقتصادی از نظر شکاف جنسیتی در میان 144 کشور در رتبه 140 دنیا قرار دارد. شکاف و تبعیض جنسیتی در بعد اقتصادی شامل سه مفهوم فاصله در مشارکت (اختلاف در نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان)، فاصله دستمزد (نسبت برآورد درآمد اکتسابی زنان به مردان) و فاصله در پیشرفت زنان و مردان (نسبت زنان به مردان در دو گروه شغلی قانون‌گذاران، مقامات ارشد و مدیران، و کارکنان حرفه‌ای و فنی) می‌شود.

مردان	زنان	میانگین	امتیاز	رتبه	شاخص
-	-	۰/۵۸۶	۰/۳۵۷	۱۴۰	مشارکت اقتصادی
۷۶	۱۷	۰/۶۶۵	۰/۲۲۴	۱۴۲	مشارکت در بازار کار
-	-	۰/۶۲۲	۰/۵۷۹	۱۰۱	دستمزد برابر
۲۹۴۶۸	۴۹۶۳	۰/۵۰۲	۰/۱۶۸	۱۴۱	درآمد
۸۲	۱۸	۰/۳۵۸	۰/۲۲۳	۱۰۰	جایگاه مدیریتی و مقامات ارشد
۶۶	۳۴	۰/۸۶۲	۰/۵۱۴	۱۱۱	مشاغل تخصصی و فنی

جدول شاخص‌های مشارکت اقتصادی

بررسی وضعیت شاخص‌های ایران در گزارش سال 2017 نشان می‌دهد ایران در شاخص کلی مشارکت اقتصادی زنان با رتبه 140 و در زیرشاخص‌هایی همچون مشارکت در بازار کار با رتبه 143 و در کسب مناصب مدیریتی با رتبه 103 و در کسب مشاغل تخصصی با رتبه 112 در جمع کشورهای با شکاف گسترده جنسیتی در حوزه اقتصاد قرار دارد. این رتبه با توجه به نرخ بالای زنان تحصیل کرده، درخور تأمل و بررسی است. بررسی دیگر شاخص‌های اقتصادی در این بخش نشان می‌دهد نرخ بیکاری زنان 19.4 و بیکاری مردان

9.3 درصد است. به عبارت دیگر، در شرایط سخت اقتصادی و رکود جامعه معاصر ایرانی (دهه 90 شمسی)، نرخ بیکاری زنان نزدیک به دو و نیم برابر مردان است.

بدین ترتیب، زنانی که به دلیل طلاق یا فوت همسر، خودسرپرست شده‌اند یا دخترانی که سن زیادی دارند و ازدواج نکرده‌اند و به دلیل طبقه اقتصادی ضعیف خانوادگی‌شان هیچ حمایتی ندارند، چگونه باید زندگی خود را تأمین کنند، آن هم در شرایطی که دولت برخلاف اصل 21 قانون اساسی زنانی را که به حمایت مادی نیاز دارند، رها کرده است؟! در جریان تحقیق متوجه شدیم به علت بیکاری و فقر اقتصادی و نبود فرصت شغلی مناسب که این کمبود ناشی از نابرابری اجتماعی و تبعیض جنسیتی در بعد اقتصادی است، بسیاری از زنان به ازدواج موقت تمکین کرده بودند. حال آنکه خود این نکاح در بازتولید تبعیض جنسیتی و نابرابری اجتماعی نقش مؤثری ایفا می‌کند.

نابرابری‌های جنسیتی به حدی در اندیشه و جریان جامعه‌پذیری افراد رسوخ کرده است که افراد، فراتر از پذیرفتن این نابرابری‌ها، نمود آنها را نیز بسیار طبیعی می‌دانند. پذیرش نابرابری‌های جنسیتی درباره زنان کاملاً محرز است. زنان به گونه‌ای دچار جنسیت‌زدگی شده‌اند که خودشان این نابرابری و تبعیض علیه خودشان را تعمیق می‌بخشند. رد پای جنسیت‌زدگی را می‌توان در پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان این تحقیق به راحتی دید. داشتن چهره زیبا، هیکل تحریک‌کننده و عشوه‌گری برای زنان و داشتن توان مالی زیاد برای مردان، تنها بخشی از بازتولید کلیشه‌های جنسیتی در این الگوی ارتباطی است. زنان متقاضی ازدواج‌های موقت ساعتی در شهرهای مشهد و قم، غالباً بنا به تعریف متعارف جامعه، زیبا، دلربا و دارای معیارهای جنسی هستند و مردان متقاضی آنها غالباً اعراب بسیار متمولی هستند که تحت عنوان گردشگری سلامت/ پزشکی یا مذهبی به این شهرها آمده و در کنار اهداف دیگرشان متقاضی انجام صیغه با مبالغ بسیار کلان هستند. این اتفاق، چرخه اقتصادی‌ای را پدید آورده که حول نفعی دوسویه در گردش است. بنابراین شاهد شکل‌گیری نوع دیگری از گردشگری با عنوان

مسافرت جنسی (سکس توریسم) هستیم که بازار لوکس عرضه مانکن‌های پروازی و تقاضای مبالغ هنگفت چندمیلیونی را گرم کرده است. در این شهرها، هتل‌های دارای استانداردهای عالی به عنوان دلالتان غیررسمی این بازار، خدمات‌رسانی می‌کنند. رانندگان حمل و نقل نزدیک حرم‌های مطهر نیز که به اقتضای شغل خود با زائران و مهاجران زیاد تعامل دارند، هم خودشان با این افراد ازدواج موقت می‌کنند و هم این افراد را به کسانی که به دنبال انجام ازدواج موقت هستند، معرفی می‌کنند.

زنان در فضاهای مجازی با بارگذاری عکس‌هایی از اندام و صورتشان، خود را در معرض انتخاب مردانی قرار می‌دهند که باید از بین زنان دست به‌گزینش بزنند. رسانه‌های مجازی عامل اصلی ازدواج موقت و تبعیض جنسیتی نیستند؛ اما شرایط را برای این نوع بازتولید نابرابری و تبعیض جنسیتی در شکل ازدواج موقت تسهیل می‌کنند. مردان در کانال‌های تلگرامی، اینستاگرام و سایر شبکه‌های اجتماعی مجازی به راحتی می‌توانند فرد مدنظر خود را برای صیغه انتخاب کنند و زنان باید خود را طوری در عکس‌ها نشان دهند که توجه مردان را به خود جلب کنند. گاهی پس از پایان مدت صیغه، همین عکس‌های منتشرشده دستاویزی برای اذیت و آزار زنان می‌شود.

مرد. 26ساله. دارای یک همسر رسمی و تجربه ازدواج‌های موقت متعدد:

«از طریق تلگرام و اینستاگرام و بی‌تاک و... کلاً با فضای مجازی آشنا می‌شیم. همدیگر رو از روی عکس و اینا پسند می‌کنیم. این، بهترین روشه. چون هیچ وقت دستت خالی نیست، همیشه می‌تونی یکی رو پیدا کنی.»

مرد. 30ساله. ساکن مشهد. متارکه کرده:

«تقریباً یکی دو ماه قبل یکی از دوستانم معرفی کرد اومدم تو این سایت. اول فقط اومدم و کار نمی‌کردم و نمی‌رفتم تو سایت. یه بار اومدم دیدم 7، 8 تا پیام و بازدید دارم. اومدم نگاه کردم. دیدم یواش‌یواش سرگرم شدم. اومدم داخلش و شروع شد.»

پژوهشگران این تحقیق با جستجوهای پیگیرانه در فضای مجازی توانستند منابع بسیار پررونقی در بازار ازدواج موقت بیابند. یکی از انواع سایت‌های پرمخاطب برای ازدواج موقت، سایت *شیدایی* است که افراد بدون پرداخت هزینه و صرفاً با داشتن اطلاعاتی اولیه در آن ثبت‌نام می‌کنند و در شبکه ارتباطی گسترده‌ای با تمام ایران قرار می‌گیرند. هر فرد می‌تواند با هر شخصی در هر کجای ایران آشنا شود و مقدمات دیدار حضوری را فراهم کند. این سایت‌ها غالباً به‌واسطه تسهیل این آشنایی‌ها، درآمدزایی هم می‌کنند؛ برای مثال عضویت ویژه در این سایت‌ها که برای مخاطب امتیازهای بیشتری دارد با پرداخت هزینه همراه است. همچنین گاه مدیریت سایت، آشنایی دو نفر را از درگاه پرداخت هزینه ممکن می‌سازد؛ به گونه‌ای که سایت معرفی‌کننده به عنوان دلال، درآمدزایی می‌کند.



شکل 8. بازار صیغه در فضای مجازی که در جریان تحقیق شناسایی شد

تبعیض جنسیتی در بعد حقوقی ازدواج موقت نیز مشهود است و از دیدگاه حقوقی نیز این نوع ازدواج نابرابری اجتماعی را بازتولید می‌کند. در جوامع سنتی که شرایط کار برای زنان کمتر از مردان است، معیشت زنان به مردان وابسته است و ازدواج یکی از راه‌هایی است که معیشت زنان را تأمین می‌کند؛ در حالی که در ازدواج موقت مردان از دادن نفقه و ارث به زن معاف هستند. از سوی دیگر، معیشت زن و نیازهای اقتصادی او در زمان عده پس از انحلال نکاح موقت در نظر گرفته نشده است و زن تا پس از عده (چهل و پنج روز در صورت انحلال نکاح و چهار ماه و ده روز در صورت فوت همسر یا وضع حمل زوجه، اگر در دوره نکاح باردار شده باشد)

نمی‌تواند ازدواج کند. بنابراین در این بخش حقوقی، قانون‌گذار بدون توجه همه‌جانبه به پیامدهای این قانون عمل کرده است.

نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که افراد را براساس جنسیت، تحقیر، طرد، خوار و کلیشه‌بندی می‌کند و نشان‌دهندهٔ یکسان نبودن دسترسی زنان و مردان به فرصت‌ها و امکاناتی مانند فرصت‌های شغلی و حقوق اجتماعی برابر است. چنانکه بررسی کردیم، ازدواج موقت، هم متأثر از نابرابری‌های جنسیتی است و هم بر تداوم این نابرابری‌ها تأثیر می‌گذارد و آن را می‌توان براساس نظریه‌های تضادگرایان (دارندروف) و تلفیقی‌ها (ماکس وبر) و فمینیست‌ها تحلیل کرد. از دیدگاه تضادگرایانی مانند دارندروف، نابرابری به صورت توزیع نابرابر اقتدار بروز می‌کند. دارندروف اقتدار را شانس و موقعیتی مبتنی بر نظامی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می‌گردد، می‌داند (گی‌روشه، 1372: 123).

جامعهٔ ایرانی در امر ازدواج، برای اطاعت زنان از مردان و پذیرش اقتدار مردانه، توجیه قانونی و عرفی دارد. این اقتدار مردانه، تبعیض جنسیتی علیه زنان را در ازدواج موقت بازتولید می‌کند. از دیدگاه ماکس وبر، نابرابری ناشی از دسترسی نابرابر به سه عامل قدرت، ثروت و احترام است. بنابراین در ازدواج موقت، قدرت و ثروت و پایگاه اجتماعی در دست مردان است و زنان نسبت به مردان، قدرت و ثروت خاصی ندارند. در این نوع از ازدواج زنان به علت فقر مادی و نداشتن پایگاه اجتماعی برای دستیابی به زندگی مناسب به تمکین و اطاعت از مردان تن می‌دهند. بنابراین بر مبنای نظریهٔ نابرابری وبر می‌توان ازدواج موقت را عامل بازتولید نابرابری و تبعیض جنسیتی در ابعاد اقتصادی و پایگاه اجتماعی و قدرت دانست. مهم‌ترین نظریاتی که تبعیض جنسیتی علیه زنان را در ازدواج نشان می‌دهند، نظریات فمینیستی هستند. برخلاف بسیاری از مردم که ازدواج و خانواده را منبع آسایش، عشق و صمیمیت و رفع نیازهای متقابل می‌پندارند، رویکرد فمینیستی ازدواج و خانواده را عاملی برای بهره‌کشی، تنهایی و نابرابری می‌داند. فمینیست‌های رادیکال، ازدواج را وضعیتی غیرارادی می‌دانند که در آن

مجموعه‌ای از خشونت، بیکاری و تقاضاهای جنسی ناخواسته به زنان تحمیل می‌شود. در مصاحبه‌های این پژوهش آشکار شد که مردان در ازدواج موقت تقاضاهای نامتعارف جنسی مطرح می‌کرده‌اند و در صورتی که زن آن را برآورده نمی‌کرده با خشونت مواجه می‌شده است. به‌طور کلی نظریات فمینیستی خواهان بازتعریف هویت جدید و برابر با مردان در تمام امور از جمله خانواده و ازدواج هستند.

4-3- کنش راهبردی

تعامل یا کنش، ناظر بر تاکتیک‌های اساسی و طرز عمل‌های عادی یا روزمره و چگونگی مدیریت موقعیت توسط افراد در رویارویی با مسائل به کار برده می‌شود. این تاکتیک‌ها، رفتارها و کنش‌هایی هستند که مردم انجام می‌دهند (استرواس، و کوربین، 1390: 152). در این تحقیق از تعاملاتی که در ازدواج موقت، مشخص و اصولی هستند، با عنوان کنش راهبردی یاد می‌شود.

1-4-3- متعه رابطه‌ای موقت با پایانی مشخص

نمی‌توان گفت ازدواج موقت، سبک انتخابی دائمی فرد است، بلکه برخی افراد ازدواج موقت را به صورت مقطعی یا به عنوان رابطه‌ای موازی و همزمان با روابط دیگر خود برمی‌گزینند. روابط موازی و بحران تفاوت در طول زندگی به‌ویژه در میان‌سالی سبب تمایل به ازدواج موقت می‌شود. افزون بر این، برخی مشارکت‌کنندگان دلایل ازدواج موقت خودشان را ناتوانی یا بی‌میلی همسرشان در برقراری رابطه جنسی به دلایلی چون بیماری جسمی، یائسگی، کاهش میل جنسی و... عنوان می‌کردند.

زن. 24 ساله. دارای تجربه ازدواج موقت:

«نمی‌تونم حالی کنم به بقیه که من می‌ترسم. الان تازه یک ساله طلاق گرفتم. احتمال اینکه به خطر بیفتم وسوسه‌ها و خیلی چیزهای دیگه که منو به سمت خودش بکشه هست. مرد با اینکه کم هست، ولی بودنش تا وقتی که آدم مناسب پیدا کنم و ازدواج کنم و برم، تا اون موقع خوبه. اگر دختر بودم محال ممکن بود.»

همان‌طور که مصاحبه‌ها نشان می‌دهند، ازدواج موقت به علت ویژگی موقتی خود و محدود کردن نیازها به زمان معین شده در هنگام عقد، سبب شکل‌گیری این نوع کنش‌های جنسی، عاطفی و اقتصادی می‌شود. زنان به دلیل تجربه پیشین و ناموفق ازدواج گذشته و ترس از آینده‌ای نامشخص و نامحدود در ازدواج دائم، ازدواج موقت را ترجیح می‌دهند. مردان نیز به دلایل متفاوتی چون بحران‌های میان‌سال، طلاق عاطفی در خانواده، نارضایتی جنسی، محدودیت‌های ازدواج دائم و فرایندهای طولانی طلاق در دادگاه‌های خانواده، رابطه موقت را ترجیح می‌دهند و به رفتارهای محدود و موقت جنسی، عاطفی و اقتصادی بیشتر از رابطه‌های بلندمدت و دائمی دارای آینده مبهم گرایش دارند.

2-4-3- رابطه نابرابر جنسی، اقتصادی و عاطفی

براساس آنچه از میدان کار به دست آمده است، تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی به شکلی پویا در ازدواج موقت عمل می‌کنند. در نمونه‌های مطالعه‌شده، طبق گفته خود افراد، شاهد حمایت‌های اقتصادی مردان از زنان و فرمانبرداری زنان هستیم. در کنار این، زنان کم‌سن و دارای چهره زیبا بر مردان میان‌سال اعمال قدرت می‌کردند. هر دو نمونه این ارتباطات، شکلی از بازتولید کلیشه‌های جنسیتی است که زنان با داشتن استراتژی‌های جنسی و مردان با بهره‌مندی از استراتژی‌های اقتصادی بر دیگری اعمال قدرت می‌کنند. به این ترتیب رابطه نابرابری شکل می‌گیرد که هرچند یکی از طرفین خود را بیشتر منفعل می‌بیند، از منافع این رابطه استفاده می‌کند و با آگاهی از اینکه یکی از طرفین وزنه ترازو را بیشتر از حالت معمول به سمت خود سنگین کرده است، به ارتباط ادامه می‌دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت ازدواج موقت، سیستم پاداش آنی دارد. در واقع درست زمانی که فرد به دنبال گرفتن پاداش است، ازدواج موقت به نیاز فرد پاسخ و پاداش می‌دهد؛ در حالی که ازدواج دائم این پاسخ و پاداش را به تعویق می‌اندازد.

رابطه نابرابر در صیغه محرمیت زیر 18 سال بیشتر به چشم می‌خورد. این مسئله زمانی به اوج خود می‌رسد که اختلاف سنی دو نفر بیشتر از چند سال است و حتی گاه به 10 سال می‌رسد. بی‌تردید در این حالت، مرد مطابق

رسوم سنتی در پی تربیت همسر است و تلاش می‌کند تمام شئون زندگی او را در محدودهٔ اختیارات خود قرار دهد. این وضعیت در مشورت با زنانی که با مرد رابطهٔ خونی دارند، تشدید می‌شود. در بسیاری از موارد، دختران زیر 18 سال به علت ناتوانی در مدیریت روابط خود، توسط همسر و مادرشوهر مورد آزار قرار می‌گیرند.

با وجود آنکه رابطهٔ نابرابر دربارهٔ تعدادی از افراد صدق می‌کند، نمی‌توان نابرابری را توصیف جامعی دربارهٔ وضعیت همهٔ نمونه‌های مطالعه‌شده دانست. با نگاهی ژرف‌تر به مکانیسم‌های این شکل از رابطه درمی‌یابیم، برخلاف آنچه خود این افراد اذعان می‌کنند، باید چیزی فراتر از نیازی یک‌طرفه به تداوم این رابطه کمک کند. در حقیقت، یا آنچه در رابطه اتفاق می‌افتد دوسویه است یا کارآمدی الگوی ارتباطی، آن را در جامعه تداوم می‌بخشد. یکی از الگوهای تداوم‌بخش ازدواج موقت، انتفاع دوسویهٔ طرفین رابطه است. در این پژوهش با اکثریتی مواجه بودیم که از آنچه در رابطه می‌گذرد رضایت دوطرفه داشتند. به عبارت دیگر، یا آنچه در رابطه اتفاق می‌افتد، نفعی دوسویه دارد یا رابطه به نحوی حول رضایت دو خانواده درگیر ادامه می‌یابد. طرفین طبق قراردادی از پیش تعیین شده و گاه ضمنی وارد رابطه می‌شوند که می‌توان از آن به عنوان نوعی معامله یاد کرد. شرح وضعیت و تحلیل تعدادی از مصاحبه‌ها گویای این واقعیت است که دو طرف رابطه در نوعی فرآیند بده‌بستانی، با دادن امتیازات، نیاز خود را رفع می‌کنند. از این وضعیت به کالایی شدن رابطه تعبیر می‌شود. زن با عرضهٔ زیبایی و جذابیت‌های جنسی به اهداف اقتصادی دست می‌یازد و مرد به واسطهٔ قدرت اقتصادی‌اش با زنی جوان‌تر از خود وارد رابطه می‌شود تا کامجویی کند و از مزایای رابطه با زنی جوان‌تر، بهره‌جوید. این احساس لذت برای مرد همراه با نوعی قدرت است. این قدرت برای مرد، یادآور توانایی بالای او در کسب لذت است.

بنابراین درست است که بسیاری از عقود موقت توازن اقتصادی ندارند؛ اما با در نظر گرفتن ارزش برخی از گزینه‌ها روشن می‌شود که به طور معمول توازن نسبی نیازهای اقتصادی و غیراقتصادی به تداوم این روابط

کمک می‌کند. در واقع، زیبایی و جوان بودن زن همچون کالایی است که وارد مبادله اقتصادی می‌شود. مشابه چنین وضعیتی در یکی از مصاحبه‌ها کاملاً مشهود است: مردی 26 ساله که با زن و فرزند 3 ساله‌اش زندگی می‌کند، با خانم 50 ساله‌ای وارد رابطه شده است که تمکن مالی دارد، اما گرفتار تنهایی و افسردگی است. زن با داشتن قدرت اقتصادی وارد رابطه‌ای می‌شود که گمان می‌کند او را از افسردگی و تنهایی می‌رهاند. از سوی دیگر مرد با درآمد ناچیز حاصل از آرایشگری و مسئولیت اقتصادی زن و فرزندش، در حالی که کامجویی می‌کند، از نظر اقتصادی نیز منتفع می‌شود.

5-3- پدیده محوری

در این بخش، مقوله‌ای را بررسی می‌کنیم که در بطن ازدواج موقت و عوامل مرتبط با آن، یعنی شرایط و عوامل و پیامدهای ازدواج موقت وجود دارد و در بخش‌های متفاوت ازدواج موقت، نمودی آشکار می‌یابد. عشرت‌طلبی و تسهیل شرایط ازدواج کودکان دو پدیده محوری هستند که به وفور در بخش‌های متفاوت این پژوهش به چشم می‌خورند.

1-5-3- عشرت‌طلبی یا هدونیسیم

از نظر مشارکت کنندگان، ازدواج موقت به هر دلیلی شکل گرفته باشد، کامجویی جنسی جزء جدایی‌ناپذیر آن است. این موضوع در خصوص مردان و زنان توأمان صدق می‌کند. در حقیقت، انتخاب گزینه ازدواج موقت بین تمام گزینه‌های ممکن برای رفع نیازمندی‌ها، نفعی دوسویه دارد. آنچه گفته شد، ترجمان عشرت‌طلبی و کامجویی است که با ویژگی‌های انسان مدرن در عصر حاضر قرابت چشمگیری دارد. آنچه لذت این رابطه و تداوم آن را نیرو می‌بخشد، داشتن رابطه‌ای است که نیازهای جنسی، روانی و گاه اقتصادی مرد را مرتفع می‌کند؛ در حالی که او را در ساختار چارچوب‌مندی که مسئولیت‌های زیادی برایش می‌تراشد، قرار نمی‌دهد. البته در عوض، زن را در اضطراب ناشی از ناپایداری رابطه و انگ‌های اجتماعی قرار می‌دهد. فرد در این رابطه

برای تعامل با شریک جنسی خود آزادی عمل دارد و پیش از شروع رابطه دو طرف می‌دانند که تعهد به همیشگی بودن این رابطه تصویری باطل است.

کارشناس حقوقی. مشهد:

«بیشتر به این موارد برخوردیم که آقای زن داره، بچه داره، زندگیش هم روبه‌راهه. بعد می‌پرسی چرا صیغه کردی، می‌گن آقایون دنبال تنوع‌طلبی هستن. با زن‌های مطلقه هم ازدواج نمی‌کنن و بیشتر دنبال دخترها هستن. حالا این وسط ممکنه طرف منشی‌ش باشه که این رو خیلی می‌بینیم. همکاران وکیل مرد با موکل‌هایی که میان و از شوهراشون جدا شدن، ارتباط می‌گیرن و صیغه‌شون می‌کنن یا با منشی‌هاشون. تو صنف پزشک‌ها این رو زیاد می‌بینیم؛ ولی بین فرهنگی‌ها نه. چون جایگاهش رو ندارن، چون یه دفتر کاری یا منشی‌ای ندارن. این کاملاً مشهوده.»

زیگمونت باومن معتقد است که در موقعیت سیال زندگی مدرن، شایع‌ترین، حادث‌ترین، حساس‌ترین و مسئله‌سازترین نمونه ناهمخوانی و چندگانگی روابط همان (روابط جیب بلوز) است که می‌توان در هنگام نیاز، آن را شکوفا و بعد از ازدواج و رفع نیاز کاملاً در جیب خود پنهان کرد. ازدواج موقت در صورت تعدد می‌تواند مصداقی از این روابط باشد. روابطی کوتاه‌مدت، مشخص و محدود که مسئولیت‌های ازدواج دائم را از دوش فرد برداشته و نیازهایش را نیز با هزینه کمتر برطرف می‌کند. این نوع فلسفه زندگی، ترجمان فلسفه لذت‌گرایی است که هرچه برای فرد لذت و نفع فردی داشته باشد، درست است و نگاهی ابزارری، فایده‌گرایانه و مادی را برای تمام روابط و اصول انسانی موجود در جامعه در پی خواهد داشت. در ازدواج موقت این روابط و لذت‌گرایی به وضوح نمایان و عیان می‌شود.

کامجویی و عشرت‌طلبی در ازدواج موقت، رابطه‌ای دوسویه است و اصل ازدواج موقت بر این کامجویی بنیان نهاده شده است. همچنین معنای لغوی متعه نیز بر همین عشرت‌طلبی دوسویه دلالت دارد. اما چنانکه از شواهد و

مصاحبه‌ها برمی‌آید، این کامجویی و لذت بیشتر مردانه است و تمتع از زنان در این نوع ازدواج بیشتر دیده می‌شود.

عشرت‌طلبی و کامجویی و لذت‌گرایی افراطی یکی از انواع ویژگی‌های سبک زندگی مخاطره‌آمیز است. از دیدگاه کاکرهام⁷⁰ سبک زندگی، دو بعد مثبت و منفی یا به عبارت دیگر، دو بعد سالم و مخاطره‌آمیز دارد. سبک زندگی مخاطره‌آمیز به الگوی زندگی‌ای گفته می‌شود که هر فردی با توجه به ارزش‌ها و ترجیحات شخصی خود برمی‌گزیند که دارای پیامدهای منفی برای خود و دیگران می‌باشد (افراسیابی و براتی، 1394) و می‌توان ازدواج موقت را در چارچوب این نوع سبک زندگی مخاطره‌آمیز تعریف کرد که براساس ترجیحات شخصی و رفع تمایلات عشرت‌طلبی و کامجویی افراطی صورت می‌گیرد و زمینه‌های بروز انحرافات جنسی و اختلالاتی مانند «پدوفیلیا» را فراهم کند. در پنجمین ویراست راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، اختلال پدوفیلیا در دسته انحرافات جنسی قرار گرفت. انحرافات جنسی دسته‌ای از اختلالات روانی است که رفتارها، توهمات و خواسته‌های غیرمعمول جنسی به صورت تحریک‌کننده و عودکننده در آن وجود دارد. این بیماری شاید افراطی‌ترین جلوه بیماری سادیسم باشد. فرد مجرم حداقل باید 16 سال سن داشته باشد و سن او حداقل 5 سال بیشتر از کودک باشد تا بتوان آن را از جمله خشونت‌های اعمال‌شده بر زن دانست. این وضعیت گاه در ازدواج‌های زودهنگام نیز دیده می‌شود.

مرد. 43 ساله. ساکن تهران. متأهل:

«به مشکلی تو زندگیم با زن اولم داشتم که مجبور شدم صیغه کنم: 20 سال از من کوچک‌تر بود و مطلقه.»

70. Cockerham.

مشروعیت قانونی و مذهبی سن 13 سالگی برای ازدواج موقت زنان، تسهیل‌کننده بروز اختلال پدوفیلیا است؛ زیرا افرادی که این نوع اختلال را پنهان می‌کنند، گاه اختلال جنسی خود را در قالب ازدواج موقت برطرف می‌سازند. پدوفیلی نوعی پارافیلی⁷¹ است که در آن شخص هوس‌ها و خیال‌پردازی‌های جنسی شدید و مکرر به کودکان نابالغ دارد (طبق تعریف بین‌المللی انسان از بدو تولد تا 15 الی 18 سالگی کودک است). پدوفیلیا، میل جنسی به کودکان یا بچه‌بازی است. طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها، میل آمیزش جنسی با کودکان را به صورت «ناهنجاری شخصیتی یا رفتاری در بزرگسالان» تعریف می‌کند که در آن از نظر جنسی، ترجیح بیمار به کودکان نابالغ یا اوایل سن بلوغ است. زمانی که بیمار می‌بیند برای سن ازدواج طرف مقابلش محدودیت قانونی و شرعی وجود ندارد، به ازدواج موقت با کودکان روی می‌آورد. میل جنسی به دختران نوجوان با امکان صیغه، راهی برای پنهان کردن بیماری پدوفیلیاست. زیرا در ازدواج موقت، دختر از سن 13 سالگی که اوایل بلوغ است، مورد اقبال بزرگسالانی قرار می‌گیرد که به رابطه جنسی با کودکان گرایش دارند. این افراد می‌توانند ازدواج موقت کنند و از آنجا که در ازدواج موقت محدودیتی در تعداد وجود ندارد، بیمار پدوفیلی به راحتی می‌تواند با تعداد زیادی از دختران نوجوان رابطه جنسی برقرار کند. از سوی دیگر اگر شرایط صیغه برای شخص پدوفیلی وجود نداشته باشد، ممکن است اتفاقات ناگواری مانند تجاوز به کودکان و زنا با محارم رخ دهد. در ایران در سال 1396، تجاوز به کودکان که ناشی از این اختلال است به نارضایتی عمومی و اعتراض‌های شدیدی منجر شد. به ستایش قریشی شش ساله و آتنا اصلانی هفت ساله تجاوز شد و سپس این دو کودک توسط شخص متجاوز به قتل رسیدند. این رویدادها احساسات عمومی جامعه ایرانی را به شدت جریحه‌دار کرد. شکی نیست که ازدواج سبب سلامت و بقای جامعه می‌شود؛ اما گونه‌هایی از ازدواج مانند ازدواج موقت که هنوز بر سر مقبولیت عمومی آن اتفاق نظر وجود ندارد و سابقه آن به هزاران سال پیش در

71. تجربه‌ای است که فرد در مواجهه با برخی موقعیت‌ها یا اشیا یا تصورات و تخیلات غیر معمولی دستخوش برانگیختگی جنسی می‌شود.

خارج از مرزهای ایران بازمی‌گردد، در دنیای مدرن و شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و روانی جدید، کارکرد مثبتی ندارند.

2-5-3- ازدواج زودهنگام

براساس تعاریف سازمان جهانی بهداشت و یونسف و سایر سازمان‌های حقوقی بین‌المللی و حقوق بشری، ازدواج زودهنگام یا کودک‌همسری به هر نوع ازدواج زیر هجده‌سالگی گفته می‌شود. براساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان، کودک کسی است که در سنین تولد تا هجده‌سالگی قرار دارد. صندوق جمعیت سازمان ملل، هر نوع ازدواج در زیر سن 18 سال را ازدواج کودکان می‌داند؛ زیرا دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را ندارد. این ازدواج‌ها را پدر یا پدربزرگ کودک از جانب کودک ترتیب می‌دهد و در آن توجهی به حداقل سن قانونی ازدواج نمی‌شود (احمدی، 1395: 8 و 9).



شکل 9 پروانه سلحشوری؛ رئیس فراکسیون زنان مجلس از تلاش برای افزایش حداقل سن ازدواج دختران از 13 سال به 15 سال خبر داد. دستیابی در سایت:

<https://www.ilnanews.com>

براساس قول مشهور مراجع تقلید شیعه، اصل ازدواج موقت در شرع مقدس اسلام جایز است؛ هرچند ممکن است ازدواج موقت، گاه به مصلحت بعضی افراد نباشد. با توجه به این دیدگاه، ازدواج موقت از لحاظ دینی کاری مشروع است. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تعیین سن ازدواج موقت است که فقه امامیه و قانون مدنی آن را 13 سال شمسی (9 سال با اذن ولی و دادگاه صالح) در نظر گرفته است.⁷² براساس تعاریف بین‌المللی از کودک و قرارداد مذهبی، این سن ازدواج برای کودکان به‌ویژه برای دختران، زمینه‌ساز ازدواج زودهنگام آنان می‌شود. اکبر هاشمی رفسنجانی در کتاب *ازدواج دائم و موقت* پایان نُه‌سالگی را سن مجاز برای صیغه محرمیت و عقد موقت می‌داند. بنابراین می‌توان استدلال کرد که مشروعیت مذهبی در ازدواج موقت زمینه بروز ازدواج کودکان می‌شود.

با توجه به استفتائات مراجع تقلیدی مانند آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله نوری همدانی صیغه محرمیت و ازدواج موقت، هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. از این رو، خانواده‌های سنتی به منظور کنترل رفتار جنسی کودکانشان و فشارها و نگاه‌های اطرافیان، کودکان دختر یا پسرشان را با صیغه محرمیت یا ازدواج موقت به نکاح فرد دیگری که معمولاً از خانواده‌ای مذهبی و هم‌سنخ است، درمی‌آورند. البته در این موارد، شرط نداشتن دخول معمولاً به‌طور ضمنی در صیغه محرمیت ابراز می‌شود؛ اما معمولاً از زوجینی که در اوان دوران بلوغ جنسی هستند و در عین حال به بلوغ فکری و اقتصادی نرسیده‌اند، نمی‌توان انتظار داشت رابطه جنسی برقرار نکرده و در برابر حساسیت والدینشان هشیارانه عمل کنند. در جریان تحقیق و در مصاحبه با خانواده‌های مذهبی و سنتی معلوم شد که ازدواج کودکان در قالب صیغه محرمیت و ازدواج موقت با اذن ولی صورت می‌گیرد. در نمونه‌های

⁷² از دیدگاه برخی از علمای اهل سنتی مانند جناب ماموستا عبدالکریم شهریکندی و احمد مفتی‌زاده و برخی مراجع شیعه همچون آیت‌الله صانعی این سن و نکاح موقت برای زنان امروز جایگاه شرعی ندارد.

مصاحبه‌شده، برخی کودکان، خودشان راضی به این ازدواج نبوده‌اند و از آنجا که در این سن درکی از ازدواج وجود ندارد، اگر هم خود کودکان ازدواج را بپذیرند، می‌توان گفت شرایط این پذیرش آگاهانه نبوده است.^{۷۳}

زن. 27 ساله. ساکن مشهد.

در 14 سالگی و پس از 2 سال صیغهٔ محرمیت به عقد همسرش درمی‌آید: «ببین اصلاً اینجوری بهت بگم فرقی نداره. ما صیغه می‌خونیم همونه. دیگه این رو قطعی کردن. حالا بعضی وقت‌ها می‌ذارن دیرتر عقد می‌کنن. اینطوری نیست که بخوان آشنا بشن و اینا. قرار و مدار رو همون اول می‌بندن.»

جامعهٔ ایرانی به شرعی بودن رابطه حساسیت ویژه‌ای دارد؛ به طوری که صرف معنادار بودن رابطه در چارچوب دینی برای پذیرش آن کفایت می‌کند. این نگرش تا جایی پیش می‌رود که قانونی بودن رابطه را به حاشیه می‌راند و ضرورتش را کم‌رنگ می‌کند. رابطه‌هایی که با عنوان صیغهٔ محرمیت و در قالب رابطهٔ پیش از ازدواج شکل می‌گیرد، گاه تا دو سال پس از جاری شدن صیغهٔ محرمیت، رسمی نمی‌شود. این در حالی است که نمونه‌های تحقیق، دلیل خاصی را برای طولانی بودن صیغهٔ محرمیت ذکر نکرده‌اند و تنها اذعان می‌کنند، انجام صیغهٔ محرمیت به معنای تعهد به قراردادهای بین خانواده و عقد رسمی است. اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها دال بر این واقعیت است که مشروعیت دینی به مراتب از قانونی بودن رابطه مهم‌تر است و این خود ترجمان اهمیت دین به عنوان خاستگاه یک چیز و تداوم‌بخش آن است. باومریند^{۷۴} سه نوع الگوی فرزندپروری را بررسی کرد: الف) فرزندپروری استبدادی، ب) فرزندپروری سهل‌گیر، ج) فرزندپروری قاطع (Baumrind, 1967: 43-88). معمولاً در خانواده‌های استبدادی، فرزندان تحت انقیاد خانواده هستند. براساس نظریات فرزندپروری استبدادی

⁷³. رضایت زن در ازدواج از سنت نبوی نتیجه می‌شود و طفل صغیره به ازدواج نیاز ندارد که لازم باشد شرایط استبداد ولی بر او جاری شود.

⁷⁴. Diana Baumrind

می‌توان استدلال کرد برخی خانواده‌های سنتی، اجازه اظهار نظر در موضوع ازدواج را به فرزندان نمی‌دهند و خود را در تعیین همسر و کنترل رفتار جنسی فرزندانشان ذی‌حق و ذی‌صلاح می‌دانند.

زن. 22 ساله. ساکن مشهد.

متأهل. در 12 سالگی به صیغه محرمیت همسرش درآمد است: «آخه آدم تو این سن چی می‌فهمه. یه روز از مدرسه اومدم خونه، گفتن تو باید با این ازدواج کنی. دیگه هم مدرسه نرفتم. من می‌گم یه ذره پخته‌تر شی. تا بچه‌ای زبون مرد روت درازه، هرچی می‌گه باید گوش کنی.»

6-3- پیامدها

آخرین چارچوب پارادایمی، پیامد است. هر جا انجام شدن یا نشدن عمل / تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله یا به منظور اراده یا حفظ مصلحت از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی به وجود می‌آید (استرواس و کوربین، 1390: 152). در این پژوهش براساس مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان و تحلیل‌های کارشناسان، پیامدهای ازدواج موقت شناسایی شدند که در ادامه مفصلاً شرح داده می‌شوند:

1-6-3- اقتصاد لذت، فساد و روسپی‌گری در جامعه

همان‌طور که در بخش پیشین به تفصیل بحث شد، متعه به عنوان نوعی رابطه اقتصادی دوسویه در نظر گرفته می‌شود و بازاری اقتصادی برای دلالتان، هتل‌داران و برخی مدیران سایت‌های مجازی است. این بازار با مدیریت بدن زنان و تبدیل آن به کالایی ارزشمند، زنان را به انقیاد مردان درمی‌آورد تا در قالب ازدواج موقت یا صیغه، به‌ویژه در شهرهای مذهبی، پول‌های کلانی رد و بدل شود. از این بازار با عنوان اقتصاد لذت یا تورسیم جنسی یاد می‌شود.

کد. پیگیری=0226
 شهر=قم
 سن=22
 قد=1/54
 وزن=60
 پوست=سفید
 وضعیت=مطلقه
 مسکن=موجود
 محریه=40+تومان
 مدت، صیغه=یک هفته
 گواهی، سلامت=کامل
 زمان، پذیرش=3روز در هفته
 هزینه، مشاور=50+تومان

کد. پیگیری=004
 شهر=تهران
 سن=29
 قد=1/63
 وزن=57
 پوست=گندمی
 وضعیت=مطلقه
 مسکن=موجود
 محریه=110+تومان
 مدت، صیغه=یک روزه
 گواهی، سلامت=کامل
 زمان، پذیرش=3ب.ظ. تا 8
 هزینه، مشاور=20+تومان

در این پژوهش با دو سیستم مشروعیت بخش مواجه بودیم که اقدام افراد برای انجام ازدواج موقت را توجیه می کرد. از سویی استفاده از مشروعیت دینی که فرد بدون رعایت همه موازین موجود در دین و صرفاً برای کاهش عذاب وجدان آن را انجام می دهد و از سوی دیگر مصوبه های قانونی ای که مصونیت های قضایی ایجاد می کنند. برای مثال، بسیاری از نمونه هایی که در فضای مجازی با آنها مصاحبه کردیم، بدون نگه داشتن عده و بدون اطلاع از دستورالعمل های آن صیغه می کنند. این وضعیت، نمایانگر استفاده از واژه صیغه صرفاً برای داشتن مصونیت قانونی است. در واقع فرد به روسپی گری خود در قالب صیغه مشروعیت قانونی می دهد. اما این واقعیات از دیدگاه عرف عمومی پنهان نیست؛ چراکه در عرف نیز برخی ازدواج موقت را به نحوی عامل گسترش فساد در جامعه می دانند.

مرد. 52 ساله. تهران. همسرش فوت کرده. مکان مصاحبه مغازه فرد:

«جز اینکه فساد رو تو جامعه توسعه می ده، چیز دیگه ای نیست. این باعث شد که فساد بیشتر بشه در جامعه و به این وضع بیفته. عیبش که خیلی زیاده. الان بحث فقط بحث صیغه در جامعه نیست. حالا دیگه کسی صیغه نمی کنه و همه با تفاهم با هم زندگی می کنن. دیگه نمایان پهلوی آخوند، اصلاً نیازی به آخوند وجود نداره دیگه. یعنی آزادانه برای همدیگه زندگی می کنن و اسمش رو گذاشتند چی؟ ازدواج سفید! می گن این بهتره، خیلیم خوب تره.»

2-3-6- نگرش منفی به ازدواج دائم و ترویج شک‌گرایی

در جامعه مدرن، خانواده مدرن براساس عشق و علاقه شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی‌ای که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، از بین رفتن اعتماد میان اعضای جامعه یا به اصطلاح بی‌اعتمادی است. گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است. بنابراین افراد کمتر به یکدیگر اعتماد می‌کنند و به دنبال روابط زودگذر و موقتی هستند تا اگر شخصی را برای تشکیل رابطه عاشقانه و جنسی اشتباه انتخاب کردند، بتوانند بدون هیچ مسئولیت و به راحتی او را کنار بگذارند.

مرد. 30 ساله. ساکن تهران.

دارای سابقه طلاق و تجارب متعدد صیغه‌های چندماهه: «کلاً با ازدواج دائم مخالفم و نمی‌خوام که دیگه ازدواج دائم داشته باشم. من با هیچکس قرارداد نمی‌بندم و به خودشون هم این رو می‌گم. هههه (با خنده) اصلاً حالش رو ندارم.»

مرد. 35 ساله. ساکن تهران.

دارای تجربه طلاق و ازدواج موقت:
«بدترین چیزش همینیه که آدم بی‌اعتماد می‌شه. دیگه دوست نداری با کسی ازدواج کنی؛ چون فکر می‌کنی همه مثل همونایی هستن که تو باهاشون بودی.»

فردیت، سیالیت رابطه‌ها و بی‌اعتمادی از ویژگی‌های جامعه مدرن است. کنش‌های اجتماعی‌ای مانند ازدواج موقت با این نوع رفتارهای جامعه مدرن همخوانی دارد. افراد به‌سختی می‌توانند به یکدیگر کاملاً اعتماد کنند و در جهت ازدواج دائم گام بردارند. در روابط متعدد با زنان متعه و صیغه‌های مکرر نوعی دل‌زدگی و بی‌اعتمادی به زنان به‌وجود می‌آید و در صورتی که تمایلی برای ازدواج دائم وجود داشته باشد، به دلیل تعدد رابطه‌ها این تمایل از بین می‌رود. افزون بر این، معدودی از افراد که دیدگاه مثبتی به ازدواج موقت داشتند، متعه را نوعی ازدواج آزمایشی و فرصت کسب آمادگی برای زندگی دائم متصور می‌شدند.

مرد. 28 ساله. ساکن تهران. مجرد. دارای تجربه ازدواج موقت:

«این تجربه دوم که با هم زندگی کردیم، تجربه خیلی خوبی بود. هم خوب، هم عجیب. تا قبل از اون، هیچ وقت نمی‌تونستم درک کنم پدرم چه کار می‌کنه، چه زحمتی برای خونه می‌کشه. تو اون مدتی که خونه گرفتم، رفتم زیر بار مسئولیت کرایه و مایحتاج خونه و پول آب و برق و گاز. اون شخصی که باهام زندگی می‌کنه، بالاخره به موقع‌هایی نیاز به چیزهایی داشت، از یه چیزی خوشش میاد، حالا از یه لباسی خوشش میاد. اون خیلی تجربه خوبی بود. از بیرون خیلی راحت، کار می‌کنی و پول درمیاوری و تموم می‌شه می‌ره. اما خیلی فرق می‌کنه. یه تجربه شبیه به ازدواج و تشکیل خانواده بود واسم. منتها مئه، چجوری بگم، یه چیزایی اختراع می‌کنن شبیه به انسان، واسه من شبیه‌سازی یه زندگی واقعی بود.»

3-3-6- تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق

امروزه زنان با حضور در عرصه‌های مختلف آموزشی و اقتصادی، مثل گذشته به مردان متکی نیستند و رفتار آنها بیشتر بر تمایلات خودشان مبنی است. در بسیاری از پرونده‌های طلاق در دادگاه‌ها، خیانت به همسر از دلایل جدا شدن و اختلافات خانوادگی است که بنیان خانواده را متزلزل می‌کند و به افزایش طلاق دامن می‌زند. از سوی دیگر، برخی افرادی که با پدیده طلاق عاطفی روبه‌رو هستند، ازدواج موقت را که مشروعیت مذهبی و قانونی دارد، برای رفع نیازهای خود انتخاب می‌کنند. نارضایتی از زندگی زناشویی موجب شده است که برخی مردان به جای حل معضل در فضای خانواده به خارج از خانه روی بیاورند و ازدواج موقت را برگزینند که پایه‌های خانواده را متزلزل ساخته، کارکردهای اصلی آن را مختل می‌کند و سلامت فرد، خانواده و جامعه را به خطر می‌اندازد.

4-3-6- کودک همسری، کودک بیوگی و توقف تحصیل کودکان

چنانکه گفتیم بر مبنای فقه مذهب تشیع و قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، سن 13 سالگی و در صورت اجازه دادگاه صالح و اذن ولی، سنین کمتر از 13 سالگی برای ازدواج در قالب صیغه محرمیت یا نکاح دائم مشروعیت دارد. اما این نوع ازدواج‌ها در میان مردم و فعالان اجتماعی و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی

مقبولیت ندارد و بیشتر در خانواده‌های سنتی و مذهبی یا در خانواده‌های آسیب‌پذیر (که اقتصاد ضعیف، والدین معتاد، بدسرپرست و... دارند) رواج دارد که به رواج کودک‌همسری منجر می‌شود.

در این ازدواج‌ها خانواده برای فرزندان تصمیم می‌گیرد و کودکان در این سن، اگر هم رضایت داشته باشند، نمی‌توان آن رضایت را ناشی از تصمیم عقلایی‌شان دانست. این کودکان غالباً به اجبار به محرمیت شخص دیگری درآورده می‌شوند یا اینکه اصلاً تصویری از زوجیت و ازدواج ندارند و آن را بدون دلیل خاص و با درخواست والدین می‌پذیرند.

زن، متاهل. ساکن مشهد.

صیغه محرمیت را در سن 11 سالگی تجربه کرده است: «ما خودمون مشکلی نداشتیم؛ ولی بزرگتر باعث می‌شدن دعوا کنیم. وقتی اومدم سر خونه چون سنم خیلی کم بود، حرف شوهرم رو خیلی گوش نمی‌کردم. بعد با نصیحت مامان اینا بهتر شدم.»

کنترل رفتار جنسی فرزندان یکی از دلایل مهم صیغه محرمیت و کودک‌همسری در سنین پایین است و همان‌طور که گفتیم رضایت کودکان درجه اهمیت کمتری دارد. در بیشتر مواردی که کودکان به اجبار وادار به ازدواج شدند، پس از مدتی، خود را نه کودک، بلکه زن می‌پندارند که این اتفاق، آسیب‌های روحی و روانی و اجتماعی فراوانی در پی دارد. یکی از تبعات کودک‌همسری، طلاق کودکان است. در واقع، قوانین ازدواج سعی می‌کنند آمار ازدواج را افزایش دهند؛ اما غافل‌اند که این نوع ازدواج‌ها احتمال طلاق کودکان را افزایش می‌دهد. دیگر پیامد ازدواج کودکان، سلب فرصت تحصیلات حداقلی از کودک است. اگر چنین کودکانی در جوامع سنتی زندگی کنند، برای مدت‌ها از آگاهی‌های لازم بی‌بهره می‌مانند. بدیهی است این وضعیت به فرزندان آنان نیز منتقل می‌شود و شاید نسل‌های بعدتر را هم درگیر کند. به بیان دیگر، عوامل فرهنگی‌ای چون

محرومیت از حداقل تحصیلات که مانع شکوفایی استعدادها و مهارت‌های کودکان می‌شود، تحت عنوان «فرهنگ فقر» از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و فقر را در میان قشری از مردم تداوم می‌دهد.

5-3-6- نقض حقوق و تبعیض علیه زنان

در ازدواج موقت، حقوق زنان در ابعاد مختلفی نقض می‌شود. یکی از اصلی‌ترین معیارها در ارزیابی حقوق زنان، معیار نبود تبعیض است. شکی نیست که زنان همچون مردان از حقوق اجتماعی و مدنی برخوردارند و جنسیت نمی‌تواند دستیابی زنان به حقوقشان را مسدود یا محدود سازد؛ اما برخی عوامل، نقض حقوق زنان را تسهیل می‌کنند که قانون‌گذار در قبال آنها سکوت اختیار کرده است و پاسخی فقهی و قانونی برای آن وجود ندارد.

در ازدواج موقت، مرد می‌تواند بدون محدودیت با تعداد زیادی از زنان رابطهٔ زوجیت موقت برقرار کند. اگر ازدواج موقت را نوعی ازدواج قانونی و مذهبی بدانیم، نبود محدودیت در تعداد زوجات شرعاً جایز نیست؛ زیرا در دین اسلام به مرد اجازه داده شده است در شرایط اضطراری و به شرط رعایت عدالت با چهار همسر ازدواج کند (سورهٔ نساء: آیه 3).⁷⁵ خداوند در این آیه به شرط تحقق عدالت، اجازهٔ ازدواج تا چهار همسر را صادر کرده است و حتی آنقدر بر موضوع عدالت تأکید کرده که مرد در صورت تردید در تحقق عدالت، مجاز به داشتن یک زن است و از چندهمسری منع شده است. استاد محمدسعید رمضان بوطی، ناکارآمدی سیستم قضایی کشورهای اسلامی را در وضعیت نابسامان «چندهمسری‌های رها» در میان مسلمانان می‌داند. بوطی معتقد است قید عدالت در آیه 3 سورهٔ نساء باید به مسئله‌ای حقوقی تبدیل شده و از نظر قانونی، قابل پیگرد باشد تا چندهمسری مانند عرف فعلی به تفنن و تنوع‌طلبی تبدیل نشود. او سپس با اشاره به آیه 129 سورهٔ نساء «وَلَنْ

⁷⁵. وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا و اگر برسید که مبدا دربارهٔ یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) مراعات عدل نکنید، پس آن کس از زنان را به نکاح خود در آورید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر برسید که (چون زنان متعدد گیرید) راه عدالت نیموده و به آنها ستم می‌کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید که این نزدیک‌تر به عدالت و ترک ستمکاری است.

تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا...» (شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید؛ هرچند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید، پس به تمام میل خود یکی را بهره‌مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید...) می‌گوید: با توجه به اینکه عدالت بین زنان تقریباً محال است، دستگاه قضا صرفاً پس از درخواست قانونی برای ازدواج دوم از سوی مرد و اثبات حقوقی ضرورت آن و پیگیری قید عدالت پس از انجام ازدواج می‌تواند مجوز داشتن بیش از یک همسر را بدهد (رمضان بوطی، 2010: 207-209). اما در قانون مدنی جمهوری اسلامی، محدودیتی برای تعدد ازدواج موقت مردان در نظر گرفته نشده است. در چنین شرایطی، عدالت چگونه در بین زنان رعایت می‌شود؟! در اینجاست که حق برخی زنان پایمال خواهد شد. در واقع، علاوه بر رواج چندهمسری و شیوع بیماری‌های مقاربتی به دلیل ازدواج‌های متعدد، عدالت در بین همسران رعایت نخواهد شد.

از سویی پس از انحلال ازدواج موقت، زن برخلاف مرد باید عده نگه دارد؛ اما نیازهای مادی و اقتصادی زن در دوران عده لحاظ نشده است و این نیز بخشی از حقوق زنان را نقض می‌کند. این در حالی است که نیاز مادی زنان در ازدواج موقت بسیار حیاتی است و از دلایل اصلی تمکین زنان به ازدواج موقت نیاز مادی آنان است.

زن، ساکن تهران، 27 ساله:

«خب بیشتر خرج‌ها رو اون می‌کرد. منم خیلی رعایت می‌کردم، ولی بیشتر خرج‌ها با اون بود. چون من اون موقع کار نداشتم یه حقوق خیلی کمی از بانزستگی پدرم بعد از فوتش بهم می‌رسید.»

طرد اجتماعی در نکاح موقت برای زنان به نسبت مردان پرهزینه‌تر بوده و نگاه منفی ناشی از قبیح بودن متعه برای زنان بیشتر است. به همین دلیل در مواقعی که مردان، زنان متعه را آزار می‌دهند، زنان حاضر به پیگیری آن نیستند. در واقع، زنان ترجیح می‌دهند آزار جسمی و روحی را متحمل شوند؛ اما شکایت نکنند تا برچسب

صیغه‌ای بودن به آنها زده نشود. این واقعیت، گواه دیگری بر تبعیض علیه زنان است که در مصاحبه با کارشناس و مشاوره خانواده این موضوع تأیید شد:

کارشناس حقوقی. ساکن مشهد:

«پروسه انقدر زمان بره که اعلام رضایت داده می‌شه. مجازات، برای چنین عملی شایسته نیست. چون من به شخصه دیدم که این ضرب و جرح‌ها باعث نقصان زن شده.»

همچنین مجازات‌های قانونی مربوط به اختلاف‌ها و خشونت‌هایی که علیه زنان در ازدواج موقت می‌شود به علت طولانی بودن فرایند پیگیری قانونی، عملاً تعریف نشده است. کارشناسان حقوقی در مصاحبه‌ها اظهار کرده‌اند که موارد متعددی از زنان صیغه‌شده بابت زیان‌های اقتصادی و همچنین آزارهای جسمی به مراکز حقوقی و وکلا مراجعه کرده‌اند؛ اما چنانکه گفته شد به علت طولانی بودن فرایند قانونی اثبات ادعا و مجازات‌های ناچیز آن، زنان از شکایت خود صرف نظر کرده و از احقاق حق خود چشم‌پوشی می‌کنند.

کارشناس حقوقی از تهران:

هم قانون داریم هم عرف. عرف جامعه ایرانی از اخلاق‌گرایی نشئت گرفته و انجام ازدواج موقت رو قبیح می‌دونه. اما در عین حال قانون و شرع اون رو مشکل نمی‌دونه. ارتباط اولیه برای مدتی خوبه؛ ولی بعد از یه مدت این رابطه دچار چالش‌های زیادی می‌شه. از اونجا که صبر جامعه یه مقداری پایین اومده، وقتی درگیری می‌شه، درگیری فیزیکی رخ می‌ده. بارها و بارها خانم‌هایی به من مراجعه کردند با این شکایت که بعد از دعوا، مرد کتک‌کاری کرده. در اینجور موارد خانم بیشترین آسیب رو می‌بینن. اما مجبوره به خاطر اعتبار و حرمتی که تو جامعه داره، گذشت کنه تا انگ صیغه‌ای بودن بهش نخوره. اگر بخواد، می‌تونه شکایت کنه؛ اما ترجیح می‌ده سکوت کنه. به خاطر اینکه اگه بیاد تو محله‌ای که زندگی می‌کنه، آبروریزی می‌شه که یه زن صیغه‌ای هست. چون عرف قبول نداره، نمی‌خواد این انگ بهش بچسبه.

ازدواج موقت پدیده‌ای اجتماعی، مذهبی و قانونی است که مشروعیت و مقبولیت آن در ادوار مختلف تاریخی محل کشمکش بوده است. موافقان، آن را عاملی برای حفظ جامعه از فحشا و روابط نامشروع تلقی می‌کنند و عده‌ای آن را عامل تنوع‌طلبی مردانه و رواج روسپی‌گری و فساد در جامعه می‌دانند. با تمام دیدگاه‌های متفاوتی که درباره ازدواج موقت وجود دارد، آنچه از این پژوهش می‌توان استنباط کرد، این است که پدیده ازدواج موقت با توجه به توجیحات مذهبی و قانونی آن در جامعه در حال گذار ایرانی در حال افزایش است و این بیشتر به دلیل ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این برهه زمانی از جامعه ایران است. تأخیر در سن ازدواج هر سال بیشتر می‌شود و هر سال بر تعداد زنان و مردانی که در وضعیت مجرد قطعی قرار دارند، افزوده می‌شود.⁷⁶ این تأخیر در سن ازدواج و افزایش مجرد قطعی، از شرایط سخت اقتصادی و رکود، رشد فردیت و استقلال‌طلبی و نپذیرفتن مسئولیت جمعی و ترجیح روابط کوتاه‌مدت، بی‌اعتمادی و تعلق اجتماعی و افزایش میزان تحصیلات زنان و ورود آنان به عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و بالا رفتن میزان توقعات ناشی می‌شود. بنابراین روند رو به رشد میزان ازدواج موقت به عنوان راهکاری برای رفع نیازهای جنسی که خواسته یا ناخواسته با شرایط جامعه در حال گذار ایرانی مطابقت دارد و از مشروعیت مذهبی و قانونی نیز برخوردار است، برای برخی توجیه‌پذیر است. اما شرایط مبهم قانونی و مذهبی آن و نقصان‌های حقوقی‌ای مانند شرایط ثبت نکاح، نفقه، فسخ و انحلال، عده و همچنین پیامدهای منفی آن که باعث تزلزل بنیاد خانواده، ترویج فساد و روسپی‌گری، بیماری‌های مقاربتی، کودک‌همسری و... می‌شود، سامان‌دهی این نوع ازدواج را می‌طلبد. بنابراین باید قوای مقننه، مجریه و قضائیه و همچنین مراجع عظام تقلید با همکاری استادان دانشگاه، مشاوران خانواده و کارشناسان حقوقی و فعالان حقوق بشری این موضوع را بررسی کنند و تمهیدات لازم را برای رفع نقصان‌های آن از لحاظ قانونی، مذهبی و اجتماعی طراحی و اجرا کنند. بدین منظور، در فصل آتی با توجه به تحقیقات

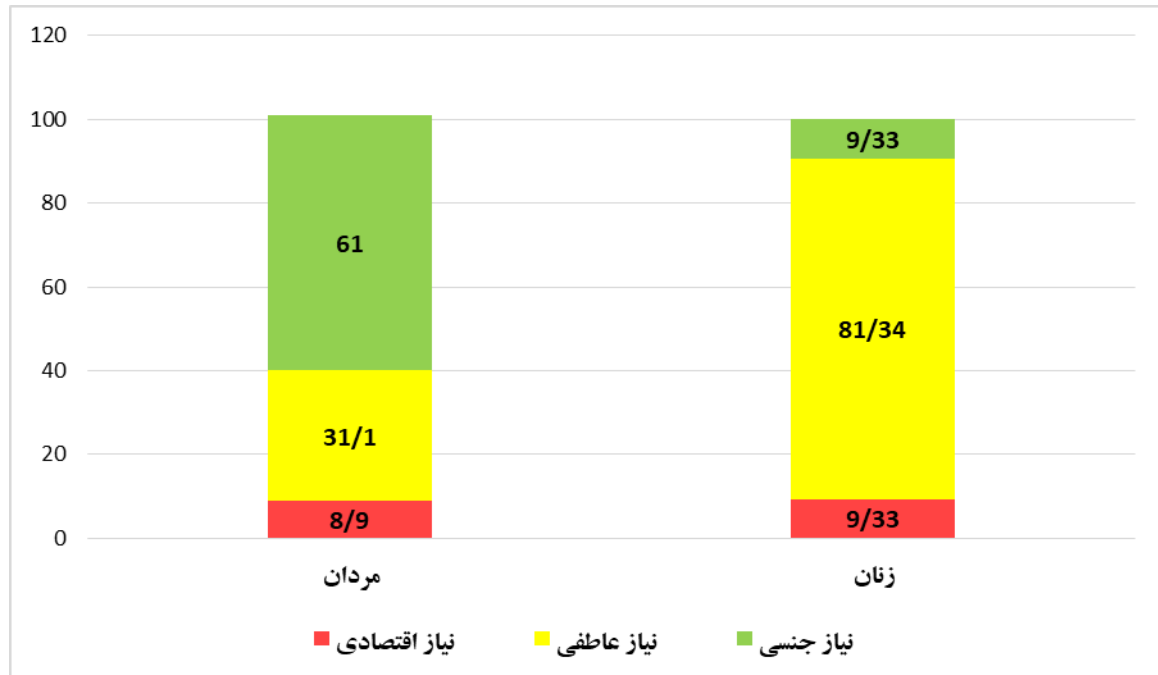
⁷⁶. براساس گزارش مرکز آمار ایران، مجرد قطعی تا قبل از سال ۱۳۷۵ نوسان داشت؛ ولی بعد از این سال روند افزایشی پیدا کرده است. براساس بررسی‌های مرکز آمار ایران، مجرد قطعی در سال ۱۳۷۵ برای مردان حدود ۱.۱ درصد و برای زنان ۱.۲ درصد بوده است. روند افزایشی مجرد قطعی در زنان خیلی بیشتر از مردان است؛ به طوری که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان حدود دو برابر شده، اما برای زنان به بیش از سه برابر رسیده است.

جامع میدانی و مصاحبه‌های متعدد با مشارکت کنندگانی که این نوع ازدواج را تجربه کرده بودند و همچنین براساس مشاوره و مصاحبه با کارشناسان مذهبی، حقوقی و خانواده، راهکارهایی برای رفع محدودیت‌های این پدیده اجتماعی ارائه خواهیم کرد.

یافته‌های کمی پژوهش

به منظور بررسی تجارب عمیق افرادی که در شهرهای تهران، مشهد و اصفهان ازدواج موقت و صیغهٔ محرمیت را تجربه کرده بودند، از روش تحقیق کیفی زمینه‌ای استفاده کردیم. در این روش، پژوهشگر به تولید نظریه، مدل یا چارچوب مفهومی علاقه‌مند است؛ به خصوص زمانی که دربارهٔ پدیده در دست مطالعه، اطلاعات کافی وجود ندارد. این رویکرد نوعی روش‌شناسی عمومی برای توسعهٔ نظریه براساس گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنهاست که در طول فرایند تحقیق، ساخته و پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه تا به امروز مدلی به منظور تبیین و تشریح صیغهٔ محرمیت/ ازدواج موقت ارائه نشده است، از روش گراند تئوری یا نظریهٔ زمینه‌ای استفاده کردیم. روش نمونه‌گیری هدفمند بود و سپس نمونه‌گیری نظری برای کمک به یافتن نظریه، راهنمای ادامهٔ روند انجام پژوهش شد. روند پژوهش به گونه‌ای پیش رفت که با انجام 100 مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌های بیشتری انجام دادیم و با انجام 216 نفر مصاحبه دربارهٔ اشباع نظری و جامعیت پژوهش به اقصاء رسیدیم. در این مسیر از نظارت و راهنمایی متخصصان روش کیفی برخوردار بودیم. 35 درصد از 216 نفر مطالعه‌شده، مرد و 65 درصد آنان، زن بودند. همچنین 82/7 درصد کل این افراد تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم داشتند. افزون بر مصاحبه با افراد دارای تجربهٔ صیغهٔ محرمیت/ ازدواج موقت، با کارشناسان مذهبی و فقیهان، کارشناسان حقوقی، و کلا و دفاتر ثبت ازدواج و طلاق نیز مصاحبه کردیم.

1- نیازهای اقتصادی، عاطفی و روانی، جنسی

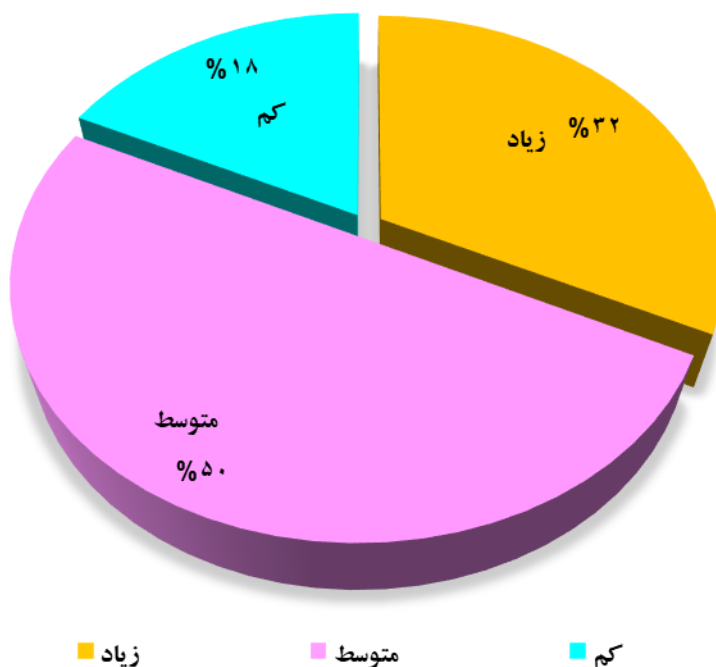


نمودار شماره 1. توزیع درصد فراوانی نیازهای پاسخگویان در تبیین ازدواج موقت

پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌هایی که در میدان تحقیق از افراد دارای تجربه ازدواج موقت/ صیغه محرمیت گرفته بودیم، عوامل گوناگون روی آوردن به این نوع ازدواج استخراج شد. مقوله‌ای که در بسیاری از مصاحبه‌ها مشهود بود، بحث نیازهاست. نیازهای جنسی، عاطفی و روانی، و نیازهای اقتصادی از عوامل روی آوردن به ازدواج موقت است. براساس یافته‌های این پژوهش، بیشترین دلیل گرایش مردان به ازدواج موقت، نیازهای جنسی است. نیازهای جنسی با 61 درصد، نیازهای عاطفی با 31/1 درصد و نیازهای مادی با 8/9 درصد، اولویت اول تا سوم نیازهای جامعه آماری مردان را نشان می‌دهند. اما مهم‌ترین عاملی که زنان را به ازدواج موقت وامی‌دارد، نیازهای عاطفی با 81/34 درصد است و نیازهای جنسی و مادی با 9/33 درصد از عوامل دوم و سوم تن دادن به ازدواج موقت هستند.

باتوجه به یافته‌های این پژوهش، نیاز عاطفی در میان زنان و نیاز جنسی در میان مردان مهم‌ترین دلایل روی آوردن به ازدواج موقت است. در این پژوهش، تجربه احساس تنهایی و نداشتن شادمانی در میان زنان، و تجربه ازدواج ناموفق در گذشته، نارضایتی زوجین و نداشتن تفاهم در مردان به عنوان عوامل اصلی ازدواج موقت مردان و زنان شناسایی شد. براساس رویکرد سلسله‌مراتبی مازلو نیازهای زیستی (سطح اولیه نیازها) و نیاز عاطفی (سطح سوم نیازها) از نیازهای اولیه انسانی هستند و تا زمانی که این نیازهای پایه‌ای ارضا نشوند، انسان به خودشکوفایی و تعالی نمی‌رسد. مردانی که نیازهای جنسی‌شان در چارچوب زندگی خانوادگی تأمین نمی‌شود، به ازدواج موقت گرایش دارند. دلایلی مانند تنوع‌طلبی مرد، بی‌علاقگی به همسر یا بیماری و مشکلات جنسی همسر و مشکلات و اختلافات خانوادگی می‌تواند مردان را به سمتی ببرد که نیازهای خود را در بیرون از خانه تأمین کنند که ازدواج موقت به دلیل سهولت دسترسی و نداشتن مسئولیت حقوقی و داشتن مشروعیت مذهبی، به راحتی این امکان را برای مردان فراهم آورد. از سوی دیگر، زنانی که به دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه محسوب می‌شوند، به علت تنهایی و مشکلات عاطفی، نیازهای اقتصادی و ترس از تکرار تجربه‌های تلخ و ناموفق گذشته، با وجود آگاهی به قبح اجتماعی ازدواج موقت، برای رفع نیازهای خود، آن را بر ازدواج دائم ترجیح می‌دهد. براساس نظریه‌های انتخاب عقلانی هکتور و مبادله اجتماعی هومنز می‌توان گفت رفتار زنان و مردان در تمکین به ازدواج موقت از امتیازاتی ناشی می‌شود که از این نکاح دریافت می‌کنند و آن را نسبت به ازدواج دائم، عقلانی‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌دانند.

2- پایبندی مذهبی فردی و خانوادگی

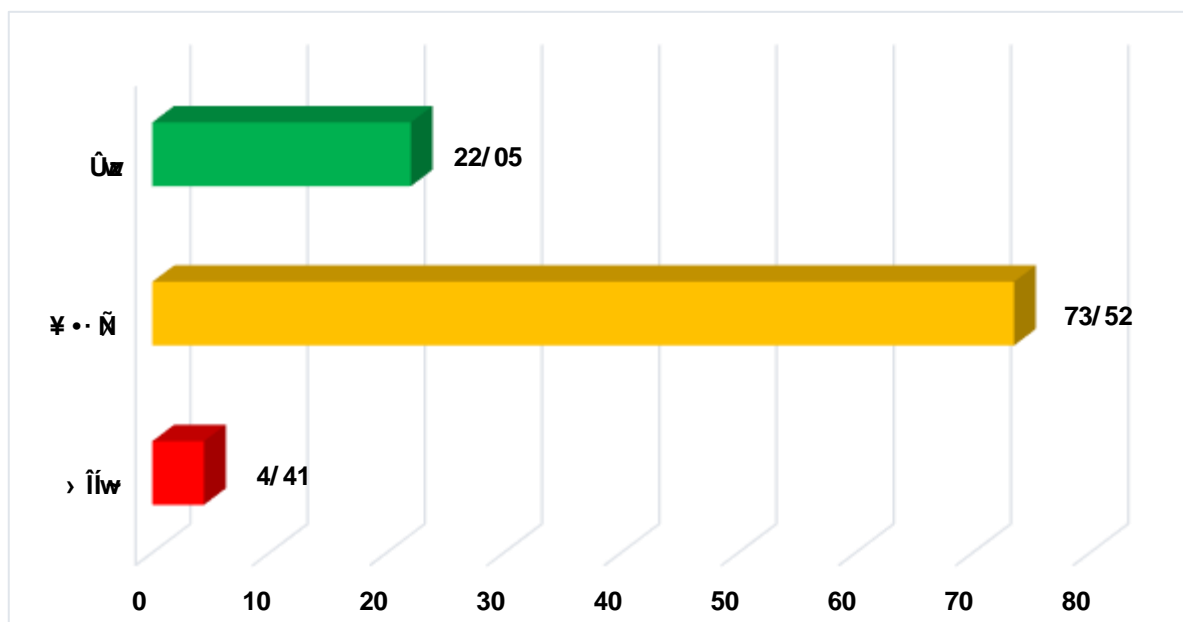


نمودار شماره 2. توزیع درصد فراوانی پایبندی مذهبی پاسخگویان در تبیین ازدواج موقت

چنانکه مشاهده می‌شود، حدود 32 درصد از جامعه آماری، پایبندی مذهبی قوی، 50 درصد پایبندی مذهبی متوسط و 18 درصد پایبندی مذهبی کمی دارند. بنابراین اکثریت جامعه آماری پژوهش حاضر، مذهب و دستورهای مذهبی و استفتائات شرعی فقیهان و مراجع تقلید را هنجارهایی مهم در زندگی شخصی و اجتماعی خود قلمداد می‌کنند. ازدواج موقت و صیغه محرمیت یکی از باورهای مذهبی شیعیان است و برخلاف اهل سنت آن را عملی دینی و سنتی مذهبی می‌پندارند که انجام آن نه تنها غیرشرعی نیست، بلکه منجر به پاداش اخروی نیز می‌شود. طبق احادیث و روایات منتسب به امامان شیعه، متعه از سنت‌هایی است که باید به منظور جلوگیری

از فساد در جامعه جاری شود. البته مخصوص مردانی است که به دلیل شرایط سخت اقتصادی، امکان ازدواج دائم نداشته باشند.

براساس فقه تشیع، ازدواج موقت و صیغهٔ محرمیت جواز شرعی دارد. اکثریت مراجع تقلید و فقیهان در جمهوری اسلامی ایران نیز به قول متفق عقیده دارند که صیغهٔ محرمیت و ازدواج موقت بعد از بلوغ جنسی جایز است و آن را به مقلدان خود تجویز می‌کنند. البته فقیهی مانند آیت‌الله صانعی ازدواج موقت را مرتبط به شرایط و زمان خاص دوران جنگ در صدر اسلام می‌داند و آن را در جامعهٔ امروزی عامل فروپاشی و اضمحلال خانواده می‌پندارد. بنابراین با توجه به نیازهایی که افراد به دلایل اقتصادی، عاطفی و جنسی دارند، ازدواج موقت می‌کنند و آن را شرعی می‌دانند و به دلیل همین اطمینان خاطر از جواز مذهبی آن، با وجدانی راحت این کار را انجام می‌دهند. از سوی دیگر، صیغهٔ محرمیت در این پژوهش، نوعی ازدواج موقت است که خانواده‌های مذهبی و سنتی برای کنترل نیازهای جنسی نوجوانان زیر 18 سال خود به آن روی می‌آورند.

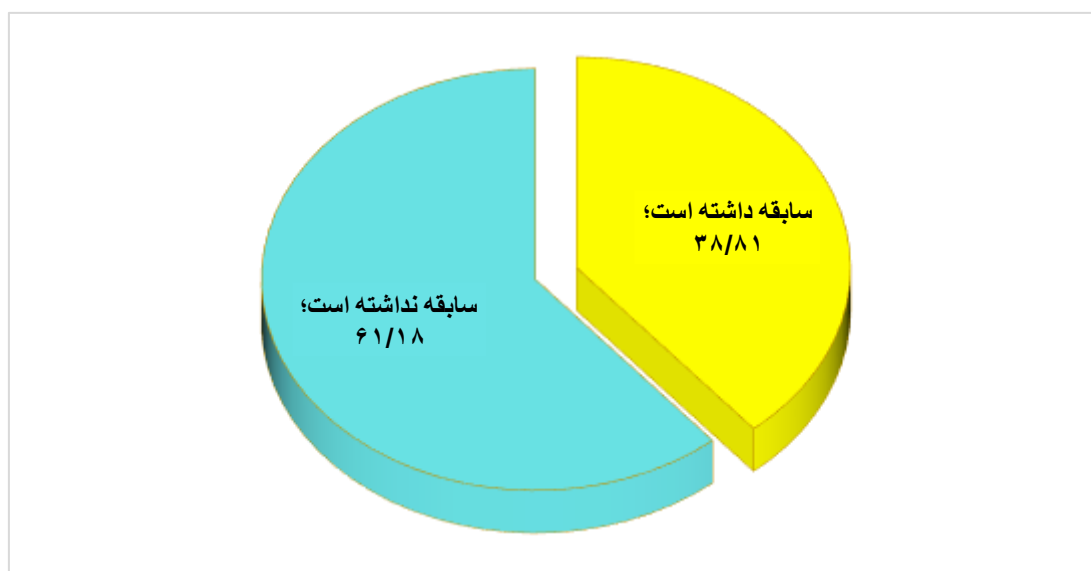


نمودار شماره 3. توزیع درصد فراوانی پابندی مذهبی خانواده‌های دارای پیشینهٔ صیغهٔ محرمیت

یافته‌های تحقیق نشان داد در میان خانواده‌هایی که به صیغهٔ محرمیت معتقدند و آن را در خانوادهٔ خود امری پذیرفته‌شده می‌دانند، حدود 22/05 درصدشان پایبندی مذهبی بالایی دارند. همچنین 73/52 درصد از خانواده‌های دارای تجربهٔ صیغهٔ محرمیت، پایبندی مذهبی متوسط و تنها 4/41 درصد آنان پایبندی مذهبی کمی دارند. خانواده‌هایی که پایبندی مذهبی زیاد و متوسط داشتند، انجام صیغهٔ محرمیت را بیشتر با استناد به مذهب توجیه می‌کردند. اما خانواده‌هایی که پایبندی مذهبی کمی داشتند به دلیل وجود هنجارهای سنتی و فرهنگِ مردسالاری و به منظور کاهش فشار اجتماعی به این نوع ازدواج به عنوان ابزاری برای تنظیم رفتار جنسی فرزندان‌شان نگاه می‌کردند.

صیغهٔ محرمیت با توجه به دیدگاه‌های آیات عظام و مراجع تقلید، همان نکاح موقت است که بین کودکان و نوجوانان جاری می‌شود (باید توجه داشت که این صیغه برای افراد سنین بالاتر نیز جاری می‌شود؛ اما براساس جامعهٔ نمونه در این تحقیق به صیغهٔ محرمیت زیر 18 سال اشاره می‌شود). در واقع، خانواده‌های سنتی و مذهبی صیغهٔ محرمیت را به عنوان راهکاری برای کاهش فشار اجتماعی اطرافیان و کنترل مسائل جنسی فرزندان‌شان در اوایل دوران بلوغ جاری می‌کنند که معمولاً به روابط جنسی می‌انجامد و شرایط ازدواج کودکان را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، این خانواده‌ها برای مهار نیازهای جنسی فرزندان‌شان تلاش می‌کنند در سنین کودکی آنها را وارد رابطه‌های مشروع و مرسوم کنند تا پیامدهای ناشی از شیطنتهای کودکانه دامن‌گیر آنها نشود.

3- داشتن پیشینه خانوادگی در ازدواج موقت

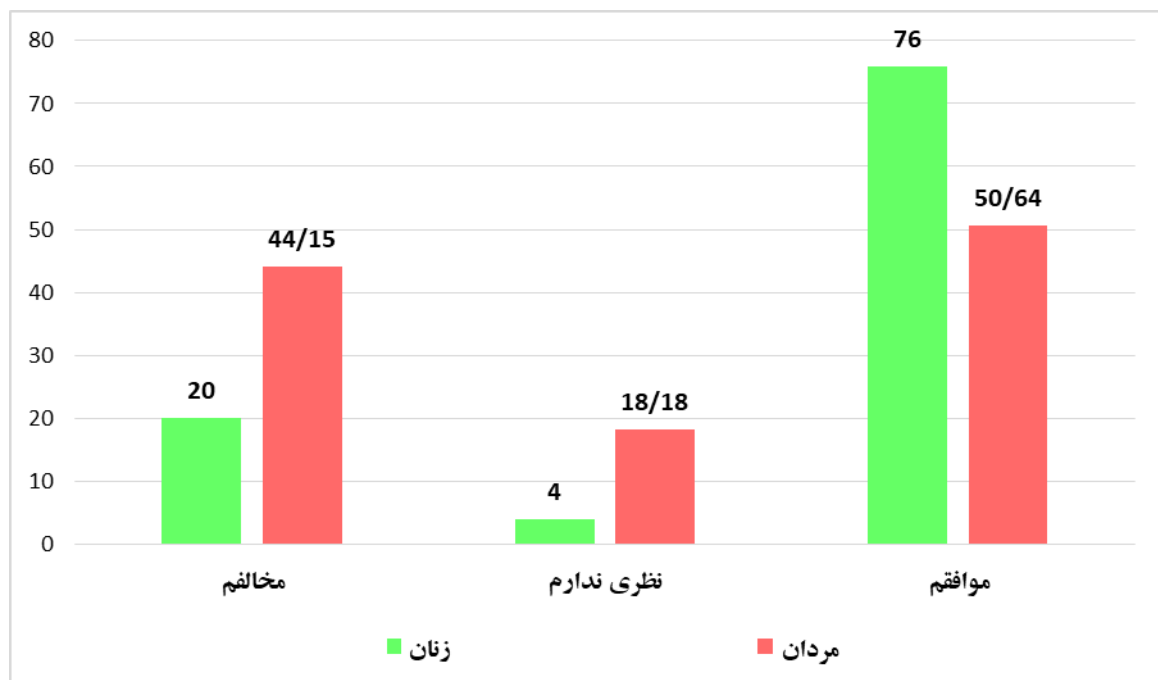


نمودار شماره 3. توزیع درصد فراوانی پیشینه خانوادگی پاسخگویان در زمینه ازدواج موقت

سبک زندگی خانوادگی و نحوه تربیت اجتماعی فرزندان از عوامل اساسی در پذیرش صیغه محرمیت و ازدواج موقت است. خانواده‌هایی که سابقه صیغه محرمیت و نکاح موقت داشته‌اند، این رفتار را در نسل‌های بعدی خود درونی کرده‌اند و نسل بعدی‌شان آن را به عنوان نوعی رفتار اجتماعی پذیرفته شده انجام می‌دهد. در این پژوهش، 61/18 درصد از پاسخگویان گفته‌اند که در خانواده‌های آنها انجام صیغه محرمیت سابقه نداشته است و 31/81 درصد گفته‌اند که در خانواده‌های آنها این نوع ازدواج در گذشته مرسوم بوده است. در فرهنگ‌های دارای جامعه‌پذیری باز، استقلال، فردگرایی و خودابرازی ترویج می‌شود؛ در حالی که در فرهنگ‌های دارای جامعه‌پذیری بسته، اطاعت و همنوایی، ارزش‌های برتر هستند. در خانواده مذهبی و سنتی صیغه محرمیت را خانواده برای نوجوان جاری می‌کند و فرزندان حتی اگر به این کار راضی نباشند، ملزم به پذیرش و همنوایی

هستند. همچنین براساس نظریه یادگیری اجتماعی، افراد خانواده هنجارهای خانوادگی را یاد می‌گیرند. بنابراین در صورت مشاهده اقدام سایر اعضای خانواده به ازدواج موقت، آن را به عنوان هنجاری پذیرفته شده یاد می‌گیرند و در موقعیتی که فرصت آن را به دست آورند، به آسانی انجام می‌دهند.

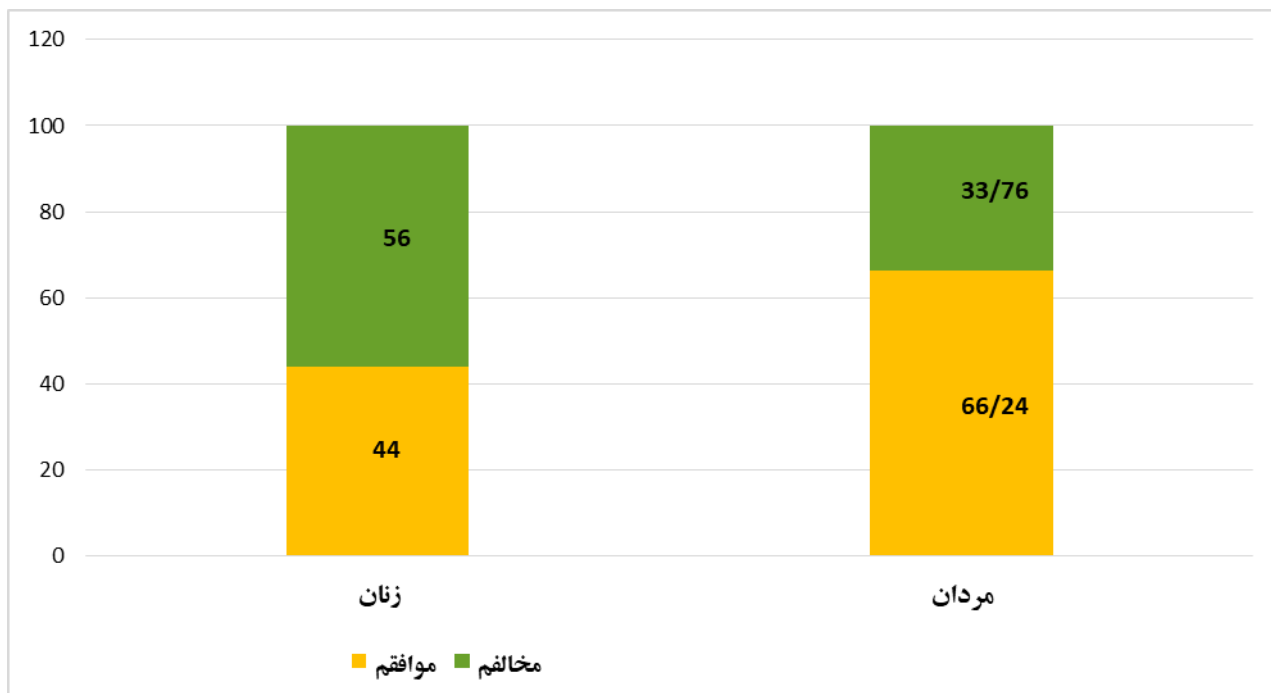
4- ابراز آشکار ازدواج موقت، نگرش به ازدواج موقت و مدت ازدواج موقت



نمودار شماره 4. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان در زمینه اطلاع دیگران درباره ازدواج موقت

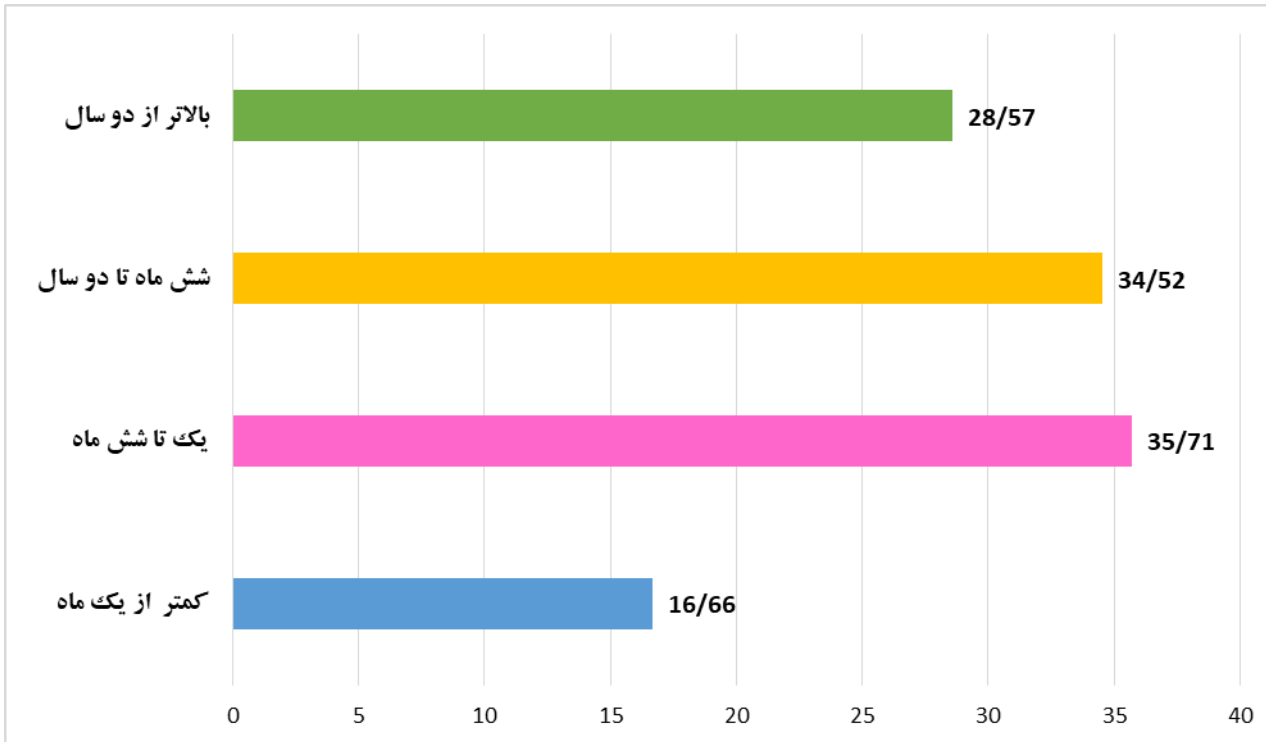
به علت دید منفی به ازدواج موقت در جامعه، همواره افرادی که ازدواج موقت می‌کنند، سعی دارند آن را پنهان کنند. مقبولیت اجتماعی نداشتن ازدواج موقت و برابر دانستن آن با فحشا و عامل از هم پاشیدگی خانواده‌ها و نیز متصف کردن انجام‌دهندگان آن به بی‌بندوباری، ناهنجاری، تنوع‌طلبی و... باعث پنهان کردن این ازدواج شده است. در مقابل، به دلیل گذار از هنجارهای سنتی و ویژگی‌های جامعه مدرن، آشکارسازی ازدواج موقت برای برخی افراد اهمیت خاصی ندارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که 76 درصد از زنان و 50/64 درصد از

مردان با آشکارسازی و اعلان ازدواج موقتشان موافق هستند. به عبارت دیگر، 44/15 درصد مردان و 20 درصد زنان مخالف ابراز آشکار ازدواج موقتشان هستند. چنانکه در آمار به دست آمده می‌بینیم، مردان کمتر از زنان مایل هستند که دیگران از ازدواج موقتشان خبردار شوند. این تمایل به پنهان‌کاری ازدواج موقت می‌تواند به دلایلی مانند مخفی بودن زندگی موازی‌ای که مردان در کنار زندگی اصلی خود تشکیل داده‌اند یا اجتناب از فشار اجتماعی بیشتری که بر زنان وارد می‌شود، روی دهد. اما اینکه زنان به آشکارسازی ازدواج موقتشان بیشتر تمایل نشان داده‌اند، می‌تواند دلایلی مانند امید به تبدیل آن به ازدواج دائم یا برخورداری از مزایای مادی و معنوی بیشتر در ازدواج موقت داشته باشد. علاوه بر اینها، زنان احتمال می‌دهند که در صورت آگاه شدن دیگران از ازدواج موقت، فشار اجتماعی روی زوج افزایش یابد و در نتیجه، مرد مسئولیت بیشتری در قبال فرزندان متعه و زن متعه قبول کند. البته این بدین معنا نیست که نگرش زنان به صیغه مثبت‌تر از نگرش مردان است. شاید برخی واقعاً آن را ناپسند بدانند و به همان دلیل نیازهای مادی، عاطفی و جنسی که گفتیم، آن را انجام دهند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که 56 درصد زنان به صیغه نگرش منفی دارند و با اصل و موجودیت آن مخالف‌اند. همچنین 33/76 درصد از مردان با اصل آن مخالف‌اند و 66/24 درصد از مردان نگرش مثبتی به ازدواج موقت دارند.



نمودار شماره 5. توزیع درصد فراوانی نگرش زنان و مردان به ازدواج موقت

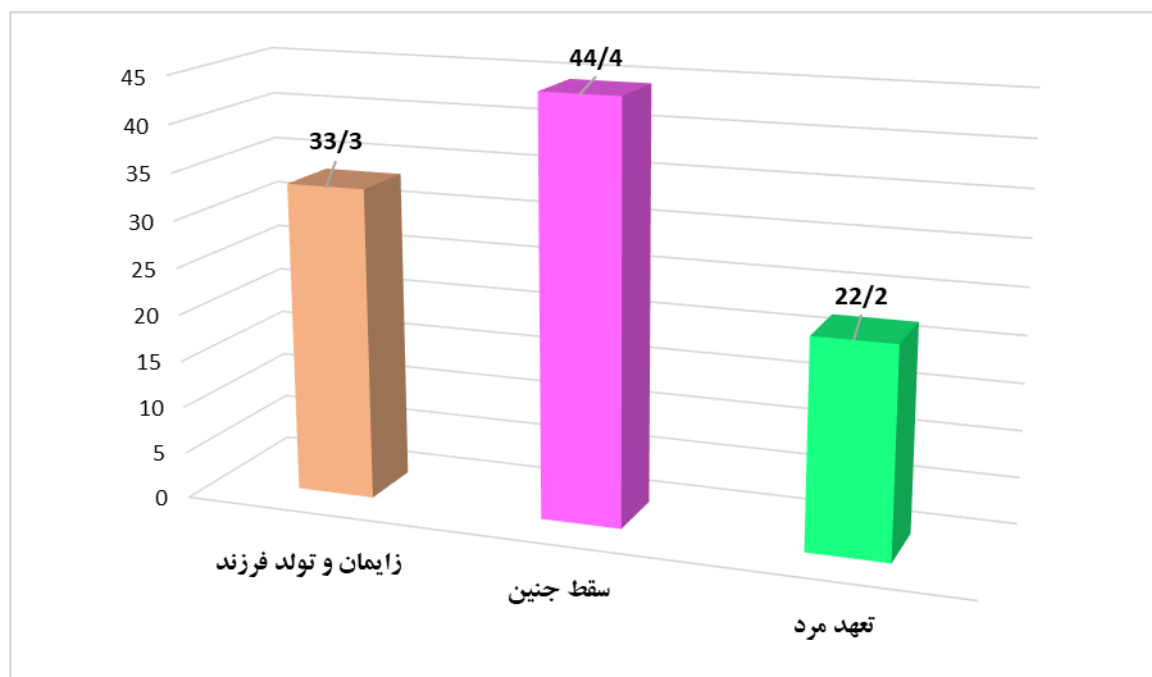
نگرش منفی بیشتر زنان به ازدواج موقت ناشی از تجربه‌های تلخ آنان از رابطه موقت و تضییع حقوق آنها و همچنین ارضا نشدن نیازهای روحی و مادی آنهاست. یافته‌ها نشان داد زنان بیشتر به علت تنهایی و بحران‌های روحی و روانی به ازدواج موقت تمکین می‌کنند؛ در حالی که مردان به علت ارضای نیازهای جنسی آن را انجام می‌دهند. چنانکه اسم ازدواج موقت نشان می‌دهد، این ازدواج، رابطه‌ای موقت و زودگذر است و برخلاف ازدواج دائم پایدار نیست. گاهی ازدواج موقت به صورت ساعتی و کمتر از یک روز اتفاق می‌افتد.



نمودار شماره 6. توزیع درصد فراوانی میزان مدت صیغه در میان پاسخگویان

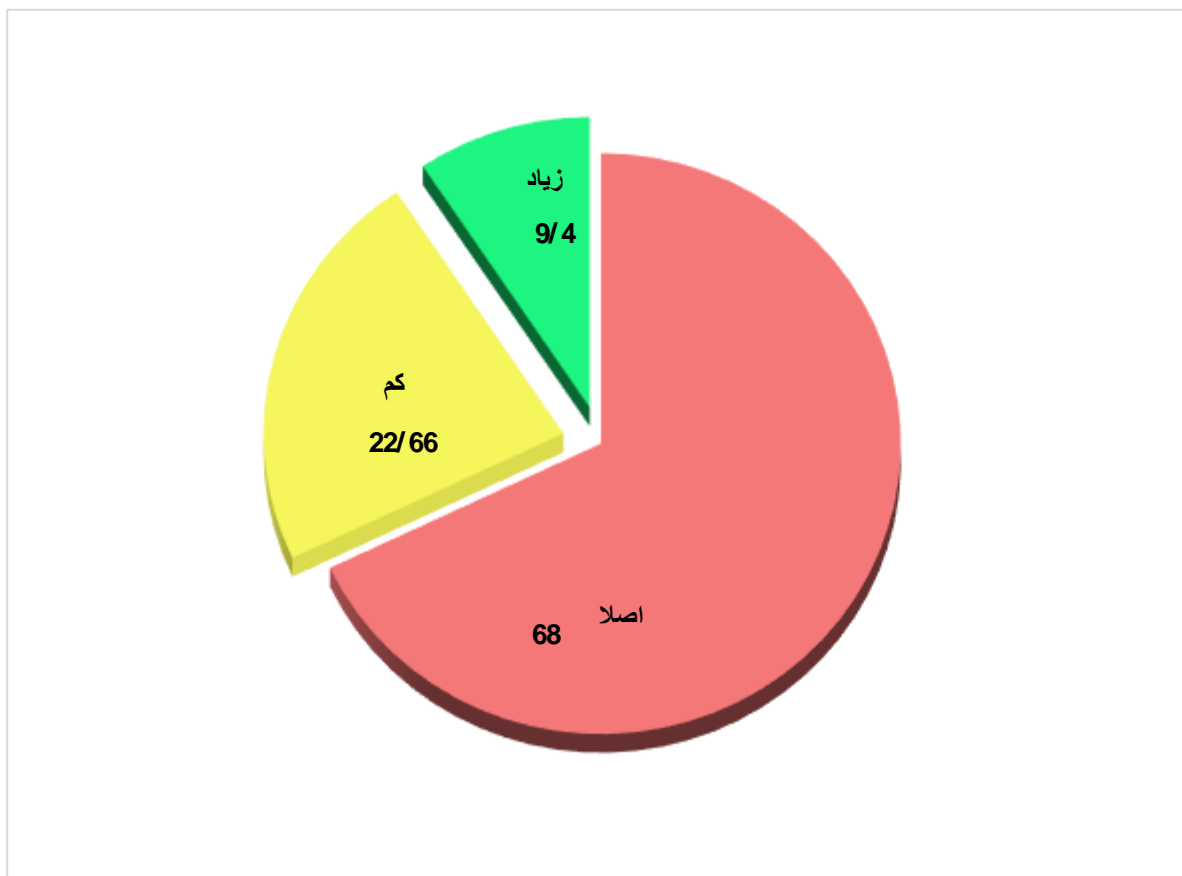
تحلیل کمی مصاحبه‌ها حاکی از آن است که 16/66 درصد از پاسخگویان، ازدواج موقت کوتاه‌تر از یک ماه، 35/71 درصد از آنان ازدواج موقت یک تا شش ماهه، 34/52 درصد از این جمع، ازدواج موقت شش ماه تا دو سال و 28/57 درصد از پاسخگویان ازدواج طولانی‌تر از دو سال را تجربه کرده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد اکثریت ازدواج‌های موقت زیر دو سال بوده است. این موضوع برای زنان بسیار ناگوار است که آنها را فقط برای مسائل جنسی بخواهند. در این نوع رابطه‌های موقت، زنان بیشتر دچار بحران‌های روحی می‌شوند؛ زیرا پس از مدت معلوم، رابطه‌ها قطع می‌شود و مردان کمتر حاضر به تمدید آن یا تبدیل آن به ازدواج دائم هستند و زنان ترک‌شده بیشتر دچار آسیب‌های روحی و روانی می‌شوند. همچنین جامعه به این زنان برچسب بدنامی و بی‌بندوباری می‌زند که بر مشکلات روحی و روانی آنها می‌افزاید. بنابراین نگرش زنان درباره ازدواج موقت در مقایسه با نگرش مردان بیشتر منفی است.

5- بارداری، آگاهی از قانون، ثبت ازدواج، خشونت علیه زنان



نمودار شماره 7. توزیع درصد فراوانی وضعیت بارداری زنان و حمایت مردان در ازدواج موقت

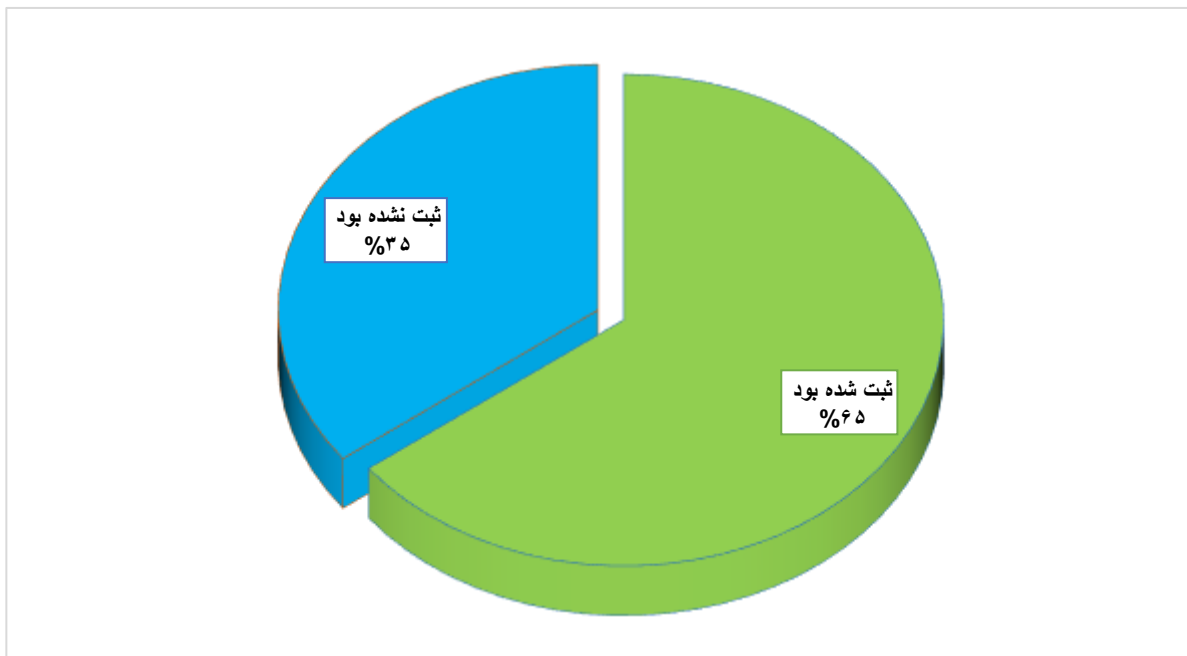
هدف اصلی از ازدواج موقت تمتع و بهره جنسی و پرداخت مبلغ معینی به زن به عنوان مهریه در مدتی معلوم است. بارداری جایگاهی در ازدواج موقت ندارد و حتی براساس اظهار نظر فقیهان و برخی روایات، بارداری در ازدواج موقت نهی شده است. در ازدواج موقت در صورتی که زن باردار شود، مرد موظف به پرداخت نفقه و تعهد در قبال فرزند است و مانند فرزند حاصل از زوجیت دائم باید برای او شناسنامه بگیرد. بنابراین فرزند ازدواج موقت تمام حقوق فرزند عادی را دارد. براساس یافته‌های این تحقیق، 33/3 درصد از زنانی که باردار شده بودند، فرزند خود را به دنیا آورده بودند، 44/4 درصد از آنان سقط جنین کرده بودند. از سوی دیگر،



22/2 درصد از مردان حاضر به پذیرش مسئولیت و نگهداری از فرزند حاصل از ازدواج موقت نشده بودند. براساس ماده 21 قانون حمایت از خانواده مصوب 1391، در صورت بارداری یا توافق طرفین یا شرط ضمن عقد، ازدواج موقت باید ثبت شود و نکاح موقت تابع تمام موازین شرعی نکاح دائم قرار می‌گیرد؛ اما به علت ناآگاهی از قانون و اطلاع‌رسانی نشدن در این زمینه، حقوق زنان تضییع می‌شود.

نمودار شماره 8. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان در زمینه آگاهی از قانون

یافته‌های کمی این تحقیق حاکی از آن بود که 68 درصد پاسخگویان از قوانین حقوقی ازدواج موقت هیچ اطلاعی نداشتند. 22/66 درصد از آنان اطلاعات کم و 9/4 درصد از آنان اطلاعاتی درباره قوانین حقوقی ازدواج موقت داشتند. نتیجه این ناآگاهی، تضييع حقوق افراد به ویژه در ازدواج موقت است. ثبت ازدواج موقت در دفاتر ثبت ازدواج و مشاوره‌های حقوقی و روان‌شناختی به زوجین یکی از راهکارهایی است که در برداشتن برخی خلل‌های این نوع ازدواج کاربردی خواهد بود.

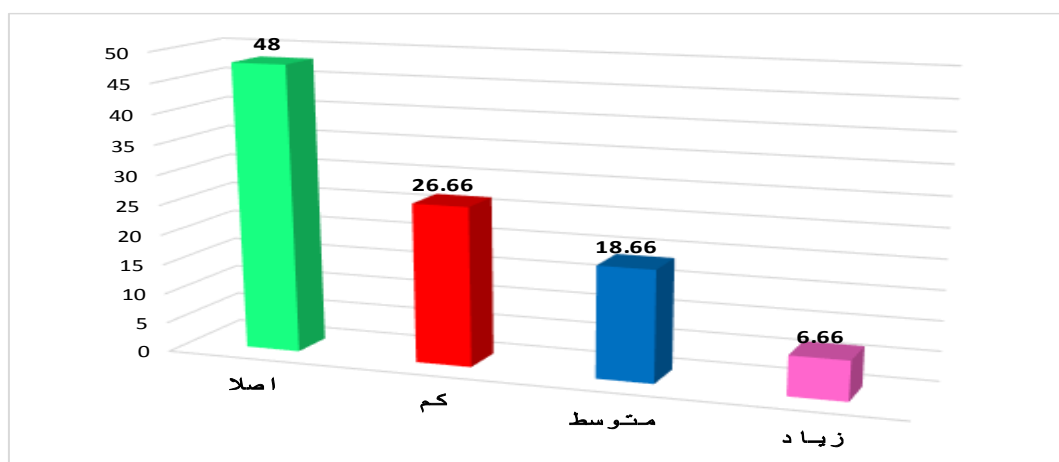


نمودار شماره 9. توزیع درصد فراوانی وضعیت ثبت ازدواج موقت در میان پاسخگویان

در میان پاسخگویان این پژوهش، 65 درصد افراد ازدواج موقتشان را ثبت کرده بودند و 35 درصد آنها این ازدواج‌ها را ثبت نکرده بودند. ثبت ازدواج موقت در صورت بارداری براساس ماده 21 قانون حمایت از خانواده الزامی است. بسیار از افراد به علت ناآگاهی از این ماده قانونی نمی‌توانند پدر فرزند را ملزم به حمایت از

فرزند کنند. حال آنکه تمام مسئولیت‌هایی که پدر در قبال فرزند عادی دارد، در قبال مادر و فرزند متعه نیز خواهد داشت. افزون بر این به دلیل سهولت انجام صیغه، مردان صیغه چندساله می‌کنند و پس از مدتی بدون بذل مدت، زن را ترک می‌کنند و به دلیل بی‌اطلاعی از قانون موجب سرگردانی زنان می‌شوند. همچنین از آنجا که ماده قانونی‌ای برای فسخ آن تعریف نشده است، حتی برخی مراجع تقلید در قبال این موضوع، مراجعه به دادگاه خانواده را به زنان پیشنهاد می‌کنند.

براساس ماده 1139 قانون مدنی، «طلاق مخصوص ازدواج دائم است و زن منقطعه به انقضای مدت یا بذل مدت از سوی شوهر از زوجیت خارج می‌شود». در این ماده قانونی به عسر و حرج زن اشاره‌ای نشده است و در ماده 1152 فقط بیان می‌کند که «عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح موقت در غیر حامل دو طهر است». در اینجا عده فسخ نکاح، فرع بر قابلیت فسخ متعه است و تنها زمانی که ادامه زناشویی برای زن ممکن نباشد، براساس ماده 1130 زن می‌تواند به دلیل عسر و حرج به دادگاه خانواده مراجعه کند و درخواست انحلال ازدواج موقت بدهد. در شرایطی که حتی قانون‌گذار در خفا و به صورت مبهم از مواد قانونی مربوط به ازدواج موقت بحث کرده است، چگونه می‌توان انتظار داشت که افراد عادی از آن آگاهی داشته باشند و زیر چتر حمایت قانون قرار بگیرند!؟

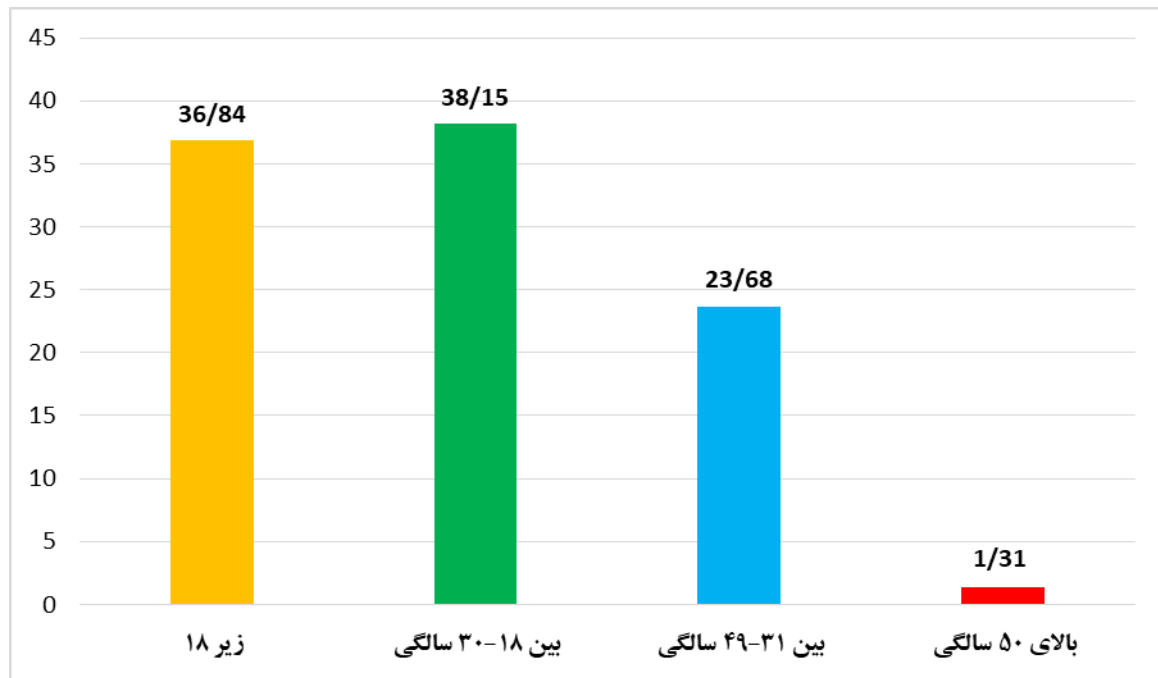


نمودار شماره 10. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان زن در زمینه تجربه خشونت در ازدواج موقت

از میان پاسخگویان زن این پژوهش 6/66 درصد از سوی شوهران خشونت و آزار شدید دیده بودند. همچنین 18/68 درصد از این زنان به صورت متوسط و 26/66 درصد از آنان به صورت کم، خشونت و آزار دیده و 48 درصد نیز آزار ندیده بودند. براساس این یافته‌ها، اکثریت زنان در ازدواج موقت حتی به صورت کم و متوسط آزار و خشونت دیده‌اند و همین زنان به دلیل بی‌اطلاعی از قانون و روندهای دادرسی طولانی و خلل‌های قانونی معمولاً از حق خود صرف نظر می‌کنند. همچنین اگر از قانون باخبر باشند، باز هم به علت قبح اجتماعی صیغه مایل نیستند شکایت کنند؛ زیرا می‌ترسند که اطرافیان و نزدیکان و همسایگان از ازدواج پنهانی‌شان آگاه شوند و برای زن چیزی غیر از آسیب‌های جسمی و روحی و بدنامی باقی نماند

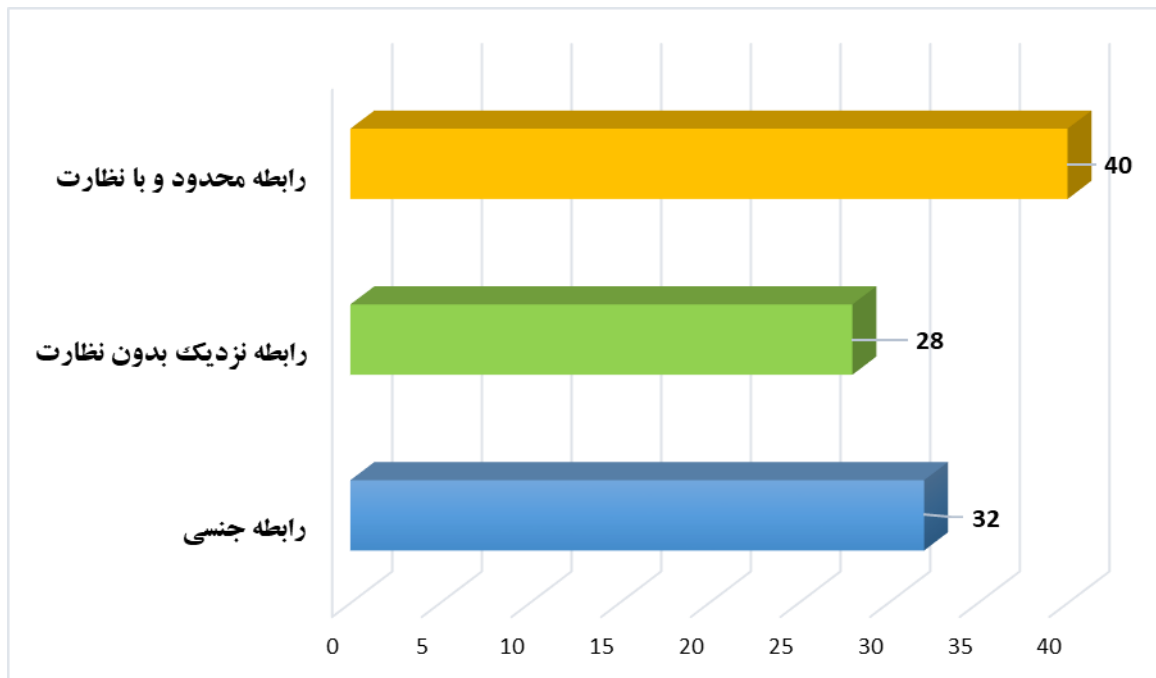
6- سن، نحوه عقد، کیفیت رابطه و تحصیلات

سن دقیق صیغه محرمیت و ازدواج موقت به وضوح بیان نشده است؛ اما براساس ماده 1041 قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران سن ازدواج دائم برای دختران 13 سال شمسی و برای پسران 15 سال است. البته از آنجا که در صیغه محرمیت ثبت کردن وجود ندارد و در بین خانواده‌ها به صورت خصوصی جاری می‌شود، سن صیغه محرمیت معمولاً زیر 18 سال است.



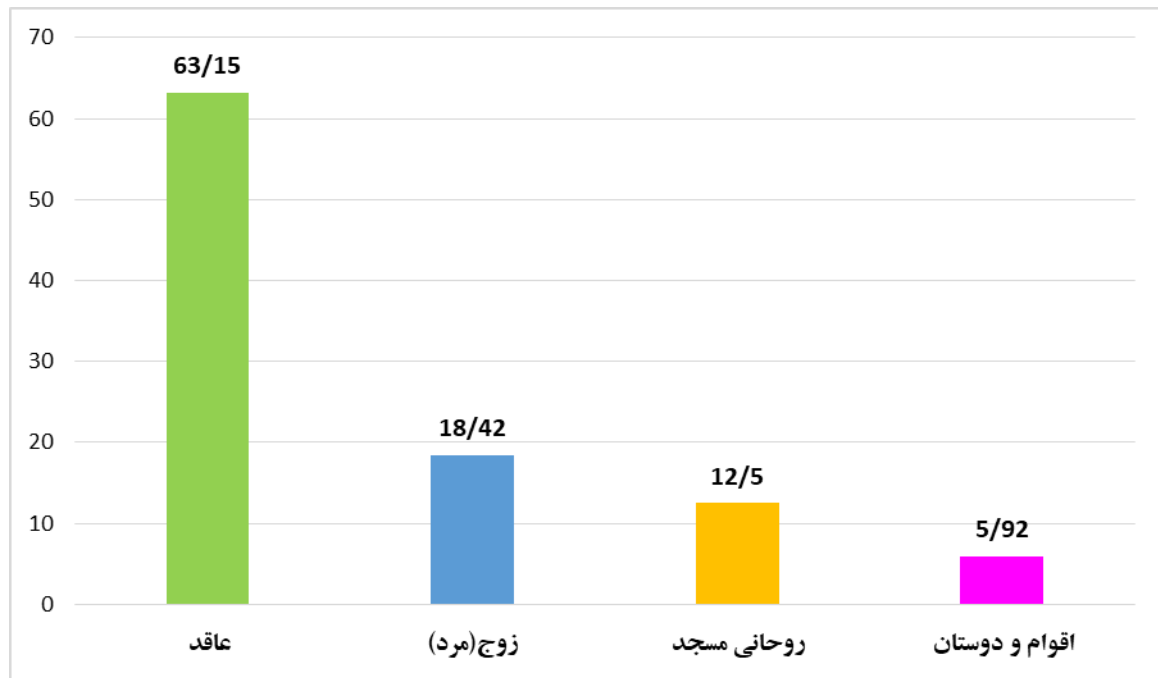
نمودار شماره 7. توزیع درصد فراوانی سن پاسخگویان در زمان صیغه محرمیت و ازدواج موقت

یافته‌های کمی پژوهش حاکی از آن بود که 36/84 درصد از پاسخگویان زیر 18 سالگی، 38/15 درصد از آنان در بازه سنی 18 تا 30 سالگی، 23/68 درصدشان در بازه سنی 31 تا 49 سالگی و 1/31 درصد از این افراد در سنین بالای 50 ازدواج موقت را تجربه کرده بودند. همچنین براساس یافته‌های کمی این پژوهش، نوجوانانی که زیر 18 سالگی و با اصرار خانواده به عقد موقت یا همان صیغه محرمیت درآمده بودند، خود را در مرحله جدیدی از زندگی احساس می‌کردند؛ در حالی که از نظر اجتماعی و روحی و فکری به بلوغ نرسیده بودند. بلوغ جنسی در مرحله نوجوانی دلیلی بر بلوغ فکری نیست و حتی اگر نوجوانان از این وضعیت رضایت داشته باشند، پیامد اجتماعی خاصی برایشان به دنبال خواهد داشت. نحوه رابطه در زمان صیغه محرمیت تابعی از نظارت خانواده است؛ اما به دلیل غلیان میل جنسی در این برهه زمانی، دختر و پسر از هر فرصتی برای ارتباط جنسی استفاده می‌کنند که البته از نظر شرعی هیچ‌گونه ایرادی بر آن وارد نیست.



نمودار شماره 8. توزیع درصد فراوانی وضعیت رابطه در حین ازدواج موقت

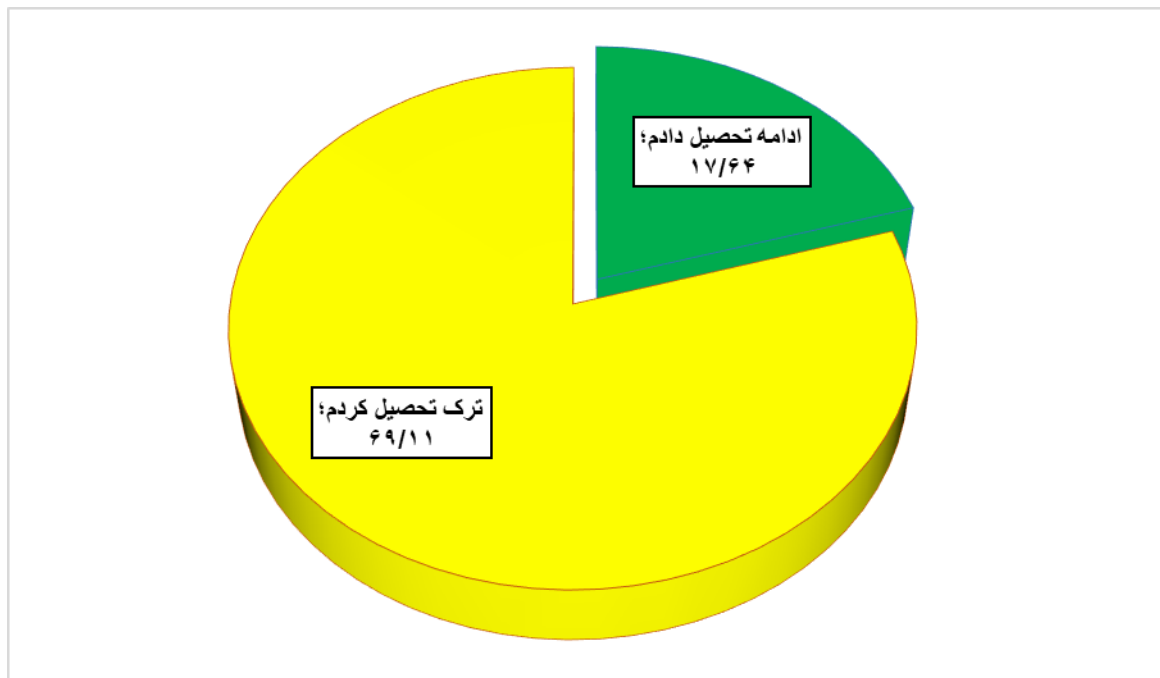
یافته‌های کمی این پژوهش نشان می‌دهد پاسخگویانی که صیغه محرمیت زیر 18 سالگی را تجربه کرده‌اند، 32 درصدشان در حین صیغه محرمیت رابطه جنسی مداوم داشته‌اند، 28 درصد از آنان رابطه نزدیک بدون محدودیت اعم از سکس و سایر رفتارهای جنسی را تجربه کرده‌اند. همچنین 40 درصد رابطه محدود و با نظارت داشته‌اند. همان‌طور که مشخص است اکثریت این افراد (60 درصد)، رابطه جنسی کامل داشته‌اند و بدین ترتیب زمینه ازدواج زود هنگام آنان فراهم شده است. این نوع ازدواج به سهولت اتفاق می‌افتد و جاری شدن عقد موقت نیازمند تشریفات ازدواج دائم نیست. در ازدواج موقت و صیغه محرمیت حتی خود مرد یا اقوام و دوستان می‌توانند صیغه عقد را جاری کنند. صیغه محرمیت به صورت شفاهی خوانده شود و فقط ایجاب و قبول شفاهی آن کفایت می‌کند و مکتوب نمی‌شود.



نمودار شماره 9. توزیع درصد فراوانی وضعیت جاری شدن ازدواج موقت بین زوجین

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در 5/92 درصد موارد، صیغه عقد را اقوام و دوستان، در 12/5 درصد موارد روحانی مسجد، در 18/42 درصد موارد خود مرد و در 63/15 درصد موارد عاقد جاری کرده است.

نکته درخور تأمل این است که ازدواج موقت به ثبت نیاز ندارد و همین ثبت نشدن آسیب‌های متعددی به‌ویژه برای زنان ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، خانواده‌های مذهبی و سنتی آن را به صورت خصوصی جاری می‌کنند که هیچ‌گونه منع قانونی و شرعی‌ای در این کار وجود ندارد. مشخص نبودن چگونگی جاری شدن صیغه و ثبت نشدن آن از مهم‌ترین معایب ازدواج موقت است. خانواده‌های سنتی به منظور کنترل رفتار جنسی فرزندان و کاهش فشار اجتماعی فرزندان را در دوران تحصیل ملزم به صیغه محرمیت می‌کنند و از آنجا که نوجوانان برای ورود به مرحله جدید بلوغ فکری و اجتماعی مناسبی ندارند، با پیامدهایی مانند کودک‌بیوگی و ترک تحصیل روبه‌رو می‌شوند. تحصیلات از مهم‌ترین عواملی است که ازدواج زودهنگام را به تأخیر می‌اندازد.



نمودار شماره 10. توزیع درصد فراوانی وضعیت تحصیلات پس از صیغه محرمیت در میان نوجوانان

در میان پاسخگویانی که صیغه محرمیت را تجربه کرده بودند، این نکته به روشنی دیده می‌شود که صیغه محرمیت از عوامل اصلی مؤثر در جلوگیری از ادامه تحصیل دانش‌آموزان (به‌ویژه دختران) است. 17/64 درصد از پاسخگویان پس از صیغه محرمیت ادامه تحصیل داده بودند؛ در حالی که 69/11 درصد آنان ترک تحصیل کرده و نقش مادری و همسری را بر عهده گرفته بودند. تصور نقش همسری و باروری زودرس، امکان تحصیل را از بین می‌برد. اصطکاک و تداخل نقش‌هایی که شخص برای آن هیچ‌گونه آمادگی‌ای ندارد، مانع روند عادی تحصیل می‌شود. باید توجه داشت که دو عامل عمده در کودک‌همسری دخالت دارد: سنت‌های فرهنگی و فقر اقتصادی خانواده. با توجه به مشکلاتی که کودک‌همسری برای کودکان به وجود می‌آورد، باید با این دو عامل عمده مقابله کرد. سیاست‌گذاری‌های مناسب، بیان مشکلات ناشی از این ازدواج برای کودکان و حمایت از آنها و نیز حمایت از خانواده‌های دارای مشکلات اقتصادی می‌تواند در مقابله با فرهنگ سنتی مؤثر باشد. اجباری کردن تحصیلات و ثبت قانونی صیغه محرمیت و تعیین سن از جمله سیاست‌گذاری‌هایی است که می‌توان براساس آن کودک‌همسری را به تأخیر انداخت. طبیعتاً تحصیلات و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی

دانش‌آموزان و خانواده‌ها باید در برنامه و سیاست‌های کلان کشوری قرار گرفته شود و راهکارهای قانونی و عملیاتی برای آن تدوین شود تا از دامنه این آسیب‌های اجتماعی کاسته و پیامدهای کمتری به فرد و جامعه در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی تحمیل شود.

فصل چهارم:

جمع بندی، راهکارها و پیشنهادها

ازدواج، نهادی اجتماعی است که در لوای آن مرد و زن از طریق تعهدی قانونی، مذهبی و اخلاقی به عنوان زن و شوهر با یکدیگر زندگی می‌کنند. ازدواج با فراهم آوردن بستری برای ارضای نیازهای عاطفی، اقتصادی و روانی اعضای جامعه، نقش مهمی در عملکرد افراد ایفا می‌کند. هرچند ازدواج عملی ارادی و تابع ترجیحات و دیدگاه‌های فردی است، زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، وقوع ازدواج را تحت تأثیر روابط دوسویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می‌دهد. این تأثیر و تأثرها باعث شده است که ازدواج به عنوان پدیده‌ای چندوجهی، موضوع توجه و مذاقه متخصصان در حوزه‌های مختلف دانش مانند مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و جمعیت‌شناسی و... قرار بگیرد. ازدواج یکی از سنت‌های مهم و پسندیده اجتماعی است که تقریباً در همه جوامع بشری به رسمیت شناخته شده است. در میان پیوندهایی که انسان‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌کند، پیوند زناشویی از همه مقدس‌تر است؛ زیرا علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی افراد را نیز تنظیم می‌کند و بنا به تأثیری که دارد، در تمامی کشورهای دنیا، هنجاری پذیرفته شده به حساب می‌آید.

در تمامی جوامع، ازدواج همواره تابع ارزش‌های دینی و حقوقی جامعه است. از دیدگاه بسیاری، رفتارهای جنسی و غریزی در قالب ازدواج تنظیم و سلامت و بقای جامعه تأمین می‌شود. در طول تاریخ ادیان توحیدی به طور ویژه به ارائه الگویی برای رفتار جنسی ایمن توجه کرده و برای پیشگیری، اصلاح و درمان ناهنجاری‌ها، انحراف‌ها و مشکلات جنسی اهمیت خاصی قائل بوده‌اند. چراکه رشد، پیشرفت، خوشبختی و کمال انسان، اصلاح و تربیت نسل، تداوم و حفظ نسب از راه صحیح تداوم و استحکام نظام خانواده و به تبع آن، پاکی اجتماع را در گروی صیانت و پاکی از انحرافات می‌دیده‌اند.

بنابراین ازدواج و شیوه همسرگزینی همواره تابع ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. در کشور جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه اکثریت مطلق مردم مسلمان هستند، اسلام به عنوان مصدر ارزش‌ها و هنجارهای

اجتماعی بر مقوله ازدواج سایه افکنده است. فقه که بُعد حقوقی دین اسلام است، به عنوان مکانیزم اجرای دین در تعریف بایدها و نبایدهای ازدواج نقش مؤثری دارد. همچنین با توجه به اینکه اکثریت جمعیت ایران شیعه هستند، فقه امامیه به قوانین ازدواج و هنجارهای مناطق شیعه‌نشین شکل می‌دهد. براساس قواعد حقوقی و فقهی، در ایران دو نوع ازدواج دائم و موقت (متعہ، منقطع یا صیغہ و صیغہ محرمیت) به رسمیت شناخته شده است که هر دو مشروعیت فقهی و حقوقی دارند. اقدام برای ازدواج نیازمند موقعیت اجتماعی خاصی است و انتخاب هر یک از این دو نوع ازدواج نیز موقعیت ویژه خود را می‌طلبد. در ادوار مختلف تاریخ، ازدواج موقت در کشور ایران محل مناقشه بوده است و مقبولیت و مشروعیت این نوع ازدواج، رویکردهای متفاوتی را به خود گرفته است. با توجه به شرایط مذهبی جامعه و با توجه به تغییرات ساختاری و در حال گذار و مدرنیته ایرانی، به نظر نگارنده، در این برهه خاص زمانی و مکانی، جامعه ایرانی از ازدواج موقت چه در قالب صیغہ محرمیت و چه در قالب نکاح منقطع بیشتر از گذشته استقبال می‌کند. این نوع نکاح را که اشکال مختلفی به خود گرفته است، در بسترهای اقتصادی و اجتماعی می‌توان بررسی و تحلیل کرد. نکته اینجاست که ازدواج موقت با وجود مشروعیت مذهبی و قانونی‌اش، مقبولیت اجتماعی کافی ندارد و پنهانی انجام می‌شود. از این رو، به علل، پیامدها و سوءاستفاده‌هایی که از این نوع ازدواج می‌شود، کمتر توجه شده است. نگارنده با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی و بدون تعصبات مذهبی، برای اولین بار در قالب پژوهشی جامع و با نگاهی مردم‌شناسانه، ازدواج موقت (صیغہ محرمیت و متعہ) را از بُعد تاریخی، دینی، حقوقی و اجتماعی بررسی و با رویکردی علمی، زوایای پنهان و آشکار و پیامدهای ازدواج موقت را در سه کلان‌شهر تهران، اصفهان و مشهد تحلیل کرده است.

1-4- خلاصه و جمع‌بندی پژوهش

در فصل اول و در قالب کلیات پژوهش، نحوه تنظیم رفتار جنسی و روابط زوجین در چارچوب اسلامی و غربی، تعریف ازدواج و ازدواج موقت، و تبیین اجتماعی آن در زمان حاضر بررسی شده است. در غرب پیش از قرن نوزدهم، انگاره مذهبی اخلاقی که از آموزه‌های دین مسیحیت سرچشمه می‌گیرد و اساساً بر پایه گناه‌آلوده

شمردن غریزه جنسی و تلاش برای نفی یا کنترل شدید آن استوار است، بر رفتار جنسی حاکم بوده است. براساس این انگاره، روابط زن و مرد فقط در قالب ازدواج و نهاد خانواده مشروع است. از قرن نوزدهم به بعد با ظهور عصر مدرن، عشق احساسی به منزله شکل مدرن و فردگرایانه رفتار جنسی به تدریج جایگزین الگوی پیشامدرن می‌شود. از نیمه دوم قرن بیستم، انگاره جامعه‌شناختی تاریخی در گفتمان‌های مطالعات جنسی ظهور کرد و به تدریج بر نگرش‌های عمومی بر مسائل جنسیت در فرهنگ جنسی غرب حاکم شد و رویکردهای برابرخواهانه درباره مردان و زنان شکل گرفت. در زمان حاضر همراه با ایستارهای سنتی، ایستارهای بسیار لیبرال‌تری به گرایش‌های جنسی وجود دارد که مخصوصاً در دهه 60 میلادی قوت گرفت. برخی از مردم به‌ویژه کسانی که تحت تأثیر آموزه‌های مسیحی در فرهنگ غربی هستند، معتقدند رابطه جنسی پیش از ازدواج درست نیست؛ اما عده بیشتری معتقدند که لذت جنسی جنبه مطلوب و مهمی از زندگی است. در مقابل، بعضی هم ایستارهای مداراگری (رفتار جنسی خارج از ازدواج رسمی و تولید مثل) را در قبال فعالیت جنسی مختلف پیش می‌گیرند. در بیشتر کشورهای غربی در 30 سال گذشته، ایستارهای جنسی آزادتر و بازتر شده است. همچنین مدل اسلامی مصون‌سازی رفتار جنسی شامل دو بعد عفاف (پاکدامنی و خودمهارگری جنسی) و نکاح (ارضای مطلوب و رضایتمند نیازهای جنسی از راه همسرگزینی) می‌شود. این دو بعد، گستره وسیعی از اصول و برنامه‌ها را (شامل مراقبت، کنترل، هدایت و تربیت جنسی، آماده‌سازی و آموزش جنسی به هنگام ازدواج، آموزش جنسی و آداب زناشویی و اصلاح و درمان ناهنجاری‌های جنسی) در طول عمر انسان از زمان تولد تا پایان زندگی دربرمی‌گیرند. اسلام، ارضای تمایل جنسی را در نظام خانواده و در پرتو ازدواج، امری پسندیده به حساب آورد، بر آن تأکید ورزید و به انسان‌ها اجازه داد تمایل جنسی خود را از طریق آمیزش با همسر خویش ارضا کنند.

در تعریف ازدواج به نقل از ساروخانی بیان شد که ازدواج، روابط پایای جنسی بین دو جنس مخالف می‌باشد که مستلزم قرارداد اجتماعی است و همچنین به نقل از کلود لوی اشتراوس، ازدواج، برخورد دراماتیک بین

فرهنگ و طبیعت یا قواعد اجتماعی و کشش جنسی است. به‌طور کلی ویژگی‌های ارتباط جسمی، تخالف جنسی، پایداری و قرارداد اجتماعی (قانون و دین) از عوامل مشترک در تعریف ازدواج هستند. در محدوده جغرافیایی ایران نیز نشان داده شد که ازدواج دائم و موقت به عنوان اشکال پذیرفته‌شده ازدواج در ایران معرفی شدند و در تعریف مُتعه نیز گفته شد که نوعی ازدواج است که مردی با زنی برای مدت معین و مهریه معلوم نکاح می‌کند و با سرآمدن وقت تعیین‌شده، زن و مرد بدون طلاق از یکدیگر جدا می‌شوند.

هنگام تبیین اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های ازدواج موقت گفته شد که سیاست‌گذاران دولتی و دینی و حقوقی، در شرایط خاص جامعه ایرانی که بین سن بلوغ جنسی و سن ازدواج دائم فاصله افتاده است، صیغه یا ازدواج موقت را به عنوان راهکاری برای جلوگیری از فحشا و رواج روابط غیرشرعی خارج از چارچوب ازدواج در نظر گرفته‌اند. همچنین به مخالفت آیت‌الله صانعی و برخی از فعالان حقوق زنان با این سیاست‌گذاری اشاره شد. کشور ایران، در حال گذار از مرحله سنتی به مدرنیته است و این نوسازی و مدرن شدن، نهاد خانواده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در سطح کلان، هرچه جامعه از حالت سنتی خارج و به موقعیت مدرن نزدیک‌تر شود، سن ازدواج بیشتر افزایش می‌یابد. نوسازی از طریق گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و نقش‌های مدرن و شهرنشینی باعث افزایش سن ازدواج می‌شود. ضمن اینکه نوسازی با افزایش انتظارات از زندگی پس از ازدواج، سبب به تأخیر افتادن ازدواج می‌شود. در سطح میانی، تأثیرات ناشی از تجربه مدرنیته ایرانی در مناطق گوناگون متفاوت است. به هر نسبت که نفوذ مدرنیته در منطقه‌ای بیشتر باشد، تأخیر در ازدواج بیشتر رخ می‌دهد. در حال حاضر، افزایش سن ازدواج در کلان‌شهرهای تهران، مشهد و اصفهان بیش از سایر شهرهاست. از دیگر سو، آشفته‌گی‌های اقتصادی و اجتماعی در بدنه جامعه از قطعیت‌های اقتصادی کاسته، بر ناامیدی اجتماعی افزوده و معیارها و انتظارات را تغییر داده است. با وجود بی‌ثباتی اقتصادی، انتظارات فرهنگی و سنتی مربوط به هزینه‌ها و استانداردهای ازدواج و زندگی مشترک تغییری نکرده و این موضوع مزید بر علت

شده است. آشفتگی‌های اجتماعی از جمله طلاق و خیانت‌های زناشویی نیز به نوبه خود بر نگرش دختران به ازدواج تأثیر گذاشته و موجب شده است دختران در امر ازدواج احتیاط بیشتری به خرج دهند. همچنین در سطح فردی شاهد تحولاتی در خود دختران هستیم: افزایش سطح تحصیلات، استقلال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، آزادی انتخاب و عمل، فاصله‌گیری از نظرات والدین و اطرافیان، نگرش دختران را دچار تغییر و تحول کرده است. در مجموع، براساس تحولات ساختاری و ذهنی‌ای که در نتیجه مدرنیته و نوسازی در جامعه ایرانی و نهاد خانواده اتفاق افتاده، فاصله بلوغ جنسی و ازدواج افزایش یافته است. به همین دلیل، فقیهان و سیاست‌گذاران ازدواج موقت را به عنوان راهکاری مؤثر پیشنهاد کرده‌اند که چنانکه گفته شد این راهکار با مخالفت‌هایی همراه بوده است.

در فصل دوم با توجه به تعریف مسئله و اختلافاتی که درباره این نوع ازدواج وجود دارد، ریشه‌های تاریخی، دینی، حقوقی و اجتماعی آن بررسی شد. از منظر تاریخی، در ایران باستان تفسیرهای متعددی از ازدواج موقت وجود داشته است. برخی مورخان از نوعی رابطه جنسی به نام (گادار) در میان زرتشتیان یاد کرده‌اند که رابطه جنسی در آن محدود و موقت بوده است. همچنین در میان اعراب پیش از اسلام نیز متعه وجود داشته و آن را یکی از احکام امضایی می‌دانند که به پس از اسلام نیز منتقل شده است. علاوه بر این موارد در کشورهای چون ژاپن نمونه‌های مشابه ازدواج موقت با عنوان ازدواج آزمایشی وجود دارد و افرادی مانند برتراند راسل چیزی به نام ازدواج رفاقتی را پیشنهاد داده‌اند که در ماهیت می‌تواند مانند متعه باشد.

از منظر دینی بین علمای اهل سنت و شیعه در باب ازدواج موقت اختلافاتی وجود دارد. به‌طور خلاصه، اهل سنت متعه را از انواع ازدواج حرام می‌شمارند. از نظر مذاهب اهل سنت، تحریم نکاح موقت مستند به حدیثی نبوی است. مذاهب اهل سنت بر سر حرمت نکاح موقت اتفاق نظر دارند؛ اما حکم متعه را مانند زنا نمی‌دانند و مرتکب آن را به جای حد، تعزیر می‌کنند. دلیل این کار، شبهه‌ای است که ابن عباس درباره تحریم آن مطرح

کرده است. ناگفته نماند که ابن عباس نیز بعدها از نظر خود برگشت و حکم به تحریم نکاح موقت داد. اما اهل تشیع به استناد آیه 24 سوره نساء و روایاتی از ائمه معصومین و دلایل عقلی و نقلی، متعه را حلال می‌شمارند و معتقدند ازدواج موقت به حکم اولیه خود حلال و مشروع و در شرایط کنونی، جایز است.

از منظر حقوقی نیز ازدواج موقت یا صیغه بررسی و بیان شد که نهاد ازدواج موقت به عنوان نهادی قانونی فقط در قانون ایران وجود دارد و در قانون هیچ کشور دیگری، مشابه آن نیست. براساس مواد 1075 و 1076 قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ازدواج موقت مشروعیت قانونی دارد.

زن در ازدواج موقت از نفقه و ارث برخوردار نیست و براساس ماده 21 قانون حمایت از خانواده مصوب 1391ش، در صورت بارداری یا شرط ضمن عقد می‌تواند نکاح خود را ثبت کند. همچنین سن ازدواج موقت و صیغه محرمیت طبق ماده 1041 قانون مدنی مانند ازدواج دائم برای زنان 13 سال و برای مردان 15 سال است. البته ازدواج در سنین کمتر با اجازه دادگاه و اذن ولی نیز ممکن است. همچنین در فصل دوم به خلأهای قانونی و مشکلات مترتب بر آن اشاره کردیم که ادامه این روند از نظر حقوقی نه تنها راهکار مناسبی برای افراد دارای شرایط خاص نیست، بلکه به تبعیض جنسیتی در قانون دامن می‌زند.

در بخش اجتماعی، نظریات جامعه‌شناختی‌ای بیان شد که رواج ازدواج موقت را تبیین می‌کردند و همچنین ضرورت اجتماعی ازدواج موقت از دیدگاه موافقان و ناکارآمدی آن از دیدگاه مخالفان به تفصیل گفته شد. افرادی مانند مرتضی مطهری متعه را برای جلوگیری از رهبانیت جوانان یا برای جلوگیری از کمونیسم جنسی پیشنهاد داده و افرادی همچون اکبر هاشمی رفسنجانی و پورمحمدی و قرائتی و سایر مراجع تقلید ایران، این راهکار را بارها در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی و غیررسمی تأیید و تبلیغ کرده‌اند. از سوی دیگر، آیت‌الله صانعی به عنوان یک فقیه، متعه را فقط در شرایط جنگ در صدر اسلام لازم دانسته و در زندگی امروزی آن را یکی از عوامل انحطاط خانواده می‌شمارد. همچنین فعالان حقوق زنان، ازدواج موقت را از عوامل نقض حقوق

زنان و بازتولید تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان، تزلزل بنیان خانواده و شیوع چندهمسری و بیماری‌های مقاربتی و رواج روسپی‌گری می‌دانند و با آن مخالفت کرده‌اند. نگارنده با توجه به تئوری‌های نوسازی و مدرنیته، انتخاب عقلانی هکتور، مبادله و رفتار اجتماعی هومنز، برجسب و نظریه نمایشی گافمن، سلسله مراتب نیازهای مازلو، نظریه یادگیری اجتماعی ساترلند و سبک زندگی پیربوردیو، عشق سیال باومن و گیدنز و نظریات اقتدار دارندروف و فمینیسم، پدیده ازدواج موقت را بررسی و در چارچوب این نظریات آن را تبیین کرده است.

در فصل سوم، یافته‌های میدان تحقیق را مرور کردیم و با توجه به پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی‌ای که در اختیار داشتیم، پدیده ازدواج موقت را در سه کلان‌شهر تهران، اصفهان و مشهد بررسی کردیم. در این مسیر، کادری از پژوهشگران آموزش‌دیده، زیر نظر کارشناسان حقوقی و اجتماعی، مذهبی و روان‌شناسان و استادان دانشگاه، با 216 نفر که تجربه ازدواج موقت داشتند، به صورت عمیق مصاحبه کردند. سپس این مصاحبه‌ها به طور جامع با رویکرد کیفی و استفاده از روش گراندد تئوری تحلیل شد و عوامل علی، زمینه‌ای، کنش‌های راهبردی، پدیده محوری و پیامدهای ناشی از ازدواج موقت، به طور دقیق شناسایی و موشکافی شدند.

در تحلیل موشکافانه مصاحبه‌ها مشخص شد که علت‌های اصلی ازدواج موقت شامل نیاز اقتصادی، نیاز عاطفی، احساس تنهایی به ویژه در زنان و نیاز جنسی به خصوص در مردان می‌شود. براساس دیدگاه رفتار اجتماعی و مبادله هومنز و انتخاب عقلانی هکتور، هرچقدر هزینه رفتاری کمتر و پاداش آن بیشتر باشد (یعنی نیازهای اساسی را بهتر برآورده کند)، احتمال انجام و تکرار آن رفتار بیشتر می‌شود. همچنین براساس سلسله مراتب نیازهای مازلو، انسان‌ها مجموعه نیازهایی دارند که نیازهای بیولوژیک و جنسی، در قاعده هرم این مجموعه قرار می‌گیرد و تا این نیازها برآورده نشود، انسان به خودشکوفایی نخواهد رسید. بنابراین همیشه انسان به دنبال رفع نیازهای سلسله‌مراتبی خود است که در ازدواج موقت این نوع نیازها به طریقی ارضا می‌شوند.

در بخش مربوط به علل زمینه‌ای، عوامل دینی، ساختار قانونی و ساختار اجتماعی بررسی شدند. افرادی که با آنان مصاحبه می‌شد، مشروعیت مذهبی را یکی از عوامل رفع نیازهایشان (مادی، روانی و عاطفی، و جنسی) از طریق صیغه می‌دانستند. احادیث و روایاتی که از ائمه و معصومین و ثواب و پاداش صیغه نقل شده است و فقهای امامیه آنها را در جامعه ترویج کرده‌اند، نقش مهمی در مشروعیت این پدیده داشته است. به همین دلیل، افراد، پس از صیغه، عذاب وجدان و ترس از عذاب اخروی ندارند. این مسئله در افراد دین‌دار بیشتر به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، ساختار قانونی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران، براساس فقه تشیع امامیه تدوین شده است و بنابراین افراد ازدواج موقت را قانونی تلقی کرده و به آن تمکین می‌کنند؛ ولی آنچه در این بخش به خوبی آشکار بود، بی‌اطلاعی پاسخگویان از شرایط قانونی ازدواج موقت بود.

در بخش بافتار اجتماعی، عوامل خانوادگی و عرفی و نابرابری‌های اجتماعی‌ای که در ازدواج موقت وجود دارد، بررسی شد. در بررسی عوامل خانوادگی، با توجه به نظریات اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی، از تحلیل مصاحبه‌ها این نتیجه به دست آمد که در خانواده‌هایی که صیغه محرمیت و ازدواج موقت سابقه داشته است، این رفتار در نسل‌های بعد نیز تکرار می‌شود؛ زیرا به نحوی برای افراد درونی شده و خانواده آن را پذیرفته است. اما خانواده‌هایی که هیچ سابقه‌ای از ازدواج موقت نداشتند، آن را پدیده‌ای مذموم و ناپسند قلمداد می‌کنند و اگر عضوی از خانواده این عمل را انجام دهد، خانواده با محرومیت‌هایی همچون طرد آن عضو از خانه و حذف حمایت اقتصادی و روانی، او را مجازات می‌کند.

در بخش نگرش عرفی به ازدواج موقت، مشخص شد که عرف، این پدیده را به دلیل متصف بودن به نیاز جنسی، ناپسند می‌داند، نمی‌پذیرد و به عنون عامل فساد و تنوع‌طلبی می‌شناسد. براساس نظریات عشق سیال باومن و گیدنز، روابط در جامعه مدرن کوتاه‌مدت بوده و با لذت‌های فردی و زودگذر مرتبط است. جالب اینکه این ویژگی‌های رابطه مدرن کوتاه‌مدت در ازدواج موقت نیز کاملاً نمایان است. عرف و نگرش عمومی،

این نوع نگاه را نمی‌پسندد و در بخش‌های مختلف از عشق‌های قدیمی یاد می‌کنند. افزون بر این، ازدواج موقت نابرابری‌های اجتماعی و تبعیض جنسیتی را نیز بازتولید می‌کند. به علت تبعیض جنسیتی در بازار کار ایران، زنان فرصت‌های اشتغال کمتری دارند و گاه باید برای رفع نیازهای مادی خود به ازدواج موقت تن بدهند. این وضعیت، بازاری را در ایران برای دلالت و شبکه‌های اجتماعی مجازی از یک سو و برخی اعراب و مردان کشورهای همسایه از سوی دیگر به وجود آورده است که نوعی اقتصاد لذت و توریسم جنسی را تقویت می‌کند. این کنش‌ها از چشم عموم مردم پنهان نیست و عرف همیشه زنان متعه را با دید منفی می‌نگرد. از سوی دیگر بخشی از نابرابری علیه زنان در ازدواج موقت توسط خود زنان شکل می‌گیرد. آنها خود را برای مردان می‌آرایند و با مدیریت بدن، خود را در معرض انتخاب مردانی قرار می‌دهند که از آنها استفاده جنسی می‌کنند و پول‌های کلانی بین دلالت و افراد خواهان این نوع زنان رد و بدل می‌شود. اما در این داد و ستد، زنان بهره اقتصادی چندانی نمی‌برند و آنچه در نهایت نصیب آنها شود، آسیب‌های جسمی و روحی است.

در بررسی کنش راهبردی و تعاملات در ازدواج موقت، زودگذر بودن این نوع روابط مشخص شد و از تحلیل مصاحبه‌ها این نتیجه به دست آمد که تعاملات ازدواج موقت، محدود، کوتاه و دارای پایانی مشخص است که آثار نامطلوبی برای طرفین و به‌ویژه برای زنان دارد. همچنین تعاملات عاطفی، اقتصادی و جنسی نیز در این نوع ازدواج بررسی شد و از این بررسی نوعی نابرابری در تعاملات به نفع مردان استنباط شد.

در بخش پدیده محوری، دو عامل بررسی شده است که دربرگیرنده مهم‌ترین برداشت ذهنی مشترک تمام پژوهشگران و تحلیل مصاحبه‌ها توسط استادان بوده است. این دو عامل که در تمام ساختار تحقیق مشاهده می‌شود، دو پدیده عشرت‌طلبی و ازدواج زود هنگام کودکان بود. اصل ازدواج موقت بر کامجویی و عشرت‌طلبی بنیان نهاده شده است و لغت متعه نیز همین معنای عشرت‌طلبی را دارد. اما براساس شواهد و مصاحبه‌ها، این کامجویی و لذت، بیشتر نصیب مردان می‌شود. در این پژوهش با مواردی مواجه شدیم که زنان

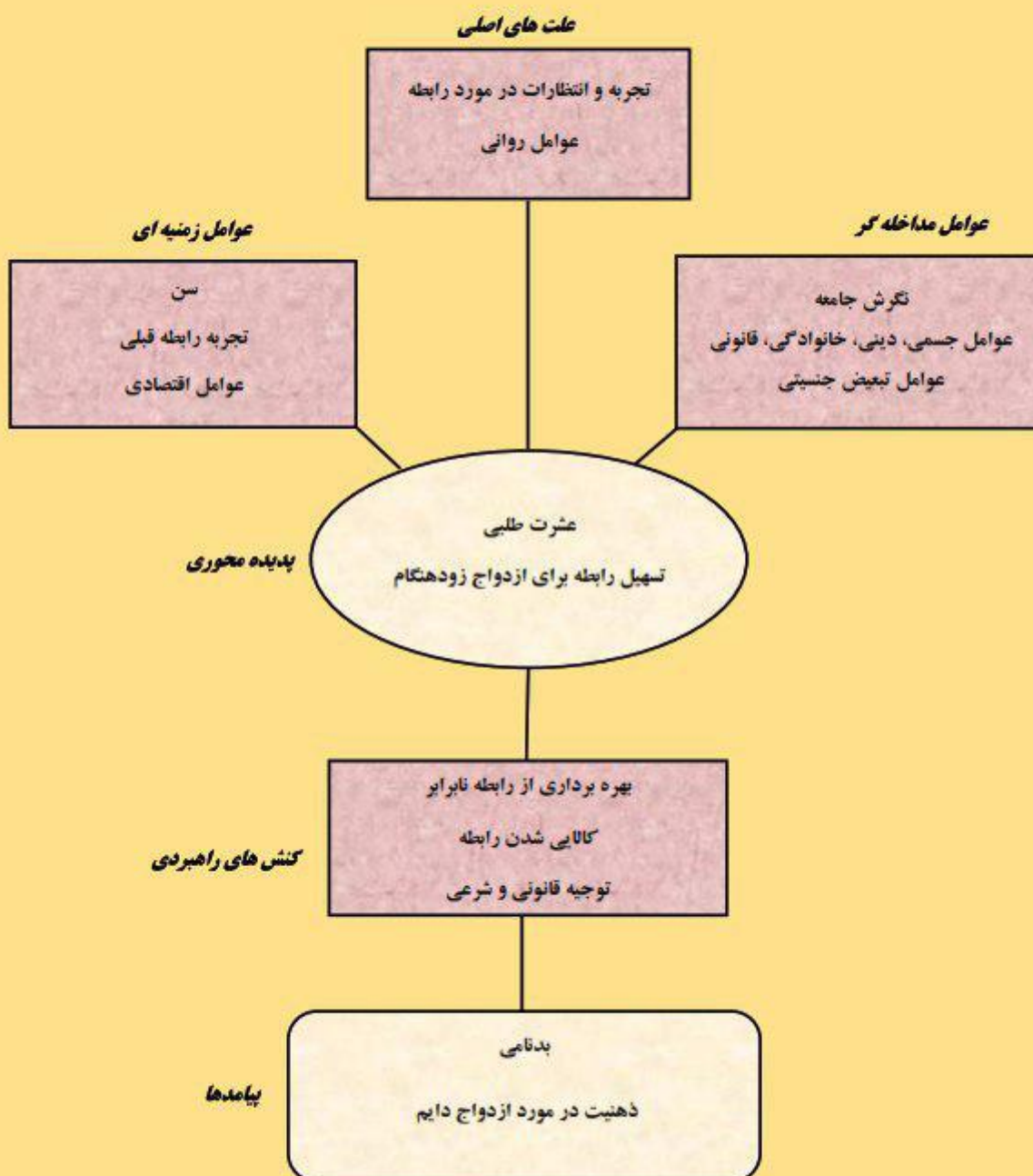
در رابطه‌های ازدواج موقت باید علاوه بر بهره جنسی‌ای که به مردان می‌دهند، برخی نیازهای مادی آنها را نیز برآورده سازند تا بهره جنسی متقابل را دریافت کنند. این نوع لذت‌طلبی و کامجویی، نوعی سبک زندگی مخاطره‌آمیز است که از فردیت و استقلال‌طلبی سبک زندگی مدرن ناشی می‌شود. براساس تمایلات جنسی، هرچه سن زن کمتر باشد، لذت و عشرت جنسی بیشتری بهره‌برداری می‌شود. باید توجه داشت که این نوع لذت‌طلبی، راهی به سوی شیوع انحراف‌های جنسی‌ای مانند پدوفیلی است که زمینه را برای منحرفان جنسی و بیماران روانی فراهم می‌آورد که برای عشرت‌طلبی و لذت جنسی از دختران خردسال اقدام کنند. این افراد اگر نتوانند از طریق قانونی ازدواج موقت کنند، از طریق تجاوز به عنف به کودکان بی‌گناه این کار را انجام می‌دهند. همچنین تعیین نشدن سن دقیق ازدواج موقت و حتی مبهم بودن این موضوع و شامل قانون نبودن سن صیغه محرمیت سبب تسهیل ازدواج کودکان می‌شود.

در بخش پیامدها، براساس مصاحبه‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده، پیامدهای نامطلوب متعددی شناسایی شد. جالب اینکه تنها در یکی از مصاحبه‌ها، ازدواج موقت کارکرد مطلوب داشت. مهم‌ترین پیامدهای ازدواج موقت که از تحلیل مصاحبه و مشاهده‌های عمیق در میدان تحقیق به دست آمد، عبارت‌اند از: اقتصاد لذت، فساد و روسپی‌گری در جامعه، نگرش منفی به ازدواج دائم و ترویج شک‌گرایی، تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق، کودک‌همسری، کودک بیوگی، توقف تحصیل کودکان، نقض حقوق و تبعیض علیه زنان در ابعاد اقتصادی و حقوقی و عاطفی. اقتصاد لذت در مبالغه‌نگفتی که در توریسم جنسی از طریق متعه زنان برای دلالت و اعراب و برخی ثروتمندان تنوع طلب مبادله می‌شود، ریشه دارد. همچنین به علت نبود نظارت و پایبند نبودن زنان، عده نگه داشته نمی‌شود و این نوع رابطه‌ها در واقع نوعی تن‌فروشی برای کسب درآمد است که به شیوع روسپی‌گری در جامعه منجر می‌شود. همچنین تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که به علت تکرار رابطه‌های زودگذر و رابطه با اشخاص بی‌بندوبار، نوعی شک‌گرایی و بی‌میلی به ازدواج دائم به وجود می‌آید. خانواده مدرن هسته‌ای که براساس عشق شکل می‌گیرد، دیگر خیانت زوجین را تحمل نمی‌کند و این گونه ازدواج‌ها سبب از هم

پاشیدگی خانواده می‌شود. از سوی دیگر، ازدواج موقت در قالب صیغهٔ محرمیت، ازدواج کودکان را تسهیل می‌کند. در این سنین، افراد با نظارت خانواده‌هایشان به عقد محرمیت شخصی درمی‌آیند؛ اما ممکن است بعد از مدتی رابطهٔ جنسی برقرار کنند و ناخواسته باردار شوند. همچنین داده‌ها نشان داد، در صورت پابندی خانواده‌ها به ازدواج زودرس، پیامد ترک تحصیل نیز گریبانگیر کودکان می‌شود. از سوی دیگر، اگر زوج مسئولیت فرزند را نپذیرد، مشکلات عدیدهٔ مادی و روحی و اجتماعی بر زوجه و خانواده‌اش تحمیل خواهد شد که از نتایج آن می‌توان به کودک‌بیوگی اشاره کرد.

تبعیض علیه زنان از پیامدهایی دیگری بود که در ازدواج موقت شناسایی شد. در ابعاد مختلف حقوقی مانند ارث و نفقه و ثبت نکاح و مسائل اقتصادی برای زنان، محدودیت‌های فراوانی وجود دارد. اما علاوه بر اینها، از آنجا که زنان نمی‌خواهند از نظر اجتماعی طرد شوند و برچسب صیغه‌ای بودن به آنان زده شود، از شکایت و دادخواهی علیه حقوق ضایع شدهٔ خود در ازدواج موقت پرهیز می‌کنند. همچنین مجازات‌هایی که برای خشونت علیه زنان در ازدواج موقت در نظر گرفته شده، مبهم و گنگ است و قانون‌گذار در موارد متعددی سکوت کرده است. براساس یافته‌های پژوهش در میدان تحقیق و عوامل شناسایی شده، مدلی ارائه می‌شود که در آن ازدواج موقت به عنوان متغیر وابسته و علل مؤثر بر آن به عنوان علل مستقل در نظر گرفته شده است. پیامدها و آثار ازدواج موقت در مدلی بدین ترتیب گنجانده شده است:

مدل مفهومی وضعیت صیغه محرمیت / ازدواج موقت در ایران (۹۷-۱۳۹۵)



براساس یافته‌های این تحقیق با توجه به پیامدهای زیان‌بار نکاح موقت و تعریف ناکارآمد و قدیمی حقوقی و مذهبی آن در جامعه معاصر ایران و همچنین نبود هرگونه پیشینه و برنامه آموزشی در این زمینه، کارکرد این ازدواج برای کشور ایران در برهه کنونی مثبت ارزیابی نمی‌شود.

عملکرد بسیاری از مردان در استفاده از متعه به عنوان وسیله کامجویی و هوسرانی مفرط، زنان و دختران متعه‌شده را به ابزاری جهت رفع نیازهای جنسی مردان تبدیل کرده است. نبود حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی از زنان خودسرپرست و بدسرپرست، متعه را به عنوان راهکاری برای کسب درآمد و طبعاً رواج فساد و روسپی‌گری درآورده است. بنیان خانواده‌ها به علت وجود عاملی برای رفع نیاز در خارج از خانواده و جدا از همسر قانونی و دائمی، متزلزل شده و طلاق عاطفی و طلاق حقوقی را در جامعه افزایش داده است. دلالت در قالب آژانس‌های توریستی و هتل‌داری و سایت‌های تبلیغاتی، تجارت پردرآمدی از تزویج زنان و دختران ایرانی به سرمایه‌داران و ثروتمندان کشورهای منطقه برای خود مهیا کرده‌اند. با توجه به قبح این نوع ازدواج، مردانی که آن را انجام می‌دهند نوعی شک‌گرایی و بدبینی به ازدواج دائم پیدا می‌کنند و این شک‌گرایی و بدبینی به جامعه هم تسری می‌یابد. از لحاظ حقوقی، زنان متعه در رفع نیاز جنسی مردان، کارکرد همسر دائم را دارند؛ اما نفقه و ارث به آنان تعلق نمی‌گیرد. تزویج ازدواج موقت در سال‌های گذشته، سهولت دسترسی به این نوع ازدواج و ثبت نشدن نکاح موقت در دفاتر رسمی و قانونی مشکلات حقوقی عدیده‌ای برای زنان و حتی مردان فراهم آورده است که این موضوع با بارداری ناخواسته پیچیده‌تر می‌شود.

براساس یافته‌های این پژوهش، ازدواج موقت نه تنها مطلوب نیست، بلکه کارکردهایی منفی نیز دارد. از این رو، به دلیل ضرورت ساماندهی این ازدواج و کاهش پیامدهای آن، در این بخش راهکارهایی ارائه می‌شود که از بطن تحقیق حاضر و مشاوره و مصاحبه با استادان و روان‌شناسان خانواده و کارشناسان حقوقی و مذهبی و فعالان حقوق بشری و نهادهای اجتماعی استخراج شده است. با توجه به پویایی فقه امامیه، انتظار می‌رود مراجع و آیات

عظام و قوای سه گانه قضائیه، مقننه و مجریه به منظور ساماندهی ازدواج موقت و کاهش پیامدهای آن، قوانین مناسبی وضع و اجرا کنند. در این زمینه، استفاده از راهکارها و دستاوردهای این دست پژوهش‌ها منجر به توسعه پایدار در ابعاد متفاوت فرهنگی و اجتماعی کشور خواهد شد. چراکه این پژوهش‌ها با آشکار کردن زوایای پنهان و پیدای این پدیده اجتماعی، شناخت و راهکارهای مؤثری در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهند.

2-4- راهکارها و پیشنهادها

از دیدگاه عرفی، واژه صیغه عموماً به زنان بیوه‌ای اطلاق می‌شود که متعه مردی شده‌اند و همان‌طور که گفتیم با توجه به پیامدهای آن، این زنان از لحاظ عرفی جایگاه هنجارمندی ندارند. اما نباید از این نکته غافل ماند که صیغه محرمیت با متعه یکی است و کارشناسان مذهبی و حقوقی بر این مطلب اجماع دارند که بین صیغه محرمیت و ازدواج موقت تفاوتی نیست.

برخی جامعه‌شناسان معتقدند گرچه صندوق کودکان سازمان ملل متحد، افراد زیر 18 سال را کودک به حساب آورده و ازدواج آنان را غیرقانونی و جرم اعلام می‌کند؛ اما در این تعریف از کودک و ازدواج، تفاوت‌های فرهنگی و به خصوص آیینی لحاظ نشده است. در میان جمعیت میلیاردي مسلمانان، معمولاً پانزده سالگی سن قطعی شدن بلوغ و خروج شخص از دوران کودکی محسوب می‌شود. با توجه به هنجارهای جنسی و قوانین شریعت اسلام مبنی بر تحریم هرگونه رابطه جنسی خارج از ازدواج، تعیین هجده سالگی به عنوان حداقل سن ازدواج، پیشنهاد واقع‌بینانه‌ای برای جامعه شرقی مسلمان نیست.

سن متعه یا صیغه، هم از لحاظ مذهبی و هم قانونی مانند سن ازدواج برای دختران 13 سال و برای پسران 15 سال است و در سنین پایین‌تر، با اجازه دادگاه و اذن ولی ممکن می‌شود. صیغه محرمیت معمولاً بین نوجوانانی که زیر سن قانونی ازدواج هستند و خانواده‌هایشان برای ازدواج دائم آنها برنامه‌ریزی کرده‌اند، جاری می‌شود. این کار بیشتر در میان خانواده‌های سنتی و مذهبی رایج است. خانواده‌های مذهبی‌ای که می‌خواهند به منظور

دچار نشدن فرزندانشان به روابط جنسی خارج از ازدواج، رفتار جنسی فرزندانشان را کنترل کنند تا روابط و رفت و آمدهای خانواده‌ها آسان‌تر شود. صیغهٔ محرمیت بیشتر درون‌همسری است؛ یعنی باید درون گروه معینی که مانند خودشان مذهبی هستند، جاری شود. اغلب، خانواده‌های سنتی و گسترده که در جامعهٔ مدرن کمتر شده‌اند، براساس هنجارهای سنتی مردسالارانه و رسوم گذشتگان خود کودکانشان را در سنین پایین در چارچوب ازدواج درون‌همسری به صیغهٔ محرمیت درمی‌آورند. این اتفاق ناشی از باورهای سنتی و قدیمی خانواده‌هاست. از سوی دیگر، خانواده‌های درگیر فقر اقتصادی و فقر فرهنگی و خانواده‌های بدسرپرست نیز صیغهٔ محرمیت را برای کودکانشان جاری می‌کنند؛ چراکه با این کار می‌توانند کودک خود را زودتر به عقد دائم دریاورند تا از بار اقتصادی خانواده کاسته شود.

در میدان تحقیق و طی مصاحبه با افرادی که در سن کودکی تجربهٔ صیغهٔ محرمیت داشتند، آشکار شد این صیغه‌ها عموماً به ازدواج دائم و بارداری زنان در سن کم منتهی شده است. برخی از این زوج‌ها به دلیل آشنا نبودن با زندگی زناشویی با بحران‌ها و آسیب‌های متعددی دست به گریبان بودند. صیغهٔ محرمیت نوجوانان و کودکان را بیشتر خانواده‌های مذهبی و سنتی با هدف تنظیم رفتار جنسی فرزندانشان و کاهش فشار اجتماعی ترتیب می‌دهند و معمولاً شرط نداشتن مقاربت جنسی و دخول در این صیغه‌ها لحاظ می‌شود. اما با توجه به اینکه این کودکان و نوجوانان عموماً در سن بلوغ جسمی قرار دارند، رابطهٔ جنسی برقرار می‌کنند که گاهی منجر به بارداری و در نهایت ازدواج زودهنگام می‌شود. بنابراین صیغهٔ محرمیت یکی از عوامل اساسی و تسهیل‌کنندهٔ فرایند ازدواج کودکان و افزایش آمار ازدواج زودهنگام در کشور است.

ازدواج زودهنگام یا کودک‌همسری به هر نوع ازدواج در زیر 18 سالگی اطلاق می‌شود.⁷⁷ براساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان،⁷⁸ کودک کسی است که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. اما در برخی

77 . <https://www.unicef-irc.org/publications/291>

78 . Convention of Rights of the Child

کشورها این سن، بسته به قوانین خاص آن کشور متغیر است. سازمان بهداشت جهانی،⁷⁹ کودکی را تا سن پانزده سالگی تعریف کرده است. بنابراین اگر کودک زیر این سن باشد، ازدواج او، ازدواج زودهنگام تلقی می‌شود. این ازدواج‌ها را پدر یا پدربزرگ کودک از جانب او شکل می‌دهد و در آن به حداقل سن قانونی ازدواج توجه نمی‌شود. پدیده کودک‌همسری موضوعی جهانی است؛ اما آمارها و نسبت‌های آن، هم درون مرزهای یک کشور و هم در میان جوامع مختلف، متغیر است. با این حال براساس آمارهای موجود، بیشترین میزان کودک‌همسری در مناطق روستایی آفریقای جنوبی و جنوب آسیا رخ می‌دهد.⁸⁰ عطف به حمایت و توجه جهانی به این پدیده، سطح ازدواج زودهنگام به طور کلی رو به کاهش گذاشته است؛ هرچند درصد چشمگیری از کودکان هنوز در سنین کمتر از سن قانونی جامعه خود ازدواج می‌کنند. نمونه روشن و برجسته این پدیده، جامعه ایران است. از منظر جنسی و حقوق بشری، عمل ازدواج زودهنگام کودکان پیامد بدیهی سرکوب جنسی و اعمال مخربی است که به تداوم نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب بیشتر می‌انجامد. در کشورهای در حال توسعه، مسئله بخرن ازدواج زودهنگام کودکان به دلیل افزایش جمعیت جوانان رو به افزایش است و عامل مسبب این اتفاق، افزایش سطح فقر، فقدان دانش و تحصیلات و تبعیت از الزامات فرهنگ مردسالارانه و باورهایی است که به اشتباه، حمایت و محافظت از دختران را در واداشتن آنان به ازدواج‌های ناخواسته می‌داند. متأسفانه با وجود پیامدهای جسمانی و تبعیض پایدار در حق دختران جوان، گام‌های اندکی برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام کودکان در ایران برداشته شده است. با استناد به ساختار دینی حاکم بر ایران، بلوغ و شروع اولین عادت ماهانه به عنوان آستانه انتقال از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود. رسیدن به این آستانه فیزیکی و بیولوژیک به معنای صلاحیت فرد برای ازدواج، صرف نظر از سن واقعی اوست. ازدواج زودهنگام برای هر دوی دختران و پسران خردسال به کار می‌رود؛ اما واقعیت تلخ جامعه دال بر این است که عواقب و آثار پدیده کودک‌همسری برای دختر بچه‌ها به مراتب جدی‌تر و خطرناک‌تر است. البته به دلیل نبود مطالعات مستقل

⁷⁹ .WHO

⁸⁰ . https://www.unicef.org/media/media_68116.html.

و معتبر در خصوص کودک همسری در ایران اطلاعات اندکی در این زمینه در دسترس است. با این حال، آمار رسمی و دولتی ایران می گوید سالانه ده ها هزار دختر و پسر زیر 18 سال توسط خانواده هایشان و ادار به ازدواج می شوند. حال آنکه شمار واقعی این کودکان، در حقیقت بیشتر از اینهاست؛ چراکه برخی خانواده ها در ایران، ازدواج سنین پایین را ثبت نکرده یا به صورت غیرقانونی با خواندن عقد توسط عاقد محلی و ثبت نکردن ازدواج، کودکان خود را وارد ازدواج می کنند. لازم به ذکر است گرچه سازمان صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) در گزارشی نرخ ازدواج کودکان زیر 15 سال و 18 سال در ایران را به ترتیب سه و 17 درصد برای سال های 2008 تا 2014 برآورد کرده است، اما همان طور که در جدول شماره دو و بنا بر داده های سازمان ثبت احوال ایران پیداست، در سال های 1391 تا 9 ماهه نخست سال 1395 آمار ازدواج کودکان زیر 15 سال کاهش پیدا کرده است. البته نکته جالب توجه این است که درصد ازدواج های دختران کمتر از 15 سال با مردان 30 ساله و بزرگ تر با وجود کاهش آمار ازدواج در سالیان اخیر، رو به فزونی نهاده است که این نوع ازدواج در خانواده های ایرانی، نتیجه ریشه دار شدن فقر و میل والدین به کنترل روابط دخترانشان است (احمدی، 1396).

سال	تعداد ازدواج دختران کمتر از 15 سال	آمار کل ازدواج	سهم ازدواج دختران کمتر از 15 سال به کل ازدواج ها	تعداد مادران کمتر از 15 سال	تعداد دختران کمتر از 15 سالی که با مردان 30 ساله و بزرگ تر ازدواج کرده اند	سهم ازدواج دختران کمتر از 15 سالی که با مردان 30 ساله و بزرگ تر ازدواج کرده اند به کل ازدواج ها
1391	40653	829968	4.89 %	1646	977	0.11 %
1392	41439	774513	5.35 %	1727	981	0.12 %
1393	40404	724324	5.57 %	1713	1038	0.14 %
1394	37117	685352	5.41 %	1511	1042	0.15 %
نه ماهه نخست 1395	29710	535670	5.54 %	1153	965	0.18 %

جدول شماره 1. آمار مرتبط با ازدواج دختران زیر 15 سال (دستیابی در سایت سازمان ثبت احوال)

براساس یافته‌های این پژوهش، یکی از دلایل مهم ازدواج کودکان در سنین کمتر از 18 یا 15 سال در ایران، هنجارهای سنتی و مذهبی صیغهٔ محرمیت است که سن معینی برای آن وجود ندارد و به شکل‌های متفاوت صورت می‌گیرد. «ناف‌بُر کردن» یکی از شکل‌های آن است. پس، سن و قاعدهٔ خاصی برای صیغهٔ محرمیت وجود ندارد و با تأکید بر مشروعیت مذهبی آن، بیشتر به صورت درون‌گروهی و درون‌همسری در خانواده‌های سنتی و مذهبی اتفاق می‌افتد. بنابراین با توجه به اینکه ازدواج زودهنگام نتیجهٔ این نوع هنجار سنتی و مذهبی است، راهکارها در دو سطح قانونی و مذهبی و عرفی پیشنهاد می‌شود:

1. تصویب قانون تعیین دقیق سن ازدواج و صیغهٔ محرمیت و افزایش این سن به 18 سال برای دختران و پسران و جرم‌انگاری کیفری صیغهٔ محرمیت در سنین کمتر از 18 سالگی
2. بسترسازی فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه در جامعهٔ روستایی، در حومهٔ شهرها و در مناطق فقیرنشین و استفاده از ظرفیت‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) و رهبران دینی و محلی
3. حمایت مراجع عظام تقلید از افزایش سن صیغهٔ محرمیت با صدور فتوای لازم الاجرا و واجب و ترویج و تبلیغ آن توسط روحانیان مساجد از طریق وعظ و خطبه در مراسم‌های مختلف مذهبی
4. ثبت قانونی صیغهٔ محرمیت در دفاتر رسمی ازدواج و طلاق
5. اجباری شدن تحصیلات تا مقطع دیپلم به‌صورت رایگان یا با هزینهٔ کم و آموزش مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی به دانش‌آموزان و والدین
6. آگاهی‌بخشی عمومی از طریق رسانهٔ ملی و شبکه‌های اجتماعی مجازی و تهیهٔ برنامه‌های تخصصی روان‌شناختی، مذهبی و حقوقی دربارهٔ پیامدهای مخرب صیغهٔ محرمیت زیر سن قانونی

7. گسترش دامنه فعالیت فعالان حقوق کودک و سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد در بخش توانمندسازی

کودکان و خانواده‌ها در نقاط مختلف شهری و روستایی

از منظر شمار زیادی از کارشناسان، ازدواج زودهنگام (منتج از صیغه محرمیت) بر زندگی کودکان اثر گذاشته و با تبعات آسیب‌زا برای سلامتی آنان، مشکلات این کودکان را پیچیده‌تر کرده است و در هر سطحی از توسعه، رشد و تعالی فردی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در برخی کشورها و فرهنگ‌ها، ازدواج زودهنگام ابزاری اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند وضعیت اقتصادی خانواده را بهبود بخشد و پیوندهای خانوادگی را تحکیم کند. همچنین با کنترل امیال جنسی می‌تواند تضمینی برای باکرگی قبل از ازدواج دختران باشد و مانع از رسیدن دختران به سنی شود که جذابیت جنسی‌شان به عنوان همسر تحلیل رود. از طرف دیگر، مشکلات بخرنج مربوط به بارداری و وضع حمل از دلایل مرگ و میر دختران در سنین 15 الی 19 سالگی است. به‌طور کلی مهم‌ترین پیامدهای صیغه محرمیت در سن پایین و ازدواج زودهنگام عبارت‌اند از افزایش طلاق و کودک‌بیوگی، ترک تحصیل، خودکشی به‌ویژه در میان دختران، آسیب جسمی، جنسی و روحی، و تداوم چرخه فقر. وجود رابطه معنادار بین التزام به قانون و پیشگیری از جرم و کاهش جرائم و به تبع آن افزایش میزان نظم و امنیت و بهداشت روانی و اجتماعی امری بدیهی و آشکار است. بدین منظور دستگاه‌های قانون‌گذار مانند مجلس و دولت باید با تصویب قانون افزایش سن صیغه محرمیت به 18 سالگی و جرم‌انگاری آن به این معضل اجتماعی در چارچوب قانون رسمی سامان دهند.

جامعه ایران جامعه‌ای مذهبی است که حتی اگر اعمال عبادی و مذهبی هم انجام ندهد، به علت تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیری مذهبی توسط خانواده، مدرسه و رسانه‌ها، جامعه‌ای مذهبی و سنتی تلقی خواهد شد. به‌طور کلی، مذهب از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ایرانیان در تنظیم کنش‌های اجتماعی است. از این رو، قانون ایران براساس فقه امامیه تدوین شده است. بنابراین حمایت قانونی از موضوعی، بدون جلب حمایت مذهبی ممکن نیست. در وهله اول فقیهان شورای نگهبان و مراجع عظام تقلید با توجه به پویایی فقه شیعه و ظرفیت‌های آن

برای صدور احکام جدید شرعی هماهنگ با مقتضیات زمانی و مکانی می‌توانند با غیرشرعی و حرام دانستن صیغه محرمیت زیر سن 18 سال گام مهمی در مسیر الغای ازدواج زودهنگام بردارند. همچنین مساجد به عنوان شبکه‌هایی به هم پیوسته می‌توانند مؤثرترین کارکرد را در ترویج و تبلیغ صیغه محرمیت بالای 18 سال و نهی از آن در زیر این سن ایفا کنند. علاوه بر موارد یادشده، بیان آسیب‌های صیغه محرمیت و ازدواج زودهنگام در شرایط کنونی جامعه ایران در فضای مساجد، در الغای صیغه محرمیتی که منتهی به ازدواج زودهنگام کودکان می‌شود، نقش بی‌بدیلی خواهد داشت.

لزوم ثبت صیغه محرمیت توسط سازمان ثبت احوال از عوامل اساسی ریشه‌کن کردن صیغه محرمیت و ازدواج زودهنگام است. این سازمان وظیفه تهیه اطلاعات ثبتی اساسی‌ای مانند زاد و ولد، مرگ و میر و ازدواج و نیز صدور مدارک هویتی مانند شناسنامه را برعهده دارد. از آنجا که صیغه محرمیت منجر به تسهیل و تداوم ازدواج کودکان می‌شود، ثبت الزامی آن می‌تواند بسیار مؤثر باشد. با توجه به اینکه سازمان ثبت احوال زیر نظر وزارت کشور و قوه مجریه است، نقش دولت و تعیین سیاست‌گذاری‌های دولتی می‌تواند از وقوع جرم و پیامدهای منفی صیغه محرمیت در سنین پایین بکاهد. همچنین از طریق فرهنگ‌سازی مبنی بر ثبت قانونی صیغه محرمیت و پیامدهای مثبت آن و جلوگیری از تضييع حقوق زوجین گامی مؤثر در برچیده شدن صیغه محرمیت در سنین کمتر از 18 سالگی برداشته خواهد شد.

نقش تحصیلات به عنوان ابزار افزایش سن صیغه محرمیت و ازدواج زودهنگام انکارناپذیر است. بدین ترتیب نظام آموزشی اجباری و رایگان باید در سراسر کشور دایر شود. بیشترین تأثیر این نظام آموزشی، بسط این تفکر است که این زوجین هنوز دانش‌آموزان مدرسه‌ای هستند. از سوی دیگر با آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان و والدین آنها از طریق کلاس‌هایی مانند کلاس آموزش خانواده که چند سالی است در سیستم آموزش و پرورش ایران هرچند به صورت ناقص اجرا می‌شود، می‌توان درباره صیغه محرمیت و ازدواج

زودهنگام اطلاع‌رسانی کرد و با آگاهی دادن به والدین راجع به پیامدهای منفی این نوع ازدواج، آنان را از انجام این کار بازداشت. دوره‌های تربیت جنسی و آشنایی با بدن و ترویج همبستگی و برگزاری دوره‌های کارآفرینی برای دانش‌آموزان و ترویج ایده‌های برابری خواهانه و نفی خشونت در میان دانش‌آموزان از کارهایی است که سبب تعالی فکری و روانی آنان خواهد شد. آموزش این مهارت‌های زندگی، دانش‌آموزان را در قبال موضوعاتی مانند صیغهٔ محرمیت و ازدواج زودهنگام ایمن می‌سازد و با ایجاد علاقه به تحصیل و مدرسه، سن ازدواج را افزایش می‌بخشد. در این نوع کلاس‌ها باید احترام به حقوق یکدیگر و نگاه انسانی به دانش‌آموزان القا شود. دیدگاهی که بسیاری از مسائل را در بعد جنسی خلاصه می‌کند و خواهان کنترل آن و ازدواج در سنین پایین است، از همین شکاف‌های جنسیتی شکل می‌گیرد که می‌توان از طریق آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان، این نوع نگاه را تعدیل کرد.

رسانه‌ها نقش‌های گوناگونی در حیات اجتماعی دارند؛ برای نمونه، صحنه‌ای ایجاد می‌کنند که حیات سیاسی در آن به نمایش درمی‌آید، فرهنگ بال می‌گستراند، مُدها جولان می‌دهند و سبک‌های تازه و هنجارهای زندگی رخ می‌نمایند. از همین رو، رسانه‌ها به عنوان مهم‌ترین ابزار آگاهی‌بخشی در جامعه جایگاه خاصی دارند. رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از برنامه‌های کارشناسی شدهٔ مذهبی، روان‌شناختی، اجتماعی و حقوقی دربارهٔ صیغهٔ محرمیت و ابعاد حقوقی و اجتماعی و پیامدهای منفی آن اطلاع‌رسانی کنند و هنجارهایی را در جامعه رواج دهند که صیغه، صیغهٔ محرمیت زیر سن قانونی و ازدواج زودهنگام با توجه به پیامدهای منفی آنها نامطلوب معرفی شوند و از این طریق گام مؤثری در فرهنگ‌سازی بردارند. رسانه‌های جمعی با شناساندن آسیب‌های مختلف اجتماعی و گزارش آن به کنش‌گران اجتماعی، دربارهٔ گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی هشدار می‌دهند و بدین ترتیب کنش‌گران اجتماعی را از نوع رفتارها و خرده‌فرهنگ‌های نامتعارف و مضر آگاه می‌کنند تا براساس ارزش‌ها و هنجارهای درست و منطقی حرکت کنند. لذا رسالت رسانه‌ها ایجاب می‌کند که ابعاد، نوع و کیفیت هنجارهای نادرست را منعکس کنند تا اعضای جامعه بتوانند با درک همه‌جانبهٔ آنها، ضمن

حفظ خود از ارتکاب این نوع هنجارهای نادرست، در مسیر کنش‌های درست و آگاهانه گام بردارند. شبکه‌های اجتماعی مجازی به علت عمومیت گوشی‌های هوشمند و دسترسی آسان به اینترنت در بین اقشار مختلف جامعه تأثیر بیشتری نسبت به سایر وسایل ارتباطی و رسانه‌ها دارند. آگاه‌سازی افراد از طریق تهیه و تدوین محتوای آموزشی در شبکه‌های مجازی توسط کارشناسان و ارائه و بازنشر آن توسط شخصیت‌های تأثیرگذار اجتماعی مانند شخصیت‌های ملی و مذهبی، ورزشکاران، هنرمندان و... می‌تواند در فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی عمومی نقش مهمی داشته باشد.

حضور سازمان‌های مردم‌نهاد با ساختاری غیرانتفاعی، غیرسیاسی و داوطلبانه به عنوان کلیدی‌ترین عنصر فرهنگ‌سازی و آگاهی‌رسانی و مشارکت مردم در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه، ضرورت دنیای امروز است. براساس گزارش‌ها و آمارهای مرکز آمار ایران، 30 درصد جمعیت کشور را افراد زیر 18 سال تشکیل می‌دهند. برقراری عدالت در رفاه، سلامت، مسائل اجتماعی و فرهنگی، آموزش و کیفیت زیست این جمعیت از موضوعات مهمی است که باید بیش از پیش به آن توجه کرد. در این خصوص، حضور فعال‌تر سازمان‌های مردم‌نهاد در بخش‌های مختلف روستایی و شهری کشور در زمینه توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی کودکان تأثیر بسزایی دارد. این سازمان‌ها می‌توانند از طریق آموزش به کودکان در باب مهارت‌های زندگی و همین‌طور والدین آنها گام بلندی در فرهنگ‌سازی و احترام به حقوق کودکان و جلوگیری از صیغه محرمیت زیر 18 سالگی بردارند.

گفتیم که یکی از پیامدهای ازدواج موقت، اقتصاد لذت، رواج فساد و روسپی‌گری در جامعه است. تجارت جدید اجاره زنان توسط برخی هتل‌داران، آژانس‌ها و تورهای مسافرتی و سایت‌های صیغه‌یابی موجب شده است پدیده مسافرت جنسی در ایران رواج پیدا کند و زنان و دختران ایرانی به عقد موقت اعراب ثروتمند منطقه یا مردان هوس‌بازی درآورده شوند که غیر از تنوع‌طلبی هدف دیگری ندارند. زنانی که به راحتی خود را در

اختیار دلالت از دواج موقت قرار می‌دهند، برخلاف فلسفه وجودی متعه و اصول مذهبی آن، عده نگه نمی‌دارند و ایجاب و قبولی شرعی در پذیرش آن صورت نمی‌گیرد. زیرا نحوه جاری کردن صیغه محرمیت تابع قانون خاصی نیست و می‌تواند توسط خود شخص نیز جاری شود. این وضعیت به رشد روسپی‌گری و فساد از درگاه ازدواج موقت دامن می‌زند که خلاف اصل وجودی متعه است. زنانی که شاید نیاز مالی و هیچ یک از دلایل الزام متعه را نیز نداشته باشند، عده چهار و پنج روز مربوط به زن غیرباردار و چهار ماه و ده روز در صورت فوت همسر و وضع حمل در صورت بارداری را نگه نمی‌دارند و گاه به‌طور همزمان با چند نفر در رابطه هستند. این زنان از لحاظ بهداشتی و سلامت جنسی دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شوند و بیماری‌های مقاربتی و ایدز در میان آنان شایع است. براساس این پیامدهای مخرب، بازنگری در قوانین موجود صیغه برای رفع مشکلات ارث، حضانت و تک‌سرپرستی کودکان حاصل از صیغه، گسترش فساد و روسپی‌گری در جامعه، نگرش منفی به ازدواج دائم و ترویج شک‌گرایی، تزلزل بنیان خانواده و افزایش طلاق، حقوق و تبعیض علیه زنان در ابعاد اقتصادی و حقوقی و عاطفی پیشنهاد می‌شود:

1. تصویب قانونی برای ثبت نکاح موقت و جرم‌انگاری علیه استنکاف‌کنندگان از این قانون. همچنین اجباری شدن ثبت نکاح تنها از طریق دفاتر ثبت ازدواج و طلاق و موظف کردن دفاتر ازدواج و طلاق به ثبت‌نام زنان خواهان صیغه در دفاتر مخصوص الکترونیکی و تهیه کارت هویت برای آنان
2. تهیه کارت‌های سلامت و بهداشت برای زنان و مردانی که خواهان متعه هستند و خودداری دفاتر ثبت ازدواج و طلاق از جاری کردن صیغه بدون رؤیت اوراق هویتی و برگه‌های بهداشتی و سلامت زنان و مردان متعه
3. تصویب قانونی برای محدود کردن متعه به زنان و مردان دارای شرایط خاص و مختص کردن آن به جوانان مجرد دارای دلیل موجه و رضایت‌نامه همسر دائمی

4. شناسایی مراکز تفریحی و توریستی ای که ازدواج موقت را به عنوان یکی از گزینه‌های خدمات خود

به مشتریان‌شان ارائه می‌دهند و جرم‌انگاری فعالیت‌های این مراکز

5. شناسایی و بستن کانال‌های صیغه‌یابی و جرم‌انگاری علیه مدیران سایت‌های مروج

سابقه الزام ثبت نکاح در قانون ایران به سال 1310 ش. برمی‌گردد. قانون‌گذار قبل از انقلاب اسلامی بدون تفکیک انواع نکاح، ثبت نکردن آن را برای زوج و عاقد جرم‌انگاری کرده بود. در حال حاضر ماده 645 قانون مجازات اسلامی، ثبت نکردن نکاح دائم را فقط برای زوج جرم محسوب می‌کند. همچنین لایحه حمایت از خانواده امکان ثبت ازدواج دوم مرد را منوط به پرداخت مهریه زن اول کرده و بدون الزام مرد به ثبت نکاح موقت خود، تشریفات این کار را به آیین‌نامه موکول کرده است. به نظر می‌رسد، الزامی کردن ثبت نکاح موقت، جرم‌انگاری علیه شرکت‌کنندگان (به‌ویژه زوجین و والدین دو طرف در صورت صغیر بودن فرزند) در عقد نکاح بدون ثبت و نظارت قوی و کارآمد مراجع مربوط، می‌تواند از آسیب‌های ازدواج موقت بکاهد. بنابراین پیشنهاد این است که ماده‌ای درباره لزوم ثبت ازدواج موقت در دفاتر ازدواج و طلاق، با کسب اجازه همسر تصویب شود و تمام شرکت‌کنندگان و عاقدانی را که بدون این مناسک در ازدواج موقت مشارکت می‌کنند، تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

نگرش منفی به ازدواج دائم، ترویج شک‌گرایی، تزلزل بنیان خانواده‌ها و افزایش طلاق از دیگر پیامدهای ازدواج موقت است. همان‌طور که گفتیم از ویژگی‌های جامعه در حال‌گذار ایرانی تأخیر در سن ازدواج و افزایش تجرد قطعی به دلیل شرایط سخت اقتصادی، فرصت‌های آموزشی برای زنان و گسترش شهرنشینی و تغییر ارزش‌های ازدواج، لذت‌طلبی و منفعت‌فردی است. بنابراین در شرایطی که ازدواج موقت، هم مشروعیت مذهبی و قانونی دارد و هم مراجع متفاوت قانونی و مذهبی و دولتی به شدت آن را ترویج می‌کنند، ازدواج دائم رنگ می‌بازد و در نتیجه گسترش ازدواج موقت، نگرش منفی به ازدواج دائم شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، چون زنان بیوه و مطلقه و بدسرپرست، تجربه‌های ناخوشایندی از ازدواج دائم و تجربه‌های خشونت خانگی یا

تجربه زندگی با همسران بی مسئولیت و معتاد و ناسازگار دارند، از ازدواج مجدد می ترسند و به دلیل بحران‌های عاطفی و روحی‌شان به ازدواج موقت پناه می‌برند. همچنین براساس تکرار ازدواج موقت و رابطه موقت و متعدد، این شک‌گرایی در میان افراد به وجود می‌آید که همه به دنبال رابطه‌های موقت هستند. بدین ترتیب ارزش‌های اخلاقی رنگ می‌بازد و اعتمادها از بین می‌رود. از سوی دیگر، سهولت دسترسی به ازدواج موقت برای مردان و نبود شرایط قانونی ثبت نکاح و راهکارهای مناسب برای جلوگیری از پنهان کردن آن می‌تواند عامل تمایل مردان تنوع‌طلب به رابطه‌های متعدد و ازدواج‌های موقت باشد. همچنین برخی از زوجین که به دلایلی از زندگی اصلی خود ناراضی هستند، به جای حل مشکلات خود از طریق مشاوره‌های خانوادگی، پاسخ آنها را در خارج از خانه جستجو می‌کنند و همین امر سبب ترویج طلاق عاطفی در خانواده و خیانت زوجین به یکدیگر می‌شود. این فرایند گاه افزایش طلاق در جامعه را به دنبال دارد. به‌منظور جلوگیری و مقابله با این پیامدها پیشنهاد می‌شود:

1. فراهم آوردن شرایط اقتصادی مناسب و فرصت‌های شغلی و اعطای تسهیلات ویژه به جوانان در جهت

ترغیب به ازدواج دائم مانند اعطای وام مسکن

2. الزامی کردن ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی به زنان آسیب‌دیده از طلاق در ازدواج‌های دائم

3. الزامی کردن اعلام رضایت کتبی و قانونی همسر دائم از ازدواج موقت زوج در دفاتر ثبت ازدواج و

طلاق برای جلوگیری از پنهان‌کاری و طلاق‌های عاطفی در خانواده و گسترش طلاق

شرایط سخت اقتصادی امکان ازدواج دائم را از بسیاری جوانان سلب کرده است. نابرابری و ناعدالتی در

فرصت‌های شغلی، جمعیت تحصیل‌کرده فراوان بیکار، ضعف دولت در فراهم آوردن فرصت‌های شغلی جدید

و سوءمدیریت در اقتصاد، دولت را با خیل عظیمی از جوانان بیکار روبه‌رو کرده که ارزش‌های جدید و مدرنی

دارند. این افراد، زندگی با شرایط سخت اقتصادی را نمی‌پذیرند و مجرد و تأخیر سن ازدواج را بر تأهل در

شرایط سخت ترجیح می‌دهند. در مقابل، دختران و زنان از فرصت‌های آموزشی برابری برخوردار شده و

توانسته‌اند در جامعه منزلت اجتماعی و اقتصادی بیشتری نسبت به گذشته به دست آورند و از همین رو به زندگی با مردان بیکار و بی‌پول تمایل ندارند. تمام این شرایط سبب شده است که ازدواج دائم دیگر مانند گذشته راهکار مناسبی برای رفع نیازهای اساسی نباشد و نگرشی منفی به آن به وجود آید. رشد اقتصادی پایین، جمعیت تحصیل کرده بدون مهارت و آموزش‌نندیده، اشباع شدن ظرفیت جذب نیرو در دستگاه‌های دولتی، محیط کسب‌وکار نامناسب و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تشدید تورم و فسادهای مالی در دستگاه‌های دولتی از مهم‌ترین دلایل بیکاری در ایران است.

همچنین دنیای معاصر از دیدگاه گیدنز مشخصه ویژه‌ای دارد که در عصر سنتی مشاهده نمی‌شود و آن بی‌اعتمادی متقابل اعضای جامعه به یکدیگر است. این بی‌اعتمادی در خانواده نیز نفوذ کرده است. با توجه به فراوانی مشکلات اجتماعی و اقتصادی و رواج پنهان‌کاری و ریا و نفاق در جامعه، خانواده مدرن امروزی دیگر ازدواج موقت و خیانت زوجین را بر نمی‌تابد و طلاق را راهکاری عملی می‌داند؛ تا جایی که در بسیاری مواقع برای آن جشن می‌گیرد. شاید این نگرش منفی به ازدواج دائم نیازمند آسیب‌شناسی روان‌شناختی باشد و زوجین پیش و پس از طلاق باید تحت نظارت مشاوره‌های خانواده قرار گیرند. از سوی دیگر، برخی زنان که به متعه تمکین می‌کنند، تعریف دقیقی از ازدواج موقت ندارند و بنابراین لازم است به آنها دقیقاً توضیح داده شود تا از عواقب آن به‌خوبی آگاهی یابند. بنابراین الزامی کردن مشاوره به زوجین، به‌ویژه زنانی که متعه می‌شوند پیش از جاری شدن صیغه عقد از ملزومات اساسی برای کاهش پیامدهای نامطلوب آن است.

در نهایت آخرین پیامد ازدواج موقت که مهم‌ترین پیامد آن است، نقض حقوق زنان و تبعیض علیه آنهاست. بسیاری از فعالان اجتماعی و نهادهای حامی حقوق زنان، متعه را عامل نقض حقوق زنان در ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی و فرهنگی می‌دانند و بر این باورند که ازدواج موقت، تبعیض جنسیتی را بازتولید می‌کند و

تحقیق زن ایرانی در چارچوب این سنت تداوم می‌یابد. این گروه استدلال می‌کنند که مسئله زنان در ازدواج موقت اهمیتی ندارد و نگاه به آنان کاملاً مردانه است. بر این مبنا پیشنهاد می‌شود:

1. تصویب قانونی درباره حق زن در نکاح موقت برای بهره‌بردن از ارث و نفقه که در صورت تأهل مرد به

ازدواج دائم حداقل نصف همسر دائم وی و در صورت مجرد مرد به صورت توافقی تعیین شود

2. تصویب قانونی درباره تأمین حداقل‌های زندگی یا همان نفقه در ایام عده زن و زمان بارداری‌های حتی

ناخواسته

3. امکان فسخ صیغه‌نامه توسط هر یک از زوجین

4. اعمال محدودیت قانونی در تعداد زنان متعه برای مردان

5. توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و روانی زنان آسیب‌دیده در ازدواج دائم و موقت و زنان

بدسرپرست و خودسرپرست

6. آموزش مهارت‌های زندگی به زوجین در ازدواج دائم و موقت، با تأکید بر پایه‌ای بودن این گونه

مهارت‌ها در مدارس و آموزش ریشه‌ای آن

7. بازنمایی تبعیض‌های جنسیتی و نقض حقوق زنان در ازدواج موقت توسط فیلمسازان و کارگردانان

سینمای ایران

8. استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی برای آگاهی از پیامدهای نامطلوب ازدواج موقت و چالش‌های

حقوقی و قانونی آن

در ازدواج موقت به موجب قانون مدنی 940 و 1113 قانون مدنی، زن در نکاح موقت از ارث و نفقه محروم

است. همچنین چگونگی فسخ ازدواج موقت به روشنی بیان نشده و تنها مرد است که به صورت یک‌طرفه

می‌تواند بذل مدت کند (ماده 1139). بسیاری از زنانی که به صیغه مردان تمکین می‌کنند، نیازهای شدید مالی

دارند و از طیف خانواده‌های بی‌بضاعت و خودسرپرست هستند که نیازهای مالی آنها ریشه‌های عمیقی دارد و با

مهر معین در ازدواج موقت تأمین نمی‌شود. از این رو می‌توان با تصویب قانون اختصاص حق نفقه و ارث به زنان در ازدواج موقت، حداقل به اندازه نصف نفقه و ارث زن دائم، بخشی از این نابرابری را جبران کرد. چه دلیل موجهی وجود دارد که زن در ازدواج موقت همان کارکردهای جنسی و عاطفی زن دائم را داشته باشد، اما از حق نفقه و ارثی برخوردار نباشد؟! به علت تبعیض‌های جنسیتی در اقتصاد ایران، حضور زنان نسبت به مردان در بازار کار کمتر و طبیعتاً بیکاری زنان بیشتر است. با توجه به گزارش شکاف جنسیتی 2017 که در فصل سوم بررسی شد، می‌توان مدعی شد که با توجه به کمبود فرصت‌های شغلی زنان نسبت به مردان این انتظار از قانون‌گذار وجود دارد تا زنانی که به ازدواج موقت تمکین می‌کنند، حقوقی اقتصادی‌ای مانند حقوق همسر دائم داشته باشند. مثلاً باید در زمان عده که زنان از لحاظ حقوقی و قانونی هیچ پشتوانه مالی‌ای ندارند یا در زمان بارداری، زنان متعه را از لحاظ اقتصادی تأمین کرد و این تنها به موجب قانون‌گذاری توسط مراجع محترم تقلید و دولت و مجلس ممکن است.

از آنجا که در ازدواج موقت زوجین از یکدیگر شناخت کافی ندارند و گاهی اگر مدت صیغه‌ها (یک ساعت تا 99 سال) بلندمدت و میانمدت انتخاب شود، معمولاً مردان پس از چند بار رابطه جنسی، زنان را رها می‌کنند و زن در شرایط بی‌ثباتی عاطفی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد و از آنجا که بخشی از زنان از آگاهی حقوقی برخوردار نیستند، دچار آسیب‌های زیادی می‌شوند و پناهی نخواهند داشت.

در چنین مواقعی، زنان باید برای فسخ ازدواج موقت به دادگاه خانواده (استفتاء آیت‌الله علی خامنه‌ای) مراجعه و روند قانونی را برای احقاق حق و فسخ متعه طی کنند. اما این روند دادگاهی زیاد معمول نیست و گاه طولانی و بی‌نتیجه می‌ماند. از این رو لازم است زنان نیز امکان فسخ متعه را داشته باشند تا به روند طولانی دادگاه خانواده نیاز نباشد. در صورتی که این حق برای زنان فراهم شود، اگر مرد در مدت متعه زن را به لحاظ جسمی و روحی آزار دهد، زن می‌تواند با استفاده از حق بذل زمان باقیمانده و فسخ، بدون روند طولانی دادگاه از مرد جدا شود

و ازدواج موقت را منحل کند. بنابراین تصویب قانونی حق انحلال متعه برای زنان، راهکاری در جهت احقاق حق زنان و ممانعت از خشونت علیه زنان است. از سوی دیگر براساس آیات قرآن، مردان این مجوز را دارند که به صورت همزمان از چهار زن برخوردار باشند؛ اما این جواز به شرط رعایت عدالت است و در صورتی که رعایت عدالت ممکن نباشد، توصیه به یک زن شده است. قانون‌گذار درباره تعداد زنانی که یک مرد می‌تواند به صورت همزمان متعه کند، سکوت کرده است و یک مرد می‌تواند همزمان با تعداد زیادی رابطه داشته باشد که این وضعیت، حق زنان را ضایع می‌کند. بنابراین با محدود کردن قانونی تعداد زنان متعه می‌توان به رعایت حداقل عدالت بین زنان متعه‌شده مرد امیدوار بود.

با توجه به نیاز اقتصادی و بیکار بودن بیشتر زنان متعه و تضييع حقوق آنان در ازدواج موقت، ضرورت دارد که دولت و نهادهای مرتبط مانند وزارت کار و تعاون، بهزیستی و کمیته امداد به منظور توانمندسازی مالی، اجتماعی، حقوقی و روان‌شناختی زنان متعه به دنبال اجرای راهکارهایی عملیاتی باشند. اعطای تسهیلات مالی به زنان خودسرپرست به منظور خوداشتغالی در بخش‌هایی مانند کسب و کار خانگی، برگزاری کلاس‌های ورزشی و تفریحی رایگان برای زنان مطلقه و بی‌بضاعت توسط شهرداری‌ها و کلاس‌هایی به منظور توانمندسازی روان‌شناختی زنان و آگاه‌سازی آنان از شرایط حقوقی ازدواج موقت توسط بهزیستی می‌تواند مهارت زندگی این زنان را بهبود ببخشد و در نتیجه می‌توان امیدوار بود با کاهش محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی و بهبود وضعیت روحی، آنان دیگر تن به ازدواج موقت ندهند. در این زمینه نباید از توانمندی‌های سمن‌ها و نهادهای اجتماعی غیردولتی و فعالان حقوق زنان و کودکان در آگاهی‌بخشی عمومی و حمایت‌های مادی و معنوی از زنان و کودکان آسیب‌دیده غافل بود. این نهادها که معمولاً از حمایت شخصیت‌های ثروتمند و تأثیرگذاری مانند بازیگران و ورزشکاران برخوردارند، می‌توانند نقش مؤثری در کاهش تبعیض و خشونت علیه زنان و کودکان داشته باشند.

کارشناسان و متخصصان مشاوره خانواده باید از مراحل ابتدایی رشد، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را در مدارس و رسانه‌ها به دانش‌آموزان آموزش دهند. مهارت‌های احترام به حقوق یکدیگر، همبستگی اجتماعی و پرهیز از خشونت، نحوه ارتباط برقرار کردن با یکدیگر و نحوه زندگی اجتماعی را باید از کودکی فراگرفت تا بتوان تأثیر آن را در بزرگسالی مشاهده کرد. در سال‌های اخیر کتاب‌هایی تحت عنوان تفکر و سبک زندگی در مدارس متوسطه اول و دوم تدریس می‌شود که محتوای مناسبی در زمینه مهارت‌های اجتماعی دارد؛ اما عموماً افراد متخصص این کتاب‌ها را تدریس نمی‌کنند و معمولاً به معاونان مدرسه یا معلمانی که ساعت درسی خالی دارند، سپرده می‌شود که مانع از تأثیرگذاری مطلوب می‌شود. بنابراین بهتر است از متخصصان این حوزه برای تدریس این مواد درسی استفاده کرد.

البته آگاهی‌بخشی و آموزش مهارت‌های اجتماعی نباید محدود به مدرسه باشد، بلکه از طریق سایر رسانه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، هم می‌توان مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی را آموزش داد و هم پیامدها و کارکردهای مواردی مانند ازدواج موقت را تبیین کرد. کارگردانان و فیلمسازان به ویژه فیلمسازان زن ایرانی می‌توانند از طریق بازنمایی زندگی زنان متعه و پیامدهای آن آگاهی‌بخشی کنند. همچنین نباید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی مجازی غافل بود که با توجه به عمومیت گوشی‌های هوشمند و سهولت دسترسی به اینترنت، می‌توان از طریق آنها اطلاع‌رسانی کرد و آگاهی‌های لازم درباره متعه و ابعاد حقوقی و اجتماعی و روان‌شناختی آن را به جامعه منتقل کرد.

سخن پایانی

ازدواج موقت/ صیغه که ماهیتی مذهبی و حقوقی دارد، در عرصه اجتماعی همواره محل بحث و اختلاف نظر بوده است. افرادی مانند آیت‌الله مرتضی مطهری برای جلوگیری از رهبانیت جوانان یا جلوگیری از کمونیسیم جنسی متعه را پیشنهاد داده‌اند و افرادی همچون آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و بیشتر فقها و مراجع تقلید در ایران بارها در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی و غیررسمی بر آن تأکید و آن را تبلیغ کرده‌اند. البته برخی فقیهان مانند آیت‌الله صانعی ازدواج موقت یا متعه را فقط در موارد جنگ در صدر اسلام لازم دانسته و در زندگی امروزی یکی از عوامل انحطاط خانواده معرفی می‌کند. همچنین از نظر اهل سنت و فقهای مذاهب اربعه ازدواج موقت تحریم و امری غیرشرعی و غیردینی بیان شده است. از سوی دیگر فعالان فرهنگی و جنبش‌های مدافع حقوق زنان، ازدواج موقت را عامل بازتولید نقض حقوق و تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان، تزلزل بنیان خانواده و شیوع چندهمسری و بیماری‌های مقاربتی و رواج فساد و فحشا می‌دانند و با آن مخالفت کرده‌اند.

تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، غالباً در تأیید ازدواج موقت بوده است و هیچ‌کدام به طور جامع به این پدیده اجتماعی نپرداخته است. این پژوهش با هدف بررسی جامع ازدواج موقت/ صیغه محرمیت در ابعاد مختلف حقوقی، اجتماعی، روان‌شناختی و دینی با رویکردی علمی در سه کلان‌شهر تهران، مشهد و اصفهان انجام شد. در این تحقیق، علل و پیامدهای ازدواج موقت از بطن تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های عمیق با افرادی که تجربه ازدواج موقت داشتند، استخراج شده است. مزیت این پژوهش بر مقالات و سایر کتبی که در باب ازدواج موقت نوشته شده‌اند، جامعیت حوزه مورد بررسی آن بدون نگاهی جانبدارانه و متعصبانه است. در کتب و مقالات پیشین، عده‌ای برای اثبات و ضرورت متعه و عده‌ای بر ضرورت نداشتن آن به صورت جانبدارانه و با نگاهی دینی و مذهبی و سوگیری ارزشی تحقیق کرده‌اند. اما نگارنده بدون آنکه بخواهد بر طبل اختلافات مذهبی

بگوید، ازدواج موقت را به عنوان یک پدیده اجتماعی چندعلیتی بررسی کرده و زوایای آشکار و پنهان آن را نشان داده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پدیده محوری ازدواج موقت/ صیغه محرمیت، عشرت‌طلبی و تسهیل شرایط کودک‌همسری است که پیامدهایی مانند بدنامی را به‌ویژه برای زنان و شکل‌گیری ذهنیت منفی در مردان راجع به ازدواج دائم را به دنبال می‌آورد. براساس نتایج این پژوهش راهکارهای اصولی و واقع‌بینانه‌ای پیشنهاد شده است که مهم‌ترین آنها شامل قانون‌گذاری برای تعیین دقیق سن ازدواج موقت و صیغه محرمیت به 15 سالگی، ثبت رسمی و قانونی ازدواج موقت/ صیغه محرمیت در دفاتر طلاق و ازدواج، الزامی کردن تحصیلات اجباری و رایگان، مشاوره‌های حقوقی و بهداشتی در ازدواج موقت/ صیغه محرمیت، مشروط کردن و محدودیت قانونی صیغه/ ازدواج موقت، قانون‌گذاری در زمینه نفقه و حق انحلال به نفع زنان در ازدواج موقت، بهبود شرایط اقتصادی، فرصت اشتغال و کارآفرینی، نقش روحانیون به عنوان عامل تغییر شکل ازدواج موقت در ایران بود. امیدواریم بر مبنای این راهکارها، نهاد ازدواج موقت در ایران از لحاظ حقوقی و اجتماعی به نحوی ساماندهی شود که حقوق زنان و کودکان در آن نقض نشده و بنیاد خانواده و جایگاه ازدواج دائم حفظ شود.

1. ابن کثیر دمشقی، تفسیر ابن کثیر، چاپ دارالمعرفه، 561/2 – 562.
2. ابن منظور، محمد ابن مکرم (1414ق). لسان العرب، جلد هشتم، بیروت: دارصار.
3. احمد بن محمد بن حنبل، المسند، 87/2
4. احمدی، خدابخش. برای، مصطفی. سید اسماعیلی، فتح الله (1390). «نگرش مردم به ازدواج موقت»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره 43، ص 135-156.
5. احمدی، کامیل (1395). طنین سکوت: پژوهشی جامع درباب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران، تهران: شیرازه.
6. احمدی، کامیل (1396). «ضرورت بازنگری و افزایش سن ازدواج کودکان در قوانین ایران»، مطالعات حقوقی، 233 تا 251.
7. احمدی، کامیل (1396). «بررسی میزان شیوع ازدواج و طلاق کودکان در ایران»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، تابستان 1396، شماره 23، ص 125 تا 140.
8. استرواس، آنسلم و کوربین، جولیت (1390). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
9. اسماعیلی، هادی (1393). دورنمای حقوقی ازدواج موقت، تهران: فرهنگ.
10. اشمی، علی (1960 م). المرأة فی الشعر الجاهلی، بغداد: مطبعة المعارف.
11. افراسیابی، حسین و براتی، انیسه (1394). «بررسی احساس امنیت در فضای عمومی با تأکید بر سبک زندگی مخاطره آمیز»، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، دوره اول، شماره 1، ص 1-28.
12. آبوت، پاملا و والاس، کلر (1387). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
13. آذرگشسب، اردشیر (1358). مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: فروهر.
14. آرمسترانگ، جان (1393). شرایط عشق: فلسفه صمیمیت، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
15. آزاد ارمکی، تقی (1386). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت.
16. آموزگار، ژاله (1387). زبان، فرهنگ و اسطوره، تهران: معین.
17. بادامچی، حسین. غضنفری، کلثوم. داوری، پروین (1394). «ازدواج موقت در دین زردشتی و در اسلام»، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره هفتم، شماره 4، ص 521-535.
18. باقری، شهلا (1389). «راهبرد نظریه پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، دوره سیزدهم، شماره 50، ص 222-259.
19. بحرانی، یوسف (بی تا). الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
20. بخاری، محمد بن اسماعیل (256 هـ ق). صحیح البخاری، ترجمه عبدالعلی نور احراری (1391)، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.

21. بزرگیان، مهدی (1384). «بررسی جامعه‌شناختی ساختار حقوقی ازدواج موقت در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
22. بهرامی، محمد (1385). «درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، دوره دوازدهم، شماره 48، ص 72-47.
23. بیهقی، احمد بن الحسین (بی‌تا). *السنن الکبری*، قم: دارالفکر.
24. پرویزی، سرور (1393). *اصول و روش‌های پژوهش‌های کیفی*، تهران: جامعه‌نگر.
25. پریشی، معصومه (1387). «بررسی زمینه‌ها و پیامدهای ازدواج موقت برای زنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
26. پورنقی، شهلا (1394). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با ازدواج دیررس جوانان ازدواج کرده بالای 30 سال شهر بناب»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد تبریز*، سال هفتم، شماره 27، ص 80-63.
27. تانگ، رزمی (1387). *درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
28. التجائی، ابراهیم و عزیززاده، مینا (1395). «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان‌استانی»، *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، دوره 7، شماره 3، صص 19-1.
29. ترمینینی، (بی‌تا). *الزواج عند العرب فی الجاهلیه والاسلام*، دمشق: طلاس.
30. ثلاثی، محسن (1376). «نقش مردم‌نگاری در تحقیقات اجتماعی»، *جامعه‌شناسی ایران*، شماره 2، ص 176.
31. جوادعلی، (1413 ق / 1993 م). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بی‌جا: بی‌نا.
32. جهانی، سمانه (1391). «جامعه‌شناسی خانواده در قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، دوره سوم، شماره 1، ص 100-81.
33. حاجی اسماعیلی، محمدرضا (1391). «ازدواج موقت و پیامدهای آن»، *فصلنامه فقه مدنی*، شماره 6، ص 87-65.
34. حرّ عاملی، محمد بن الحسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
35. حسینی بهارنچی، سید محمد (1383). *آیین همسررداری و آداب زندگی در اسلام*، قم: انتشارات اجر.
36. حلی، نجم الدین جعفر بن حسن (1370). *الرسائل التسع*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
37. خمینی، سید روح‌الله (1379). *تحریر الوسیله*، قم: دارالعلم، 2/285.
38. دانیو، آندره (1383). *جامعه‌شناسی روابط جنسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: توس.
39. دوستخواه، جلیل (1388). *اوستا*، تهران: مروارید.
40. دهخدا، علی اکبر (1371). *لغت‌نامه*، تهران: سخن‌گستر.
41. ذاکرمن، فیل (1384). *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: خشایار دیهیمی، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
42. راغفر، حسین. کردبچه، حمید. پاک‌نیت، مرضیه (1390). «تله‌های فقر در اقتصاد متکی به منابع طبیعی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌نامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)*، سال دوازدهم، شماره 45، ص 143-171.
43. رافعی، طلعت (1382). *تحلیل بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت*، تهران: دانژه.

44. رضادوست، کریم (1391). «بررسی جامعه‌شناسی برخی از عوامل مؤثر بر میزان دینداری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره سوم، شماره 10، صص 1-38.
45. رمضان بوطبی، محمدسعید (2010). *المرأه بین طغیان النظام الغربی ولطائف التشریح الربانی*، دمشق: دارالفکر.
46. رودگر، نرجس (1388). *تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد فمینیسم*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
47. ریاحی، محمداسماعیل (1391). شناسایی همبسته‌های اجتماعی میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت، *خانواده‌پژوهی*، سال هشتم، شماره 32، صص 490-509.
48. زاهدپور، سید سعید. خیری، بهناز (1390). «بررسی نگرش زنان سرپرست خانواد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر شیراز به ازدواج موقت»، *پژوهشنامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره 2، صص 43-66.
49. ساروخانی، باقر (1385). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
50. ساناساریان، الیز (1384). *جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب 1357*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
51. ستوده، هدایت‌الله (1389). «خانواده و خویشاوندی در گذر زمان»، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، دوره سوم، شماره 9، صص 191-211.
52. سلیمی، علی و داوری، محمد (1385). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
53. سیستانی، سید علی (1392). *توضیح المسائل*، نشر نورالمبین.
54. شهریکندی، عبدالکریم (1368). *احوال شخصیه و حقوق زوجین*، بی‌جا: محمد صمدی.
55. شیخ صدوق (1413 هـ.ق). *من لا یحضره الفقیه*، ج 3، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
56. صفای اصفهانی، نزهت (1377). *روایت امید اشوهیستان*، تهران: مرکز.
57. طبرسی، بن فضل حسن (1365). *مکارم الاخلاق*، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.
58. عاشور، احمدعیسی (1386). *فقه آسان*، ترجمه محمد ابراهیمی، تهران: احسان.
59. عباسی شوازی، جلال و صادقی، رسول (1384). «قومیت و الگوهای ازدواج کردن در ایران»، *پژوهش زنان*، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره سوم، شماره اول.
60. عبدالرحمن المبارکفوری، *تحفه الأحوذی شرح جامع الترمذی*: 269/4.
61. علوی، هدایت‌الله (1377). *زن در ایران باستان*، تهران: هیرمند.
62. غزالی، محمد (1377). *مختصر احیاء العلوم الدین*، ترجمه محمدصالح سعیدی، سنج: کردستان.
63. فاضلی، نعمت‌الله (1383). «پیامدهای مدرنیته، تحلیلی بر تحولات خانواده و رفتار جنسی در بریتانیا»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره 6، صص 145-171.
64. فخر رازی، محمد (بی‌تا). *التفسیر الکبیر*، بی‌نا.
65. فضل‌الله، سید محمدحسین (1383). *دنیای زن*، تهران: دفتر پژوهش و نشر مهدوی.
66. فقیهی، علی‌نقی. خدایاری فرد، محمد. غباری بناب باقر، شکوهی یکتا، محسن (1392). «بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت». *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، شماره 6 (19)، صص 41-70.
67. قرشی، سید علی‌اکبر (1371). *قاموس قرآن*، جلد ششم، تهران: دارالکتب اسلامیه.

68. کاتوزیان، ناصر (1378). *حقوق خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
69. کججاف، محمداقبر (1384). «رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال هفتم، شماره 27، ص 133-144.
70. کریمی نیا، محمدمهدی (1390). «بررسی ازدواج موقت در دایره‌المعارف لیدن»، ترجمه شهلا حائری، *مجله تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان*، شماره 10، ص 73 تا 96.
71. کلانتری، عبدالحسین. صادقی فسایی، سهیلا. رضایا، صدیقه (1393). «مطالعه کیفی شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری ازدواج موقت زنان»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره 47.
72. گی روشه (1372). *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
73. گیدنز، آنتونی (1389). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
74. متقی هندی، علاءالدین علی (977 ق)، *کنز العمال*، انتشارات دارالحدیث، ج 16، ص 279.
75. محبی، محمدعارف (1390). «خانواده و شاخص‌های تنظیم روابط جنسی»، *فصلنامه معرفت*، سال بیستم، شماره 171، ص 57-73.
76. محمد بن احمد انصاری قرطبی، تفسیر قرطبی، 403/5.
77. مزداپور، کتایون (1393). *خانواده در ایران باستان*، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
78. مطلبی، مرتضی (1344). «ترجمه رساله عدالت از کتاب متاجر مرحوم شیخ مرتضی انصاری» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی.
79. مطهری، مرتضی (1376). *حقوق زن در اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.
80. مظاهری، حسین (1364). *خانواده در اسلام*، تهران: شفق.
81. منتظری مقدم، حامد (1384). «گونه‌های ازدواج در عصر جاهلیت»، *فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، سال دوم، شماره چهارم.
82. مهدوی، محمدصادق (1377). *بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
83. میرخانی، عزت السادات (1379). «مرزشناسی در ازدواج موقت»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره 9.
84. نازک تبار، حسین. جلودار، شهرام. حسینی، سیده زهرا (1394). «تحلیلی بر نوسازی و کارکرد خانواده در استان مازندران»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره سوم، شماره 2، صص 121-149.
85. نجفی، محمدحسن. *جواهر الکلام (تلخیص)*، ج 30.
86. نورعلیزاده میانجی، مسعود (1388). «مدل اسلامی مصون‌سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی»، *فصلنامه علمی تخصصی اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، شماره 5، ص 142-107.
87. واگو، استیون (1373). *درآمدی بر تئوری‌ها و تغییرات اجتماعی*، ترجمه احمدرضا غروی‌زاد، قم: جهاد دانشگاهی ماجد.
88. وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی اکبر (1374). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: خردمند.
89. ولوجردی، محمد (1371). *ازدواج موقت از دیدگاه حقوقی، اجتماعی و اهل سنت*، تهران: سازمان تبلیغات کشور.

90. هاشمی بهرمانی، عماد (1392). *اعتدال و پیروزی (هاشمی رفسنجانی کارنامه و خاطرات 1369)*. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

91. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (1377). *ازدواج دائم و ازدواج موقت از نظر اسلام*، تهران: موجودی.
92. یاری‌نسب، فاطمه. توحیدی، افسانه. حیدری، عقیقه. عسکری، زهرا (1394). «نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج موقت (مورد مطالعه: دانشگاه شهید باهنر کرمان)»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، دوره پنجم، شماره 16، ص 347-364.

93. Arnet, J.J. (1995), "Broad and Narrow Socialization: The Family In The Context Of A Cultural Theory", *Journal of Marriage and the Family*, Vol, 57.
94. Baumrind, D. (1967). "Child care practices anteceding three patterns of preschool behavior". *Genetic Psychology monographs*, 75.
95. Beck, G. (1995). *The Normal Chaos of Love*. London: Polity Press.
96. Butler, T (1998). *Gender Trouble, Feminism and The Subversion of Identity*, London: Routledge.
97. Davies, P. T., Myers, R. L. & Cummings, M. E. (1996) Responses of children and adolescents to marital conflict scenarios as a function of the emotionality of conflict endings. *Merrill-Palmer Quarterly*, 42, 1- 21. Review of the literature. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 5(4), 255-271.
98. Elbedour, S., Onwuegbuzie, A. J., CarIdine, C. & Abu-Saad, H. (2002). The effect of polygamous marital structure on behavioral, emotional, and academic adjustment in children: a comprehensive review of the literature. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 5(4), 255-257.
99. Foucault, M. (1993). *Power and Knowledge*, London
100. Hall, S. (2005). *A Postmodern View of Feminism*, London
101. Horrocks, R. (1997). *An Introduction to the Study of Sexuality*. London: Mcmillan Press LTD
102. Jaggar, A. (1998): *Gender, Body, Knowledge: Feminist Reconstructions of Being and Inowing*, Rutgers University Press, New York.
103. Jones, A. (1996). *Feminism Reclaimed*, New York.
104. MacDonald, P. (2006). "Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy". *Population and Development Review*, 32 (3).
105. MacDonald, P. (2006). "Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy", *Population and Development Review*, 32 (3).
106. Mackinnon, Catharine, (1987). *Feminism Unmodified: Discourses on life and Law*, Harvard University Press.
107. Macuch, M. (2003). "The function of Temporary Marriage in the context of Sasanian Family Law", Proceeding of the fifth conference of the societias Iranologica Europaea held in Ravenna, October 6-11, vol.I: *Ancient and Middle Iranian studies*, ed.by A.panaino/ A. Piras, pp.585-597.
108. Perikhanian. A. (1980). *The Book of a Thousand Judgments (A Sasanian Law Book)* (MHD): Costa Mesa.
109. Stark, R., & Glock, C.Y., (1968). *American Piety: The Nature of Religious Commitment*. Berkeley: University of California Press.

110. Weeks, J. R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Eighth Edition, Wadworth.
111. Weeks, J. R. (2002). *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Eighth Edition, Wadworth.

در جامعه دیدگاهی متناقض نسبت به ازدواج موقت وجود دارد. موافقان، ازدواج موقت را عاملی برای جلوگیری از فحشا و انحطاط اخلاقی جامعه می‌دانند؛ در حالی که مخالفان، ازدواج موقت را عاملی برای هوسرانی مردان و نقض حقوق زنان و کودکان تلقی می‌کنند. از سوی دیگر بخش مذهبی و سنتی جامعه ایران، نکاح موقت را در قالب میغه محرمیت پذیرفته و به آن پایبند هستند. در فقه و قانون رسمی کشور ازدواج موقت و میغه محرمیت با وجود ماهیت متفاوت آنها یکسان در نظر گرفته شده است و تا به امروز به این موضوع به عنوان امری مجزا و مستقل توجه نشده است. ابهام قانونی و مذهبی در باره ازدواج موقت / میغه محرمیت بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی ایران، منجر به پیامدهای ناخوشایندی مانند کودک همسری، ترک تحصیل کودکان و نوجوانان، نقض حقوق زنان و آسیب‌های جسمی و روانی بویژه برای دختران و زنان شده است. بازنگری در قوانین مربوط به ازدواج موقت / میغه محرمیت با در نظر گرفتن مقتضیات اجتماعی می‌تواند راهکاری اساسی برای به حداقل رساندن پیامدهای منفی آن می‌باشد.



Kameel Ahmady

A house on the water

A Comprehensive Study Research on Temporary Marriage in Iran